



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی

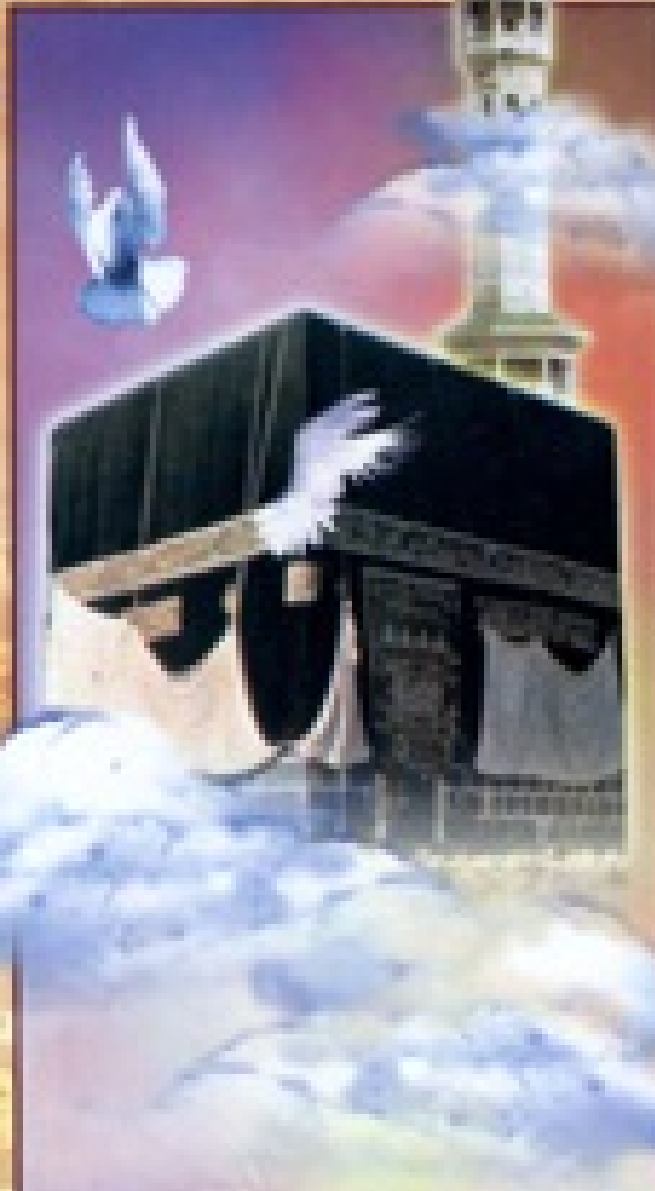


عمران
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

ادبیہ و آداب مکرمہ

بائبر محمد فارسی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ادعیه و آداب مکہ مکرمه با ترجمه فارسی

نویسنده:

مرکز تحقیقات حج

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	ادعیه و آداب مکه مکرمه با ترجمه فارسی
۹	مشخصات کتاب
۹	پیشگفتار
۹	دعا و اقسام آن
۲۱	رجاء مطلوبیت:
۲۲	شرایط استجاب و قبولی دعا:
۲۵	آثار پذیرفته شدن دعا و زیارت در زندگی انسان:
۲۷	چند توصیه در زمینه وحدت امت اسلامی:
۳۰	جایگاه حج
۳۰	جایگاه حج
۳۲	فلسفه تشریح حج
۳۵	حضور قلب در دعا در مراسم حج:
۳۹	بخش اول: اعمال و آداب حج
۳۹	واجبات عمره تمتع:
۳۹	واجبات عمره مفرده:
۴۲	میقات‌های احرام:
۴۳	واجبات احرام:
۴۴	مستحبات احرام:
۴۷	محرمات احرام:
۴۸	مستحبات ورود به حرم:
۵۰	آداب ورود به مسجد الحرام:
۵۹	مستحبات طواف:

۵۹ اشاره
۵۹ دعای اشواط طواف:
۵۹ دعای دور اول:
۶۰ دعای دور دوم:
۶۱ دعای دور سوم:
۶۲ دعای دور چهارم:
۶۲ دعای دور پنجم:
۶۲ دعای دور ششم:
۶۴ دعای دور هفتم:
۶۵ مستحبات نماز طواف:
۶۷ مستحبات سعی:
۷۶ آداب تقصیر عمره:
۷۷ اقسام حج:
۷۷ اشاره
۷۷ واجبات حج تمتع:
۷۸ مستحبات إجماع حج تا وقوف به عرفات:
۸۱ مستحبات و اعمال شب عرفه:
۸۱ دعای شب عرفه:
۹۸ مستحبات وقوف به عرفات:
۹۸ ادعیه وقوف به عرفات
۱۰۵ دعای امام حسین (ع) در روز عَرَفَه
۱۴۵ دعای امام سجاد (ع) در روز عرفه
۱۷۴ زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه
۱۷۴ برخی از مستحبات وقوف به مشعرالحرام:

- ۱۷۷ مستحبات رمی جمرات:
- ۱۷۹ آداب قربانی:
- ۱۸۰ مستحبات حلق و تقصیر:
- ۱۸۱ مستحبات منا:
- ۱۸۱ مستحبات مسجد خَیْف:
- ۱۸۱ مستحبات برگشت به مکه معظمه:
- ۱۸۳ مستحبات واعمال مکه مکرمه:
- ۱۸۴ طواف وداع:
- ۱۸۹ بخش دوم: زیارت مزارهای متبرکه مکه مکرمه
- ۱۸۹ توضیحی کوتاه درباره مزارهای مکه مکرمه:
- ۱۹۰ زیارت عبد مناف علیه السلام
- ۱۹۰ زیارت عبدالمطلب جد پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله
- ۱۹۳ زیارت حضرت ابوطالب عموی گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۹۳ زیارت حضرت خدیجه، همسر گرامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
- ۱۹۳ زیارت حضرت قاسم فرزند رسول اکرم صلی الله علیه و آله
- ۱۹۶ مزار شهدای فح
- ۱۹۷ زیارت حضرت اسماعیل وهاجر علیهما السلام
- ۲۰۰ زیارت سایر انبیای عظام علیهم السلام
- ۲۰۳ بخش سوم: اماکن متبرکه مکه مکرمه
- ۲۰۳ حدود حرم:
- ۲۰۴ برخی از مساجد شهر مکه:
- ۲۰۴ مسجد الحرام وخصوصیات کعبه
- ۲۰۵ ارکان کعبه
- ۲۰۷ حجر اسماعیل:

- ۲۰۷ مقام ابراهیم:
- ۲۰۷ زمزم:
- ۲۰۹ صفا و مروه:
- ۲۰۹ شِعب ابی طالب
- ۲۱۰ محلّ ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
- ۲۱۱ غار حِرا
- ۲۱۲ کوه ثَوْر
- ۲۱۳ عَرَفات
- ۲۱۴ مُرْدَلَفَه (مشعرالحرام)
- ۲۱۴ منّا
- ۲۱۵ مسجد خَیْف:
- ۲۱۶ بخش چهارم: اماکن مقدّسه بین راه مکه و مدینه
- ۲۱۶ اماکن مقدّسه بین راه مکه و مدینه
- ۲۱۶ مسجد غدیر خم:
- ۲۱۶ ابواء
- ۲۱۶ زیارت آمنه بنت وهب مادرگرامی حضرت رسول صلی الله علیه و آله
- ۲۱۸ بدر
- ۲۲۱ بخش پنجم:
- ۲۲۱ ریذه
- ۲۲۳ درباره مرکز

ادعیه و آداب مکّه مکرمه با ترجمه فارسی

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: ادعیه و آداب مکّه مکرمه با ترجمه فارسی
 تالیف مرکز تحقیقات حج .
 مشخصات نشر: تهران: مشعر ۱۳۸۴.
 مشخصات ظاهری: ۲۱۴ ص ۱۲×۱۶/۵سم
 شابک: ۶۰۰۰ ریال ۹۶۴-۷۶۳۵-۶۷-۲؛ ۶۰۰۰ ریال (چاپ سوم)؛ ۶۰۰۰ ریال (چاپ چهارم)
 وضعیت فهرست نویسی: فایا(چاپ دوم)
 یادداشت: فارسی - عربی یادداشت: چاپ اول: ۱۳۸۳(فایا)
 یادداشت: چاپ سوم: پاییز ۱۳۸۵.
 یادداشت: چاپ چهارم: تابستان ۱۳۸۶.
 موضوع: دعاها
 موضوع: حج -- کتاب‌های دعا
 شناسه افزوده: حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت. مرکز تحقیقات حج
 رده بندی کنگره: BP۲۶۷/۸/الف ۳۵۴۰۴۱/۱۳۸۴
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۲
 شماره کتابشناسی ملی: م ۸۳-۳۴۹۴۲
 ص: ۱

پیشگفتار

دعا و اقسام آن

دعا در لغت به معنای خواندن و در اصطلاح، درخواست حاجت از خداوند می‌باشد.

دعا بر دو قسم است:

۱. گاه دعا کننده مطالب و نیازهای خود را به زبان خود و به هر بیانی که قدرت بر آن دارد در پیشگاه خداوند اظهار می‌کند، این قسم را «دعاهای غیر وارده» می‌نامند.

۲. و گاه دعا کننده مطالب و خواسته‌های خود را با الفاظ مخصوصی که از معصومین علیهم السلام رسیده است اظهار می‌نماید، این قسم ادعیه را «دعاهای وارده» یا «ادعیه مأثوره» می‌نامند.

ادعیه مأثوره نیز بر دو قسم است:

الف- ادعیه‌ای که باید در شرایط خاصی خوانده شود، مثلاً در وقت مخصوص یا محل معلوم، و بالاخره آداب و

ص: ۲

ص: ۱۲

شرایط ویژه‌ای از زبان معصوم علیه السلام برای آن ذکر شده باشد.

ب- دعاهایی که از معصوم رسیده ولی برای آنها هیچ گونه شرطی ذکر نشده است.

البته هر نوع دعا و درخواست از پروردگار یکتا، مطلوب شارع است، و در روایت وارد شده: «الدُّعَاءُ مُيُخُّ الْعِبَادَةَ» (۱) مغز و روح عبادت همان دعا است. همچنین در قرآن کریم در مناسبت‌های مختلف از زبان پیامبران و اولیای الهی دعاهایی نقل شده است، لکن ثواب و فضیلت دعاهای مأثوره- وارده از معصوم علیه السلام- برای کسی که آشنا به معانی آنها باشد، به مراتب بیش از دعاهای معمولی است، زیرا معصومین علیهم السلام به امراض روحی فرد و جامعه‌اشنا تر و به کیفیت راز و نیاز با حق تعالی آگاه‌تر هستند، و سایر انسان‌ها گاهی به جای خیر خویش شرّ، و گاهی به جای سود و سعادت، زیان و شقاوت می‌طلبند: وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا. (۲)

۱- بحار، ج ۹۳، ص ۳۰۰

۲- اسراء: ۱۱، ترجمه: «انسان بر اثر شتابزدگی بدیها را طلب می‌کند آنگونه که نیکی‌ها را می‌طلبد و انسان همیشه عجول بوده است.»

ص: ۱۳

بنابر این سزاوار است دعا کننده چگونگی درخواست مطالب و حاجات خود را از معصوم فرا گیرد. البته تشخیص دادن دعاهای وارده و آگاهی از سخن معصوم کار آسانی نیست. اگر کسی بتواند از مدارک موجود، و با موازین علمی صحت صدور دعا از معصوم را به دست آورد، می تواند آن را به قصد ورود بخواند، ولی اگر دلیل معتبر و مدرک قابل اعتمادی پیدا نکند و در پژوهش‌ها و بررسی‌های خود به این نتیجه برسد که سند فلان دعا ضعیف و غیر قابل اعتماد است، نباید آن را به‌طور جزم به معصوم نسبت دهد، بلکه به امید درک ثواب و رسیدن به پاداش آن را بخواند، در این صورت حتی اگر در تشخیص خود به خطا رفته باشد، به ثواب آن خواهد رسید.

رجاء مطلوبیت:

گاهی دعا یا عملی که سند معتبر هم دارد مربوط به زمان یا مکان خاصی است، مانند دعاهای ماه رمضان یا مناجات مسجد کوفه، در چنین مواردی اگر کسی بخواهد آنها را در غیر آن زمان یا آن مکان انجام دهد باید آنها را فقط به

ص: ۱۴

عنوان رجاء و احتمال مطلوبیت بجا آورد، نه به قصد استجاب یا ثواب ثابت، یعنی چنین نیت کند: «این دعا را می‌خوانم و این عمل را انجام می‌دهم به امید آنکه مطلوب باشد و مأجور باشم».

شرایط استجاب و قبولی دعا:

در احادیث و روایات ما برای اجابت دعا شرایط متعددی بیان شده که برای آگاهی از آنها می‌توان به کتاب‌های مفصل روایی مراجعه کرد که ما در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم (۱):

امام صادق علیه السلام در جواب قومی که عرض کردند:

ما دعا می‌کنیم ولی مستجاب نمی‌شود، فرمودند: چون کسی را می‌خوانید که نمی‌شناسید: «لَا تَدْعُونَ مَنْ لَا تَعْرِفُونَهُ» (۲).
شرط اول استجاب دعا معرفت پروردگار است، زیرا هر کس را به قدر معرفتش مزد می‌دهند.

۱- . نک: بحار، ج ۹۳ طبع ایران.

۲- بحار، ج ۹۰، ص ۳۶۸

ص: ۱۵

از حضرت علی علیه السلام سؤال شد: «فَمَا بَالُنَا نَدْعُوا فَلَا نُجَابُ؟» چرا دعای ما مستجاب نمی‌شود؟ حضرت فرمود:

«إِنَّ قُلُوبَكُمْ خَائِتٌ بِثَمَانٍ خِصَالٍ: أَوْلَاهَا أَنْتُمْ عَرَفْتُمْ اللَّهَ فَلَمْ تُؤَدُّوا حَقَّهُ كَمَا أَوْجَبَ عَلَيْكُمْ...» (۱)

اولین علت آن است که نسبت به خداوند معرفت و شناخت پیدا کردید، ولی حق معرفت را عملاً پیاده نکردید.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس می‌خواهد دعایش مستجاب شود باید لقمه و کارش حلال باشد. (۲)

امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند دعای بنده‌ای را که برعهده‌اش، مظالم و حقوق مردم باشد یا غذای حرام بخورد، قبول نمی‌کند.

(۳)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند دعای کسی را که حضور قلب ندارد، قبول نمی‌کند. (۴)

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند به عزت و جلال خود قسم

۱- بحار، ج ۹۰، ص ۳۷۶

۲- همان، ص ۳۷۲

۳- همان، ص ۳۷۲

۴- همان، ص ۳۲۱

ص: ۱۶

یاد کرده که من دعای مظلومی را که خود در حقّ دیگری چنین ظلمی نموده است، مستجاب نمی‌کنم. (۱)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: دعایی که اولش «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» باشد، ردّ نمی‌شود. (۲)

رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمود: صلوات شما بر من مایه اجابت دعای شما خواهد بود. (۳)

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس پیش از خود به چهل مؤمن دعا کند، دعایش مستجاب می‌شود. (۴)

در حدیث قدسی وارد شده است: خداوند به حضرت عیسی علیه السلام فرمود: ای عیسی مرا بخوان همانند خواندن شخص اندوهناک و غرق شده‌ای که هیچ فریادرسی ندارد (۵).

ملاحظه می‌کنید که برای اجابت دعا شرایطی بیان شده

۱- بحار، ج ۹۰، ص ۳۲۰

۲- همان، ص ۳۱۳

۳- بحار، ج ۹۱، ص ۵۴

۴- بحار، ج ۹۰، ص ۳۱۷

۵- همان، ص ۳۱۴

ص: ۱۷

است، و از همه بیشتر بر روی خود سازی و آمادگی برای ضیافت پروردگار و شناخت میزبان حقیقی تکیه شده است.

آثار پذیرفته شدن دعا و زیارت در زندگی انسان:

قبولی دعا و زیارت از دو جهت قابل بررسی است:

الف: صحیح خواندن و قصد قربت داشتن ادعیه و زیارات و اگر غلط خوانده شود معنای آن به کلی تغییر یافته و انسان را از رسیدن به اهداف آن دور می‌کند.

ب: قبولی دعا و زیارت و پذیرفته شدن عند الله. یعنی علاوه بر اینکه قربةً اِلی الله انجام داده است، حضور قلب و معرفت الهی هم داشته و توانسته از تمایلات نفسانی رهایی پیدا کند، و باخضوع و خشوع دعا و زیارت را انجام دهد، و در طول سفر خصلت‌های زشت درونی را یکی پس از دیگری ترک کرده و از سفره گسترده حق تعالی بهره‌مند شود، یعنی در مهمانی رسول خدا صلی الله علیه و آله و زهرای مرضیه علیها السلام و ائمه بقیع علیهم السلام شرکت نماید و به قدر توان از غذاهای معنوی تناول کند. چنین فردی توانسته است درجاتی از تقوا را به دست آورد. قرآن کریم می‌فرماید: گوشت و خون قربانی به

ص: ۱۸

خدا نمی‌رسد، ... وَ لَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ ... (۱)

بلکه تقوای حاصل از قربانی است که انسان را بالا می‌برد و به خدا نزدیک می‌کند.

در آیه دیگر می‌فرماید: در روزهای مشخص به یاد خدا باشید (اشاره به مناسک منا).

آنگاه می‌فرماید: ... وَ اتَّقُوا اللَّهَ ...؛ (۲) «از خدا پروا کنید.»

اگر زائر حرمین شریفین به یاد خدا باشد، خود را از گناه حفظ نماید، تمرین ترک معاصی داشته باشد، و حالت تقوا و پرهیزکاری

پیدا کند، پس از حج مرتکب گناه نمی‌شود، و خصلت‌های خدایی در درونش جوانه می‌زند، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و

آله می‌فرماید: «آيَةُ قَبُولِ الْحَجِّ تَرْكُ مَا كَانَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ مُقِيمًا مِنَ الذُّنُوبِ»، (۳) نشانه قبولی حج، ترک گناهان گذشته است.

بنابراین نشانه قبولی اعمال، دستیابی به تقوا و مراعات حدود الهی، پرهیز از گناه، و دوری از خصلت‌های زشت

۱- حج: ۳۷

۲- بقره: ۲۰۳

۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۶۵، ح ۱۱۷۶۷

ص: ۱۹

است، و این معنا امکان ندارد مگر اینکه انسان همیشه خود را در محضر حق سبحانه و تعالی ببیند، و مراقب اعمال و رفتار خود باشد، هر کاری را جهت رضای پروردگار انجام دهد، با مردم آن گونه رفتار نماید که دوست دارد مردم با او رفتار کنند، بندگان خدا از دست و زبانش در امان باشند، در سختی‌ها و گرفتاری‌ها تکیه گاه محکمی برای نزدیکان به حساب آید، به اعمال عبادی بویژه نماز اهمیت دهد، و سعی کند نمازهای واجب را اول وقت و به «جماعت» برگزار نماید.

چند توصیه در زمینه وحدت امت اسلامی:

اگرچه درباره توصیه های لازم به حجاج محترم کتاب‌های جداگانه‌ای نوشته شده و به طور مفصل نکاتی را تذکر داده‌اند، و ما هم در همین کتاب به مناسبت‌های مختلف به بعضی از آنها اشاره کرده‌ایم، لکن به خاطر اهمیت موضوع سزاوار است برخی از نکات یادآوری شود:

الف- اهمیت وحدت امت اسلامی

یکی از اسرار اعمال و مناسک حج و زیارت مشاهده

ص: ۲۰

مشرّفه، تمرین تواضع و اخلاص، متخلّق شدن به اخلاق الهی، نمایش وحدت و عزّت امت اسلامی و ارتباط نزدیک با برادران دینی، و همدلی و تبادل نظر با آنها است. از این رو زائر بیت الله الحرام و حرم نبوی صلی الله علیه و آله باید به همه میهمانان خانه خدا با هر ملیّت و مذهب و از هر سرزمینی که باشند، با چشم عزّت و برادری بنگرد، و با برخورد مودّت آمیز، آنگونه که مایل است بندگان خدا با او رفتار نمایند، با دیگران رفتار کند، و با اقتدا به پیشوایان دینی خود مایه عزّت و زینت اسلام و رسول الله صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام باشد، و در یک سخن اختلاف در مذهب نباید موجب بدبینی و تشّت گردد؛ زیرا مشترکات موجود میان ما و مسلمانان فراوان است، و باید تمام مسلمین در برابر دشمنان قرآن و انسانیّت ید واحده باشند، و از عظمت و عزّت قرآن و اسلام دفاع کنند، و شاید به همین دلیل است که در روایات ما توصیه‌های مؤکّد درباره شرکت در جماعات برادران دینی شده است.

پس زائران محترم از انجام کارهایی که موجب بدبینی و تفرقه وجدایی امت بزرگ اسلامی می‌شود باید پرهیز نمایند.

ص: ۲۱

ب- میهمانان خدا در سفر الهی حج

زیارت خانه خدا و قبر مطهر پیامبر اکرم و ائمه بقیع - صلوات الله علیهم اجمعین - سفر الهی و دارای ابعاد گوناگون می باشد، و چه بسا در زندگی تنها یک بار توفیق این سفر معنوی نصیب انسان گردد، لذا سزاوار است به اهمیت و سازندگی آن بیش از پیش توجه کنیم، و از هنگام تصمیم و عزم به مسافرت تا پایان آن قدم به قدم، الهی بودن این میهمانی را مد نظر داشته باشیم، و از ارزش و منزلت همسفران و رعایت حقوق آنها غفلت نکنیم، و در مواقع ازدحام و شلوغی روحیه عفو و اغماض و چشم پوشی از خطای دیگران را پیشه خود سازیم، و از کمک و همراهی و خدمت به میهمانان خانه خدا غفلت نورزیم، و این سنت ارزشمند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام را زنده نگاه داریم.

ج- فرصت را مغتنم بشماریم

عمر سفر کوتاه، و ایام زیارت به زودی سپری می گردد، باید با برنامه ریزی منظم بهترین استفاده را از اوقات شبانه روز خود بنماییم، و به جای وقت گذرانی برای کارهای بی نتیجه یا

ص: ۲۲

کم نتیجه، بیشترین وقت خود را صرف شناخت احکام و آداب و اسرار حج و زیارت و بهره‌مندی از مشاهده شریفه و مواقف کریمه نماییم، که از جمله آنها، حضور و شرکت به موقع در نمازهای جماعت مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و قرائت قرآن در این دو مسجد با عظمت (حداقل یک ختم قرآن در مسجدالحرام و یک ختم در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله) و خواندن دعاها و مناجات‌های وارده از طرف معصومین علیهم السلام در ایام و مناسبت‌های مختلف می‌باشد.

د- کیفیت عبادت را فدای کمیت آن نکنیم

همان‌گونه که قبلاً تذکر دادیم، روح و عظمت دعا و عبادت و مناسک حج به معرفت و اخلاص و رعایت ادب و حضور در محضر خداوند متعال بستگی دارد. لذا باید تنها به مقدار و کمیت اعمال و عبادات خود اکتفا نکرده، بیشتر به کیفیت آن پردازیم؛ زیرا اگر یک دعا یا زیارت و یا نماز، از روی معرفت و اخلاص باشد، موجب شکستن دل و تحوّل درونی انسان می‌گردد، و باعث نجات از عذاب الهی و دست یافتن به بهشت جاوید خواهد شد. «رَزَقْنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى .

جایگاه حج

جایگاه حج

حج در لغت به معنای: «قصد» و در اصطلاح شرع به معنای: قصد زیارت خانه خدا و انجام اعمال و مناسک مخصوص می‌باشد. حج به معنای زیارت خانه خدا و انجام اعمال مخصوصه و یکی از ارکان پنج‌گانه اسلام است، و به اتفاق نظر علمای فریقین، از ضروریات دین، و منکر آن کافر می‌باشد و لذا تارک حج مورد تهدید شدید خداوند واقع شده است.

و رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده:

«مَنْ سَيَّوَفَ الْحَجَّ حَيْتَى يَمُوتَ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَهُودِيًّا» کسی که حج را به تأخیر اندازد تا مرگ او فرا رسد، خداوند در روز رستاخیز او را یهودی و یا او نصرانیاً. (۱)

نصرانی محشور سازد.»

ص: ۲۴

و امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت نامه خود می‌فرماید:

وَاللَّهِ، اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ لَا تَخْلُوهُ مَا بَقِيتُمْ فَإِنَّهُ إِنْ تَرَكَ وَخِدا رَا، خِدا رَا، در مورد خانه خدا «كعبه» تا هستيد، مبدا آن را خالی بگذاريد، كه اگر ترك شود لَمْ تُنَاظِرُوا». (۱)

مهلت داده نمی‌شويد.»

فلسفه تشریح حج

دستور وجوب حج، بعد از هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه نازل گردیده، و از هر مسلمان مستطعی در تمام دوران عمر يك بار به عنوان حج واجب (حَجُّهُ الْإِسْلَام) خواسته شده است. (صرف نظر از عناوین دیگری که موجب وجوب حج می‌شود مانند نذر و ...).

حج گرچه جزو فروع دین به حساب می‌آید، ولی از افضل عبادات است. و دارای فواید و آثار بسیار عظیم دنیوی، اخروی، فردی، اجتماعی، سیاسی و معنوی است که در کمتر عبادتی دیده می‌شود.

حج نمایش تعبد محض و عبادت خالص خدا و اظهار

ص: ۲۵

بندگی و ایجاد ارتباط قلبی با خداوند است.

حج کلاس تعلیم و تربیت است، زمینه‌ای است برای تحصیل علم زندگی و حسن معاشرت، و تحکیم مبانی اخلاق اسلامی در عمل. حج درس جهاد و فداکاری بامال و جان و گسستن از خود و خودخواهی‌ها، و جدا شدن از تعلقات و جذبات زندگی مادی، و رو آوردن به عالم معنا، و حرکت به سوی خدا است.

حج به ما آموزش توحید در عقیده و وحدت در رویه و ضرورت تبادل افکار و آرا و همکاری‌های اجتماعی، علمی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را می‌دهد، و خلاصه حج در مجموعه اعمال و مناسک، تابلویی از تمامیت دین مقدس اسلام و حیات دنیا و آخرت را به نمایش می‌گذارد، و انسان حج گزار را از عالم خاکی به اوج می‌برد، و به عالم قدس و ملکوت پرواز می‌دهد، و حیاتی نوین از معنویت و ارتباط با حق و حضور نزد ربّ، در کالبد خسته حاجی می‌دمد.

امام صادق علیه السلام در بیان آداب باطنی حج می‌فرماید:

ص: ۲۶

«إِذَا أَرَدْتَ الْحَيْجَ فَجَرِّدْ قَلْبَكَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ قَبْلِ عَزْمِكَ» هنگامی که اراده حج نمودی، پیش از هر تصمیم دل خود را از هر چه غیر خدا است خالی، مِنْ كُلِّ شَاغِلٍ وَحِجَابٍ كُلِّ حَاجِبٍ، وَفَوْضْ أُمُورَكَ كُلَّهَا إِلَيَّ وَهَر حَاجِبِي رَاكِه مِيَان تُو وَ اُو حَاجِب وَ حَائِل شده‌است برطرف کن، و تمام امور خویش را به آفریدگارت واگذار.

خَالِقِكَ، وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ مَا يَظْهَرُ مِنْ حَرَكَاتِكَ فِي تَمَامِ حَرَكَاتِ وَسَكَنَاتِ خُودِ، بِرِ اُو تُو كُلِّ كُنْ، وَسَيَكْنَاتِكَ، وَسَيَلِمُ لِقَضَائِهِ وَحُكْمِهِ وَقَدَرِهِ، وَوَدَّعِ الدُّنْيَا وَالرَّاحَةَ وَبِرِ قَضَا وَ قَدْرِ اَلْهِي وَ حَكْمِ وَ تَقْدِيرِ اُو تَسْلِيمِ بَاشْ، وَ اَزِ اَسَايشِ دُنْيَا وَ مَرْدَمِ مَنقَطَعِ شُو ...، وَالْخَلْقَ ... ثُمَّ اغْتَسِلْ بِمَاءِ التَّوْبَةِ الْخَالِصَةِ مِنَ الذُّنُوبِ، وَ اَلْبَسِ سَبِيْسَ بَا اَبِ زَلَالِ وَ خَالِصِ تُوْبَهِ گناهانت را شستشو کن، ولباس كِسْوَةَ الصِّدْقِ وَالصَّفَاءِ وَالْخُضُوعِ وَ اَلْحُشُوعِ، وَ اَحْرِمِ عَنْ كُلِّ صِدَاقِ وَ رَاسْتِي، پاكی، صفا، خضوع و خشوع را بر تن نما، واز آنچه كه تُو را شَيْءٍ يَمْنَعُكَ مِنْ ذِكْرِ اَللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَيَحْجُبُكَ عَنْ طَاعَتِهِ، وَلَبَّ اَزِ يَادِ وَ ذِكْرِ خُودِ بَازِ مِي دَارِدِ وَ مَانَعِ تُو اَزِ اَطَاعَتِ اُو مِي گَرْدِدِ، «احرام» بند، ولبیکه‌ایت، بِمَعْنَى اِجَابَةِ صَافِيَةِ خَالِصَةِ زَاكِيَةِ اَللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي دَعْوَتِكَ، شَفَافَتَرِيْنِ وَ خَالِصَانَه تَرِيْنِ پَاسِخِ وَ اِجَابَتِ دَعْوَتِ خُودِ مَتَعَالِ بَاشِدِ. دَرِ حَالِي كِه مَتَمَسِّكًا بِاَلْعَزْوَةِ الْوُثْقَى وَ طُفَّ بِقَلْبِكَ مَعَ الْمَلَائِكَةِ حَوْلَ بَه رِيْسْمَانِ مَحْكَمِ اَلْهِي تَمَسِّكِ جَسْتَه (از غير او دل بریده‌ای). از صمیم قلب و در عالم دل، به همراهی فرشتگان

ص: ۲۷

الْعَرْشِ كَطَوَافِكَ مَعَ الْمُسْلِمِينَ بِنَفْسِكَ حَوْلَ الْبَيْتِ ...» (۱).

عرش الهی طواف کن، هم‌چنان که خود با مسلمانان، دور کعبه طواف می‌کنی».

حضور قلب در دعا در مراسم حج:

قبلاً اشاره کردیم که حج از اعظم عبادات اسلامی است، و می‌دانیم که هر عبادتی را ظاهری است و باطنی.

ویاطن عبادات را، توجه خالص و ارتباط دائم قلبی و مراقبت و مواظبت همیشگی تشکیل می‌دهد. که بنده خود را در محضر ربِّ العالمین مشاهده کند.

بر این اساس، دعا در لسان پیشوایان بزرگوار اسلام به «مُخُّ الْعِبَادَةِ»، «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ»، «سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ»، «عَمُودُ الدِّينِ»، «نُورُ السَّمَاوَاتِ

وَالْأَرْضِ»، «تُرْسُ الْمُؤْمِنِ»، «سِلَاحُ الْأَنْبِيَاءِ»، «مَفَاتِيحُ النَّجَاحِ» و «مَقَالِيدُ الْفَلَاحِ» تعبیر شده است. (۲)

یعنی دعا مغز عبادت، برترین نیایش، سلاح مؤمن، ستون دین، فروغ آسمان و زمین، سپر مؤمن، سلاح انبیا، کلید

۱- مصباح الشریعه، ص ۱۶ و ۱۷

۲- بحار، ج ۹۳

ص: ۲۸

پیروزی و رستگاری می‌باشد.

و مرحوم کلینی در «اصول کافی» به اسناد خود از زراره از امام باقر علیه السلام ذیل آیه شریفه **إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَكِبُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ** (۱).

آورده که حضرت فرمودند: منظور از عبادت در آیه شریفه دعا است. وبعد فرمودند: **«وَأَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الدُّعَاءُ»**، «وبهترین عبادتها، دعا است». (۲)

و آنچه از شیوه زندگی معنوی پیامبران الهی وائمه معصومین و بزرگان اسلام به ما رسیده نیز این معنا را تصدیق و تأیید می‌کند، که بالاترین مقام انسان، مقام عبودیت است که توفیق بندگی حضرت ذوالجلال نصیبش می‌گردد، و اصلی‌ترین مرتبه و شیرین‌ترین مرحله عبادت، مرحله دعا و ایجاد ارتباط بنده با خدا، و توفیق تضرع و توبه، و اظهار خضوع و خشوع، و اعلان تقدیس و تسبیح و تحمید حق است، که اگر بنده اهل دعا نباشد مورد توجه خدا نخواهد بود:

۱- مؤمن: ۶۰، ترجمه: «آنانی که از عبادت من تکبرورزند به زودی با خفت و خواری وارد دوزخ گردند.»

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶۷

ص: ۲۹

... قُلْ مَا يَعْجُبُكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ... (۱)

و حاجی باید بداند که گرچه در عتبات عالیات و مشاهده مشرفه و اماکن و ازمنه حج، عرض حاجت دنیوی و اخروی به محضر حضرت حق بردن خلاف نیست ولی نزد اولیای خدا و شیفتگان جمال ذوالجلالش دعا برای رسیدن به مرحله «کمال الانقطاع» و تحصیل نورانیت، بصیرت قلوب و وصول و اتصال به معدن عظمت، و کنار زدن حجاب‌های ظلمت، و سر بر آستانش سودن، و آسودن است. ای برادران و خواهران، اینک که به توفیق حق عازم حریم حرم امن «الهی» و راهی سرزمین مقدس وحی، گشته‌اید. به آوای آن شب زنده‌دار معصوم؛ حضرت سالار شهیدان، گوش فرا دهید، که در مناجات شعبانیه‌اش به درگاه واهب المواهب عرض می‌کند:

«... إِلَهِي هَيْبَ لِي كَمَالِ الْأَنْقِطَاعِ إِلَيْكَ، وَأَنْزِ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا «بار الها کمال انقطاع و بریدن از دیگران و پیوستن به خویش رابه من عنایت فرما، و دیدگان دل‌های ما را

۱- فرقان: ۷۷، ترجمه: «بگو: اگر دعای شما نبود، پروردگار من چه اعتنا و توجهی به شما می‌کرد؟»

ص: ۳۰

بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ، حَتَّى تَحْرِقَ أَنْبِيَاءَ الْقُلُوبِ حُجَبِ الثُّورِ، بِه نوره دیدارت روشن گردان. تا آنجا که دیدگان و بصیرت دل، حجاب‌های مانع نور را پاره کنند، فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعَظْمَةِ، وَتَصِيرَ أَرْوَاحُنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ وَبِه معدن عظمت واصل گردند، و روح و جان ما (تنها و تنها) به پیشگاه مقدس تو تعلق و وابستگی بیابند، و به مقام قُدْسِكَ...».

قدس تو بیاویزند.»

و به دعای امام حسین علیه السلام که در سرزمین عرفات به درگاه خداوند می‌نالد، توجه کنید:

«إِلَهِي تَرُدُّدِي فِي الْأَثَارِ يُوجِبُ بُعِيدَ الْمَزَارِ، فَاجْمَعْنِي «خداوندا جستجویم در آثار قدرت و عظمت تو، موجب دوریم از زیارت جمالت می‌گردد، پس مرا خدمتی فرما عَلَيْنِكَ بِخِدْمَةٍ تُوصِلُنِي إِلَيْكَ، كَيْفَ يُشِيدُ عَلَيْنِكَ بِمَا هُوَ فِي تَابِعِ مَقَامِ وَصَلَتِ نَائِلِ گِردَم. چگونه برای قرب و جودت، به آثاری استدلال شود که خود در وجوده مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ، أَيْ كُنْ لِعَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ، وجود خویش نیازمند تو می‌باشند. آیا ظهور و بیدایش برای غیر تو هست که آن ظهور، از تو و برای تو نباشد حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهِرُ لَكَ، مَتَى غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ تَا در نتیجه دلیل ظهور تو گردد؟ چه وقت غایب از نظر بوده‌ای تا برای ظهورت يَدُلُّ عَلَيْنِكَ، وَ مَتَى بَعُدَتْ حَتَّى تَكُونَ الْأَثَارُ هِيَ الَّتِي تُوصِلُ نِيَازَ بَه دَلِيلٍ وَ بَرَهَانَ بَاشِدْ؟ وَ چه وقت دور بوده‌ای تا آثار و پدیده‌هایت دلیل نزدیکی

ص: ۳۱

إِلَيْكَ، عَمِيَّتْ عَيْنٌ لَا تَرَاكَ عَلَيْهَا رَقِيْبًا، وَخَسِرَتْ صَيْفُقَهُ عَبْدٌ لَمْ وَوَصَلَتْ بَاشِنْد؟ كُورِ اسْتِ دِيْدِه‌اى كِه تُو رَا نِيْنِد، دَر صُوْرْتِي كِه هُمُوْرِه مِرَاقِبِ او، بَا او وَ دَر كِنَارِ او هَسْتِي دَر خَسِرَانِ وَ زِيَانِ اسْتِ تَجْعَلُ لَهْ مِنْ حُبِّكَ نَصِيْبًا، إِلَهِي أَمْرَتْ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْآثَارِ، بِنْدِه‌اى كِه از عَشْقِ وَ مَحَبَّتِ تُو نَصِيْبِي نِدَارْدِ مَعْبُودًا! هَمْكَانِ رَا اَمْرِ كَرْدِي كِه بِه آثَارِ قَدْرَتِ وَ عِظْمَتِ رُجُوعِ كِنَنْد، فَارْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكِسْوَةِ الْبُنُوْرِ وَ هِدَايَةِ الْأَسْتَبْصَارِ، حَتَّى أَرْجِعَ وَ لِي مِرَا بِه تَجَلِّيَاتِ اِنُوَارِ خُودِ رُجُوعِ دِه، وَ بَا مَشَاهِدِه وَ اسْتَبْصَارِ، هِدَايْتِمِ فَرْمَا، تَا از آثَارِ بَكْدَرْمِ إِلَيْكَ مِنْهَا كَمَا دَخَلْتُ إِلَيْكَ مِنْهَا، مَصُونِ السَّرِّ عَنِ النَّظْرِ إِلَيْهَا، وَ بِه تُو وَاَصْلِ كَرْدِمِ، هَمْچِنَانِ كِه از اَنُهَا كِذْشْتِه وَ دَر سِرِّ دَرُوْنِمِ بَدُوْنِ تُوْجِهِ بِه اَنُهَا، بَرِ تُو وَاْرْدِ كِشْتِه.

وَمَرْفُوعِ الْهَمَّةِ عَنِ الْأَعْتِمَادِ عَلَيْهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

هَمْتِمِ رَا چِنَانِ بَلَنْدِ كَرْدَانِ كِه نِيَازِ وَاَعْتِمَادِ بَرِ پَدِيْدِهِ وَ آثَارِ نِدَاشْتِهِ بَاشِمِ كِه تَنُهَا تُو بَرِ هَمِه چِيْزِ تُوَانَايِي ...»

وَشَمَا زَائِرَانِ مَحْتَرَمِ خَاْنِهِ خُودِ دَرِ تَمَامِ مِرَاحِلِ وَ مَوَاقِيْتِ وَ مَوَاقِفِ وَ دَرِ ضَمْنِ اَعْمَالِ وَ مَنَاسِكِ، اذْكَارِ وَاَدْعِيَه‌اى دَارِيْدِ كِه سَزَاوَارِ اسْتِ اَنُهَا رَا بَا تُوْجِهِ وَ خُلُوصِ كَامَلِ بَخُوَانِيْدِ، وَ بَدَانِيْدِ كِه رُوحِ حَيِّ، تَرْكِيَهِ وَ تَعَالِي رُوحِي اسْتِ كِه بَا اِنْجَامِ مَنَاسِكِ حَيِّ وَ مَلَازِمْتِ بَرِ دَعُوَاتِ وَ اذْكَارِ وَاْرْدِهِ وَ قِرَائَتِ قُرْآنِ كَرِيْمِ وَ دَقَّتِ دَرِ ثَمْرَاتِ مَعْنُوِي وَ اسْرَارِ بَاطِنِي وَ عَمَلِ بِهِ وَاَجِبَاتِ وَ مَسْتَحَبَّاتِ، حَاصِلِ مِي كَرْدِدِ.

بخش اول: اعمال و آداب حج

واجبات عمره تمتع:

دَرِ عَمْرِهِ تَمْتَعِ پَنْجِ چِيْزِ وَاَجِبِ اسْتِ:

۱. احرام.

۲. طواف كعبه.

۳. نماز طواف.

۴. سعي بين صفا و مروه.

۵. تقصير (گرفتن قدری از مو یا ناخن).

احكامِ مَرْبُوطِ بِهِ عَمْرِهِ تَمْتَعِ رَا دَرِ مَنَاسِكِ بَخُوَانِيْدِ، وَاَدْعِيَهِ وَاذْكَارِ دَرِ هَمِيْنِ كِتَابِ خُوَاْهَدِ اَمْدِ.

واجبات عمره مفرده:

دَرِ عَمْرِهِ مَفْرَدِهِ هَفْتِ چِيْزِ وَاَجِبِ اسْتِ:

۱. احرام.

ص: ۳۴

۲. طواف کعبه.

۳. نماز طواف.

۴. سعی بین صفا و مروه.

۵. تقصیر (کوتاه کردن ناخن یا مو).

۶. طواف نساء.

۷. نماز طواف نساء.

احکام مربوط به واجبات عمره مفرده را در کتاب‌های مناسک، وادعیه واذکار مربوطه را در همین کتاب بخوانید.

میقات‌های احرام:

کسانی که به قصد حج یا عمره عازم بیت الله الحرام می باشند، باید با احرام وارد مکه شوند. محلی که برای احرام بستن معین شده «میقات» نامیده می شود. و میقات حجاج به اختلاف راههایی که از آنها به طرف مکه می روند مختلف می شود، و آن پنج محل است:

۱. میقات کسانی که از طرف مدینه به مکه عازم هستند «ذو الحلیفه» است که همان «مسجد شجره» می باشد.

ص: ۳۵

۲. و برای کسانی که از طرف شام می آیند «جُحْفَه» است.
۳. و برای کسانی که از عراق و نجد عازمند «وادی عقیق» است.
۴. و برای کسانی که از طرف طائف می آیند «قَرْنُ الْمَنَازِل» است.
۵. و برای کسانی که از سوی یمن عازم هستند «يَلْمَلَم» می باشد.

واجبات احرام:

- برای مُحَرِّم شدن سه امر واجب است.
۱. پوشیدن دو قطعه لباس احرام (لنگ و ردا).
 ۲. نیت: در نیت باید به سه نکته توجه شود:
الف: قَرَبَةً إِلَى اللَّهِ باشد.
 - ب: همراه با شروع پوشیدن لباس احرام باشد.
 - ج: تعیین نوع احرام که برای عمره، حَجّ، برای خود یا به نیابت است.
 ۳. تلبیه: که گفتن این ذکر شریف می باشد:

ص: ۳۷

وَمَدَحَتَكَ وَالثَّنَاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ لِي إِلَّا بِكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ وَمدح و ثنایت را قرار ده که نیرویی جز به کمک تو نمی‌باشد و می‌دانم که آن قوام دینی التَّسْلِيمَ لَأَمْرِكَ، وَالْإِتِّبَاعَ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ، صَلَوَاتِكَ استواری دینم تنها تسلیم بودن در برابر فرمان تو و پیروی از سنت پیامبرت صلی الله علیه و آله عَلَيْهِ وَآلِهِ».

می‌باشد.»

سپس جامه‌های احرام را پوشیده و این دعا را بخواند:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي، وَأُوَدِّي بِهِ «ستایش خداوندی را سزاست که به من جامه‌ای روزی ساخت که بوسیله آن شرمگاهم را بپوشانم و واجبم را فَرَضَتِي، وَأَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي، وَأَنْتَهِيَ فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ ادا کنم پروردگارم را نیایش نمایم و به آنچه مأمورم ساخته است عمل نمایم، ستایش خدایی الَّذِي قَصَّيْتُ قَصِيَّةً فَبَلَّغَنِي، وَأَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَقَبَّلَنِي، وَلَمْ يَقَطِعْ بِي، را سزاست که آهنگ او نمودم و او به مقصدم رساند، وقصد او کردم کمکم نمود و پذیرایم گردید، و مرا نومید نساخت، وَوَجَّهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي، فَهُوَ حَصِينِي وَكَهْفِي وَحَزْزِي وَظَهْرِي وَقَصْدَ إِخْلَاصٍ كَرَّمْتَنِي بِرَأْسِهِ وَوَجَّهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي، وَنَجَايَ وَذُخْرِي وَغَدَّتِي فِي شِدَّتِي وَرَخَائِي».

و پشتوانه‌ام و امید و پناهم و یار و یاورم در سختی و آسانی است.»

ص: ۳۸

و مستحب است بعد از تلبیه واجب بگوید:

«لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ،» «دعوت را اجابت کردم، ای خداوند بلند مرتبه، اجابت کردم، اجابت کردم، که مرا به خانه امن و سلامت فرا خوانده‌ای، اجابت کردم، لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا اجابت کردم، ای بخشنده گناهان، اجابت کردم، اجابت کردم، ای شایسته اجابت، اجابت کردم، ای الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تُبْدِي وَ الْمَعَادُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَارِنْدَه جلال و کرامت، اجابت کردم، اجابت کردم، ای آغازگر هستی، که بازگشت به سوی توست، اجابت کردم، اجابت کردم، تَشْتَعْنِي وَيُفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْهُوبًا وَمَرْغُوبًا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، ای بی نیازی که به تو نیازست، اجابت کردم، اجابت کردم، که بیم و امید به سوی توست، اجابت کردم، لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا النِّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ اجابت کردم، ای معبود به حق، اجابت کردم، اجابت کردم، ای دارنده نعمت‌ها و افزون‌بخش نیکویی و جمال، لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَّافِ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَابْنُ اجابت کردم، ای برطرف‌کننده غمهای بزرگ، اجابت کردم، اجابت کردم، بنده تو و پسر عبادت‌ت لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمًا لَبَّيْكَ.» بنده‌ات، اجابت کردم، اجابت کردم، ای کریم اجابت کردم ای کریم.» و خوب است این جملات را نیز بگوید:

لَبَّيْكَ أَنْتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ بِحَبِّهِ اجابت کردم، به محمد و آلش تقرب می‌جویم، اجابت کردم، اجابت کردم، برای حج

ص: ۳۹

وَعُمْرَةٌ مَعًا لَبَيْكَ، لَبَيْكَ هَذِهِ عُمْرَةٌ مُتَعَةٌ إِلَى الْحَجِّ لَبَيْكَ، لَبَيْكَ و عمره، اجابت كردم، اجابت كردم، اينك تمتع با حج است، اجابت كردم، اجابت كردم، أَهْلَ التَّلِيَّةِ لَبَيْكَ، لَبَيْكَ تَلِيَّةٌ تَمَامُهَا وَبَلَاغُهَا عَلَيْكَ.» اي شايسته اجابت، اجابت كردم، اجابت كردم، اجابتي كه تمام و كمالش به لطف توست.»

محرّمات ابرام:

پس از آنكه حاجي مُحْرِم شد، بيست و چهار چيز بر او حرام مي شود، كه عبارتند از:

۱. شكار حيوان صحرايي (وحشي).
۲. جماع كردن با زن، و بوسيدن و نگاه به شهوت و هر نوع لذت بردن از او.
۳. عقد كردن زن براي خود يا غير.
۴. استمنا.
۵. استعمال عطريات و بوي خوش.
۶. پوشيدن پوشش هاي دوخته براي مردان.
۷. سرمه كشيدن به سياهي كه در آن زينت باشد.
۸. نگاه كردن در آيينه.
۹. پوشيدن كفشي كه تمام روي پا را مي گيرد.

ص: ۴۰

۱۰. فسوق (اعم از دروغ گفتن و فحش دادن یا فخرو مباحات کردن).
۱۱. جدال و گفتن لا وَاللَّهِ، وَبَلَى وَاللَّهِ (قسم یاد کردن به نام الله).
۱۲. کشتن جانورانی که در بدن ساکن می شوند.
۱۳. انگشتر به دست کردن به جهت زینت.
۱۴. پوشیدن زیور برای زن.
۱۵. روغن مالیدن به بدن.
۱۶. ازاله مو از بدن خود یا غیر چه مُحَرَّم باشد چه مُحَلِّ.
۱۷. پوشانیدن مرد سر خود را، با هر چه که آن را پوشاند.
۱۸. پوشانیدن صورت برای زنان.
۱۹. زیر سایه قرار گرفتن برای مردان، در حال راه رفتن و طی طریق.
۲۰. بیرون آوردن خون از بدن.
۲۱. ناخن گرفتن.
۲۲. کندن دندان.
۲۳. کندن درخت یا گیاه از حرم.
۲۴. سلاح برداشتن (حمل سلاح).

مستحبات ورود به حرم:

۱. غسل کردن.
۲. پیاده شدن از وسیله نقلیه.
۳. خواندن این دعا:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ وَقَوْلِكَ الْحَقِّ: وَأَذِّنْ «خداوندا! در قرآنت (به ابراهیم) فرمودی و فرموده‌ات درست است که مردم را فی الناس بِالْحَجِّ يَا تُوكَ رَجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ بِهِ حَجَّ فَرَاخْوَانِ تَا پياده و سواره بر مرکب‌های لاغر اندام از هر راه دور به سویت آیند» فَسَجَّ عَمِيقٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ، وَقَدْ خَدَاوَنَدَا! مِنْ اميدوارم از کسانی باشم که دعوت را پاسخ گفته و از سرزمین جثتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَمِنْ فَسْحٍ عَمِيقٍ، سَامِعًا لِنِدَائِكَ، وَمُسْتَجِيبًا و راه دوری آمده‌ام، ندایت را شنوا و پذیرا و فرمانبردارت لَكَ، مُطِيعًا لِأَمْرِكَ، وَكُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَلَكَ مِي بَاشم، و این همه به فضل و احسان توست، پس سپاس ترا سزد که الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ، أَتَبَغَى بِذَلِكَ الزُّلْفَةَ عِنْدَكَ، وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ، مَرَا بَه آن توفیق بخشیدی که به سویت تقرب جویم و نزدیکی به سوی تو وَالْمَنْزِلَةَ لِمَدْيِكَ، وَالْمَغْفِرَةَ لِتُدْنُوْبِي، وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ، و جاه و منزلت نزد تو و مغفرت گناهانم خواستار شوم که بر من به لطف خویش ببخشایی

ص: ۴۲

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَحَرِّمْ يَدَيْنِي عَلَى النَّارِ، خدایاندا! درود فرست بر محمد و آلش، و بدنم را بر آتش حرام ساز و آمینی من عذابک و عقابک، برحمتک یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

و از عذاب و کیفرت امانم دهی به رحمت ای مهربانترین مهربانان.»

آداب ورود به مسجد الحرام:

۱. غسل کردن.

۲. پای برهنه با حالت متانت و وقار قدم برداشتن.

۳. ورود از باب بنی شیبه که مقابل باب السلام کنونی می‌باشد.

و مستحب است بر در مسجد الحرام ایستاده، بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ «سلام و رحمت و برکات خدایانند بر تو ای پیامبر، به نام خدا وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ وَبِهِ يَارِي أَوْ يَارِي أَوْ خِدَاسْت وَخَوَاسْت خَوَاسْت خِدَاسْت، سلام بر رسول خدا و آل او، سلام عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَالْحَمْدُ لِبِرِّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ وَآلَش، سلام بر پیامبران خدا و فرستادگانش و سپاس

ص: ۴۳

لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

مخصوص خداوند؛ پروردگار جهانیان است.»

و در روایت دیگر وارد است که نزد در مسجد بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَعَلَى» به نام خدا و به کمک او و بازگشت به سوی خداست و خواست خداست
 خداست و بر مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، شَرِيعَتِ رَسُولِ خِدا صلی الله علیه و آله می‌باشم و بهترین نام‌ها
 برای خداست وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ وَبِإِذْنِ اللَّهِ، سِپاس ویژه خداوند است و سلام بر رسول خدا، سلام بر
 مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَبْدَ اللَّهِ، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای پیامبر، سلام
 عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَانِ، السَّلَامُ بر انبیای خدا و پیامبرانش، سلام بر خلیل خدای رحمان، سلام عَلَى
 الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى بر پیامبران خدا و فرستادگان و سِپاس مخصوص خدا؛ پروردگار جهانیان
 است، سلام بر ما و بر عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ بِنْدِ الْبَنَدِگَانِ شایسته خداوند، خداوند! دورد فرست
 بر مُحَمَّد و آلش و برکت بخش

ص: ۴۴

عَلِيٍّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتُمْ بِرَحْمَةٍ وَتَرَحُّمِ كُنْ بِرَحْمَةِ مُحَمَّدٍ وَخَانِدَانِهِ، چنانچه درود و
 وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَيَّ إِبرَاهِيمَ وَآلِ إِبرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ بَرَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَرَزَيْدِي بِرَحْمَةِ إِبرَاهِيمَ وَدُودَمَانَ إِبرَاهِيمَ كَمَا تَرَحَّمْتَهُ مَجِيدٌ.
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَبِرَّكَ، خُدَاوَنَدَا! درود فرست بر محمد و خاندان محمد؛ بنده و پیامبرت،
 وَعَلَيَّ إِبرَاهِيمَ خَلِيدِكَ وَعَلَيَّ أَنبِيَآئِكَ وَرُسُلِكَ وَسَلِّمْ خُدَاوَنَدَا! درود فرست بر ابراهيم خليل و بر انبیا و پیامبران که درود عَلَيَّهِمْ،
 وَسَلَامٌ عَلَيَّ الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، بر آنان و سلام فرست بر رسولان و سپاس مخصوص خداوند؛ پروردگار جهانیان
 است، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ خُدَاوَنَدَا! ابواب رحمت را برایم بگشا و مرا به فرمانبرداری و مَرْضَاتِكَ،
 وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، حَيَّلَ ثَنَاءً وَجَلْبَ خَشْنُودِيَّتْ بِكَارِ كَرِيمٍ وَدِرْ پَنَاهِ إِيْمَانٍ بِرَأْسِ تَأْنِيسٍ تَأْنِيسٌ كَمَا كَرِهْتُمْ
 داشته‌ای محفوظم دار، ستایش ذات تو و جِهتِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَرُؤَاغِهِ، وَجَعَلَنِي بَرَكَةً، حمد مخصوص
 خدایی است که مرا از واردین و زائرینش قرار داد، مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ مِنْ كَسَانِي كَمَا
 مساجدش را آباد می‌کنند و با او مناجات می‌نمایند، خُدَاوَنَدَا! من بنده

ص: ۴۵

فِي بَيْتِكَ، وَعَلَى كُلِّ مِائْتِي حَقٌّ لِمَنْ أَنَاهُ وَزَارَهُ، وَأَنْتَ خَيْرٌ وَزَائِرُ خَانِهَاتِ مِي بَاشَمِ وَ بَر هِر وَارِد وَ زَائِرِي حَقِي بِر صَاحِبِ خَانِه مِي بَاشَد، وَ تُو مِائْتِي وَأَكْرَمُ مَزُورٍ، فَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي بَهْتَرِينَ وَ گَرَامِي تَرِينَ كَسِي هَسْتِي كِه بِر اُو وَارِد مِي شُونَد، پَس از تُو مِي خَوَاهَم اِي خُدای رَحْمَان لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، بِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ، كِه مَعْبُودِي جَز تُو نِيَسْت تَنهَا وَ بِي هَمْتَايِي، يِگَانِه، يِگَانِه، بِي نِيَاز، لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولِدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ [لَكَ كُفُؤاً أَحَدٌ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ نِه زَادِه اِي وَ نِه زَادِه شُدِه اِي، وَ بَر اِي تُو هَمْتَايِي نَمِي بَاشَد وَ اِينَكِه مُحَمَّدٌ وَرَسُولُكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا بِنْدَه وَ فَرَسْتَادَه تُوَسْت كِه صَلَوَاتِ خُدَا بِر اُو وَ خَانْدَانَش بَاد اِي بَخْشَنَدَه مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تَحْفَتَكَ إِيَّايَ بِيْزِيَارَتِي اِي كَرِيمِ اِي بَزَرِگِ اِي خَطَاپُوشِ، اِي كَرِيمِ از تُو مِي خَوَاهَم كِه هَدِيَه مَرَا بِه خَاطِرِ إِيَّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.

زِيَارَتَم از خَانِه تُو، نَخَسْتِينَ عَطَايَتِ رَا رَهَايِيمِ از آتَشِ قَرَارِ بَدَه.

پَس سَه مَرْتَبَه بَگُويَد:

«اللَّهُمَّ فَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

«خُدَاوَنَدَا! مَرَا از آتَشِ رَهَايِي بَخْش.»

ص: ۴۶

آنگاه چنین ادامه دهد:

«وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرًّا» و از روزی حلال و پاکیزه بر من وسعت بخش و شرّ شیاطینِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ وَشَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

شیطان‌های جن و انس، و شر فاسقان عرب و عجم را از من دفع کن.»

پس داخل مسجد الحرام شود، و رو به کعبه دست‌ها را بلند نموده بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا، فِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي أَنْ «خداوندا! در این جایگاهم و در اوّل مناسکم از تو می‌خواهم که تَقْبَلَ تَوْبَتِي، وَ أَنْ تَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي وَ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي، توبه‌ام را پذیرا و از خطایم درگذری و وزر و وبالم را از من برداری الْخَمِيدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا حَمْدٌ مَخْصُوصٌ خَدَائِي است که مرا به بیت الله الحرام خویش رساند، خداوندا! من گواهی دهم که اینک بَيْتُكَ الْحَرَامُ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَ هُدًى بَيْتَ اللَّهِ الْحَرَامِي است که تو محلّ آمد و شد مردم و محل امن و مبارک و هدایت لِلْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَزِيدُكَ، وَالْبَلَدَ بَلَدُكَ، وَالْبَيْتَ بَيْتُكَ، جِئْتُ جِهَانِيَانِ قَرَارِ دَادِي، خداوندا! منم بنده تو و این شهر شهر توست و خانه خانه تو می‌باشد آمده‌ام

ص: ۴۷

أَطْلُبُ رَحْمَتَيْكَ، وَأَوْثَمُ طَاعَتَيْكَ، مُطِيعًا لِأَمْرِكَ، رَاضِيًا بِقَدْرِكَ، تَا رَحْمَتِ تُو رَا بَطْلِبِم وَ آهَنِكِ اطاعت تو کردم، فرمانبردار امر تو می‌باشم، و راضی به تقدیر تو هستم، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ. اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي از تو می‌خواهم همانند نیازمندی که از تو خائف می‌باشد، خداوندا! درهای أَبْوَابِ رَحْمَتِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ».

رحمت را به رویم بگشا و به طاعت و جلب رضایت وادارم ساز.»

بعد خطاب کند به کعبه و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَشَرَّفَكَ وَكَرَّمَكَ وَجَعَلَكَ مَثَابَةً» حمد خدایی را که ترا بزرگ و با شرافت و محل آمد و شد للناس وَأَمَّنَّا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ».

مردم و جای امن و مبارک و عامل هدایت جهانیان قرار داد.»

و مستحب است وقتی به محاذی «حجر الأسود» رسید، بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، «گواهی می‌دهم که معبودی جز خدای یکتای بی‌همتا نیست وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَابْنِ مَرْثَدَةَ وَابْنِ كَلْبَةَ وَابْنِ لُؤَيٍّ وَابْنِ عَبْسَةَ وَابْنِ مَرْثَدَةَ وَابْنِ كَلْبَةَ وَابْنِ لُؤَيٍّ وَابْنِ عَبْسَةَ» اوست، ایمان آوردم به خدا، و به جبت و

ص: ۴۸

وَالطَّاعُونَ وَاللَّامَاتِ وَالْعَزَى، وَعِبَادَةُ الشَّيْطَانِ، وَعِبَادَةُ كُلِّ نَسَبٍ طَاغُوتٍ وَ لَاتٍ وَ عَزَى وَ عِبَادَةُ شَيْطَانٍ وَ عِبَادَةُ هَرِّ جَه شَرِيكَ خدَا
يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

خوانده شود کفر می‌ورزم.»

امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمود: هنگامی که داخل مسجد شدی جلو برو تا روبروی «حجر الأسود» که رسیدی متوجه آن
شده، این دعا را بخوان:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا» حمد مخصوص خدایی است که ما را به اینجا هدایت کرد و اگر هدایت
خدا نبود به اینجاراه الله، سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، أَكْبَرُ نَمِي يَافْتِمِ، مَنْزَهَ اسْتِ خدَا وَ سِپَاسِ وَيْزَه اوست و
معبودی نیست جز خدا و خداوند بزرگ است، خداوند بزرگتر از مَنْ خَلَقَهُ، وَأَكْبَرُ مِمَّا أَحْشَى وَأَخْذَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخِدَهُ لَا
آفریده‌هایش می‌باشد، خداوند بزرگتر است از آنچه از آن بیمناکیم، معبودی جز خدای یکتای شریک له، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ،
يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُمِيتُ بِي هَمْتَا نِيسْت، ملك هستی و حمد برای اوست، زنده می‌کند و می‌میراند و می‌میراند وَيُحْيِي، بِيْدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ وَ دُوبَارَه زنده می‌کند، خیر و خوبی به دست اوست، و او بر هر چیز توانا است،

ص: ۴۹

صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، خدائوندا! سلام و درود فرست بر حضرت محمّد و آلش، و بر آنان برکت بخش؛ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَي إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ بهترین درود و برکت و رحمتی که بر ابراهیم و آلش إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَسَلَامٌ عَلَي جَمِيعِ النَّبِيِّينَ فرستاده‌ای که تو ستوده و بزرگی، سلام بر تمام پیامبران وَالْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ وَفَرَسْتَادِگَانِ، وَسِپَاسِ مَخْصُوصِ خدائوندا! بِرُؤُودِگَارِ جَهَانِيَانِ است، خدائوندا! بِوَعْدِكَ، وَأُصَدِّقُ رُسُلَكَ، وَآتَّبِعُ كِتَابَكَ».

به وعده توایمان دارم و پیامبرانت را تصدیق می‌کنم و از کتابت پیروی می‌نمایم.»

و در روایت معتبر وارد است که وقتی نزدیک حجرالأسود رسیدی دست‌های خود را بلند کن، و حمد و ثنای الهی را بجا آور، و صلوات بر پیغمبر بفرست، و از خدائوندا عالم بخواه که حجّ تو را قبول کند، پس از آن حَجْرَ را بوسیده و استلام نما. و اگر بوسیدن ممکن نشد لمس کن، و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن، و بگو:

«اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتَهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ،» خدائوندا! امانتم را ادا و پیمانم را تجدید کردم تا تو بر وفا به عهدم گواهی

دهی،

ص: ۵۰

اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّتِهِ نَبِيِّكَ، أَشْهَدُ أَنْ خَدَاوَنَدَا! كِتَابَتِ رَا تَصَدِّقِ مِی كَنَم وَ اَز سَنَّتِ پِیَا مَبْرَتِ - كِه دَرُود تُو بَر اُو وَ بَر
 آلش - پیروی می‌نمایم لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخِدَّةُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَ گواهی می‌دهم که معبودی جز خدای یکتای
 بی‌همتا نیست و محمّد بنده او آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَبِاللَّاتِ وَالْعُزَّىٰ وَرَسُولِ أَوْسْتِ، به خدا ایمان آوردم و
 به جبت و طاغوت و لات و عِبَادَةَ الشَّيْطَانِ، وَعِبَادَةَ كُلِّ نَدُّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ.»

و عَزَىٰ وَ عِبَادَتِ شَيْطَانِ وَ عِبَادَتِ هَر شَرِيكِي بَرَايِ خَدَا كَفَر مِی وَرَزَم.»

و اگر نتوانی همه را بخوانی قسمتی از آن را بخوان، و بگو:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَّطْتُ يَدِي وَفِيمَا عِنْدَكَ عَظُمَتْ رَعْبَتِي خَدَاوَنَدَا! به سوی تو دست گشودم و اشتیاقم به آنچه نزد توست بزرگ است
 فَأَقْبَلْ سُبْحَتِي، وَاعْفُرْ لِي وَارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَسْوَاقِ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَمَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.»

كَفَر، فَقْر، وَ خَوَارِي دُنْيَا وَ آخِرَتِ پَنَاه مِی بَرَم.»

ص: ۵۱

مستحبات طواف:**اشاره**

مستحب است حاجی در حال طواف، با کمال خلوص و توجه به خدا، در هر دوری از طواف های هفت گانه، راز و نیازی آهسته و آرام، با حضرت حق داشته باشد، پس علاوه بر اذکاری که دارد، می تواند در هر شوط این ادعیه را بخواند:

دعای اشواط طواف:

برای اینکه طواف کننده در تعداد دورهای طواف شک نکند، می تواند دعاهای وارده را تقسیم کرده و در هر دور طواف بخشی از آن را به قصد رجاء بخواند، و اگر تکرار شد مانعی ندارد.

دعای دور اول:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ، «خداوندا! از تو مسألت می کنم به آن نامت که با ذکر به وسیله آن بر روی آب راه می روند،

ص: ۵۲

كَمَا يُمَشِي بِهٖ عَلَى حِدَدِ الْأَرْضِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُ چنانچه بر روی زمین سخت و هموار، و از تو می‌خواهم به حق آن نامت که عرش برای آن که عَرْشُكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ لَهُ أَفْدَامُ مَلَائِكَتِكَ، به لرزه می‌افتد، و از تو می‌خواهم به حق آن اسمت که گام‌های فرشتگان به لرزه می‌افتد، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ، و از تو می‌خواهم به حق آن نامت که موسی ترا با آن از سوی کوه طور خواند فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَالْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي وَدَعَايَشِ را مستجاب کردی و محبت خویش را به او القا کردی، و از تو می‌خواهم به آن نامت که عَفَّرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا گناه گذشته و آینده حضرت محمد صلی الله علیه و آله را بخشیدی تَأَخَّرَ، وَأَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ، أَنْ تَرْزُقَنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» و نعمت خود را بر او تمام کردی که مرا از خیر دنیا و آخرت بهره‌مند سازی.» و حاجات خود را می‌خواهی.

دعای دور دوم:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَاقِرٌ، وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ، فَلَا تُعَيِّرْ» خداوندا! من به تو نیازمندم، و من بیمناک و پناه جویم، پس جسمم را دگرگون

ص: ۵۳

جِسْمِي وَلَا تُبَدِّلِ اِسْمِي».

مساز و نامم را تبدیل مکن»

سپس می گویی:

سَائِلُكَ فَفِيكَ مَسْكِينُكَ بِبَابِكَ، فَتَصِدَّقْ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ. اللَّهُمَّ گدای تو، مسکین تو به در خانه‌ات آمده، بهشت را البیتُ بیئتُک، وَالْحَرَمُ حَرَمُکَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُکَ، وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِهِ او عطا فرما، خداوندا! خانه، خانه تو و حرم، حرم تو و بنده، بنده تو است، الْمُسْتَجِيرُ بِكَ مِنَ النَّارِ، فَأَعْتِنِي وَوَالِدِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي و این است جایگاه پناهنده تو از آتش دوزخ، مرا و پدر و مادرم را و خانواده‌ام و فرزندانم وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ، یا جوادُ یا کریمُ».

و برادران ایمانی‌ام را از آتش آزاد ساز، ای بخشنده‌ای کریم.»

دعای دور سوم:

«اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَأَجِرْنِي بِرَحْمَتِكَ مِنَ «خداوندا! مرا به بهشت وارد ساز به رحمت از آتش پناهم ده، و از بیماری النَّارِ، وَعَافِنِي مِنَ السُّقْمِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، وَأَدْرَأْ عَافِيَتِمْ بَخْشِ، و از روزی حلال وسعتم ده، و دور کن از من شرّ

ص: ۵۴

عَنِي شَرًّا فَسَيَقَهُ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، وَشَرًّا فَسَيَقَهُ الْعَرَبَ وَالْعَجَمَ، يَا ذَا تَبْهَكَارَانَ جَنَّ وَاِنْسِ رَا، وَا شَرًّا فَاسْقَانَ عَرَبَ وَا عَجَمَ رَا، اِي صَاَحْبِ نَعْمَتِ الْمَنَّ وَالطُّوْلِ، وَالْجُودِ وَالْكَرَمِ، اِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي، وَا فَضْلُ، اِي بَخْشِنْدِه كَرِيْمِ، عَمَلْمِ ضَعِيفِ اسْتِ اَن رَا مِضَاعِفِ سَاَزِ، وَتَقَبَّلُهُ مِنِّي، اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.»
وَا ن رَا اَز مَن بِيْذِيْرِ كِه تُو شَنُوَا وَا دَا نَا بِي.»

دعای دور چهارم:

«يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ، وَخَالِقَ الْعَافِيَةِ، وَرَازِقَ الْعَافِيَةِ، «اِي خِدا! اِي صَاَحْبِ عَاْفِيَتِ وَا خَالِقِ عَاْفِيَتِ وَا رَاْزِقِ عَاْفِيَتِ وَالْمُنْعِمِ بِالْعَافِيَةِ، وَ الْمَنَّانِ بِالْعَافِيَةِ، وَالْمُتَّفَضِّلِ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَا بَخْشِنْدِه عَاْفِيَتِ وَا دِهِنْدِه نَعْمَتِ عَاْفِيَتِ وَا اَفْزَايِنْدِه عَاْفِيَتِ وَعَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، صِلْ بَر مَن وَا هَمِه اَفْرِيْدِه هَايَتِ، اِي خِدايِ رَحْمَانِ وَا رَحِيمِ دَر دُنْيَا وَا اَخْرَتِ، دَرُودِ فَرَسْتِ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَا آلِ مُحَمَّدٍ، وَا رَزَقْنَا الْعَافِيَةَ، وَدَوَّامَ الْعَافِيَةِ، وَتَمَامَ بَر مُحَمَّدٍ وَا خَانْدَانِشِ، وَا عَاْفِيَتِ رَا رُوْزِيْ گِرْدَانِ؛ تَمَامِ عَاْفِيَتِ الْعَافِيَةِ، وَشُكْرِ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»

وَا شُكْرِ عَاْفِيَتِ رَا دَر دُنْيَا وَا اَخْرَتِ اِي مِهْرَبَانَ تَرِيْنِ مِهْرَبَانَانَ.»

دعای دور پنجم:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَعَظَّمَكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ «حَمْدِ خِدايِ رَا كِه تُو (كِعْبِه) رَا شُرْفِ وَا عِظْمَتِ بَخْشِيْدِ، وَا حَمْدِ خِدايِ رَا سْتِ كِه مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَا آلهِ رَا مُحَمَّدًا نَبِيًّا، وَجَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا. اللَّهُمَّ اهْدِ لَهُ خِيَارَ خَلْقِكَ، وَجَبِّئْهُ بِه نُبُوتِ بَرَانْگِيخْتِ وَا عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامِ رَا اِمَامِ قَرَارِ دَاَدِ، خِداوِنْدَا نِيكَانِ خَلَقْتِ رَا بِه زِيَارَتِ كِعْبِه رِهْنَمُونِ بَاشِ، وَا تَبْهَكَارَانَ شِرَارَ خَلْقِكَ.»
رَا اَز اَن دُورِ گِرْدَانِ.»

اَنگَاَه مِي گُوِي:

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ! دَر دُنْيَا بِه مَا نِيكِي وَا دَر اَخْرَتِ نِيكِي بَخْشِ وَا اَز عِذَابِ النَّارِ.

بَا زَمَانَ دَارِ.»

دعای دور ششم:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنْ «خِداوِنْدَا! خَاْنِه، خَاْنِه تُو، وَا بِنْدِه، بِنْدِه تُو وَا اِيْنِ جَايْگَاَه پَنَاهنْدِه بِه تُو اَز النَّارِ. اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْحُ وَالْعَافِيَةُ. اللَّهُمَّ اِنَّ عَمَلِي آتَشِ اسْتِ، خِداوِنْدَا! اَز سُوِي تُو اسْتِ رَحْمَتِ وَا گِشَايِشِ وَا عَاْفِيَتِ، خِداوِنْدَا! عَمَلْمِ

ص: ۵۶

ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي، وَأَغْفِرْ لِي مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيَّ مِنِّي وَخَفِيَ ضَعِيفٌ اسْت، آن را مضاعف ساز، و آنچه را بر تو آشکار و بر خلقت پنهان است علی خَلْقِكَ، اَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ». بر من ببخش، از آتش به خدا پناه می برم.»

دعای دور هفتم:

«اللَّهُمَّ إِنَّ عِنْدِي أَفْوَاجاً مِنْ ذُنُوبٍ، وَأَفْوَاجاً مِنْ خَطَايَا «خداوندا! مرا انبوهی از گناه و انبوهی از لغزش است وَعِنْدَكَ أَفْوَاجٌ مِنْ رَحْمَتِهِ، وَأَفْوَاجٌ مِنْ مَغْفِرَتِهِ، يَا مَنْ اسْتَجَابَ وَتَرَا انبوهی از رحمت و انبوهی از مغفرت، ای آنکه مستجاب کردی دعای دشمن ترین لَأُبْعِضَ خَلْقِهِ إِلَيْهِ إِذْ قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ، اسْتَجِبْ لِي».

خلقت (شیطان) را، آنگاه که گفت: «مرا تا روز رستاخیز مهلت ده» دعایم را مستجاب گردان.»

سپس حاجات را بخواه و آنگاه بگو:

«اللَّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، وَبَارِكْ لِي فِيهَا آتَيْتَنِي».

«خداوندا! مرا به داده‌ات قناعت بخش، آنچه را داده‌ای برایم برکت ده.»

و هنگامی که مقابل مقام حضرت ابراهیم رسیدی، بگو:

ص: ۵۷

«اللَّهُمَّ أَعِزِّي مِنَ النَّارِ، وَوَسِّعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، «خداوندا! مرا از آتش آزاد ساز و از روزی حلال بر من وسعت بخش و آدرأ عَنِي شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ».

و شرّ فاسقان عرب و عجم و جنّ و انس را از من دور کن.»

وامام سجّاد علیه السلام هنگام طواف، به ناودان نگاه می‌کرد، و عرضه می‌داشت:

«اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَأَجِرْنِي بِرَحْمَتِكَ مِنَ «خداوندا! به رحمت خویش مرا به بهشت وارد ساز و از آتش النَّارِ، وَعَافِنِي

مِنَ السُّقْمِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، وَادْرَأْ پَنَاهِمْ دَه، و از بیماری عافیتم بخش و از روزی حلال بر من وسعت ده و شرّ عَنِي شَرَّ

فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ، وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

فاسقان جنّ و انس و عرب و عجم را از من دور کن.»

مستحبات نماز طواف:

در نماز طواف مستحب است بعد از حمد، در رکعت اول سوره «توحید» و در رکعت دوم سوره قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ را بخواند، و پس

از نماز، حمد و ثنای الهی را بجا آورده

ص: ۵۸

و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و از خداوند عالم طلب قبول نماید، و بگوید:

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي، وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي، الْحَمْدُ لِلَّهِ «خداوندا! از من بپذیر و این را آخرین دیدار و زیارتم قرار مده، حمد همه آن ویژه بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَي نِعْمَائِهِ كُلِّهَا، حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَي مَا خداوند است، بر تمام نعمت‌هایش، تا حدی که موجب حبّ و يُحِبُّ رَبِّي وَيَرْضَى اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَقَبَّلْ مِنِّي، رضای او باشد، خداوندا! درود فرست بر محمد و خاندانش، و از من قبول کن، دلم را پاک و طَهِّرْ قَلْبِي، وَزَكِّ عَمَلِي».

و عملم را پاکیزه ساز.» و در روایت دیگر چنین آمده است:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَوَاعِيَّتِي إِيَّاكَ، وَطَوَاعِيَّتِي رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ «خداوندا! مرا به واسطه اطاعتم از تو و پیامبرت صلی الله علیه و آله مورد رحمت علیه و آله. اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَتَعَدِّي حُدُودَكَ، وَاجْعَلْنِي قَرَارَ دَه، وَ از تجاوز از مرزهای اطاعت بازم دار، و از کسانی قرارم ده مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَيُحِبُّ رَسُولَكَ وَمَلَائِكَتَكَ وَعِبَادَكَ الصَّالِحِينَ».

که تو و پیامبرت و فرشتگانت و بندگان شایسته‌ات را دوست بدارم.» و در بعضی از روایات است که حضرت صادق علیه السلام بعد

از

ص: ۵۹

نماز طواف به سجده رفته و چنین می گفت:

«سَيَجِدُ وَجْهِي لَكَ تَعْبُدًا وَرِقًا، لِإِلَهِ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا، «از سر بندگی و بردگی، برایت چهره بر زمین می نهم، معبودی به حق جز تو نیست تو نخستین المأولُ قَبْلُ كُلِّ شَيْءٍ، وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ موجود، پیش از هر چیز و آخرین موجود پس از هر چیزی می باشی و اینک من که برابرت قرار دارم، يَدِيكَ نَاصِيَتِي يَدِيكَ، فَاعْفُ لِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ سرنوشت بدست تو می باشد، پس بیا مرز مرا که گناه بزرگ جز تو کسی نمی آمرزد، غَيْرُكَ، فَاعْفُ لِي، فَإِنِّي مُقِرٌّ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي، وَلَا يَدْفَعُ مَرَا بِيَا مَرَزُ که به گناهم اقرار دارم و گناه بزرگ را الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ».

جز تو از من دور نمی کند.» و بعد از سجده، روی مبارک آن حضرت از گریه چنان بود که گویا در آب فرو رفته باشد.

مستحبات سعی:

مستحب است پس از خواندن نماز طواف و پیش از سعی، مقداری از آب زمزم بیاشامد و به سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید:

ص: ۶۰

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ» خداوندا! آن را وسیله آموختن دانشی سودمند، و روزی فراخ، و شفای درد و بیماری و شفا قرار ده.

پس از آن نزدیک حجرالأسود بیاید، و مستحب است از دری که روبروی حجرالأسود است به سوی صفا متوجه شود، و با آرامش دل و بدن بالای صفا رفته، و به خانه کعبه نظر کند، و به رکنی که حجرالأسود در آن است رو نماید، و حمد و ثنای الهی را بجا آورد، و نعمت های الهی را به خاطر بیاورد، آنگاه این ذکر را بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» هفت مرتبه.

«خدای بزرگ است.»

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» هفت مرتبه.

«ستایش مخصوص خدا است.»

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» هفت مرتبه.

«معبودی جز الله نیست.»

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، «معبودی جز خدای یگانه بی‌همتا نیست، هستی او را است و ستایش ویژه او است»

ص: ۶۱

يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ حَيٌّ لَا- يَمُوتُ، يَبْدِيهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ زَنْدَاقِي مِي بَخْشَد و مِي ميراند، و او خود زنده فنا ناپذير است، خير بدست او است، و او بر شئي قديرٌ» (سه مرتبه).

هر چيز توانا ميباشد.»

پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و سه مرتبه بگويد:

«اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أُنْزَلْنَا، وَالْحَمْدُ «خدا بزرگ است که ما را هدايت کرد، ستايش مخصوص او است که ما را آزموذ ستايش لله الحي القيوم، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ».

ويژه خداوند زنده قائم بذات است و ستايش او را که زنده جاويداست.»

پس سه مرتبه بگويد:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا «گواهي مي دهم که خدائي جز خدای يکتا نيست، و گواهي مي دهم که حضرت محمد بنده و فرستاده اوست جز او نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».

را عبادت نمي كنم، دين خود را براي او خالص کرده‌ام گرچه مشركان ناخوش دارند.»

پس سه مرتبه بگويد:

ص: ۶۲

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا «خداوندا! من از تو بخشش، عافیت و یقین در دنیا و وَالْآخِرَةَ».

آخرت می‌طلبم.»

و سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ «خداوندا! در دنیا نیکی و در آخرت نیکی به ما عطا فرما، و از عذاب آتش

النَّارِ».

نگاهمان دار.»

پس بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» صد مرتبه.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» صد مرتبه.

«سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه.

پس بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، «نیست معبودی جز خدای یکتای یکتا که به وعده‌اش وفا کرد و بنده‌اش را یاری داد

ص: ۶۳

وَعَلَبَ الْأَحْزَابَ وَخَيَّدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَخَيَّدَهُ. اللَّهُمَّ و بر احزاب به تنهایی پیروز شد، مُلْكُ هستی او راست، و تنها ستایش برای او است خداوندا! بَارِكْ لِي فِي الْمَيُوتِ وَفِيمَا بَعَدَ الْمَيُوتِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مَرْغٍ، و پس از مرگ را بر من مبارک گردان، خداوندا به تو پناه می‌برم از ظلمه القبرِ وَوَحْشَتِهِ. اللَّهُمَّ أَظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ تَارِيكِي وَوَحْشَتِ قَبْرِ، خداوندا! مرا در سایه عرش در روزی که سایه‌ای جز سایه رحمت تو إِلَّا ظِلُّكَ».

نمی‌باشد جایم ده.»

و بسیار دعای بعد را که سپردن دین و نفس و اهل و مال خود به خداوند عالم است، تکرار کند، بگوید:

«اسْتَوْدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تَضِيْعُ وَدَائِعُهُ دِينِي «به خدای رحمان و رحیم که امانتی نزد او تباه نگردد، دینم وَنَفْسِي وَأَهْلِي. اللَّهُمَّ اسْتَعْمَلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ، و جانم و خانواده‌ام را می‌سپارم، خداوندا! مرا بر طبق کتاب و سنت پیامبرت توفیق عمل ده وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ، وَاعِدْنِي مِنَ الْفِتْنَةِ».

و مرا بر دین او بمیران و از فتنه پناهم ده.»

ص: ۶۴

پس «اللَّهُ أَكْبَرُ» سه مرتبه بگوید.

بعد دعای سابق را دو مرتبه تکرار کند، آنگاه یک بار دیگر تکبیر و دعا را بخواند، و اگر تمام این عمل را نتواند انجام دهد هر قدر که می‌تواند بخواند.

و مستحب است که رو به کعبه نماید، و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ، فَإِنْ عُدْتُ فَعُدْ عَلَيَّ «خداوندا! هر گناهی که تا کنون کرده‌ام بیا مرز، اگر گناه را از سر گرفتم تو آمرزش را برایم بالمغفرة، فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ. اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ اعَادَهُ كُنْ أَنْتَ بَخِشْنَدِه و مهربانی، خداوندا! با من چنان رفتار کن که شایسته اهلته، فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرْحَمْنِي، وَإِنْ تُعَذِّبْنِي تَوْسْتُ كِه اگر آنگونه که شایسته توست با من رفتار کنی به من رحم کرده‌ای و اگر عذابم کنی فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِي، وَأَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ، يَا مَنْ أَنَا تَوْبِي نِيَاز از عذاب من هستی و من نیازمند به رحمت پس ای کسی که من مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِي. اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، محتاج به رحمتش هستم رحم کن خدایا! با من چنان رفتار مکن که در خور آن فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبْنِي، وَلَمْ تَظْلِمْنِي، می‌باشم اگر با من بدانگونه که سزاوار آنم رفتار کنی در این صورت مرا عذاب خواهی کرد بی آنکه به من ستمی رواداری

ص: ۶۵

أَصِْبَحْتُ أَنْتَقِي عَدْلَكَ، وَلَا أَخَافُ جَوْرَكَ، فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا كَهْ مِنْ أَزْ عَدْلٍ تَوْبِيْمُنَا كَمْ وَ أَزْ سَتْمَتٍ دَرِ اَمَانٍ، اِي عَادَلِي كَه سَتْمِ رَوَا نَمِي دَارِي يَجُورُ اَرْحَمِنِي».

به من رحم فرما.»

پس بگويد:

«يَا مَنْ لَا- يَخِيْبُ سَائِلُهُ، وَلَا يَنْفَعُ نَائِلُهُ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ» اِي اَنَكِه گدا را نو مي د نَمِي كَنِي وَ عَطَايَتِ رَا پَايَانِي نِيَسْتِ، بَرِ مَحْمَدِ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَعْدُنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

و آل محمد درود فرست، و به رحمت مرا از آتش پناه ده.»

و در حديث شريف وارد شده است: ايستادن بر صفا را طول دهد، و هنگامي كه از صفا پايين مي آيد رو به خانه كعبه كند و بگويد:
 «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَفِتْنَتِهِ وَغُرَّتِهِ» خداوندا! من به تو پناه مي برم از عذاب و فتنه قبر و تنهائي و وحشتي و ظلمتي
 وَضِيْقِهِ وَضَنْكِهِ. اللَّهُمَّ اِظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ وَ تَرَسِ وَ تَارِيكِي وَ تَنْكِي وَ فِشَارِ اَنْ، خِداوندا! مرا در سايه عرش قرار ده روزي كه

ص: ۶۶

يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ».

سایه‌ای جز سایه لطف تو نیست.»

سپس می‌گویی:

«يا رَبِّ الْعَفْوِ، يا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، يا مَنْ هُوَ أَوْلَى بِالْعَفْوِ، يا مَنْ» ای پروردگار بخشنده، ای آنکه دستور بخشش دادی، ای آنکه سزوارترین فرد به عفو و بخششی، ای آنکه يُثِيبُ عَلَى الْعَفْوِ، الْعَفْوِ الْعَفْوِ، يا جِوَادُ يا كَرِيمُ يا قَرِيبُ، بر بخشیدن پاداش می‌دهی، بخشش، بخشش، بخشش، ای بخشنده ای کریم، ای نزدیک (به ما) يا بَعِيدُ، اَرْدُدْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ».

نعمت‌های از دست رفته را به من بازگردان، و در جهت اطاعت و خوشنودیت به کارم گیر.»

و مستحب است پیاده سعی نماید، و از صفا تا مناره میانه، راه رود، و از آنجا تا جایی که محل بازار عطاران بوده است (این فاصله با چراغ سبز مشخص شده)، (هَزْوَلَهْ کند)، و اگر سوار باشد این فاصله را کمی تند نماید، و از برای زنها هَزْوَلَهْ نیست، و مستحب است در هنگامی که به این محل می‌رسد، بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، «بنام خدا و با استعانت از او، خداوند بزرگ است، درود بر محمد و

ص: ۶۷

اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمْ، إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ خَائِدَانِ أَوْ، خِدَاوَنَدَا! بِيَا مَرْزُ وَرَحْمِ فَرْمَا وَاز آنچه می‌دانی در گذر که تو بسیار عزیز الْأَكْرَمُ، وَاهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ. اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ وَجَلِيلٌ وَكَرِيمٌ مِي بَاشِي، وَ مَرَا بِي رَاهِي كِي دَرَسْت اسْت هِدَايْت كُن، خِدَاوَنَدَا! عَمَلَمِ ضَعِيفٌ اسْت فَضَاعِفُهُ لِي، وَتَقَبَّلْ مِنِّي. اللَّهُمَّ لَكَ سَعْيِي، وَبِكَ حَوْلِي تُو مُضَاعَفَشِ كَرْدَانِ وَاز مَن بِيذِيرِ، خِدَاوَنَدَا! سَعِي مَن بَرَاي تُو اسْت، وَ تُوَانِ وَقُوَّتِي، تَقَبَّلْ عَمَلِي، يَا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلِ الْمُتَّقِينَ».

و نیرویم از تو می‌باشد، عملم را قبول فرما، ای آنکه عمل پرهیزکاران را می‌پذیری».

و چون از این قسمت گذشتی بگو:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْكَرَمِ وَالنِّعْمَاءِ وَالْجُودِ، اغْفِرْ لِي «ای صاحب نعمت و فضل و کرم و جود، بیا مرز ذُنُوبِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ».

گناهانم را که کسی جز تو گناهان را نمی‌آمرزد».

و هنگامی که به مروه رسید بالای آن برود، و بجا آورد آنچه را که در صفا بجا آورد، و بخواند دعاهای آنجا را به ترتیبی که ذکر شد. و پس از آن بگوید:

ص: ۶۸

«یا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، یا مَنْ يُحِبُّ الْعَفْوَ، یا مَنْ يُعْطِي عَلَيَّ» خداوندا! ای آنکه به بخشش دستور داده‌ای، ای آنکه بخشش را دوست داری، ای آنکه بر بخشش الْعَفْوِ، یا مَنْ يَعْفُو عَلَيَّ الْعَفْوِ، یَا رَبَّ الْعَفْوِ، الْعَفْوُ الْعَفْوُ».

پاداش می‌دهی، ای آنکه هر کس را که عفو کند، او راعفومی کنی، ای پروردگار بخشنده، الْعَفْوُ، الْعَفْوُ، الْعَفْوُ».

و مستحب است در گریه کردن بکوشد و خود را به گریه وا دارد، و در حال سعی دعا بسیار کند، و بخواند این دعا را:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِحَبْلِكَ عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ، وَصِدْقَ «خداوندا! از تو می‌خواهم که در هر حال مرا نسبت به خود حسن ظن عنایت کنی، و نیت التَّوَكُّلِ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيَّكَ».

صادق در توکل بر تو را خواستارم.»

آداب تقصیر عمره:

واجب است پس از اتمام دور سعی بین صفا و مروه، قسمتی از موی ناخن خود را به نیت تقصیر کوتاه کند، و بهتر آن است که اکتفا به گرفتن ناخن نکند بلکه از موی خود هم قدری کوتاه کند، که موافق احتیاط است، و تراشیدن سر در تقصیر عمره تمتع کفایت نمی‌کند، بلکه حرام می‌باشد.

و هنگام تقصیر مناسب است این دعا را بخواند:

ص: ۶۹

«اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

«خداوندا! به هر موئی، نوری در قیامت به من عطا فرما!»

اقسام حجّ:**اشاره**

حجّ بر سه قسم است:

۱. «حجّ تمتّع» و آن وظیفه کسانی است که ۴۸ میل (یعنی شانزده فرسخ) از مکه دور باشند، و حجّ تمتّع همراه عمره تمتّع است.
۲. «حجّ افراد» که عین حجّ تمتّع است با این فرق که در حجّ تمتّع قربانی واجب است و در حجّ افراد واجب نیست.
۳. «حجّ قرآن» مانند حجّ افراد است با این تفاوت که در حجّ قرآن، همراه آوردن قربانی لازم است. تفصیل مسائل اقسام حجّ را در مناسک مطالعه کنید.

واجبات حجّ تمتّع:

واجبات حجّ تمتّع ۱۳ عمل است:

۱. احرام بستن در مکه.
۲. وقوف در عرفات.

ص: ۷۰

۳. وقوف در مشعرالحرام.
 ۴. زدن سنگ بر جمره عقبه در روز عید.
 ۵. قربانی در منا.
 ۶. تراشیدن سر یا تقصیر کردن در منا.
 ۷. طواف زیارت در مکه.
 ۸. دو رکعت نماز طواف.
 ۹. سعی بین صفا و مروه.
 ۱۰. طواف نساء.
 ۱۱. دو رکعت نماز طواف نساء.
 ۱۲. ماندن در منا شب یازدهم و دوازدهم (و در بعضی موارد شب سیزدهم).
 ۱۳. رمی جمرات در روز یازدهم و دوازدهم.
- ودعاهای وارده ضمن این اعمال از قرار زیر می باشد:

مستحبات إِمْرَامِ حَجِّ تا وقوف به عرفات:

اموری که در احرام عمره مستحب بود در احرام حج نیز مستحب است، و پس از این که شخص احرام بست واز مکه بیرون آمد، همین که بر «أَبْطَح» مشرف شد، به آواز بلند تلبیه

ص: ۷۱

گوید، و چون متوجه منا شود بگوید:

«اللَّهُمَّ إِيَّاكَ أَرْجُو وَإِيَّاكَ أَدْعُو، فَبَلِّغْنِي أَمَلِي، وَأَصْلِحْ لِي «خداوندا! تنها بتو امیدوارم و فقط ترا می‌خوانم پس مرا به آرزویم برسان و عملم را عملی».

اصلاح فرما.»

و با وقار و دل آرام، و در حال گفتن سبحان الله و ذکر حق تعالی حرکت کند، و چون به منا رسید بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقْدَمَ مِنِّيهَا صَالِحاً فِي عَافِيَةٍ وَبَلَّغَنِي هَذَا «حمد مخصوص خدایی است که مرا به شایستگی و تندرستی به منا رساند و به این مکان المکان».

وارد ساخت.»

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنِّي وَهِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهِ مِنَ الْمَنَاسِكِ، «خداوندا! اینک منا است که بر ما نسبت به توفیق انجام مناسک منت نهادی فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ فِيهَا بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ أَوْلِيَاءِكَ، فَإِنَّمَا أَنَا بِسِوَاكَ مِنْ نَبِيٍّ، فَانْتِزِعْ عَنِّي قَبْضَتَكَ.»

در اختیار تو می‌باشم.»

ص: ۷۲

و مستحب است شب عرفه را در منا بوده، و به اطاعت الهی مشغول باشد، و بهتر آن است که عبادات و خصوصاً نمازها را در مسجد حَیْفُ بجا آورد، و چون نماز صبح را خواند تا طلوع آفتاب تعقیب نماز بخواند، پس به سوی عرفات روانه شود، و اگر خواسته باشد بعد از طلوع صبح برود مانعی ندارد، ولی سنت آن است که تا آفتاب طلوع نکرده از وادی مُحَسَّر رد نشود، و روانه شدن پیش از صبح مکروه است، و چون به عرفات متوجه شود، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ، وَإِلَيْكَ اعْتَمَدْتُ، وَوَجَّهْتُكَ أَرَدْتُ، «خداوندا! آهنگ ترا کرده‌ام و به تو اعتماد نموده‌ام، و تقرب به ترا خواسته‌ام، اَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي، وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي، وَأَنْ وَازِئِي خَوَافِي» که سفرم را مبارک گردانی و حاجتم را برآورده سازی تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ الْيَوْمَ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي».

و مرا قرار دهی از جمله بهترین کسانی که به وجودشان مباحات می‌کنی.»

ص: ۷۳

مستحبات و اعمال شب عرفه:

شب نهم ذی حجه که شب عرفه است در فضیلت و احیا و دعا و عبادت مانند روز عرفه است، و مستحب است که در آن شب این دعاها خوانده شود.

دعای شب عرفه:

«اللَّهُمَّ يَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى وَمَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى وَعَالِمَ كُلِّ خَدَايَا آيَ آغَاةٍ هِرَ رَاذٍ وَ مَرَجِعِ هِرَ شَكَايَةِ وَ دَانَايَ هِرَ خَفِيَّةٍ، وَ مُنْتَهَى كُلِّ حَاجِيَّةٍ، يَا مُبْتَدِئًا بِالنِّعَمِ عَلَى الْعِبَادِ، يَا كَرِيمَ پَنَهَانِ وَ مُنْتَهَايَ هِرَ حَاجَتِ آيَ آغَاذِنْدَةِ نِعْمَتِهَا بِرَبِّنْدِگَانِ آيَ بَزْرَگِ گِذِشْتِ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا جَوَادُ، يَا مَنْ لَا يُوَارِي مِنْهُ لَيْلٌ دَاجٍ، آيَ نِيكُو دِرَ گِذَرِ آيَ بَخِشِنْدَةِ آيَ كِهَ نَهَ شَبِّ تَارِ چِيَزِي رَا اَز تُو پَنَهَانِ كِنْدَ وَلَا بَحْرٌ عَجَاجٌ، وَلَا سَيَّمَاءُ ذَاتُ أُنْبُرَاجٍ، وَلَا ظُلْمٌ ذَاتُ أَرْتِنَاجٍ، يَا وَ نَهَ دِرِيَايَ مَوَاجٍ وَ نَهَ آسْمَانِ پَرِسْتَارِهِ وَ نَهَ تَارِيكِيهَائِ پِيچِيدِهِ دِرْهَمِ آيَ مَنْ الظُّلْمَةُ عِنْدَهُ ضِيَاءٌ، أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، الَّذِي كَسَى كِهَ تَارِيكِي دِرِ پِيشِ اُو رُوشَنِ اسْتِ اَز تُو خَوَاهِمِ بَهَ حَقِّ نُورِ ذَاتِ بَزْرَگَوَارْتِ كِهَ

ص: ۷۴

تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ، فَجَعَلْتَهُ ذِكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَبَعًا، وَبِاسْمِكَ بَدَانَ وَسِيلَهُ بِرُكُوهٍ تَجَلَّى فَرْمُودِي وَآنَا مِتَلَّاشِي كَرْدِي وَ مُوسَى مَدَهوش
 بِرُزْمِينِ افْتَادِ وَ بِه هِمَانِ نَامَتِ الَّذِي رَفَعْتَ بِهِ السَّمَاوَاتِ بِلا عَمِيدٍ، وَسَيَطَحَتْ بِهِ الْأَرْضَ عَلَيَّ كِهَ آسْمَانِهَا رَا بَدُونِ سَتُونِ بَرَا فَرَاشْتِي وَ
 زَمِينِ رَا بِرُويِ أَبِي وَجِهِ مَاءِ جَمِيدٍ، وَبِاسْمِكَ الْمَخْرُوجِينَ الْمَكْتُوبِ الطَّاهِرِ مَنْجَمِدِ شَدِه پَهِنِ كَرْدِي وَ بَدَانَ نَامِ مَكْتُوبِ وَ
 مَحْفُوظِ وَ پَاكْتِ كِهَ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجِبْتَ، وَإِذَا سُئِلْتَ بِهِ أُعْطِيَتْ، وَبِاسْمِكَ هِرْگَاهِ بَدَانَ تَرَا بِخَوَانَدَتِ اجَابَتِ كَنِي وَ هِرْگَاهِ بَدَانَ
 اَز تُو خَوَانَدِ عَطَا فَرْمَائِي وَ بِه حَقِ نَامِ السُّبُوحِ الْقُدُوسِ الْبُرْهَانِ الَّذِي هُوَ نُورٌ عَلَيَّ كُلِّ نُورٍ، وَنُورٌ مِنْ مَنزَهٍ وَ مَقْدَسٍ وَ رُوشَنَتِ كِهَ آن
 نُورِ اسْتِ بِرُ هِرْ نُورِي وَ نُورِ اسْتِ نُورٍ، يُضَيُّ مِنْهُ كُلُّ نُورٍ، إِذَا بَلَغَ الْأَرْضَ انشَقَّتْ، وَإِذَا بَلَغَ مِنْ نُورِي كِهَ رُوشَنِي كِيرِدِ اَز آن هِرْ نُورِ
 چُونِ بِه زَمِينِ رَسَدِ شَكَا فْتِهَ شُودِ وَ چُونِ بِه السَّمَاوَاتِ فُتِحَتْ، وَإِذَا بَلَغَ الْعَرْشَ اهْتَرَّ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي تَوَعَّدُ آسْمَانِهَا رَسَدِ گَشُودِه شُودِ وَ
 چُونِ بِه عَرْشِ رَسَدِ بَلِرْزَدِ وَ بِه حَقِ آن نَامَتِ كِهَ بَلِرْزَدِ مِنْهُ فَرَائِصُ مَلَائِكَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ اَز آن اَنْدَامِ فَرَشْتِگَانَتِ
 وَ اَز تُو خَوَاهِمِ بِه حَقِّ جِبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ اسْرَافِيلَ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى وَ اسْرَافِيلَ وَ بِه حَقِّ مُحَمَّدِ مُصْطَفَى
 كِهَ دَرُودِ خُدا بِرَاوِ وَ آلِّشِ وَ بِرِ

ص: ۷۵

جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَجَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ، وَبِإِسْمِ الَّذِي مَشَى بِهِ الْخَضِرُ جَمِيعِ پيبران و همه فرشتگان و به حق آن نامی که حضرت خضر بوسیله آن علی طَلَلِ الْمَاءِ كَمَا مَشَى بِهِ عَلَى جَدِّ الْأَرْضِ، وَبِإِسْمِكَ بِرُوحِ امواج آب دریا راه می‌رفت چنانچه بر روی زمین هموار راه می‌رفت و به حق آن نامت الَّذِي فَلَقْتَ بِهِ الْبَحْرَ لِمُوسَى وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ، که شکافتی بدان دریا را برای موسی و غرق کردی فرعون و قوم او را وَأَنْجَيْتَ بِهِ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ مِنْ نَجَاتٍ دادی بدان موسی بن عمران و همراهانش را و به حق آن نامت که جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَالْقَيْتَ موسی بن عمران بوسیله آن تو را خواند از جانب راست کوه طور و اجابتش کردی عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ، وَبِإِسْمِكَ الَّذِي بِهِ أَحْيَا عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ و محبت خود را بر دلش انداختی و به حق آن نامت که عِيسَى بْنُ الْمَرْيَمِ وَتَكَلَّمَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا، وَأَبْرَأَ الْأَكْمَةَ وَالْمَأْبُورَةَ مَرِيماً بوسیله‌اش مردگان را زنده کرد و در گهواره در زمان کودکی سخن گفت و کور مادرزاد و مبتلای به مرض برص را يَادُوتَكَ، وَبِإِسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ حَمَلُهُ عَزْشَكَ وَجَبْرَائِيلُ به اذن تو شفا داد و بدان نامت که خواند بوسیله آن تو را حاملین عرشت و جبرئیل وَمِيكَائِيلُ وَأَسْرَافِيلُ، وَحَبِيبِكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، و میکائیل و اسرافیل و حبیبت محمد صلی الله علیه و آله

ص: ۷۶

وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبُونَ، وَأَنْبِيَائُكَ الْمُرْسَلُونَ، وَعِبَادُكَ الصَّالِحُونَ و فرشتگان مقرب و پیمبران مرسلت و بندگان شایسته‌ات مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَنْ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ از اهل آسمانها و زمینها و بدان نامت که یونس تو را بدان نام خواند ذُو النَّوْنِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي ذُرَاهِ أَنْ هُنَا كَمَا كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، میان تاریکیها که معبودی جز تو نیست منزهی تو و براستی من از ستمکاران هستم فَاسْتَجَبَتْ لَهُ وَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْعَمِّ، وَكَذَلِكَ تُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ، پس تو اجابتش کردی و از اندوه نجاتش دادی و این چنین نجات دهی مؤمنان را وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ دَاوُدُ وَخَرَّ لَكَ سَاجِدًا، فَعَفَوْتَ و بدان نام عظیمت که داود بدان نام تو را خواند و برایت به سجده افتاد پس گنااهش لَهُ ذَنْبُهُ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ آسِيَةُ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ اٰمُرْ بِذُنُوبِ رَبِّكَ وَلَا تُنصِرِ الْكٰفِرِ الْبٰسِطِ الْاَيْدِي وَنَجِّنِي لِئَلَّا يَكُوْنَنَّ لِيْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مَوْجِدًا و بدان نامت که آسیه همسر فرعون بدان نام تو را خواند و گفت: پروردگارا اَبْنِ لِيْ عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِيْ لِئَلَّا يَكُوْنَنَّ لِيْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مَوْجِدًا و بدان نامت که من نزد خود در بهشت خانه‌ای بنا کن و نجاتم ده از فرعون و کردارش و نجاتم ده مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجَبَتْ لَهَا دُعَاؤُهَا، وَبِاسْمِكَ الَّذِي از دست مردم ستمکار پس دعایش را اجابت کردی و بدان نامت که

ص: ۷۷

دَعَاكَ بِهِ أَيُّوبُ إِذْ خَلَّ بِهِ الْبَلَاءُ، فَعَافَيْتَهُ وَآتَيْتَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ أَيُّوبُ تُو را بدان خواند در آن هنگام که بلا بر او نازل شد پس او را تندرست کرده و کسانش را به او دادی و نظائرشان را مَعَهُمْ رَحِمَهُ مِنْ عِنْدِكَ وَذِكْرِي لِلْعَابِدِينَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ نِزَازِ رَحْمَتِ خَوِيْشِ وَ پِنْدِي بَرَايِ پَرَسْتَشِ كَنَنْدِگَانِ وَ بَدَانِ نَامْتِ كِه يَعْقُوبُ بِهِ يَعْقُوبُ، فَزَدَدْتِ عَلَيِّهِ بَصِيرَةً وَقَرَّةً عَيْنِهِ يُوسُفَ، وَجَمَعْتَ تُو رَا بَدَانِ نَامِ خَوَانْدِ پَسِ بِيْنَئِيْشِ رَا وَ نُوْرِ دِيْدِهَاشِ يُوْسُفَ رَا بِهْ اُو بَازِگَرْدَانْدِي وَ پَرِيْشَانِيْشِ رَا شَمْلَهُ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ سُلَيْمَانَ، فَوَهَبْتَ لَهُ مُلْكًا لَا يَرْطَفُ كَرْدِي وَ بَدَانِ نَامْتِ كِه سَلِيْمَانِ بَدَانِ تُو رَا خَوَانْدِ پَسِ بَدُو سَلْطَنْتِي دَادِي كِه يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي شَايِسْتِهْ نَبُوْدِ بَرَايِ هِيْچَكْسِ پَسِ اَزِ اُو وَ بَرَاَسْتِي تُو پَرِيْخَشْشِي وَ بَدَانِ نَامْتِ كِه سَخَّرْتَ بِهِ الْبَرَاقَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، إِذْ قَالَ بَرَاقَ رَا بَرَايِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَسْخَرَ كَرْدِي أَنْجَا كِه فَرْمُوْدِي:

تَعَالَى سُبْحَانَ الَّذِي اشْرَى بَعْدَهُ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ «منزه است خدائی که راه برد بنده‌اش را شبانه از مسجد الحرام إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى وَقَوْلُهُ: سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا تَا مَسْجِدِ أَقْصَى» وَ كَفْتَارِ دِيْگَرْتِ: «منزه است خدائی که مسخر کرد برای ما این را وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَأَنَا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي وَگَرْنِهْ مَا نِيْرُوِي تَسْخِيْرِشِ رَا نِدَاشْتِيْمِ وَ مَا بَسُوِي پَرُوْرْدِگَارْمَانِ بَاZِ مِيْ كَرْدِيْمِ» وَ بَدَانِ نَامْتِ كِه

ص: ۷۸

تَنْزَلَ بِهِ جِبْرِئِيلُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي نَازَلَ مِي شَد بوسيله آن جبرئیل بر محمد صلی الله علیه و آله و بدان نامت که دَعَاكَ بِهِ آدَمُ، فَعَفَوْتَ لَهُ ذَنْبَهُ وَاسْمِكَ كَتَبْتَهُ جَنَّتِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ خَوَانِدِ بَدَانِ نَامِ تُو رَا آدَمِ پَسِ گَنَاهِشِ آمْرَزِيدِي وَ دَرِ بَهْشْتِ جَايشِ دَادِي وَ از تُو خَوَاهِمِ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَبِحَقِّ اِبْرَاهِيمَ بِهِ حَقِّ قُرْآنِ عَظِيمِ وَ بَهِ حَقِّ مُحَمَّدِ خَاتَمِ پیمبران و به حق ابراهیم وَبِحَقِّ فَضِيلِكَ يَوْمَ الْقَضَاءِ، وَبِحَقِّ الْمَوَازِينِ إِذَا نُصِبَتْ، وَ وَ بَهِ حَقِّ جَدَا كَرْدَنْتِ حَقِّ وَ بَاطِلِ رَا دَرِ رُوْزِ دَاوَرِي وَ بَهِ حَقِّ مِيزَانِهَا هَنْگَامِي كِه نَصَبِ كَرْدَدِ الصُّحُفِ إِذَا نُشِرَتْ، وَبِحَقِّ الْقَلَمِ وَمَا جَرَى وَاللُّوحِ وَمَا وَ نَامِهَا أَنْگَا كِه كَشُودِه شُودِ وَ بَهِ حَقِّ قَلَمِ وَ أَنْجِه بَنُويسِدِ وَ لُوحِ وَ أَنْجِه أَحْصَى وَبِحَقِّ الْإِسْمِ الَّذِي كَتَبْتَهُ عَلَى سُرَادِقِ الْعَرْشِ قَبْلَ بِشْمَارِدِ وَ بَهِ حَقِّ آن نَامْتِ كِه نُوشتِي آنرا بر سر پرده‌های عرش پیش خَلْقِكَ الْخَلْقَ وَالْدُّنْيَا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ بِأَلْفِي عَامٍ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ جِزِ خُدَايِ خُورْشِيدِ وَ مَاهِ رَا خَلْقِ فَرْمَائِي بِهِ دُو هِزَارِ سَالِ وَ گَوَاهِي دِهْمِ كِه مَعْبُودِي إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ جِزِ خُدَايِ يَكَا نِه نِهْسْتِ كِه شَرِيكِي نَدَارِدِ وَ اِينَكِه مُحَمَّدِ بَنْدِه وَرَسُولُهُ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ فِي خَزَائِنِكَ الَّذِي وَرَسُولِ او اَسْتِ وَ از تُو خَوَاهِمِ بَدَانِ نَامِ مَحْفُوظِ دَرِ خَزِينِه‌هَائِي

ص: ۷۹

اَسْتَأْتُرَتْ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، لَمْ يَطْهَرْ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ كَمَا مَخْصُوصِ خُودِ سَاخْتِي أَنرَا دَرِ عِلْمِ غَيْبِ دَرِ نَزْدِ خُوَيْشْتَنِ وَ آگَاہِ نَشْدِ بَرِ آنِ هِيچْکَسِ ازِ خَلْقَتِكَ، لَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَلَا عَبْدٌ مُصِطَفَى، خَلَقَ تُو نَهِ فَرِشْتَهٗ مَقْرَبِي وَ نَهِ پِيَاْمِبِرِ مَرْسَلِي وَ نَهِ بَنْدَهٗ بَرِ گَزِيْدَهٗ اِي وَ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي شَقَقْتَ بِهِ الْبِحَارَ، وَقَامَتْ بِهِ الْجِبَالُ، وَ ازِ تُو خُوَاہِمِ بَدَانِ نَامْتِ كِهٖ شَكَاْفْتِي بَدَانِ دَرِيَاہَا رَا وَ بَرِيَا شُدِ بَدَانِ كُوْهَهَا وَ اَخْتَلَفَ بِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَ بَحَقُّ السَّعِ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَ دَرِ رَفْتِ وَ آْمَدِ شُدِ بَدَانِ شَبِّ وَ رُوْزِ وَ بَهٗ حَقِّ سُوْرَهٗ مَبَارَكِهٖ حَمْدِ وَ قُرْآنِ وَ بَحَقِّ الْكِرَامِ الْكَاتِبِيْنَ، وَ بَحَقُّ «طَاهَا» وَ «يَا سِيْنِ» وَ «كَافِ» هَا يَا عَظِيْمِ وَ بَهٗ حَقِّ نُوَيْسِنْدِگَانِ اَرْجَمَنْدَتِ وَ بَهٗ حَقِّ طِهٖ وَ يَسِ وَ كَهِيْعَصِ عِيْنِ صَادِ» وَ «حَامِيْمِ عِيْنِ سِيْنِ قَافِ»، وَ بَحَقِّ تُوْرَاةِ مُوسَى وَ اِنْجِيْلِ وَ حَمْعَسَقِ وَ بَهٗ حَقِّ تُوْرَاتِ مُوسَى وَ اِنْجِيْلِ عِيْسَى وَ زَبُوْرِ دَاوُدَ، وَ فُوْرْقَانِ مُحَمَّدٍ، صَدَّقَ اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَلِيٍّ وَ قُرْآنِ مُحَمَّدِ كِهٖ دَرُوْدِ تُو بَرَاوِ وَ آلِشِ وَ بَرِ جَمِيْعِ رَسُوْلَانِ بَادِ وَ بَهٗ حَقِّ بَاہِي جَمِيْعِ الرُّسُوْلِ وَ بَاہِيًّا وَ شَرَاہِيًّا. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ تِلْكَ الْمُنَاجَاةِ وَ شَرَاہِي (كِهٖ دُو نَامِ اعْظَمِ يَا نَامِ دُو تَنِ ازِ بَزْرِگَانِ دِيْنِ اسْتِ) خُدَايَا ازِ تُو خُوَاہِمِ بَهٗ حَقِّ آنِ مَنَاجَاتِي كِهٖ مِيَاْنِ تُو التِّي كَانَتْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فَوْقَ جَبَلِ طُوْرِ سَيْنَاءِ، وَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ دَرِ بَالَايِ كُوْهِ طُوْرِ سَيْنَاءِ گَزْدَشْتِ وَ ازِ تُو خُوَاہِمِ بَهٗ آنِ نَامْتِ

ص: ۸۰

و أَشْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَلَّمْتَهُ مَلَكَ الْمَوْتِ لِقَبْضِ الْأَرْوَاحِ، وَأَسْأَلُكَ كَمَا أَنَّكَ لَتَلِكُ نُوشْتَهْ شَدَّ بِهٖ بَرَكُ زَيْتُونٍ وَ آتَشَهَا دَر مَقَابِلِ أَنْ خَوَاهِمِ بَدَانِ نَامَتِ كَمَا بِاسْمِكَ الَّذِي كُتِبَ عَلَيَّ وَرَقِ الزَّيْتُونِ، فَخَضَعَتِ النَّيْرَانُ لِتَلِكُ نُوشْتَهْ شَدَّ بِهٖ بَرَكُ زَيْتُونٍ وَ آتَشَهَا دَر مَقَابِلِ أَنْ خَوَاهِمِ بَدَانِ نَامَتِ كَمَا بِاسْمِكَ الَّذِي كُتِبَتْ: يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسِلَامًا، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ وَ فَرمودی «ای آتش سرد و سلامت باش» و از تو خواهم بدان نامت که نوشتی آنرا الَّذِي كَتَبْتَهُ عَلَيَّ سِرَادِقِ الْمَجِيدِ وَالْكَرَامِيَّةِ، يَا مَنْ لَا يُخْفِيهِ سَائِلٌ وَلَا بِرِ سَرَاپَرْدَه‌های مَجِدِ وَ كَرَامَتِ ای که درمانده‌اش نکند سائلی يَنْقُضُهُ نَائِلٌ، يَا مَنْ بِهٖ يُسْتَتَغَاثُ وَإِلَيْهِ يُلْجَا، أَشْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ وَ نَکَاهِدَشِ دَادَنِ جَايزه‌ای، ای که به او استغاثه شود و به او پناه برند از توخواهم به حق آنچه موجب عزت من عَزَّتِكَ، وَ مُمْتَهِي الرَّحْمَةَ مِنْ كِتَابِكَ، وَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ، عَرِشَتِ گشته و به آخرین حد نهائی رحمت از کتاب تو و به اسم اعظم وَ جَدُّكَ الْأَعْلَى وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ الْعُلَى اللَّهُمَّ رَبَّ الرِّيَّاحِ وَ مَقَامِ وَالْآتِرَتِ وَ كَلِمَاتِ كَامَلَهٗ وَ الْاَيَاتِ خَدَايَا ای پروردگار بادهَا وَ مَا ذَرَّتْ، وَ السَّمَاءِ وَ مَا أَظَلَّتْ، وَ الْأَرْضِ وَ مَا أَقَلَّتْ، وَ آنچه پراکنده کنند و پروردگار آسمان و آنچه را سایه کند و پروردگار زمین و آنچه بر خود دارد و پروردگار شياطينِ وَالشَّيَاطِينِ وَ مَا اضَلَّتْ، وَ الْبِحَارِ وَ مَا جَزَّتْ، وَ بِحَقِّ كُلِّ حَقِّ هُوَ وَ آنچه را گمراه کند و دریاها و آنچه را همراه برند و به حق هر حقی که بر تو است

ص: ۸۱

عَلَيْكَ حَقٌّ، وَبِحَقِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالرُّوحَانِيِّينَ وَالْكَرُوبِيِّينَ وَبِهِ حَقُّ فَرَشْتِكُنَّ مَقْرَبَتِ وَرُوحَانِيَانِ وَكُرُوبِيَانِ وَآنَاكَه تَسْبِيحَتِ كُنْدِ وَالْمَسِيحِيْنَ لَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَا يَفْتُرُونَ، وَبِحَقِّ اِبْرَاهِيْمَ بِه شَبِّ وَرُوزِ بِي اَنَكِه سَسْتِي كُنْدِ وَبِه حَقِّ اِبْرَاهِيْمِ خَلِيْلِ تُو وَبِه حَقِّ هَرِ خَلِيْلِكَ، وَبِحَقِّ كُلِّ وَلِيٍّ يُنَادِيكَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ، وَلِيٍّ وَدُوسْتِي كِه تُو رَا دَر مِيَانِ صَفَا وَ مَرْوِه صَدَا زَنْدِ وَدَعَايِشِ رَا بِه اِجَابَتِ رَسَانِي اِي وَتَسْتَجِيْبُ لَهُ دُعَاةُ يَا مُجِيْبُ، اَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْاَسْمَاءِ اِجَابَتِ كُنْنْدِه اِز تُو خَوَاهِمِ بِه حَقِّ اِيْنِ نَامِهَا وَبِه اِيْنِ دَعَاها كِه بِيَاْمَرْزِي اَنُچِه اِز گَنَاهَانِ كِه وَبِهَذِهِ الدَّعَوَاتِ اَنْ تَغْفِرَ لَنَا مَا قَدَّمْنَا وَمَا اَخَّرْنَا وَمَا اَسْرَرْنَا وَمَا اِزْپِشِ دَاشْتِه وَ اِز اِيْنِ پَسِ دَارِيْمِ وَ اَنُچِه پَنِهَانِ كَرْدِه وَ اَنُچِه رَا اَشْكَارِ كَرْدِيْمِ وَ اَنُچِه رَا ظَاہِرِ كَرْدِه وَ اَنُچِه رَا مَخْفِي كَرْدِيْمِ اَعْلَنَّا وَمَا اُبْدَيْنَا وَمَا اَخْفَيْنَا وَمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِه مِنَّا، اِنَّكَ عَلِي كُلِّ وَ اَنُچِه رَا تُو بَدَانِ اَگَاہْتَرِي اِز مَا كِه بَرَاَسْتِي تُو بَرِ هَرِ چِيْزِ تُوَانَائِي بِه رَحْمَتِ اِي شَيْءٍ قَدِيْرٍ، بَرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ، يَا حَافِظَ كُلِّ غَرِيْبٍ، مَهْرَبَانْتَرِيْنِ مَهْرَبَانَانِ اِي نَگَهْدَارِ هَرِ غَرِيْبِ اِي هَمْدَمِ هَرِ تَنُهَا اِي يَا مُوْنِسَ كُلِّ وَجِيْدٍ، يَا قُوَّةَ كُلِّ ضَعِيْفٍ، يَا نَاصِرَ كُلِّ مَظْلُوْمٍ، يَا نِيْرُوِي هَرِ نَاتُوَانِ اِي يَاوَرِ هَرِ سَتْمَدِيْدِه اِي رُوْزِي دِه هَرِ مَحْرُوْمِ اِي رَاْزِقَ كُلِّ مَحْرُوْمٍ، يَا مُوْنِسَ كُلِّ مُسْتَوْحِشٍ، يَا صَاْحِبَ كُلِّ مُوْنِسٍ هَرِ وَحْشْتِ زَدِه اِي هَمْرَاهِ هَرِ مَسَاْفِرِ اِي تَكِيَه گَاہِ هَرِ

ص: ۸۲

مُسَافِرٍ، يَا عِمَادَ كُلِّ حَاضِرٍ، يَا غَافِرَ كُلِّ ذَنْبٍ وَخَطِيئَةٍ، يَا غِيَاثَ حَاضِرٍ فِي وَطَنِ الْآمِرِزْنَةِ هَرِ گناه و خطای فریادرس فریادخواهان
 الْمُسْتَعِثِينَ، يَا صَبْرِيخَ الْمُسْتَضْرِحِينَ، يَا كَاشِفَ كَرْبِ الْوَالِدِ دَادِخَوَاهَانِ الْبِرطَرِفِ كُنْدَه مَحْنَتِ مَحْنَتِ زِدْگَانِ الْغَمَزْدَايِ
 الْمَكْرُوبِينَ، يَا فَارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومِينَ، يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ غَمَزْدِگَانِ الْفِرْجِ بَخْشَايِنْدَه اِنْدُوهُنَاكَانِ الْپَدِيدِ آرِنْدَه اَسْمَانِهَا وَالْأَرْضِيْنَ، يَا
 مُنْتَهَى غَايَةِ الطَّالِبِينَ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ زَمِينِهَا اَيِ مَنْتَهَايِ مَقْصُودِ جُويِنْدِگَانِ اَيِ اَجَابَتِ كُنْدَه دَعَايِ الْمَضْطَرِّينَ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا
 رَبَّ الْعَالَمِينَ، يَا دَيَانَ يَوْمِ دَرْمَانْدِگَانِ اَيِ مَهْرَبَانْتَرِينَ مَهْرَبَانَانِ اَيِ پَرُورْدِگَارِ جِهَانِيَانِ اَيِ جَزَادَهِنْدَه الدِّينِ، يَا اَجْوَدَ الْاَجْوَدِينَ، يَا اَكْرَمَ
 الْمَاكْرَمِينَ، يَا اَسْمَعَ رُوزِ جَزَايِ بَخْشِنْدَه تَرِينَ بَخْشِنْدِگَانِ اَيِ بَاكَرْمَتَرِينَ كَرِيمَانِ اَيِ شِنُوَاتَرِينَ السَّمْعِينَ، يَا اَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، يَا اَقْدَرَ
 الْفَادِرِينَ، اَغْفِرْ لِي شِنُوَايَانِ اَيِ بِيْنَاتَرِينَ بِيْنَايَانِ اَيِ قَادِرَتَرِينَ الدُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ، وَاغْفِرْ لِي الدُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ النَّدَمَ، قَدْرَتَمْنَدَانِ
 بِيَامْرَزِ اَزِ مَنِ اَنِ گَنَاهَانِي رَا كِه نَعْمَتَهَا رَا تَغْيِيرِ دَهْدِ وِ بِيَامْرَزِ اَزِ مَنِ گَنَاهَانِي رَا وَاغْفِرْ لِي الدُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ السَّقَمَ، وَاغْفِرْ لِي الدُّنُوبَ
 الَّتِي كِه پَشِيمَانِي بَه بَارِ اَوْرِدِ وِ بِيَامْرَزِ اَزِ مَنِ گَنَاهَانِي رَا كِه مَوْجِبِ بِيْمَارِيهَا گَرْدَدِ وِ بِيَامْرَزِ

ص: ۸۳

تَهْتِكُ الْعِصْمَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ، وَاعْفِرْ لِي از من گناهانی را که پرده‌ها بدرد و بیمارز از من گناهانی را که دعا را باز الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ قَطْرَ السَّمَاءِ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي گرداند و بیمارز از من گناهانی را که باران را از آسمان جلوگیری کند و بیمارز از من تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَجْلِبُ الشَّقَاءَ، وَاعْفِرْ لِي گناهانی را که شتاب در نابودی کند و بیمارز از من گناهانی را الذُّنُوبَ الَّتِي تُظْلِمُ الْهَوَاءَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ که بدبختی آرد و بیمارز از من گناهانی که هوا را تاریک کند و بیمارز از من گناهانی را الْغِطَاءَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ يَا اللَّهُ، وَاحْمِلْ که پرده را بالا زند و بیمارز از من گناهانی را که جز تو کسی آنها را نیامرزد عَنِّي كُلَّ تَبِعِي لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجًا ای خدا و بردار از دوش من هر حقی که از یکی از خلق تو بر گردن من است و قرار ده برای من در وَمَخْرَجًا وَيُسْرًا، وَأَنْزِلْ يَقِينَكَ فِي صِدْرِي، وَرَجَاءَكَ فِي قَلْبِي، کارم گشایش و آسانی و وسیله بیرون آمدنی و فرود آریقینت را در سینه‌ام حَتَّى لَا أَرْجُو غَيْرَكَ. اللَّهُمَّ احْفَظْنِي، وَعَافِنِي فِي مَقَامِي، و امیدت را در دلم تا امیدى به کسی جز تو نداشته باشم خدایا مرا حفظ کن وَاصْرِحْنِي فِي لَيْلِي وَنَهَارِي وَمِنْ بَيْنَ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَعَنْ وَعَافَيْتُمْ ده در جایگاهم و همراه من باش در شب و روزم و از پیش رو و

ص: ۸۴

يَمِينِي وَعَيْنِ شِمَالِي وَمَنْ فَوْقِي وَمَنْ تَحْتِي، وَيَسِّرْ لِي السَّبِيلَ، پشت سرم و از راست و چپم و از بالای سر و زیر پایم وَأَحْسِنْ لِي التَّيْسِيرَ، وَلَا تَحْذُنِي فِي الْعَسِيرِ، وَاهْدِنِي يَا خَيْرَ رَاهِ رَاهِ مِنْ هُمَارِ كُنْ وَآسَانِي خَوْشِي بَرَايِمِ پيش آور و در دشواریها خوارم مکن دَلِيلِ، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي فِي الْأُمُورِ، وَلَقِّنِي كُلَّ سُرُورٍ، و رهنمائیم کن ای بهترین راهنما و در کارها مرا به خودم وامگذار و هر سرور و خوشحالی را وَاقْلِبْنِي إِلَى أَهْلِي بِالْفَلَاحِ وَالنَّجَاحِ مَحْبُورًا فِي الْعَاجِلِ به دلم انداز و بازگردان مرا بسوی خانواده‌ام به رستگاری و کامیابی وَالْأَجَلِ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ، و آراسته به شادکامی در دنیا و آخرت که براستی تو بر هر چیز توانائی و از فضل خویش وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ، وَاشْتَعْمَلْنِي فِي طَاعَتِكَ، روزیم کن و فراخ گردان بر من از روزیهای پاکیزه‌ات و وادارم کن به انجام وَاَجْرُنِي مِنْ عَذَابِكَ وَنَارِكَ، وَاقْلِبْنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي إِلَى جَنَّتِكَ طَاعَتِ وَپناه‌ده از عذاب و آتش دوزخت و بگردانم به رحمت خود هنگامی که مرا از این جهان بیرون بری بِرَحْمَتِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ، وَمِنْ تَحْوِيلِ بَسْوَى بَهْشْتِ خَدَايَا بَه تُو پناه برم از زوال نعمت و از عافیتت، وَمِنْ حُلُولِ نِقْمَتِكَ، وَمِنْ نُزُولِ عَذَابِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ تَغْيِيرِ يَافْتِنِ عَافِيَّتِ و از آمدن عقوبت و از نازل شدن عذابت

ص: ۸۵

مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ، وَدَرَكِ الشَّقَاءِ، وَمِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ وَشَمَاتَةِ وَبِه تُو پناه برم از سختی بلاء و گرفتاری و رسیدن بدبختی و از تقدیر بد
 الْأَعْدَاءِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يُنْزَلُ مِنَ السَّمَاءِ، وَمِنْ شَرِّ مَا فِي الْكِتَابِ وَشَمَاتِ دَشْمَانِ وَ از شر آنچه از آسمان فرود آید و از شر آنچه
 الْمُنْتَزَلِ. اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْأَشْرَارِ، وَلَا مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ، در کتاب منزل خود (قرآن) بیان فرموده‌ای خدایا مرا از اشرار و از اهل و لا
 تَحْرِمْنِي صِيحْبَةَ الْأَخْيَارِ، وَأَحْيِنِي حَيَاةً طَيِّبَةً، وَتَوَفَّنِي وَفَاءً دُوْرَخِ قِرَارِمِ مَدِه وَ از مصاحبت نیکان محروم مفرما و به زندگی پاکیزه
 زنده‌ام بدار و به مرگ طیبیه تُلْحِقْنِي بِالْمَأْبُرَارِ، وَارْزُقْنِي مُرَافَقَةَ الْأَنْبِيَاءِ فِي مَقْعِدِ صِدْقِ پاكيزه‌ای بمیرانم که به نیکان ملحقم داری و
 رفاقت پیمبران را روزیم گردانی در جایگاه عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ بَلَائِكَ پسنديده نزد پادشاهی نیرومند
 خدایا از آن تو است ستایش بر خوش آزمایشی و خوش رفتاریت وَصْنَعِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى الْإِسْلَامِ، وَاتِّبَاعِ السُّنَّةِ، يَا رَبِّ كَمَا وَتو
 را است ستایش بر نعمت دین اسلام و پیروی طریقه (پیمبران) پروردگارا چنانچه هِدَيْتَهُمْ لِدِينِكَ، وَعَلَّمْتَهُمْ كِتَابَكَ، فَأَهْدِنَا وَعَلِمْنَا،
 وَلَكَ الْحَمْدُ آن پیمبران را به دین خود راهنمایی کردی و کتاب خود را به آنان یاد دادی ما را نیز هدایت کرده و یادمان ده و تو را
 است ستایش عَلَى حُسْنِ بَلَائِكَ، وَصْنَعِكَ عِنْدِي خَاصَّةً، كَمَا خَلَقْتَنِي بِرِ خُصُوصِ آْزْمَائِشِ وَ رِفْتَارِ نِيكَتِ دَرْبَارِهْ شَخْصِ مَنْ كِهْ مَرَا
 آفریدی

ص: ۸۶

فَأَحْسَنْتَ خَلْقِي، وَعَلَّمْتَنِي فَأَحْسَنْتَ تَعْلِيمِي، وَهَدَيْتَنِي وَخَلَقْتَنِي رَا نِيكُو كَرْدِي وَ يَادِم دَادِي وَ نِيكُو يَاد دَادِي وَ هِدَايْتَم كَرْدِي فَأَحْسَنْتَ هِدَايْتِي، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ إِنْعَامِكَ عَلَيَّ قَدِيمًا وَ نِيكُو هِدَايْت كَرْدِي پَس تُو رَا اسْت سَتَايِش بَر نِعْمَت بَخْشِيْت نَسْبَت بَه مَن اَز زَمَان قَدِيم وَ حَدِيثًا، فَكَمْ مِنْ كَرْبٍ يَا سَيِّدِي قَدْ فَرَّجْتَهُ، وَ كَمْ مِنْ غَمٍّ يَا وَ جَدِيد پَس چَه بَسِيَار مَحْتِي كَه اِي آقَاي مَن تُو آن رَا كَشُودِي وَ چَه بَسِيَار اِنْدُو هِي كَه اِي آقَاي مَن تُو آن رَا بَر طَرَف كَرْدِي وَ چَه بَسِيَار بَلَا وَ كَشْفْتَهُ، وَ كَمْ مِنْ بَلَاءٍ آقَاي مَن تُو آن رَا زِدُودِي وَ چَه بَسِيَار غَم وَ غَصَبِ اِي آقَاي مَن تُو آن رَا بَر طَرَف كَرْدِي وَ چَه بَسِيَار بَلَا وَ كَشْفْتَهُ، وَ كَمْ مِنْ غَيْبٍ يَا سَيِّدِي قَدْ سَتَرْتَهُ، فَلَمَّا اِي آقَاي مَن كَه تُو آن رَا بَا ز كَرْدَانْدِي وَ چَه بَسِيَار عِيْبِي اِي آقَاي مَن كَه تُو آن رَا پُوشَانْدِي پَس تُو رَا اسْت الْحَمْدُ عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ فِي كُلِّ مَثْوًى وَ زَمَانٍ، وَ مُنْقَلَبٍ وَ مَقَامٍ، سَتَايِش بَر هَر حَال وَ دَر هَر جَا وَ هَر زَمَان وَ هَر مَنزَل وَ هَر مَقَام وَ عَلَيَّ هَذِهِ الْحَالِ وَ كُلِّ حَالٍ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ اَفْضَلِ عِبَادِكَ وَ بَر اِيْن حَال وَ هَر حَال خِدَايَا قَرَار دِه مَرَا اَز بَهْتَرِيْن بِنْد كَانْت نَصِيْبًا فِي هَذَا الْيَوْمِ، مِنْ خَيْرِ نَفْسِيْ مَعَهُ، اَوْ ضَرِّ تَكْشِفُهُ، اَوْ سُوءٍ دَر بَهْرَه مَنْدِي اِيْن رُوْز اَز هَر خِيْرِي كَه قَسْمَت كَنِي يَا كَرَفْتَا رِي كَه بَر طَرَف كَنِي يَا بَدِي تَصْرِيفُهُ، اَوْ بَلَاءٍ تَدْفَعُهُ، اَوْ خَيْرٍ تَسُوْقُهُ، اَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرْهَا، اَوْ كَه بَا زَش كَرْدَانِي يَا بَلَا ئِي كَه دَفْعَش كَنِي يَا خِيْرِي كَه بَفْرَسْتِي يَا رَحْمَتِي كَه بَكْسْتَرَانِي يَا

ص: ۸۷

عَافِيَهُ تُلْبَسِيهَا، فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَيَدُكَ خَزَائِنُ جَامِهِ تَنْدُرُ سِتِي كَمَا بِيُوشَانِي كَمَا بَرَأَسْتِي تُو بَرِ هَرِ چِيزِ تَوَانَائِي وَ خَزِينَه‌هَایِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَنْتَ الْوَاحِدُ الْكَرِيمُ الْمُعْطِي الَّذِي آسْمَانَهَا وَ زَمِينِ بَدَسْتِ تُو اَسْتِ وَ تُوْنِي خَدَایِ يِگَانَه بَزَرْگَوَارِ عَطَابَخْشِي كَمَا لَا- يُرَدُّ سَائِلُهُ، وَلَا- يُخَيَّبُ آمِلُهُ، وَلَا يَنْقُصُ نَائِلُهُ، وَلَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ، خَوَاهَنْدَه‌اش دَسْتِ خَالِي بَازَنْگَرَدَدِ وَ آرزومَنْدَش نَامِيدِ نَشُودِ وَ عَطَاهَايشِ نَقْصَانِ نَبْذِيرِدِ يَلِ يَزْدَادُ كَثْرَةً وَ طَيِّباً وَ عَطَاءً وَ جُوداً، وَارْزُقْنِي مِنْ خَزَائِنِكَ الَّتِي وَ خَزِينَه‌اشِ پَايَانِ نَدَارِدِ بَلَكَه هَمُوَارَه بَه زِيَادِي وَ پَاكِيزْگِي وَ عَطَا وَ جُودَش بِيْفَزَايِدِ وَ رُوزِيمِ كُنْ اَزْ خَزِينَه‌هَایِ كَمَا لَا- تَفْنِي وَ مِنْ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ، اِنَّ عَطَاءَكَ لَمْ يَكُنْ مَحْظُورًا، فَمَا نَبْذِيرِدِ وَ اَزْ رَحْمَتِ وَ سِيْعَتِ كَمَا بَرَأَسْتِي عَطَايِ تُو اَزْ كَسِي مَنَعِ نَشُدَه وَ أَنْتَ عَلِي كَلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

و تو بر هر چیز توانائی به رحمت ای مهربانترین مهربانان.»

و نیز این دعا را که جمعی از بزرگان علما آن را، از جمله اعمال شب و روز جمعه و عرفه ذکر کرده اند بخواند. دعا به نقل مرحوم کفعمی در مصباح این است:

«اللَّهُمَّ مَنْ تَعَبًا وَ تَهَيَّأَ وَ أَعَدَّ وَ اسْتَعَدَّ لِوَفَادِهِ إِلَى مَخْلُوقٍ، «خَدَايَا هَر كَسِ مَجْهَزِ وَ آمَادَه وَ مَهْيَا وَ مَسْتَعَدِّ بَرَايِ وَرُودِ بَرِ مَخْلُوقِي شُدَه

ص: ۸۸

رَجَاءَ رِفْدِهِ وَطَلَبَ نَائِلِهِ وَجَائِزَتِهِ، فَإِلَيْكَ يَا رَبِّ تَعَبَّيْتِي بِهِ أَمِيدَ دَهْشٍ وَبِهِ جَسْتَجَوِي جَائِزَهُ وَبِخَشْشٍ أَوْ پَسِ اِي پَرُورِدْگَارِ مِنْ أَمَادِگِي وَاسْتِعْدَادِي، رَجَاءَ عَفْوِكَ، وَطَلَبَ نَائِلِكَ وَجَائِزَتِكَ، فَلَا تُخَيِّبْ وَاسْتِعْدَادِ مِنْ بَسْوِي تُو اسْتِ وَآرْزُوِي عَفْوِ تُو وَخَوَاشِشِ بِخَشْشٍ وَجَائِزَاتِ رَا دَارِمِ پَسِ دُعَائِي، يَا مَنْ لَا يَخِيْبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ، فَإِنِّي نُوْمِيْدِمُ مَكْنِ اِي كَسِي كِه هِيْجِ خَوَاهَنْدِهْ اِي نَا اَمِيْدِ اَزِ دَرْگَاشِشِ نَرُودِ وَهِيْجِ گِيْرَنْدِهْ عَطَائِي اَزِ (كِرْمَش) نِكَا هِدِ وَ مِنْ بِهْ اِعْتِمَادِ لَمْ آتِيْكَ ثِقْمَهُ بَعْمَلِ صَالِحِ عَمَلْتُهُ، وَلَا لِيُوْفَادِهِ اِلَى مَخْلُوْقِ رَجُوْتُهُ، عَمَلِ صَالِحِي كِه كَرْدِهْ بَاشِمِ بَدَرْگَا هِتِ نِيَا مَدِهْ وَ نِهْ بِهْ مَخْلُوْقِي وَاْرْدِشْدِهْ اِم كِه اَزَاو اَمِيْدِي دَاشْتِهْ بَاشِمِ اَتَيْتِكَ مُقَرَّأً عَلَي نَفْسِي بِالْاِسْءَاءِ وَالظُّلْمِ، مُعْتَرِفًا بِأَنْ لَا حُجَّةَ لِيْ بَلْكَهْ بَدَرْگَا هِ تُو اَمْدِهْ اِم دَرْ حَالِيْكَهْ اَقْرَارِ دَارِمِ كِه بَخُودِ بَدِي وَ سْتَمِ كَرْدِهْ وَ مَعْتَرِفَمِ كِه هِيْجِ دَلِيْلِ وَلَا عُذْرَ، اَتَيْتِكَ اَرْجُو عَظِيْمِ عَفْوِكَ، الَّذِي عَفَوْتَ بِهٖ عَنِّ وَ عَذْرِي هَمِ بَرِ اِيْنِ بَدِي وَ سْتَمِ نَدَاشْتِهْ اِم، اَمْدِهْ اِم بِهْ اَمِيْدِ اَنْ عَفْوِ عَظِيْمِ تُو كِه بَدَانِ اَزِ الْخَاطِيْنِ، فَلَمْ يَمْنَعِكَ طُولُ عُكُوْفِهِمْ عَلَي عَظِيْمِ الْجُرْمِ، اَنْ خَطَاكَارَانِ دَرْگَذْرِي وَ تَوْقِفِ طَوْلَانِي اَنْهَآ بَرِ جَرْمِ بَزْرَگِ بَازْتِ نَدَاشْتِ اَزِ عُدْتِ عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ، يَا مَنْ رَحْمَتُهُ وَاسِعَةٌ وَعَفْوُهُ عَظِيْمٌ، يَا اِيْنِكِهْ بَازِ بَدَانِهَآ مِهْرِ وَرْزِي اِي كَسِي كِه رَحْمَتِشِ وَ سِيْعِ وَ گِذْشْتِشِ بَزْرَگِ اسْتِ اِي خُدَآيِ بَزْرَگِ عَظِيْمٌ يَا عَظِيْمٌ، لَا يَرْدُ غَضَبَكَ اِلَّا حِلْمَكَ، وَلَا يُنْجِي اِي خُدَآيِ بَزْرَگِ اِي خُدَآيِ بَزْرَگِ خَشْمِ تُو رَا جِزِ بَرْدَبَارِيْتِ جَلُوْگِيْرِي نَكْنَدِ وَ اَزِ غَضَبِ

ص: ۸۹

مَنْ سَيَخْطِكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ، فَهَبْ لِي يَا إِلَهِي فَرَجًا بِالْقَدْرَةِ تَوْجُزَ زَارِي بِهٍ دَرْكَاهِ تَجِزِي نَجَاتٍ نَبْخَشِدْ پَسِ اِي مَعْبُودِ مِنْ بَدَانِ
 قَدْرَتِي كِه سِرْزَمِينْهَای مَرْدِه اَلَّتِي تُحْيِي بِهَا مَيِّتَ الْبِلَادِ، وَلَا تُهْلِكُنِي غَمًّا حَتَّى تَشْتَجِبَ لِي، رَا بَدَانِ وَسِيلَه زَنْدِه مِي گِرْدَانِي گَشَايشِي
 بِرْمَنْ بَخْشِ وَ مَرَا بِه حَالِ اَنْدَوَه هَلَاكَمْ مَكْنِ تَا دَعَايِمِ رَا مَسْتَجَابِ كُنِي وَتُعْرِفْنِي الْاِجَابِيَه فِي دُعَائِي، وَادِقْنِي طَعْمَ الْعَافِيَه اِلَى مُنْتَهَى وَ
 اِجَابَتِ دَعَايِمِ رَا بِه مِنْ بِنَمَايَانِي وَ طَعْمِ تَنْدَرَسْتِي رَا تَا پَايَانِ عَمْرٍ بِه اَجَلِي، وَلَا تُشْمِتْ بِي عِدُوِّي، وَلَا تُسَلِّطْهُ عَلَيَّ، وَلَا تُمَكِّنْهُ مِنْ
 بَعْشَانِ وَ گِرْفَتَارِ شَمَاتِ دَشْمَنْمِ مَكْنِ وَ اُو رَا بِرْمَنْ مَسْلُطِ مَكْرَدَانِ وَ بِر گِرْدَنْمِ عُنُقِي. اَللّٰهُمَّ اِنْ وَضَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي، وَ اِنْ
 رَفَعْتَنِي سَوَارِشِ مَنْمَا خُدَايَا اِگَر تُو مَرَا پَسْتِ كُنِي پَسِ كَيْسْتِ كِه (بِتَوَانِد) بَلَنْدَمْ كَنْدِ وَ اِگَر تُو بَلَنْدَمْ كُنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَضَعُنِي، وَ اِنْ
 اَهْلَكْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَعْرِضُ لَكَ پَسِ كَيْسْتِ كِه (بِتَوَانِد) پَسْتَمْ كَنْدِ وَ اِگَر هَلَاكَمْ كُنِي پَسِ كَيْسْتِ كِه دَرْبَارَه اِيْنِ بَنْدَهَاتِ مَتَعْرِضِ
 تَوْشُودِ فِي عِبْدِكَ، اَوْ يَسْأَلُكَ عَنْ اَمْرِهِ، وَقَدْ عَلِمْتُ اَنَّهُ لَيْسَ فِي يَا اِزْ وَضَعِ اُو اِزْ تُو پَرَسْشِ كَنْدِ ولى بِطُورِ مَسْلَمِ اِيْنِ رَا دَانَسْتَهَامِ كِه
 دَرْ حُكْمِكَ ظَلَمْتُ، وَلَا فِي نَقِمَتِكَ عَجَلَةٌ، وَ اِنَّمَا يَعْجَلُ مَنْ يَخَافُ حَكْمَ تُو سَتْمِي نَيْسْتِ وَ نِه دَرْ اَنْتِقَامِ تُو شَتَابِي اَسْتِ زِيْرَا كَسِي شَتَابِ
 (دَرْ اَنْتِقَامِ) كَنْدِ كِه بَتْرَسَدِ الْفُؤْتِ، وَ اِنَّمَا يَحْتَاجُ اِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفِ، وَقَدْ تَعَالَيْتَ يَا اِلَهِي (فِرْصَتِ) اِزْ دَسْتِ بِرُودِ وَ شَخْصِ نَاتُوَانِ
 نِيَازْمَنْدِ بِه سَتْمِ مِي بَاشَدِ وَ دَرْصُورْتِي كِه اِي مَعْبُودِ مِنْ

ص: ۹۰

عَنْ ذَلِكَ عُلُوًّا كَبِيرًا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ فَأَعِدْنِي، وَاسْتَجِبْ بِيكَ تَوَازِئَ بِنِوَالِ خَدَايَا بِه تَوَ پناه آرم پس یاریم ده و از تو امان خواهم فَأَجِرْنِي، وَاسْتَرْزُقْكَ فَارْزُقْنِي، وَآتَوْكُلَّ عَلَيْنِكَ فَكْفِنِي، پس امانم ده و از تو روزی طلبم پس روزیم ده و بر تو توکل کنم پس کفایتم فرما وَاسْتَنْصِرْ رُكَّ عَلَيَّ عِدْوِي فَانصُرْنِي، وَاسْتَيْعِنُ بِكَ فَأَعِنِي، و برای پیروزی بر دشمنم از تو یاری خواهم پس یاریم ده و از تو کمک خواهم پس کمکم ده وَاسْتَعْفِرْكَ يَا إِلَهِي فَاعْفِرْ لِي، آمِينَ آمِينَ آمِينَ».

و از تو آمرزش طلبم ای معبود من پس بیامرزم آمین، آمین، آمین.»

مستحبات و قوف به عرفات:

در هنگام و قوف در عرفات چند چیز مستحب است.

۱. با طهارت بودن.
۲. غسل نمودن و بهتر است نزدیک ظهر باشد.
۳. توجه قلبی به خدا، و از خود دور ساختن چیزهایی که موجب تفرقه حواس می شود.
۴. و قوف در طرف چپ جبل الرّحمه.
۵. و قوف در زمین هموار.
۶. خواندن نماز ظهر و عصر با یک اذان و دو اقامه.
۷. خواندن دعاهای وارده و تضرع به درگاه خداوند.

ادعیه و قوف به عرفات

و آنها بسیار است از جمله گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه، و «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» صد مرتبه، و «الْحَمْدُ لِلَّهِ» صد مرتبه، و «سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه، و «مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» صد مرتبه، و «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» صد مرتبه.

نیز صد مرتبه بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْغَايِبُ» گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه بی همتا نیست، ملک هستی او را است و ستایش الحمد، یحیی و یمیت، و یمیت و یحیی، و هو حی لا یموت، ویژه او است، زنده می کند و می میراند، و می میراند و زنده می کند، و او زنده فنا ناپذیر است، بیده الخیر، و هو علی کل شیء قدیر».

خیر و نیکی به دست اوست و او بر هر چیز توانا است.»

هر کدام از سوره قل هو الله احد و «آیه الکرسی» و سوره انا انزلناه فی لیل القدر را صد مرتبه بخواند.

و مستحب است خواندن این دعا:

ص: ۹۲

«أَسْأَلُ اللَّهَ بِأَنَّهُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ «از خداوند مسألت می‌نمایم که او خدایی است که جز او معبودی نمی‌باشد، او ملک و قدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر، سبحانه الله عما و سلام و مؤمن و مهيمن و عزيز و جبار و متكبر است، منزه است خداوند از آنچه به او يُشْرِكُونَ، هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِي الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى شَرِكٌ می‌ورزند، او خدایی است آفریننده و پدید آورنده و صورت بخش، برای او نامهای نیکوست، يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ».

آنچه در آسمانها و زمین است او را تسبیح می‌گویند و او عزیز و حکیم است.» پس بگو: «اللَّهُمَّ لِمَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَائِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى «خداوندا تو را ستایش بر نعمتهایت که قابل شمارش نیست و با هیچ عملی بَعْدَدِ، وَلَا تُكَافَأُ بِعَمَلٍ».

نمی‌توان از عهده شکر آنها بیرون شد.»

پس بخوان این دعا را:

«أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لِمَكَ، وَأَسْأَلُكَ «از تو می‌خواهم ای خدای رحمان بحق هر اسمی که تو را است و از تو می‌خواهم بِقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَعِزَّتِكَ وَبِجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ به نیرو و قدرت و عزت و به همه آنچه که علم تو به آن احاطه دارد

ص: ۹۳

وَبَارِكْ لَكَ كُلِّهَا، وَبِحَقِّ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِاسْمِكَ وَبِهِ ارْكَانِ هَسْتِي وَبِهِ حَقِّ پیامبرت که درود تو بر او و بر آتش و به حق اسم الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ بزرگ، بزرگ، و بزرگت و به حَقِّ نام عظیم تو که هر کس تو را به آن خواند حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُخَيِّبَهُ، وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ بر توست که او را نومید نسازی و به نام بزرگ، بزرگ و بزرگت الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُرَدَّهُ، وَأَنْ تُعْطِيَهُ مَا كَرِهَ كَسُّهُ تَوْرًا بِهٖ أَنْ خَوَانِد بِر تَوَاسْتِ كِهٖ اَوْرَا نُوْمِيد بَازَنُكَرْدَانِي وَ أَنْچِهٖ اَز تُوْدِرْخَوَاسْتِ نَمُوْد بِهٖ اَوْ سَلَّ، اَنْ تُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فِيَّ»

عطا فرمائی و پیامبری همه گناهانم را که نسبت به من از آن آگاهی داری.»

و این دُعا را نیز بخوان:

«اللَّهُمَّ فُكِّنِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ «خداوند! مرا از آتش آزاد کن و از روزی حلال و پاکیزه‌ات الطَّيِّبِ، وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فِسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَشَرَّ فِسَقَةِ الْعَرَبِ بِرِ مَن وَسَعَتْ بَخْشٍ وَ شَرَّ فَاسِقَانَ جِنِّ وَ اِنْسٍ وَ شَرَّ فَاسِقَانَ عَرَبٍ وَ عَجْمٍ رَا اَز مَن وَالْعَجْمِ»»

دور دار.» و بخواند این دُعا را:

ص: ۹۴

«اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، فَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَخْيَبٍ» خداوندا! من بنده توام پس مرا از نومیدترین وارد شدگان وَفِدِكَ، وَأَرْحَمَ مَسِيرِي إِلَيْكَ مِنْ الصَّحْرِ الْعَمِيقِ. اللَّهُمَّ بر خویش قرار مده و به آمدنم از راه دور بسویت ترحم بخش، خداوندا! رَبِّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا، فَكُ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ آيِ پروردگار تمام مشاعر حج مرا از آتش رهایی بخش و از روزی حلالیت رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ. اللَّهُمَّ بر من وسعت ده و شر فاسقان جن و انس را از من دور دار، خداوندا! مرا لا تَمَكُّرْ بِي، وَلَا تَخْدَعْ عَنِّي، وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَجَازَاتِ نَكْنٍ وَبَا دَادِنِ نَعْمَتِهَايِ پِیَایِ مَغْرُورِمِ مَسَازِ، خِداوند! از تو می‌خواهم بِحَوْلِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَمَنِّكَ وَفَضْلِكَ، يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ، به قُوَّتِ وَجُودِ وَكَرَمِ وَفَضْلِ وَنَعْمَتِ ای شِنَوَاتَرِینِ شِنَوَايَانِ وَيَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، و ای بِنَاتَرِینِ بِنَايَانِ، و ای سَرِيعَتَرِینِ مَحَاسِبِه كِنْدِگَانِ و ای مَهْرَبَانَتَرِینِ مَهْرَبَانَانِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. (وَأَنْ تَرْزُقَنِي خَيْرَ الدُّنْيَا كِه بَرِ مُحَمَّدٍ وَخَانِدَانِشِ دَرُودِ فَرَسْتِي وَخَيْرِ دُنْيَا وَآخِرَتِ رَا بِه مِنْ وَالْآخِرَةِ).
 روزی فرمایی.»

ص: ۹۵

پس حاجت خود را بخواهد، آنگاه دست به آسمان بردارد و این دُعا را بخواند:

اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ الَّتِي إِن أُعْطِيتَ بِهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، خدایا حاجتم به سوی توست، اگر آنرا عطا کنی دیگر هر چه را از من دریغ کنی زیانم نزند و اگر وَالَّتِي إِن مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطِيتَنِي، اَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقِيبَتِي آنرا از من دریغ داری دیگر سودم ندهد هر چه به من عطا کنی از تو می خواهم که از آتش دوزخ رهایم سازی مَتَنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَمَلَكَ يَدِكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، وَأَجَلِي خدایاندا! منم بنده تو و سرنوشتم به دست توست به مدت عمرم تو آگاهی بَعْلَمِكَ، اَسْأَلُكَ أَنْ تُوقِّفَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي، وَأَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي از تو می خواهم که مرا به موجبات خوشنودیت توفیق بخشی و مناسک مَنَاسِكِي الَّتِي ارِيْتُهَا خَلِيلِكَ اِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَدَلَّلْتَ عَلَيَّهَا حَجْمَ رَا كِه به خلیلت ابراهیم علیه السلام ارائه فرمودی و به پیامبرت نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ حَضْرَتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ رَاهِنَمَائِي كَرْدِي سَالِمِ دَارِي، خدایاندا! مرا از کسانی قرار ده که از عملشان خوشنودی عَمَلُهُ، وَأَطَلَّتْ عُمُرُهُ، وَأَخِيَّتُهُ بَعْدَ الْمَوْتِ حَيَاةً طَيِّبَةً».

عمرشان را طولانی و زندگی پس از مرگشان را پاکیزه ساختی.» و نیز مُسْتَحَبَّ است در روز عَرَفَةَ هنگام غُرُوبِ آفتاب این دُعا خوانده شود:

ص: ۹۶

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَمِنْ تَشَدُّتِ الْأَمْرِ، وَمِنْ «خداوندا! به تو پناه می‌برم از ناداری و از آشفتگی کارها و از شرِّ ما یَعْدُتُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، أَمْسَى ظُلْمِي مُسْتَجِيرًا شَرِّ حَوَادِثِ شَبِّ وَرُوزِ، از ظلم خویش بَعْفُوكَ، وَأَمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ، وَأَمْسَى ذُلِّي بِعَفْوِ تُو پِنَاهِ مِی بَرَمِ وَ از تَرَسِ وَ خَوْفِ بِه اَمَانِ تُو وَ از گَنَاهَانِمِ مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ، وَأَمْسَى وَجْهِی الْفَانِی مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ بِه عِزَّتِ تُو وَ از فَنای خُویش بِه ذَاتِ بَاقِیِ تُو الْبَاقِیِ، یا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ، وَ یا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ یا أَرْحَمَ مَنْ اِی بِهْتَرِیْنِ كَسِی كِه از او سْوَال كِنَنْدِ وَ اِی بَخْشَنْدِهْتَرِیْنِ بِخْشَنْدِگانِ وَ اِی مِهْرَبانْتَرِیْنِ اسْتَرْحَمَ، جَلِّیْنِ بِرَحْمَتِكَ، وَ أَلْبَسْنِی عَافِیَّتَكَ، وَ اصْرِفْ عَنِّی مِهْرَبانانِ گَناهِمِ را بِه رَحْمَتِ مَسْتورِ دارِ وَ جامِهِ عَافِیْتِ را بِرِ مَن بِپوشانِ وَ شَرِّ هَمِه شَرِّ جَمِیعِ خَلْقِكَ وَ ارْزُقْنِی خَیْرَ الدُّنْیا وَ الْآخِرَةِ».

آفریده‌هایت را از من بازگردان و خیر دنیا و آخرت را روزیم گردان.» و نیز مُسْتَحَبَّ است بعد از غُرُوبِ آفتاب این دُعا خوانده شود:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمُوقِفِ، وَ ارْزُقْنِیهِ «خداوندا! این وقوفم را در این جایگاه، آخرین وقوف قرار مده، و تا زنده‌ام

داری

ص: ۹۷

أَيِّدَا مَا أَبْقَيْتَنِي، وَأَقْلَبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسَدِّ تَجَابًا بَزْغَشْتَ بَهْ اِيْنَجَا رَا رُوْزِيْمَ غَرْدَانِ وَ بَا رَسْتِگَارِي وَ دَعَايِ مَسْتَجَابِ بَا زَمِ غَرْدَانِ لِي، مَرْحُومًا مَغْفُورًا لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مَنُ دَرِ حَالِي كَهْ مَشْمُولِ مَغْفَرَتِ وَ رَحْمَتِ قَرَارِ گِرْفْتِهْ بَاشْمَ بَهْ بَهْتَرِيْنِ صَوْرَتِي كَهْ اَمْرُوْزِ فَرْدِي اَزِ وَاْرِدَشْدِ گَانِ وَفِدِكَ، وَحُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَاجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِّنْ أَكْرَمِ وَفِدِكَ بِهْ دَرِ گَاهِ خُوِيْشِ وَ حَجَّاجِ بَيْتِ اللّٰهِ الْحَرَامَتِ رَا بَا زَمِيْ گَرْدَانِي، وَ مَرَا اَزِ گَرَامِيْ تَرِيْنِ وَاْرِدَشْدِ گَانِ عَلَيِّكَ، وَ اَعْطِنِيْ اَفْضَلَ مَا اَعْطَيْتَ اَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَ الْبَرَكَهْ بِرِ خُوِيْشِ قَرَارِ دَهْ وَ بَهْ مَنِ بَهْتَرِيْنِ خَيْرِ، وَ بَرَكْتِ وَ رَحْمَتِ وَالْعَافِيَهُ وَ الرَّحْمِيَهُ وَ الرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَهُ، وَ بَارِكْ لِي فِيمَا اَرْجَعُ وَ خُوْشْنُوْدِي وَ اَمْرُزْشِ رَا كَهْ بَهْ يَكِيْ اَزِ اَنَانِ عَطَا مِيْ فَرْمَايِيْ عَطَا كِنِ وَ بَهْ خَاْنُوَادِهْ وَ اِئِيْهِ مِنْ اَهْلِ اَوْ مَالٍ اَوْ قَلِيْلِ اَوْ كَثِيْرٍ، وَ بَارِكْ لَهُمْ فِيْ».

دارایی کم یا بسیارم برکت بخش.»

دعای امام حسین (ع) در روز عَزَفَه

دعای امام حسین علیه السلام در روز عَزَفَه:

«الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ، وَ لَآ لِعَطَائِهِ مَانِعٌ، وَ لَآ اِسْتَاِيْشَ خَاَصِ خُدَايِيْ اِسْتِ نِيْستِ بَرَايِ قَضَا وَ حَكْمِشْ جَلُوْگِيْرِيْ وَ نَهْ بَرَايِ عَطَا وَ بَخْشِشْ مَانِعِيْ وَ نَهْ كَصْنَعِهِ صُنْعُ صَاْنِعٍ، وَ هُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ، فَطَرَ اَجْنَاسَ الْبِدَاِيْعِ، مَانْدِ سَاخْتِهْ اَشْ سَاخْتِهْ هِيْجِ سَا زَنْدِهْ اِيْ وَ اَوَسْتِ بَخْشَنْدِهْ وَ سَعْتِ دَهْ كَهْ آفَرِيْدِ اَنْوَاعِ گُوْنَا گُوْنَ پَدِيْدِهْ هَا رَا

ص: ۹۸

وَأَتَقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعَ، لَا- تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ، وَلَا تَضَعُ بِيَعِ عِنْدَهُ وَ بِه حِكْمَتِ خَوِيْشِ مَحْكَمِ سَاخْتِ مَصْنُوْعَاتِ رَا وَ طَلَايَهَا (ی عالم وجود) بر او مخفی نیست و امانتها در نزد او الودائع، جازي كل صانع، ورائش كل قانع، وراحم كل ضارِع، ضایع نشود پاداش دهنده عمل هر سازنده و سامان دهنده زندگی هر قناعت پیشه و مهربان نسبت به هر نالان، و منزل المنافع، والكتاب الجامع، بالنور الساطع، وهوللدعوات فرو فرستنده هر سود و بهره و آن کتاب جامع که فرستادش بوسیله نور آن نوردرخشان و اواست که دعاها را سامع، وللكربات دافع، وللدراجات رافع، وللجبارة قانع، شنواست و گرفتاریها را برطرف کند و درجات را بالا برد و گردنکشان را ریشه کن سازد پس فلا- إله غیره، ولا- شیء یعدله، ولیس کمثله شیء، وهوالسمیع معبودی جز او نیست و چیزی با او برابری نکند و چیزی همانندش نیست و او شنواست البصیر، اللطیف الخیر، وهو علی كل شیء قدير. اللهم إني و بینا و دقیق و آگاه و او بر هر چیز توانا است خدایا من أرغب إليك، وأشهد بالربوبية لك، مُقَرّاً بِأَنَّكَ رَبِّي، وَإِلَيْكَ بَسُوِي تَوَاشْتِيَاقِ دَارِمِ وَ بِه پُرُورِدْگَارِي تُو گَوَاهِي دَهْمِ اَقْرَارِ دَارِمِ بِه اِيْنَكِه تُو پُرُورِدْگَارِ مَنِي وَ بَسُوِي تُو اَسْتِ مَرْدِي، اَبْتِدَاتِنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ اَنْ اَكُوْنَ شَيْئاً مَذْكُوراً، وَخَلَقْتَنِي بَاَزْگَشْتِ مَنِ اَعَاذْ كَرْدِي وَجُودِ مَرَا بِه رَحْمَتِ خُودِ پِيْشِ اَزْ اَنَكِه بَاَشْمِ چِيْزِ قَابِلِ ذِكْرِي وَ مَرَا اَزْ مَنِ التُّرَابِ، ثُمَّ اَسِيْكْتَنِي الْاَضِيْلَابِ، اَمِنَا لَرِيْبِ الْمُؤْنِ، خَاكِ اَفْرِيْدِي اَنگَاهِ دَرِ مِيَاَنْ صَلْبِهَا جَايِمِ دَادِي وَ اِيْمَنِمِ سَاخْتِي اَزْ حُودِثِ زَمَانِه

ص: ۹۹

وَ اِخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَالسِّنِّينَ، فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِنًا مِنْ صُيُوبِ إِلَى رَحِمِ، وَ تَغْيِيرَاتِ رُوزِ گَارِ وَ سَالِهَا وَ هَمِجَنَانِ هَمُوَارِهِ از صِلَبِی بَه رَحْمِی کُوجِ
 کُردم فِی تَقَادُمِ مِنَ الْبَیَّامِ الْمَاضِیَّهِ، وَ الْقُرُونِ الْخَالِیَّهِ، لَمْ تُخْرِجْنِی دَرِ اَیَّامِ قَدِیمِ وَ گَذِشْتَه وَ قَرْنِهایِ پِیشِینِ وَ از رُوی مِهرِ وَ رَافْتِی
 لِرَافَتِکَ بَی، وَ لَطْفِکَ لِی، وَ اِحْسَانِکَ اِلَیَّی، فِی دَوْلَةِ اَئِمَّةِ الْکُفْرِ، کِه بَه مَن دَاشْتِی وَ اِحْسَانَتِ نَسَبَتِ بَه مَن مَرَا بَه جِهَانِ نِیَاوردِی دَر
 دُورَانِ حُکُومَتِ پِشِوایَانِ کُفَرِ الَّذِینَ نَقَضُوا عَهْدَکَ، وَ کَذَبُوا رُسُلَکَ، لَکِنِّکَ اَخْرَجْتَنِی رَافَهُ مِنْکَ اَنَانِ کِه پِیمانِ تُو رَا شُکِستَنَدِ وَ
 فَرَسْتادگَانَتِ رَا تَکْذِیبِ کُردَنَدِ وَ لِی دَر زَمَانِی مَرَا بَدَنِیَا آوردِی کِه رَافْتِ وَ مِهربانِی وَ تَحَنُّنًا عَلَیَّ لِلَّذِی سَبَقَ لِی مِنَ الْهُدَی الَّذِی لَهُ
 یَسْرَتِی، وَ فِیهِ اَنْشَأْتِی، تُو بَر مَن پِیشِ از اَن دَر عِلْمَتِ گَذِشْتَه بُوَدِ از هِدایتِی کِه اسبابشِ رَا بَرایِمِ مِهیَا فَرمودِی وَ دَر اَن مَرَا نِشو وَ نَمَا
 دادِی وَ مَن قَبِیلِ ذَلِکَ رُوْفَتِ بَی بِجَمِیلِ صِیْنِعِکَ، وَ سَوَابِغِ نِعَمِکَ، فَابْتَدَعْتَ وَ پِیشِ از اِینِ نِیزِ بَه مَن مِهرِ وَ رَزِیدِی بُوَسِیلَه رِفتارِ
 نِیکوِیَتِ وَ نِعْمَتِهایِ شایانَتِ کِه پدیدِ آوردِی خَلْقِی مَن مِنیُّ یُمْنِی وَ اَسْکَنْتَنِی فِی ظُلُمَاتِ ثَلَاثِ، مَن بَیْنَ خَلْقَتِمِ رَا از مَنی رِیختَه شُدِه وَ
 جَایمِ دادِی دَر سَه پَرده تَارِیکِی (مَشِیمَه وَ رَحْمِ وَ شُکْمِ) مِیَانِ گوشتِ لَحْمِ وَ دَمِ وَ جِلْدِ، لَمْ تُشْهِدْنِی خَلْقِی، وَ لَمْ تَجْعَلْ لِی شَیْئًا مَن وَ
 خُونِ وَ پُوسْتِ وَ گِوَاهِمِ نِساخْتِی دَر خَلْقَتِمِ وَ واگِذارِ نَکردِی بَه مَن چِیزِی از کَارِ خُودِمِ رَا اَمْرِی، ثُمَّ اَخْرَجْتَنِی لِلَّذِی سَبَقَ لِی مِنَ
 الْهُدَی اِلَی الدُّنْیَا تَامًّا سَوِیًّا، سِپَسِ بَیرونِمِ آوردِی بَدانچِه دَر عِلْمَتِ گَذِشْتَه بُوَدِ از هِدایتِمِ بَسُوِی دَنِیَا خَلْقَتِی تَمَامِ وَ دَرِستِ

ص: ۱۰۰

وَحَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلاً صَبِيّاً، وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْعِدَاءِ لَبناً مَرِيّاً، وَدَرَّحْتَ حَالَ طِفُولِي وَخَرَدَسَالِي فِي الْهَوَارِهِ مَحَافِظْتُمْ كَرَمِي وَرُزْمِي دَادِي اَز غِذَاها شِيرِي گِوَارا وَعَطَقْتُمْ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحِرِّ وَالْحَرِّ وَالرَّوْحِمِ، وَكَفَلْتَنِي الْأُمَّهَاتِ الرَّوَاحِمِ، وَدَلَّ بَرَسْتارِانِ رَا بَر مَن مَهْرِبانِ كَرَمِي وَ عَهْدَه دار پَرَسْتارِيمِ كَرَمِي مادَرانِ مَهْرِبانِ رَا وَكَلَّأْتَنِي مَن طَوارِقِ الْجانِ، وَسَيَّلْتَنِي مَن الزِّيادَةِ وَالنَّقْصانِ، وَاز آسِيبِ جَنيانِ نَگَهْدارِيمِ كَرَمِي وَاز زِيادِي وَنَقْصانِ سالِمِ داسْتِي فَتَعالَيْتِ يا رَحِيمُ يا رَحمانُ. حَتَّى إِذا اسْتَهَلَلْتُ ناطِقاً بِالْكَلامِ، پَس بَرْتَرِي تِوای مَهْرِبانِ وَای بَخْشايندِه تا آنگاه كِه لَب بَه سَخْنِ گِشودمِ أَتَمَمْتُمْ عَلَيَّ سِوابعِ الْأَنْعامِ، وَرَبَّيْتَنِي زائِداً فِي كُلِّ عامٍ، حَتَّى وَتَمامِ كَرَمِي بَر مَن نَعْمَتِهايِ شايانَتِ رَا وَپَرورِشْمِ دادي هَر سالِه زِيادْتَر از سالِ پيشِ تا آنگاه كِه إِذا اكْتَمَلْتُ فِطْرَتِي، وَاعْتَدَلْتُ مَرَّتِي، أَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ، بِأَنْ خَلَقْتُمْ كَاملِ شَد وَتابِ وَتوانمِ بَه حَدِ اعتدالِ رَسيدِ وَاجبِ كَرَمِي بَر مَن حِجْتِ خُودِ رَا بَدِينِ تَرْتِيبِ أَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ، وَرَوَّعْتَنِي بِعِجائِبِ حِكْمَتِكَ، وَأَيَّقَطْتَنِي لِمَا كِه مَعْرِفَتِ خُودِ رَا بَه مَن الِهامِ فَرمودِي وَبوسيلِه عِجايِبِ حِكْمَتِ بَه هراسمِ انداختِي وَبِيدارمِ كَرَمِي بَدانچِه ذَرأتِ فِي سَمائِكَ وَأَرْضِكَ مَن بَدائِعِ خَلْقِكَ، وَنَبَّهْتَنِي آفَرِيدِي دَر آسْمانِ وَزَمِينَتِ اَز پَدِيدِه‌هايِ آفَرينِشْتِ وَآگاهمِ كَرَمِي لِشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ، وَأَوْجَبْتَ عَلَيَّ طاعَتِكَ وَعبادَتِكَ، وَفَهَّمْتَنِي بَه سِپاسگزارِي وَذِكْرِ خُودِ وَاطاعتِ وَعبادتِ رَا بَر مَن وَاجبِ كَرَمِي وَآنچِه رَسولانَتِ

ص: ۱۰۱

ما جَاءَتْ بِهٖ رُسُلُكَ، وَيَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ، وَمَنْنْتَ عَلَيَّ آوْرَدَهٗ بُوْدنْدَ بَهٗ مِنْ فُهْمَانْدِي وَ بَدِيْرِفْتَن مَوْجِبَاتِ خُوشنُودِيْتِ رَا بَرَايْمِ
 آسَانِ كَرْدِي فِي جَمِيْعِ ذَلِيْكَ بِعَوْنِكَ وَ لَطْفِكَ. ثُمَّ اِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ حَرِّ الشَّرِّ وَ دَر تَمَامِ اِيْنِهَآ بَهٗ يَارِي وَ لَطْفِ خُودِ بَر مِنْ مَنْتِ نِهَادِي
 سِيَسِ بَهٗ اِيْنِكِهٖ مَرَا اَز بَهْتَرِيْنِ خَاكِهَآ اَفْرِيْدِي لَمْ تَرْضَ لِي يَا اِلٰهِي نِعْمَةً دُوْنِ اُخْرِي وَ رَزَقْتَنِي مِنْ اَنْوَاعِ رَاضِي نَشْدِي اِي مَعْبُودِ مِنْ كِه
 تَنُهَآ اَز نَعْمَتِي بِرِخُورْدَارِشُومِ وَ اَز دِيْگَرِي مَنَعِ كَرْدَمِ بَلَكِهٖ رُوزِيْمِ دَادِي اَز اَنْوَاعِ الْمَعَاشِ، وَ صَيْنُوفِ الرِّ يَاشِ بِمَنِكَ الْعَظِيْمِ الْاَعْظَمِ عَلَيَّ،
 (نَعْمَتِهَآي) زَنْدَگِي وَ اِقْسَامِ لُؤَاظِمِ كَامِرَانِي وَ اِيْنِ بُوَاسَطِهٖ اَنْ نَعْمَتِ بَخْشِي بَزْرَگِ وَ بَزْرَگْتَرِ بُوْدِ وَاِحْسَانِكَ الْقَدِيْمِ اِلَيَّ. حَتَّى اِذَا
 اَتَمَّمْتَ عَلَيَّ جَمِيْعَ النِّعَمِ، بَرِ مِنْ وَ اَنْ اِحْسَانَ دِيْرِيْنَهَاتِ بُوْدِ نَسْبَتِ بَهٗ مِنْ تَا اِيْنِكِهٖ تَمَامِ نَعْمَتِهَآ رَا بَرِ مِنْ كَامِلِ كَرْدِي وَ صَرَفْتْ عَنِّي كُلَّ
 النِّقْمِ، لَمْ يَمْنَعِكَ جَهْلِي وَ جُرْأَتِي عَلَيَّ اَنْ وَ تَمَامِ رَنْجِهَآ وَ بَلَاهَآ رَا اَزِ مِنْ دُورِ سَاخْتِي بَا زِ هَمِ نَادَانِي وَ دَلِيْرِي مِنْ بَرِ تُو جُلُوْگِيْرِ
 نَشْدَ دَلَلْتَنِي اِلَى مَا يُقْرَبُنِي اِلَيْكَ، وَ وَفَّقْتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي لِمَدِيْكَ، فَاِنْ اَزِ اِيْنِكِهٖ رَا هِنْمَايِيْمِ كَرْدِي بَدَانِجِهٖ مَرَا بَهٗ تُو نَزْدِيْكَ كَنْدِ وَ مَوْفَقْمِ
 دَاشْتِي بَدَانِجِهٖ مَرَا بَهٗ دَر گَاهَتِ مَقْرَبِ سَازْدِ دَعْوَتُكَ اَجَبْتَنِي، وَاِنْ سَأَلْتُكَ اَعْطَيْتَنِي، وَاِنْ اَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي، كِه اِگَرِ بَخْوَانْمَتِ پَاسَخْمِ
 دِهِي وَ اِگَرِ بَخْوَاهَمِ اَزِ تُو بَهٗ مِنْ عَطَا كَنِي وَ اِگَرِ اِطَاعْتِ كَنْمِ قَدْرْدَانِي كَنِي وَاِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي، كُلُّ ذَلِكِ اِكْمَالٌ لِّاَنْعَمِكَ عَلَيَّ، وَ
 اِگَرِ سِيَاسْگَرَارِيْتِ كَنْمِ بَرِ مِنْ بِيْفَزَايِي وَ هَمِهٖ اِيْنِهَآ بَرَايِ كَامِلِ سَاخْتِنِ نَعْمَتِهَآيِ تُو اَسْتِ بَرِ مِنْ

ص: ۱۰۲

وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ، مِنْ مُبَدِيٍّ مُعِيدٍ حَمِيدٍ وَاحْسَانِيٍّ اسْتِ كِه نَسْبِتْ بَهْ مِنْ دَارِي پَس مِنْزَهِي تُو، مَنْزَهْ اَز آن رُو كِه
 آغازنده نعمتی و بازگرداننده و ستوده مجید، تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، وَعَظُمَتْ أَلَاؤُكَ، فَأَيُّ نِعْمِكَ يَا وَبِرَّ گُواری بَسِي پاكِزَه اسْتِ
 نامهای تو و بزرگ است نعمتهای تو پس ای معبود من کدامیک از نعمتهایت را إِلَهِي أَحْصِي عِدَدًا وَذِكْرًا، أَمْ أَيُّ عَطَايَاكَ أَقْوَمُ
 بِهَاشُكْرًا، وَهِيَ بِشْمَارَهْ دَر آورده و یاد کنم یا برای کدامیک از عطاهایت به سپاسگزاری اقدام کنم در صورتی که یا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ
 أَنْ يُحْصِيَ بِهَا الْعَادُونَ، أَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا أَنهَای پُروردگار مِنْ بِيشْ اَز آن اسْتِ كِه حسابگران بتوانند آنها را بشمارند یا دانش حافظان
 الْحَافِظُونَ، ثُمَّ مَا صَيَّرَتْ وَدَرَاتَ عَنِي اللَّهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَالضَّرَّاءِ بدانها رسد سپس ای خدا آنچه را از سختی و گرفتاری از من دور
 کرده و باز داشتی أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ. فَأَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَتِهِ بِيَشْتَرِ بُوْدَهْ اَز آنچه برایم آشکار شد از تندرستی و
 خوشی و من گواهی دهم خدایا به حقیقتِ اِيْمَانِي، وَعَقْدِ عَزَمَاتِ يَقِينِي، وَخَالِصِ صَيْرِيحِ تَوْجِيْدِي، اِيْمَانِ خُوْدَمْ وَ بَدَانِجَهْ تَصْمِيْمَاتِ
 يَقِينِمْ بَدَانِ بَسْتَهْ اسْتِ وَ تَوْحِيْدِ خَالِصِ وَ بِي شَائِبَهْ خُوْدِ وَبَاطِنِ مَكْنُونِ صَيْمِيْرِي، وَعَلَائِقِ مَجَارِي نُورِ بَصِيْرِي، وَأَسَارِيْرِ وَ دَرُوْنِ
 سِرْپوشِيْدَهْ نِهَادَمْ وَ رَشْتَهْهَای دِيْدِ نُوْرِ چَشْمَانِمْ وَ خَطُوْطِ صَيْفَحَهْ جَبِيْنِي، وَخُرُوقِ مَسَارِبِ نَفْسِي، وَخَذَارِيْفِ مَارِنِ صَفْحَهْ پِيْشَانِيْمْ وَ
 مَجَارِي تَنْفَسِمْ وَ پَرْدَهْهَای نَرْمَهْ

ص: ۱۰۳

عَزِينِي، وَمَسَارِبِ صِمَاخِ سَمْعِي، وَمَا ضُمَّتْ وَأَطْبَقَتْ عَلَيْهِ بَيْنِي وَرَاهِيهِ پَرْدِهٖ گُوشَمِ وَآنچه بچسبد و روی هم قرار گیرد بر آن شَفْتَايَ، وَحَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي، وَمَعْرُزِ حَنَكِ فَمِي وَفَكِي، دُو لَبَمِ وَحَرَكَتَاهِي تَلْفُظِ زَبَانِمِ وَمَحَلِّ پِیُوسْتِ كَامِ (فَكِ بَالَايِ) دِهَانِ وَآرَوَاهِمِ وَمَنَابِتِ أَضْرَاسِي، وَمَسَاغِ مَطْعَمِي وَمَشْرَبِي، وَحِمَالِهِ أُمِّ وَمَحَلِّ بِيْرُونِ آمَدَنِ دِنْدَانِهَائِمِ وَمَحَلِّ چَشِيدَنِ خُورَاكِ وَآشَامِيدَنِهَائِمِ وَرَشْتِهٖ وَعَصَبِ رَأْسِي، وَبُلُوغِ فَارِغِ حَبَائِلِ عُنُقِي. وَمَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ مَغْزِ سَرَمِ وَلُولِهٖ (حَلَقِ) مَتَّصِلِ بِهٖ رِگْهَائِي كَرْدَنِمْ وَآنچه در بر گرفته آن را قفسه صِدْرِي، وَحِمَائِلِ حَنَائِلِ وَتِينِي، وَنِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي، وَأَفْلَازِ سِينِهَامِ وَرَشْتِهَائِي رِگْ قَلْبِمِ وَشَاهِرِگْ پَرْدِهٖ دَلَمِ وَپَارِهَائِي گُوشِهٖ حَوَاشِي كِبْدِي. وَمَا حَوْتَهُ شَرَايِيْفُ أَضْلَاعِي، وَحِقَاقُ وَكِنَارِ جِگَرَمِ وَآنچه را در بردارد استخوانهای دنده‌هایم و سربندهای مَفَاصِلِي، وَقَبْضُ عَوَامِلِي، وَأَطْرَافُ أَنَامِلِي وَلَحْمِي وَدَمِي، استخوانهایم و انقباض عضلات بدنم و اطراف سر انگشتانم و گوشتم و خونم وَشَعْرِي وَبَشْرِي، وَعَصْبِي وَقَصْبِي، وَعِظَامِي وَمُخِي وَمُيِ بَدَنِمْ وَبَشْرِهٖ پُوسْتِمِ وَعَصْبِمِ وَسَاقِمِ وَاستخوانم و مغزَمِ وَعُرُوقِي، وَجَمِيعُ جَوَارِحِي، وَمَا انْتَسَجَ عَلَي ذَلِكِ أَيَّامًا وَرِگْهَائِمِ وَتَمَامِ اَعْضَاءِ وَجَوَارِحِمِ وَآنچه بر اینها بافته شده از دوران

ص: ۱۰۴

رِضَاعِي، وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي، وَنَوْمِي وَيَقْظِي وَسِيْكُونِي، شِيرِخَوَارِغِي ام و آنچه را زمین از من بر خود گرفته و خوابم و بیداریم و آرمیدنم و حرکاتِ رُكُوعِي وَسِيْجُودِي، أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى وَحَرَكَتَيْهِ رُكُوعٍ وَسُجُودٍ مِنْ (گواهی دهم) که اگر تصمیم بگیرم و بکوشم در طول الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ لَوْ عَمَرْتُهَا أَنْ أُؤَدِيَ شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ قُرُونٍ وَاعْصَارٍ بِفَرْضِ كَمَا فِي عَمْرِي بَكُنْمَ وَبِخَوَاهِمِ شُكْرِي مِنْ نِعْمَتَيْهِ تَوْأَنِي مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ، إِلَّا بِمَنِّكَ، الْمَوْجِبِ عَلَيَّ بِهٖ شُكْرُكَ رَا بِنَا آوَرْمَ نَخَوَاهِمِ تَوَانَسْتِ جِزْ بِهٖ لَطْفِ خُودِ كَمَا أَنْ خُودِ وَاجِبِ كَنْدِ بِرِ مِنْ سِپَاَسْكَزَارِيَّتِ رَا أَبَدًا جَدِيدًا، وَثَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا. أَجَلٌ، وَلَوْ حَرَضْتُ أَنَا دَوْبَارَهٗ مِنْ نُوِّ وَوَجِبِ سِتَائِشِي تَازَهٗ وَرِيْشَهٗ دَارِ كَرْدَدِ آرِي وَ اِگَرِ حَرِيصِ بَاشْمِ مِنْ وَالْعَادُونَ مِنْ أَنَا مَنِّكَ، أَنْ نُحْصِيَ بِِي مِيدِي إِنْعَامِكَ، سَالِفِيهِ وَآنِفِيهِ وَحَسَابِ كَرَانِ مِنْ مَخْلُوقَتِ كَمَا بِخَوَاهِمِ اِنْدَازَهٗ نِعْمَتِ بَخْشِيْهَائِي تُو رَا مِنْ كَازِشْتَهٗ وَآيْنِدَهٗ مَا حَصِيْرُنَا عَدَدًا، وَلَا أَحْصِيْنَاهُ أَمْدًا. هَيْهَاتَ أَنِّي ذَلِكَ وَأَنْتَ بِهٖ حَسَابِ دَرِ آوَرِمِ نَتَوَانِمِ بِشِمَارَهٗ دَرِ آوَرِمِ وَ نَهٗ مِنْ نَظَرِ زَمَانِ وَ اِنْدَازَهٗ آنرا اِحْصَاءِ كَنِمِ! هَيْهَاتَ! كَمَا فِي عَمْرِي مِيْسِرِ اسْتِ وَ تُو الْمُخْبِرِ فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ، وَالنَّبِيُّ الصَّادِقِ: وَ إِنْ تَعَرَّدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ خُودِ دَرِ كِتَابِ كُورِيَا وَ خَبَرِ رَاسْتِ وَ دَرَسْتِ خَبَرِ دَاوَدَهٗ اِي كَمَا «اِگَرِ بِشِمَارِيْدِ نِعْمَتِ خُودِ رَا لَا تُحْصُوْهَا، صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَ نَبُوْكَ، وَ بَلَّغْتَ أَنْبِيَآؤَكَ اِحْصَاءِ نَتَوَانِيْدِ كَرْدِ» خُودِ اِيَا كِتَابِ تُو وَ خَبَرِي كَمَا دَاوِي رَاسْتِ اسْتِ وَ رَسَانْدِنْدِ پِيْمِيْرَانِ وَ رَسُوْلَانَتِ

ص: ۱۰۵

وَرُسُلَكَ، مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ، وَشَرَعْتَ لَهُمْ وَبِهِمْ مِنْ هَرَجَةٍ رَا بَرِ اِيشَانِ از وَحِي خويش فرورستادی و آنچه را تشریح کردی برای آنها و بوسیله آنها دینک. غَيْرَ اُنِي يَا اِلَهِي اَشْهَدُ بِجُهْدِي وَجِدِي، وَمَبْلَغِ طَاقَتِي از دین و آیین خود جز اینکه معبودا من گواهی دهم به سعی و کوششم و به اندازه رسائی طاقا و وَسْعِي، وَاقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا، الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ وَسْعَمَ و از روی ایمان و یقین می گویم ستایش خدایی را سزااست که نگیرد فرزندی فَيَكُونُ مَوْرُوثًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ فَيُضَادَّهُ فَيَمَّا تا از او ارث برند و نیست برایش شریکی در فرمانروایی تا با او ضدیت کنند ابْتَدَعَ، وَلَا وَليُّي مِنَ الدُّلِّ فَيُزِفِدُهُ فَيَمَا صَيِّنَعِ، فَسُبْحَانَ سُبْحَانَهُ، در آنچه پدید آورد و نه نگهداری از خواری دارد تا کمکش کند در آنچه بوجود آورد پس منزله بدمنزله لَوْ كَانَ فِيهِمَا اِلَهَةٌ اِلَّا اللّٰهُ لَفَسَدَتَا وَتَفَطَّرَتَا. سُبْحَانَ اللّٰهِ الْوَاحِدِ که اگر بود در آسمان و زمین خدایانی جز او هر دو تباہ می شدند و از هم متلاشی می گشتند منزله است خدای یگانه الْاَحِدِ الصَّمِدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ، يَكْتاي بی نیازی که فرزند ندارد و فرزند کسی نیست و نیست برایش همتایی هیچکس، الْحَمْدُ لِلّٰهِ حَمِيدًا يُعَادِلُ حَمِيدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَائِهِ ستایش خدای را است ستایشی که برابر ستایش فرشتگان مقرب او و پیمبران الْمُرْسَلِينَ. وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَآلِهِ مرسلش باشد و درود خدا بر بهترین خلقش محمد خاتم پیمبران و آل

ص: ۱۰۶

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ».

پاک و پاکیزه و خالص او باد و سلام.»

آنگاه حضرت شروع کرد به درخواست از پیشگاه خداوند متعال و سعی و اهتمام نمود در دعا و اشک از دیدگان مبارکش جاری بود، پس گفت:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَحْشَاكَ كَمَا بَأَيْ أَرَاكَ، وَأَشْءِدُنِي بِتَقْوَاكَ، «خدایا چنانم ترسان خودت کن که گویا می‌بینمت و به پرهیزکاری از خویش خوشبختم گردان و به ولا- تُشَقِّنِي بِمَعْصَةِ بَيْتِكَ، وَخِرْ لِي فِي قَضَائِكَ، وَبَارِكْ لِي فِي وَاسِطَةِ نَافِرْمَانِيَةِ بَدْبِخْتَمِ مَكْنِ وَدَرِ تَعْيِينِ سَرِنُوشْتِ خَيْرِ بَرَايِمِ مَقْدَرِ كُنْ وَمَقْدَرَاتِ رَا بَرَايِمِ قَدْرِكَ، حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أُخَّرْتُ، وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتُ.»

مبارک گردان تا چنان نباشم که تعجیل آنچه را تو پس انداخته‌ای بخواهم و نه تأخیر آنچه را تو پیش انداخته‌ای اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ فِي خَدَايَا قَرَارِ دِهْ بِي نِيَاذِي دَرِ نَفْسِ مَنْ وَ يَقِينَ دَرِ دَلْمِ وَ اِخْلَاصَ دَرِ عَمَلِي، وَالنُّورَ فِي بَصْرِي، وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَمَتَّعْنِي كَرْدَارْمِ وَ رُوشَنِي دَرِ دِيدِهَامِ وَ بِيْنَايِي دَرِ دِينِمِ وَ مَرَا اَزْ اَعْضَا وَ بِجَوَارِحِي، وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصْرِي الْوَارِثِينَ مِنِّي، وَأَنْصُرْنِي جَوَارِحِمُ بَهْرَهْمَنْدِ كُنْ وَ گُوشِ وَ چَشْمِ مَرَا وَ ارْثِ مَنْ گُردان (که تا دم مرگ سلامت باشند) و یاریم ده

ص: ۱۰۷

عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَأَرِنِي فِيهِ ثَارِي وَمَا رَبِّي، وَأَقِرَّ بِدَلِيكَ عَيْنِي.

بر آنکس که به من ستم کرده و انتقام‌گیری مرا و آرزویم را درباره‌اش به من بنمایان و دیده‌ام را در این باره روشن کن اللَّهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتِي، وَاسْتُرْ عَوْرَتِي، وَاعْفُزْ لِي خَطِيئَتِي، وَاحْسِبْ خُدَايَا مُحْتَمِّمًا رَا بَرَطْرَفِ كُن وَ زَشْتِيهَائِم بِبُوشَان وَ خَطَائِم بِيَاْمَرْز وَ شَيْطَان وَ اهریمنم رَا شَيْطَانِي، وَفُكَّ رِهَانِي، وَاجْعَلْ لِي يَا اِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي اَز مَن بَرَان وَ ذَمَهَام رَا اَز گِرُو بَرَهَان وَ قَرَار ده خدایا برای من درجه والا الْآخِرَةُ وَالْأُولَى اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا در آخرت و در دنیا خدایا حمد تو را است که مرا آفریدی و شنوا بَصِيرًا، وَلِمَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا سَوِيًّا رَحِيمَةً وَ بِنَا قَرَارم دادی و ستایش تو را است که مرا آفریدی و از روی مهری که به من داشتی خلقتم را نیکو آراستی بی، وَقَدْ كُنْتُ عَنْ خَلْقِي غَنِيًّا، رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي، در صورتیکه تو از خلقت من بی‌نیاز بودی پروردگارا آنطور که مرا پدیدآوردی در خلقتم اعتدال بکار بردی رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي فَأَحْسَنْتَ صُورَتِي، رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ وَفِي پروردگارا آنطور که بوجودم آوردی صورتم را نیکو کردی پروردگارا آنطور که به من احسان کردی نَفْسِي عَافِيَتِي، رَبِّ بِمَا كَلَّمْتَنِي وَوَفَّقْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَافَيْتُم دَادِي پروردگارا آنچنانکه مرا محافظت کردی و موفقم داشتی پروردگارا آنچنانکه بر من انعام کرده فَهَدَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا وَ هَدَايْتُم فرمودی پروردگارا چنانچه مرا مورد احسان قرار داده و از هر خیری به من عطا کردی پروردگارا آنچنانکه

ص: ۱۰۸

أَطْعَمْتَنِي وَسَدَّقْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَعْنَيْتَنِي وَأَقْنَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَعْنَيْتَنِي مَرَا خُورَانِدِي وَنُوشَانِدِي پُرُورِدِ گَارَا آنچنانکه بی‌نیازم کردی و سرمایه‌ام دادی پُرُورِدِ گَارَا آنچنانکه کمکم دادی وَأَعَزَّنِي، رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي، وَيَسَّرْتَ لِي وَعَزَمْتَ بَخْشِيدِي، پُرُورِدِ گَارَا! آنچنانکه مرا از خلعت باصفایت پوشاندی و از مصنوعات به مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعْنِي عَلَى حَدِّ كَافِي فِي اخْتِيَارِمْ كَذَارِدِي دُرُودِ فَرَسْتِ بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَكَمَّمْ دِهْ بِوَاتِقِ الدُّهُورِ، وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ، وَنَجِي مِّنْ أَهْوَالِ بَرِّ پِيشِ آمِدِهَائِي نَاگُورِ رُوزگَارِ وَكَشْمَكِشِهَائِي شَبِهَائِي وَرُوزِهَائِي وَهَرَسِهَائِي الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ الْآخِرَةِ، وَأَكْفِنِي شَرًّا مَا يَعْْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي دُنْيَا وَآخِرَتِ نَجَاتِمْ دِهْ وَازِ شَرِّ آنچه ستمگران در زمین الْأَرْضِ. اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَأَكْفِنِي، وَمَا أَخِذَرْتُ فَعِنِي، وَفِي نَفْسِي أَنْجِمْ كَفَايْتُمْ فَرْمَا، خُدَايَا! از آنچه می‌ترسم کفایتم کن و از آنچه برحذرَم نگاهم‌دار و خودم و دینی فَاخْرُسِينِي، وَفِي سَفَرِي فَاخْفِظْنِي، وَفِي أَهْلِي وَمَالِي دِينِم رَا حَفِظْ كُنْ وَدِرِ سَفَرِ مَحَافِظْتُمْ كُنْ وَدِرِ خَانُودِهْ وَمَالِم فَاخْلُفْنِي، وَفِي مَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي، وَفِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي، وَفِي جَانَشِينِ مِنْ بَاشْ وَدِرِ آنچه رُوزِيم كَرْدِهْ اِي بَرَكْتِ دِهْ وَمَرَا دِرِ پِيشِ خُودِم خُورِ كُنْ وَدِرِ أَعْيُنِ النَّاسِ فَعِظْمِنِي، وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي، چشَمِ مَرْدَمِ بَزْرگَم كُنْ وَازِ شَرِّ جِنِّ وَانْسِ بَسَلَامْتُمْ بَدَارِ

ص: ۱۰۹

وَبَدُّ نُوبِي فَلَا- تَفْضَحْنِي وَبَسِّرْ بِيْرَتِي فَلَا- تُخْزِنِي، وَبِعْمَلِي فَلَا وَبِهَ گناهان رسوایم مکن و به اندیشه‌های باطنم سرافکنده‌ام مکن و به کردارم تبتلنی، وَنَعَمَ كَ فَلَا- تَسْلُبْنِي، وَإِلَى غَيْرِكَ فَلَا- تَكِلْنِي، إِلَهِي إِلَى دِجَارِمِ مَسَارِ وَنِعْمَتِهَائِي رَا از من مگیر و بجز خودت به دیگری واگذارم مکن خدایا مِنْ تَكِلْنِي، إِلَى قَرِيبٍ فَيَقْطَعُنِي، أَمْ إِلَى بَعِيدٍ فَيَتَجَهَّمُنِي، أَمْ إِلَى بَه كِه وَاگدارم می کنی آیا به خویشاوندی که از من بیژد یا بیگانه‌ای که مرا از خود دور کند یا به کسانی که الْمُسْتَضْعَفِينَ لِي، وَأَنْتَ رَبِّي وَمَلِيكَ أَمْرِي، أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي، خَوَارِمِ شَمْرِنْدِ وَ تُوِيِيِ پُروردگار من و زمامدار کار من بسوی تو شکایت آرم از غربت خود و بُعْدَ دَارِي، وَهَوَانِي عَلِي مِّنْ مَلَكْتِهِ أَمْرِي. إِلَهِي فَلَا- تُجْلِلْ وَ دُورِي خَانِهَامِ وَ خَوَارِمِ نَزْدِ كَسِي كِه زمامدار کار من کردی خدایا پس خشم خود را عَلَي غَضَبِكَ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَي فَلَا أُبَالِي سِوَاكَ، بَرِ مِنْ مَبَارِ وَ اگَرِ بَرِ مِنْ خَشْمِ نَكْرَدِه بَاشِي بَاكِي نِدَارِمِ سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنَّ عَافِيَتَكَ أَوْسَعُ لِي، فَاسْأَلُكَ يَا رَبِّ بُنُورِ- مَنْزَهِي تُو- جَزِ اَيْنَكِه دَرِ عَيْنِ حَالِ عَافِيَتِ تُو وَسِيَعْتَرِ اسْتِ بَرَايِ مِنْ پَسِ از تُو خَوَاهِمِ پُروردگارا بِه نُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَالسَّمَاوَاتُ، وَكُشِفَتْ بِهِ ذَاتُ كِه رُوشِنِ شَدِ بَدَانِ زَمِينِ وَ آسْمَانِهَا وَ بَرَطْرَفِ شَدِ بَدَانِ الظُّلْمَاتُ، وَصَلَحَ بِهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، أَنْ لَا تُمَيِّنِي عَلَي تَارِيكِيهَا وَ اَصْلَاحِ شَدِ بَدَانِ كَارِ اَوَّلِينَ وَ آخِرِينَ كِه مَرَا بَرِ حَالِ غَضَبِ خُوِيَشِ

ص: ۱۱۰

غَضَبِكَ، وَلَا تُنَزِّلْ بِي سَيْحَتِكَ، لَسَكَ الْعُتْبَى حَتَّى نَمِيرَانِي وَخَشْمَتِ رَا بَر مَن نَازِل مَفْرَمَائِي مُؤَاخَذَه وَبَازخَوَاسْتِ حَقِّ تَوَاسْتِ تَا
 گاهی که تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَالْمَشْعَرِ طِيشِ از آن راضی شوی معبودی جز تو نیست که پروردگار
 شهر محترم و مشعر الحرام، وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ، الَّذِي أَحْلَلْتَهُ الْبَرَكَهَ، وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ الْحَرَامِ وَخَانَه كَعْبَه‌ای آن خانه‌ای که برکت را بدان
 نازل کردی و آنرا برای مردمان اَمْنِيًا، يَا مَنْ عَفَا عَنْ عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ، يَا مَنْ أَسْبَغَ النِّعْمَاءَ خَانَه اَمْنِي قَرَار دادی ای کسی که از
 گناهان بزرگ به بردباری خود درگذری ای که نعمتها را به فضل خود بَفَضْلِهِ، يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ، يَا عِمْدَتِي فِي شِدَّتِي، يَا
 فراوان گردانی ای که عطایای شایان را به کرم خود بدهی ای ذخیره‌ام در سختی صَاحِبِي فِي وَخِدَّتِي، يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي، يَا وَلِيَّي
 فِي نِعْمَتِي، ای رفیق و همدم در تنهایی ای فریادرس من در گرفتاری ای ولی من در نعمتم يَا إِلَهِي وَ إِلَهَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ
 إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ، وَ رَبَّ اِي مَعْبُودِ مَن وَ مَعْبُودِ پَدْرانم اِبْرَاهِيمَ وَ اِسْمَعِيلَ وَ (مَعْبُودِ) اِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ پَروردگار جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ
 وَ إِسْرَافِيلَ، وَ رَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ آلِهِ جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ اِسْرَافِيلَ وَ پَروردگار مُحَمَّد خاتم پيبران وَ آلِ الْمُتَنَجِّينَ، وَ مُنَزَّلَ التَّوْرَةِ
 وَ الْإِنْجِيلِ، وَ الزُّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ، وَ مُنَزَّلَ بَرگزیده‌اش وَ فَرُوفَرستنده تورات وَ انجيل وَ زبور وَ قرآن وَ نازل کننده

ص: ۱۱۱

کهیص، و طه و یس، وَالْقُرْآنِ الْحَکِیمِ، أَنْتَ کَهْفِی حِینَ تُعِینِی کَهِیصِ وَ طه و «یس و قرآن حکمت آموز» تویی پناه من هنگامی که در مانده‌ام الْمَذَاهِبُ فِی سَبْعَتِهَا، وَ تَصَدِّقُ بِنَبِیِّ الْأَرْضِ بِرُحْمَتِهَا، وَلَوْلَا کُنْتُ رَاهِبًا بِهَا، وَلَوْلَا کُنْتُ رَاهِبًا بِهَا هَمَّهِ وَسَعَتِی که دارند و زمین بر من تنگ گیرد با همه پهناوریش و اگر نبود رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِکِیْنَ، وَأَنْتَ مُقِیلُ عَثْرَتِی، وَلَوْلَا سَتْرُكَ رَحْمَتِ تَوْ بِطُورِ حَتْمِ مِنْ هَلَاكِ شَدَّهِ بُوْدَمِ وَ تُوْیِی که به یاری خود مرا بر اَعْدَائِی، وَلَوْلَا- نَصْرُكَ اِیَّای لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوْبِیْنَ. یا مَنْ خَصَّ دَشْمَنانمِ یاری دَهِی و اگر نبود یاری تو من مغلوب شده بودم ای که مَخْصُوص کرده نَفْسَهُ بِالشُّمُو وَالرَّفْعِیَّةِ، فَأَوْلِیَاؤُهُ بَعِزَّهُ یَعْتَرُونَ، یا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ خُودَ رَا بَ بَلَنْدِی و برتری و دوستانش بوسیله عزت او عزت یابند ای که الْمُلُوكُ نَبِیرَ الْمَدَلَّةِ عَلَی اَعْنَاقِهِمْ، فَهَمُّ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، پادشاهان در برابرش طوق خواری به گردن گذارند و آنها از سَطَوَاتِش ترسانند یَعْلَمُ خَائِفَةً الْأَعْیْنَ وَ ما تُخْفِی الصُّدُورُ، وَ غَیْبَ ما تَأْتِی بِهِ می داند حرکت (یا خیانت) چشمتها و آنچه را سینه‌ها پنهان کنند و حوادثی که در كَمُونِ الْأَزْمَنَةِ وَالذُّهُورِ، یا مَنْ لا یَعْلَمُ کَیْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ، یا مَنْ لا یَعْلَمُ زمانها و روزگارا است ای که نداند چگونگی او را جز خود او ای که نداند

ص: ۱۱۲

مَا هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَىٰ جَيْسَتِ او جز او ای که نداند او را جز خود او ای که زمین را بر
 الْمَاءِ، وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ، يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ، يَا ذَا آبٍ فَرَوُ بُرْدِي وَهَوَا رَا بَه آسْمَانِ بَسْتِي ای که گرمی‌ترین نامها از او است ای
 دَارِنْدَه الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا، يَا مُقْبِضَ الرَّكْبِ لِيُوسِفَ فِي احْسَانِي که هرگز قطع نشود ای گمارنده کاروان برای نجات
 يوسِفِ الْبَلَدِ الْقَفْرِ، وَمُخْرِجِهِ مِنَ الْجُبِّ وَجَاعِلُهُ بَعِيدَ الْعُرُودِيَّةِ مَلِكًا، يَا دَرِ آن جَايِ بِي آبٍ وَ عِلْفٍ وَ بِيرون آورنده‌اش از چاه و
 رساننده‌اش به پادشاهی پس از بندگی ای که رآدَّهُ عَلَيَّ يَعْقُوبَ بَعِيدًا أَنْ اِيضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ، يَا او را برگرداندی به
 يعقوب پس از آنکه دیدگانش از اندوه سفید شده بود و آکنده از غم بود ای كَاشِفَ الضَّرِّ وَالْبَلْوَى عَنْ أَيُّوبَ، وَمُؤَمِّسَكَ يَدَيَّ
 اِبْرَاهِيمَ عَنْ بَرطرف کننده سختی و گرفتاری از ایوب و ای نگهدارنده دستهای ابراهیم از ذَبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنِيهِ، وَفَنَاءِ عُمَرِهِ، يَا مَنْ
 اسْتَجَابَ لِرُكْرِيَا ذَبْحِ پسرش پس از سن پیری و بسر آمدن عمرش ای که دعای زکریا را به اجابت رساندی فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَىٰ وَلَمْ يَدْعُهُ
 فَرَدًّا وَحِيدًا، يَا مَنْ أَخْرَجَ يُوسُفَ مِنَ الْيَمِّ وَ بَخَشِيدِي وَ او را تنها و بی کس وامگذاردی ای که بیرون آورد یونس را بَطْنِ
 الْحُوتِ، يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِيُنِي إِسْرَائِيلَ فَأَنْجَاهُمْ، وَجَعَلَ لِي شَكْمَ مَاهِي ای که شکافت دریا را برای بنی اسرائیل و (از فرعونیان)
 نجاتشان داد و

ص: ۱۱۳

فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمُغْرَقِينَ، يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ فِرْعَوْنَ وَ لَشُكْرِيَانِش رَا غَرَق كَرْد اِی كِه فِرْسِتَاد بَادِهَا رَا نَویددِهِنْد گَانی بَیْن
 یَدِی رَحْمَتِهِ، يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ، يَا پِشاپِیش آمَدِن رَحْمَتِش اِی كِه شِتَاب نَكِنْد بَر (عذاب) نافرمانان از خلق
 خود اِی مَنْ اِسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعِيدِ طُولِ الْجُحُودِ، وَقَدْ غَدَوَا فِي نِعْمَتِهِ كِه نِجَاتِ بَخْشید سَاحِرَان (فرعون) رَا پَس از سالها انكار (و
 كفر) و چنان بودند كِه مَتَنَعَم بَه نِعْمَتِهای خِدا بَوَدِنْد يَا كُلُون رِزْقَهُ، وَ يَعْجُدُونَ غَيْرَهُ، وَقَدْ حَادُّوهُ وَ نَادُّوهُ وَ كَذَّبُوا رُسُلَهُ.

كِه رُوْزِش رَا مِی خُورَدِنْد و لی پَرِسْتِش دِیگَرِی رَا مِی كَرْدِنْد و با خِدا دِشْمِنِی و ضِدِیت دَاشْتِنْد و رِسُولانِش رَا تَكْذِیب مِی كَرْدِنْد یا
 اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا يَدِي يَا يَدِي، لَا تَدَّ لَكَ، يَا دَائِمٌ لَا نَفَادَ لَكَ، اِی خِدا اِی خِدا اِی آغَا زِنْدِه اِی پَدِید آوَرِنْدِه اِی كِه هِمْتَا نَداری اِی
 جَاوِیدانِی كِه زِوَال نَداری یا حَيُّ حِينَ لَا حَيِّ، یا مُحْيِي الْمَوْتِي یا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَي كُلِّ اِی زِنْدِه دَر آَنگَا كِه زِنْدِه اِی نَبُود اِی زِنْدِه
 كِن مَرْدگان اِی كِه مَراقِبْت داری نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، یا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي، وَعَظَمْتُ هَر كَس بَدانِچِه اِنجَام دادِه اِی كِه
 سِپاسگِزاري مَن بَرایش اِنْدَك است و لی مَحْرُوم نَكِنْد و خَطايِم خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي، وَرَأَيْتِ عَلَي الْمَعَاصِي فَلَمْ يَشْهَرْنِي، بزرگ
 است و لی رِسوايم نَكِنْد و مَرَا بَر نافرمانِی خُوِش بِنِند و لی پَرْدِه اِم نَدَرْد اِی كِه یا مَنْ حَفِظْنِي فِي صَةِ غَرِي، یا مَنْ رَزَقْنِي فِي كِبْرِي، یا
 مَنْ مَرَا دَر كُودَكِي مَحافِظْت كَرْدِي اِی كِه دَر بزرگي رُوْزِیم دادِي اِی كِه اِنْدازِه مَرَحْمَتِهايِي كِه بَه مَن كَرْدِي

ص: ۱۱۴

أَيَادِيهِ عِنْدِي لِأَتُحْصِيَ وَنِعْمُهُ لَا تُجَازِي يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ بِشِمَارِهِ نِيَايد و نعمتهایش را تلافی ممکن نباشد ای که روبرو شد با من به نیکی وَالْإِحْسَانِ، وَعَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِضِيَانِ، يَا مَنْ هَيَّدَانِي لِلْإِيْمَانِ و احسان ولی من با او به بدی و گناه روبرو شدم ای که مرا به ایمان هدایت کرد مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْإِيْمَانِ، يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي، پیش از آنکه بشناسم طریقه سپاسگزاری نعمتش را ای که خواندمش در حال بیماری و او شفایم داد وَعُزِيَانًا فَكَسَانِي، وَجَائِعًا فَاشْبَعَنِي، وَعَطْشَانًا فَأَرْوَانِي، وَذَلِيلًا و در برهنگی و او مرا پوشاند و در گرسنگی و او سیرم کرد و در تشنگی و او سیرابم کرد و در خواری و فَأَعَزَّنِي، وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي، وَوَحِيدًا فَكَثَّرَنِي، وَغَائِبًا فَرَدَّنِي، او عزتم بخشید و در نادانی و او معرفتم بخشید و در تنهایی و او فزونی جمعیت به من داد و در دوری از وطن و او بازم گرداند وَمُقَلِّمًا فَأَغْنَانِي، وَمُتَّصِرًا فَتَصَيَّرَنِي، وَعَبِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي، و در نداری و او داریم کرد و در کمک‌خواهی و او یاریم داد و در ثروتمندی و او از من سلب نفرمود وَأَمْسَيْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَأَنِي. فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ، يَا مَنْ و (هنگامی که) از همه این خواسته‌ها دم بستم تو آغاز کردی پس از آن تو است حمد و سپاس ای که أَقَالَ عَيْتْرَتِي، وَنَفَسَ كُرْبَتِي، وَأَجَابَ دَعْوَتِي، وَسَيَّرَ عِيُورَتِي، لغزشم را نادیده گرفت و گرفتگی را از من دور کرد و دعایم را اجابت فرمود و عییم را پوشاند وَغَفَرَ ذُنُوبِي، وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي، وَنَصَّرَنِي عَلَى عَدُوِّي، وَإِنْ و گناهانم را آمرزید و به خواسته‌ام رسانید و بر دشمنم یاری داد و اگر بخواهم

ص: ۱۱۶

عَافِيَتٌ، أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتِ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتِ، فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا، عَافِيَتِ دَادِي اَيْنِ تُوْبِي كِه اِكْرَامِ كَرْدِي بَزْرُگِي وَ بَرْتَرِي اَز تُوَاسْتِ وَ سِتَايشِ هَمِيْشِه مَخْصُوصِ تُوَاسْتِ وَ لَكَ الشُّكْرُ وَاصِبًا اَبَدًا. ثُمَّ اَنَا يَا اِلٰهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي وَ سِپَاسْگَزَارِي دَائِمِي وَ جَاوِيْدِ اَز اَن تُوَاسْتِ وَ اِمَا مِنْ اِي مَعْبُودِ كَسِي هَسْتَمِ كِه بِه گَنَاهَانِمِ اِعْتِرَافِ دَارِمِ فَاعْفِرْهَا لِي، اَنَا الَّذِي اَسَاْتُ، اَنَا الَّذِي اَخْطَاْتُ، اَنَا الَّذِي پَسِ اَنهَا رَا بِيَاْمَرْزِ وَ اَيْنِ مِنْمِ كِه بَدِ كَرْدَمِ اَيْنِ مِنْمِ كِه خَطَا كَرْدَمِ اَيْنِ مِنْمِ كِه (بِه بَدِي) هَمَمْتُ، اَنَا الَّذِي جَهَلْتُ، اَنَا الَّذِي غَفَلْتُ، اَنَا الَّذِي سَهَوْتُ، اَنَا الَّذِي هَمْتِ گَمَاشْتَمِ اَيْنِ مِنْمِ كِه نَادَانِي كَرْدَمِ اَيْنِ مِنْمِ كِه غَفَلْتُ وَرَزِيْدَمِ اَيْنِ مِنْمِ كِه فَرَامُوشِ كَرْدَمِ اَيْنِ مِنْمِ اِعْتَمَدْتُ، اَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ، اَنَا الَّذِي وَعَدْتُ، اَنَا الَّذِي كَثْتُ، اَنَا الَّذِي اَفْرَرْتُ، اَنَا الَّذِي اِعْتَرَفْتُ كِه خَلْفِ وَعَدِه كَرْدَمِ اَيْنِ مِنْمِ كِه پِيْمَانِ شَكْنِي كَرْدَمِ اَيْنِ مِنْمِ كِه بِه بَدِي اَقْرَارِ كَرْدَمِ اَيْنِ مِنْمِ كِه بِه نِعْمَتِ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِي، وَ اَبُوءُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْهَا لِي. يَا مَنْ تُو بَرِ خُودِ وَ دَرِ پِيْشِ خُودِ اِعْتِرَافِ دَارِمِ وَ بَا گَنَاهَانِمِ بَسُوِيْتِ بَا زِ گَشْتِه اَمِ پَسِ اَنهَا رَا بِيَاْمَرْزَايِ كَسِي كِه لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ، وَ هُوَ الْغَنِيُّ عَنِ طَاعَتِهِمْ، وَ الْمَوْفِقُ زِيَانِشِ نَرَسَانِدِ گَنَاهَانِ بِنِدْگَانِ وَ اَزِ اطَاعَتِ اِيْشَانِ بِي نِيَازيِ وَ تُو اَنِي كِه هَر كَسِ اَزِ بِنِدْگَانِ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْهُمْ بِمَعُوْنَتِهِ وَرَحْمَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ اِلٰهِي كَرْدَارِ شَايِسْتِه اِي اِنْجَامِ دِهْدِ بِه رَحْمَتِ خُوِيْشِ تُوْفِيْقِشِ دِهِي پَسِ تُو رَا اسْتِ سِتَايشِ اِي مَعْبُودِ وَ

ص: ۱۱۷

وَسَيِّدِي، إِلَهِي أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتُكَ، وَنَهَيْتَنِي فَأَزْتَكَبْتُ نَهْيَكَ، آقاي من خدایا به من دستور دادی و من نافرمانی کردم و نهی فرمودی ولی من نهی تو را مرتکب شدم فَأَصْرَبْتُ لَا ذَا بَرَاءَةٍ لِي فَأَعْتَذِرُ، وَلَا ذَا قُوَّةٍ فَأَتَصَدَّرُ، فَبَأَيِّ شَيْءٍ وَاكُنُونَ بِهِ حَالِي افْتَادَهُمَ كَمَا نَهَى وَسَيِّلَهُ تَبْرَثُهُ أَي دَارَمَ كَمَا بَوَّزُوا خَوَاهِمَ وَنَهَى رُؤْيِي دَارَمَ كَمَا بَدَانَ يَارِي كِيرَمَ پَسْ بَهْ چَهْ وَسَيِّلَهُ أَشْرَقْتَلْبِكَ يَا مَوْلَايَ، أَبْسَمِعِي أُمَّ بَصْرِي، أُمَّ بِلْسَانِي، أُمَّ بِيَدِي، أُمَّ مِنْ تَوْبَخْشِ طَلْبِمَ أَي مَوْلَايَ مِنْ آيَا بَهْ كُوشَمَ يَا بَهْ چَشْمَمَ يَا بَهْ زَبَانَمَ يَا بَهْ دَسْتَمَ يَا بَرَجَلِي، أَلَيْسَ كُلُّهَا نَعْمَكَ عِنْدِي، وَبِكُلِّهَا عَصَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ، بَهْ پَايَمَ آيَا هَمَمَ أَيْنَهَا نَعْمَتَاهَايَ تُو نَيْسَتْ كَهْ دَرِ پَيْشِ مِنْ بُوْدَ وَبَا هَمَمَ أَنَهَا تُو رَا مَعْصِيَتِ كَرْدَمَ أَي مَوْلَايَ مِنْ فَالِكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ، يَا مَنْ سَيَّرْتَنِي مِنَ الْأَبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ پَسْ تُو حَجَّتْ وَ رَاهِ مَوْأَخَذَهْ بَرِ مِنْ دَارِي أَي كَهْ مَرَا پُوشَانْدِي از پَدْرَانِ وَ مَادْرَانِ أَنْ يَزْجُرُونِي، وَمِنْ الْعَشَائِرِ وَالْإِخْوَانِ أَنْ يُعَيِّرُونِي، كَهْ مَرَا از نَزْدِ خُودِ بَرَانَنْدِ وَ از فَاْمِيْلِ وَ بَرَادْرَانِ كَهْ مَرَا سَرَزَنْشِ كَنْنَدِ وَ از وَمِنْ السَّلَاطِينِ أَنْ يُعَاقِبُونِي، وَكُلُوا طَلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَيَّ مَا أَطَّلَعْتَ سَلَاطِينَ وَ حُكُومَتَهَا كَهْ مَرَا شَكَنْجَهْ كَنْنَدِ وَ اَكْرَ أَنَهَا مَطْلَعِ بُوْدَنْدِ أَي مَوْلَايَ مِنْ بَرِ أَنْجَهْ تُو بَرِ آنِ مَطْلَعِي عَلَيْهِ مِنِّي إِذَا مَا أَنْظَرُونِي، وَكَلَرَفُضُونِي وَ قَطَعُونِي. فَهَذَا أَنَا ذَا از كَارِ مِنْ دَرِ آنِ هَنْگَامِ مَهْلَتَمَ نَمِي دَادَنْدِ وَ از خُودِ دُورَمَ مِي كَرْدَنْدِ وَ از مِنْ مِي بَرِيْدَنْدِ وَ اَيْنِكَ يَا إِلَهِي، بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي، خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَصِيرٌ حَقِيرٌ، لَا ذُوْ خَدَايَا اَيْنِ مَنْمَ كَهْ دَرِ پَيْشْگَاهَتِ اَيْسْتَادَهَامِ أَي آقَايَ مِنْ بَا حَالِ خُضُوعِ وَ خُوَارِي وَ دَرْمَانْدِگِي وَ كُوجِكِي نَهْ وَسَيِّلَهُ

ص: ۱۱۸

بِرَاءَةٍ فَأَعْتَدِرُ، وَلَا ذُو قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرُ، وَلَا ذُو حُجْبَةٍ فَأُحْتَجُّ بِهَا، وَلَا تَبْرئُهُ جَوْبِي دَارِمُ كَهَ پوزش طلبم و نه نیرویی که یاری جویم و نه حجت و برهانی که بدان چنگ زنم و نه قائل لَمْ أَجْتَرِحْ، وَلَمْ أَعْمَلْ سُوءًا، وَمَا عَسَى الْجُحُودُ مِي تَوَانِمُ بِنُكْوِيْمُ كَهَ گناه نکرده‌ام و عمل بدی انجام نداده‌ام و کجا می تواند انکار- فرضاً لَوْ جَعَلْتُ يَامَوْلَايَ يَنْفَعْنِي، كَيْفَ وَأَتَى ذَلِكَ وَجَوَارِحِي كُلُّهَا كَهَ انکار کنم ای مولای من- سودم بخشد! چگونه؟ و کجا؟ با اینکه تمام اعضای من شاهدهٔ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمَلْتُ، وَقَدْ عَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكٍّ أَنْتَ كَهَ گواهند بر من به آنچه انجام داده و به یقین می دانم و هیچگونه شك و تردیدی ندارم که تو از سائلی مِنْ عَظَائِمِ الْأُمُورِ، وَأَنْتَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ اللَّذِي لَا تَجُورُ، كَارِهَائِي بَزْرَكٍ اَزِ مَنِ پَرَسَشِ خَوَاهِي كَرْدِ وَ تَوِيْبِي اَنِ دَاوَرِ عَادَلِي كَهَ سَتَمِ نَكَنْدِ وَعَدْلُكَ مُهْلِكِي، وَمِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبِي، فَإِنْ تَعِدْتَنِي يَا إِلَهِي وَ هَمَانِ عَدَالْتِ مَرَاهَاكَ كَنْدِ وَ اَزِ تَمَامِ عَدَالْتِ تُو مِي گَرِيْزِمُ اِگَرِ عَذَابِمُ كَنِي خَدَايَا فَبِيْذُ تُوْبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ، وَإِنْ تَعْفُ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَجُودِكَ بُوَاسَطَةِ گَنَاهَانِ مَنِ اَسْتِ پَسِ اَزِ اَنَكِهَ حَجْتِ بَرِ مَنِ دَارِي وَ اِگَرِ اَزِ مَنِ دَرِ گَزْدَرِي پَسِ بَهَ بَرْدَبَارِي وَ بَخْشَنْدِ گِي وَ كَرَمِكَ. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنْ كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، لَا إِلَهَ وَ بَزْرِ گَوَارِي تُو اَسْتِ مَعْبُودِي جَزِ تُو نِيَسْتِ مَنَزْهِي تُو وَ مَنِ اَزِ سَتْمَكَارَنِمِ مَعْبُودِي إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنْ كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ جَزِ تُو نِيَسْتِ مَنَزْهِي تُو وَ مَنِ اَزِ اَمْرَشِ خَوَاهَانِمِ مَعْبُودِي جَزِ تُو نِيَسْتِ

ص: ۱۱۹

سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُؤَحِّدِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي مِنْهُ مُتَوَكِّلٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهَلِّينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنزهی تو و من از تهلیل (لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) گویانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از تسائیلین، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُكْبِرِينَ، تَسْبِيحُ گویانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از تکبیر (اللَّهُ أَكْبَرُ) گویانم لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِي الْأُولِينَ. اللَّهُمَّ هَذَا ثَنَائِي مَعْبُودِي نِيسْتُ جِزْ تُو مِنْزَهِي تُو پُرُورْدْگَارِ مِنْ وَ پُرُورْدْگَارِ پِدْرَانِ پِيشِينِ مِنْ خُدَايَا اَيْنِ اسْتِ سِتَائِشِ مِنْ عَلَيْكَ مُمَجِّدًا، وَإِخْلَاصِي لِتَذْكُرِكَ مُؤَحِّدًا، وَإِقْرَارِي بِالْأَنَّكَ بَرُّ تُو دَرِ مَقَامِ تَمَجِيدَتِ وَ اَيْنِ اسْتِ اِخْلَاصِ مِنْ بَذْكَرِ دَرِ مَقَامِ يَكْتَاپِرْسْتِيْتِ وَ اِقْرَارِ مِنْ بَهْ نَعْمَتِهَائِتِ

ص: ۱۲۰

مَعْدِدًا، وَإِنْ كُنْتُ مُقِرًّا أَنْبَى لَمْ أَحْصِهَا لِكَثْرَتِهَا وَسُبُوحِهَا، در مقام شماره آنها گرچه من اقرار دارم که آنها را نتوانم بشماره درآورم از بسیاری آنها و فراوانی و تظاهرها و تقادّمها إِلَى حَادِثٍ، مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَهَا مُنْذُ خَلَقْتَنِي وَ أَشْكَارِي أَنَّهُا وَ پِيشِي جُسْتِنِ أَنَّهُا از زمان پیدایش من که همواره در آن عهد مرا بوسیله آن نعمتها یادآوری می کردی وَ بَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ مِنَ الْإِغْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ، از آن ساعت که مرا آفریدی و خلق کردی از همان ابتدای عمر که از نداری و فقر مرا به توانگری درآوردی وَ كَشَفَ الضُّرَّ، وَ تَسْيِبَ الْيُسْرِ، وَ دَفَعَ الْعُسْرَ، وَ تَفَرَّجَ الْكَرْبَ، و گرفتاریم برطرف کردی و اسباب آسایش مرا فراهم ساختی و سختی را دفع نموده و اندوه را زدودی وَ الْعَافِيَةَ فِي الْبَدَنِ، وَ السَّلَامَةَ فِي الدِّينِ. وَلَوْ رَفَدْتَنِي عَلَى قَدَرٍ وَ تَمَّ رَأْيِي وَ تَمَّ دِينِي وَ بَسَلَمَتِ دَاشْتِي وَ اِگَر يَارِيم دَهْنَد بَه اَنْدَازَه اَي ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوْلِينَ وَالْآخِرِينَ، مَا قَدَرْتُ كَيْفَ نِعْمَتِكَ رَا ذِكْر كِنَم تَمَام جَهَانِيَان اَز اَوَلِين وَ آخِرِين نَه مَن قَدْرَتِ وَ لَاهُم عَلَي ذَلِك. تَقَدَّسَتْ وَ تَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيم، عَظِيم ذِكْرش رَا دَارَم نَه أَنَّهُا مَنزَهِي تُو وَ بَرْتَرِي اَز اَيْنَكِه پَروردگاري هستي كَرِيم وَ بزرگ رَحِيم، لَا تُحْصِي الْأَوْكُ، وَلَا يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ، وَلَا تُكَافَأُ نِعْمَاؤُكَ، وَ مَهْرَبَان كِه مَهْرورزي هَايت بَه شَمَارَه درنبايد وَ ستايشْت بَه آخِر نرسد وَ نِعْمَتِهايت رَا تَلَفِي نَتَوَان كَرْد صَلَّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَتَمَّمْ عَلَيْنَا نِعْمَكَ، وَ أَسْعِدْنَا بِطَاعَتِكَ.

درود فرست بر محمد و آل محمد و کامل گردان بر ما نعمتهايت را و بوسيله اطاعت خویش

ص: ۱۲۱

سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ، سَعَادَتِ مَن دَمَان گِردان منزهی تو معبودی جز تو نیست خدایا تویی که اجابت کنی دعای درمانده را وَتَكْشِفُ الشُّوْءَ، وَتُعِثُّ الْمَكْرُوبَ، وَتَشْفِي السَّقِيمَ، وَتُعْنِي وَبِرْطَفِ كُنِي بدی را و فریادرسی کنی از گرفتار و شفا دهی به بیمار و بی‌نیاز کنی الْفَقِيرَ، وَتَجْبِرُ الْكَسِيرَ، وَتَرْحَمُ الصَّغِيرَ، وَتُعِينُ الْكَبِيرَ، وَلَيْسَ فَقِيرًا و مرمت کنی شکستگی را و رحم کنی به کودک خردسال و یاری دهی به پیر کهنسال و جز تو دُونَكَ ظَهِيرٌ، وَلَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ، وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ. یا مُطْلَقَ پشیمانی نیست و نه فوق (توانایی) تو توانایی و تویی والای بزرگ ای رهاکننده الْمُكَبَّلِ الْأَسِيرِ، یا رازِقِ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، یا عِضْمَةَ الْخَائِفِ اسیر در کُند و زنجیر ای روزی دهنده کودک خردسال ای پناه شخص ترسانی الْمُسْتَجِيرِ، یا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ، صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ كِه پناه جوید ای که شریک و وزیر برای او نیست درود فرست بر محمد و آل مُحَمَّدٍ، وَأَعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ، أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ وَأَنْلَتَ أَحَدًا مُحَمَّدًا و عطا کن به من در این شام بهترین چیزی را که عطا کردی و دادی به یکی مِنْ عِبَادِكَ، مِنْ نِعْمَةٍ تُؤَلِّيها، وَالْآلِ تُجِدُّها، وَبِلَيْتِهِ تَصْرِفُها، از بندگانت چه آن نعمتی باشد که می‌بخشی و یا احسانهایی که تازه کنی و بلاهایی که می‌گردانی وَكَرْبِيَّةٍ تَكْتَسِبُها، وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُها، وَحَسَنَةٍ تَتَقَبَّلُها، وَسَيِّئَةٍ و غم و اندوهی که برطرف کنی و دعایی که اجابت کنی و کار نیکی که بپذیری و گناهانی

ص: ۱۲۲

تَتَعَمَّدُهَا، إِنَّكَ لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ خَيْرٌ، وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

که ببوشانی که براستی تو بهر چه خواهی دقیق و آگاهی و بر هر چیز توانایی اَللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ، وَأَشْرَعُ مَنْ أُجَابَ، وَأَكْرَمُ مَنْ عَفَا، خدایا تو نزدیکترین کسی هستی که خواندت و از هر کس زودتر اجابت کنی و در گذشت از هر کس بزرگوارتری وَأَوْسَعُ مَنْ أُعْطِيَ وَأَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ، يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ودر عطا بخشی عطایت از همه وسیعتر و در اجابت درخواست از همه شنواتری ای بخشاینده دنیا و آخرت وَرَحِيمَهُمَا، لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ، وَلَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ، دَعَاكَ وَرَبَّكَ و مهربان آن دو براستی کسی که مانند تو از او درخواست شود نیست و جز تو آرزو شده‌ای نیست خواندمت فَأَجَبْتَنِي، وَسَأَلْتَكَ فَأَعْطَيْتَنِي، وَرَغَبْتُ إِلَيْكَ فَرَحِمْتَنِي، وَتَوَقَّعْتُ مِنْكَ فَأَجَبْتَنِي، وَفَزَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي. اَللَّهُمَّ فَصِّلْ وَبِهِ تَوَاعَدْتُكَ وَبِهِ نَجَاتِي دادی و به درگاه تو نالیدم و تو کفایت کردی خدایا درود فرست علی مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ، وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ بر محمد بنده و رسول و پیامبرت و بر آل پاک الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَمِّمْ لَنَا نِعْمَاءَكَ، وَهَبْ لَنَا عَطَاءَكَ، وَارْتَبِنَا لَكَ وَبِهِ نَجَاتِي دادی و به درگاه تو نالیدم و تو کفایت کردی خدایا بر ما گوارا کن و نام مارادر زمره شاکرین، وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ذَا الْكُرْسِيِّ، آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

سپاسگزارانت بنویس و هم جزء یادکنندگان نعمتهایت آمین آمین ای پروردگار جهانیان

ص: ۱۲۳

اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَسَدْرَ، وَقَدَرَ فَقَهْرَ، وَعَصَى فَسْتَرَ، وَاسْتُغْفِرَ خدایا ای که مالک آمد و توانا، و توانا است و قاهر و نافرمانی شد ولی پوشاند و آمرزشش خواهند فَعَفَرَ، یا غایبۀ الطَّالِبِينَ، وَمُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ، یا مَنْ و آمرزد ای کمال مطلوب جویندگان مشتاق و منتهای آرزوی امیدواران ای که أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَوَسِعَ الْمُسْتَقِيلِينَ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَحِلْمًا.

دانشش بهر چیز احاطه دارد و رأفت و مهر و بردباریش توبه‌جویان را فرا گرفته اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيِّ، الَّتِي شَرَفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا خدایا ما رو به‌درگاه تو آوریم در این شبی که آنرا شرافت و بزرگی دادی بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَمِينِكَ عَلَيَّ بوسيله محمد پیامبرت و فرستاده‌ات و برگزیده‌ات از آفریدگان و امین تو بر وَحْيِكَ، الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، السِّرَاحِ الْمُنِيرِ، الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ وَحَيْثُ أَنْ مَثْرَدَه دهنده و ترساننده و آن چراغ تابناک آنکه بوسيله‌اش بر عَلَيَّ الْمُسْلِمِينَ، وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ مُسْلِمَانَانَ نِعْمَتِ بَخْشِيدِي وَرَحْمَتِ عَالَمِيَانِ قَرَارِشِ دَادِي خدایا درود فرست بر محمد و آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِذَلِكَ مِنْكَ يَا عَظِيمُ، فَصَلِّ عَلَيَّ وَآلِ مُحَمَّدٍ چنانچه محمد نزد تو شایسته آنست ای خدای بزرگ پس درود فرست بر او وَعَلَى الْمُتَّجِبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَعَمَّدْنَا وَبِرَّ آلِ بَرِّگَزِيدَه پاك و پاکیزه‌اش همگی و بیوشان ما را

ص: ۱۲۴

بِعَفْوِكَ عَنَّا، فَإِلَيْكَ عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ بِصُئُوفِ اللُّغَاتِ، فَاجْعَلْ به گذشت خود زیرا صداها با انواع مختلف لغتهاشان (و هر کس به زبانی ناله‌اش) بسوی تو بلند است لَنَا اللّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ نَصِيباً مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ، پس ای خدا برای ما قرار ده در این شام بهره‌ای از هر خیری که میان بندگانت تقسیم فرمایی وَنُورٍ تَهْدِي بِهِ، وَرَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا، وَبَرَكَهٍ تُنْزِلُهَا، وَعَافِيَةٍ تُجَلِّلُهَا، و نوری که بدان هدایت فرمایی و رحمتی که بگستری آنرا و برکتی که نازلش کنی و عافیتی که بپوشانی وَرِزْقٍ تَبْسُطُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللّهُمَّ أَقْبِلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ و روزی و رزقی که پهن کنی ای مهربانترین مهربانان خدایا برگردان ما را در این هنگام مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ، پیروزمند و رستگار و پذیرفته و بهره‌مند و از ناامیدان قرارمان مده وَلَا تُخْلِنَا مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تَحْرِمْنَا مَا نُؤْمَلُهُ مِنْ فَضْلِكَ، و از رحمت دست خالیمان مفرما و محرومان مکن از آنچه از فضل تو آرزومندیم وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ، وَلَا لِفَضْلِ مَا نُؤْمَلُهُ مِنْ عَطَائِكَ و جزء محرومان رحمت قرارمان مده و نه ناامیدمان کن از آن زیادی عطایت قَانِطِينَ، وَلَا تَرُدَّنَا خَائِبِينَ، وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ، يَا أَجْوَدَ که آرزومندیم و ناکام بازمان مگردان و از درگاهت مطرود و رانده‌مان مکن ای بخشنده‌ترین المَأْجُودِينَ، وَأَكْرَمَ الْمَأْكَرِمِينَ، إِلَيْكَ أَقْبِلْنَا مُوقِنِينَ، وَلِبَيْتِكَ الْحَرَامِ بَخْشندگان و کریمترین کریمان ما با یقین به درگاه تو رو آورديم و به آهنگ (زیارت) خانه محترم تو

ص: ۱۲۵

آمِينَ قاصِدِينَ، فَأَعِنَّا عَلَى مَنَاسِكَنَا، وَأَكْمِلْ لَنَا حَجَّنَا، وَأَعْفُ عَنَّا (كعبه بدینجا) آمَدیم پس كمك ده ما را بر انجام مناسك حج و
 حجامان را كامل گردان و از ما درگذر و عافنا، فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيْدِينَا، فَهِيَ بِذَلِكَ الْاعْتِرَافِ وَ تَنَدَرَسْتَمَانَ دَارِ زِيْرَا كِهَ مَا بَسُوْى تُو دُو
 دَسْتِ (نِيْاز) دِرَاز كَرْدِه_اِيْم وَ اَن دَسْتِهَا چِنان اسْت كِهَ بِهَ خُوَارِي اَعْتِرَافِ بِهَ گِناهِ مَوْسُومِيَّة. اَللّٰهُمَّ فَاعْطِنَا فِيْ هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ،
 وَ اَكْفِنَا نِشَانْدَارِشْدِهَ خُدَايَا دِرَ اِيْنِ شامِ بِهَ مَا عَطَا كُنْ اَنچِهَ رَا از تُو خُواسْتِه_اِيْم وَ كَفَايْتِ كُنْ اَز مَا اَنچِهَ رَا از تُو كَفَايْتِ مَا اسْتِ كَفَيْتَاكَ، فَلَا
 كَافِي لَنَا سِوَاكَ، وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ، نَافِذٌ فِينَا اَنرَا خُواسْتِيْمَ زِيْرَا كَفَايْتِ كُنْدِه_اِيْ جِزِ تُو نَدَارِيْمَ وَ پُرُوْرْدِ گَارِيْ غَيْرِ از تُو بَرَايِ مَا نِيسْتِ
 تُوْبِي كِهَ فَرْمَانْتِ دِرَبَارِهَ مَا نَافِذِ حُكْمُكَ، مُحِيْطٌ بِنا عِلْمُكَ، عِيْدُلٌ فِينَا قِضاؤُكَ، اَقْضِ لَنَا الْخَيْرَ، وَ دَانِشْتِ بِهَ مَا اِحاطِهَ دَارْدِ وَ حَكْمِي
 كِهَ دِرَبَارِهَ مَا فَرْمَايِيْ از رُوِيْ عَدَالْتِ اسْتِ خُدَايَا خِيْرُونِيْ كِيْ بَرَايِ مَا مَقْرُرْ كُنْ وَ اجْعَلْنَا مِنْ اَهْلِ الْخَيْرِ. اَللّٰهُمَّ اَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيْمِ
 الْاَجْرِ، وَ از اهلِ خِيْرِ قَرارْمَان_دِهَ خُدَايَا وَ اجبِ گردانِ بَرَايِ مَا از اَن جُودِي كِهَ دَارِيْ پاداشِي بزرگِ وَ كَرِيْمِ الدُّخْرِ، وَ دَوَامِ الْيُسْرِ، وَ اغْفِرْ
 لَنَا ذُنُوبَنَا اَجْمَعِيْنَ، وَ ذَخِيْرَه_اِيْ گَرَامِيْ وَ اَسَايِشِيْ هَمِيْشِ كِيْ وَ بِيامِرِزِ گِناهاَنِ ما رَا هَمِ كِيْ وَ دَرِ وَلَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِيْنَ، وَلَا تَصْرِفْ
 عَنَّا رَأْفَتِيْكَ وَ رَحْمَتِيْكَ، يَا اَرْحَمَ زَمْرِه_هَلَاكِ شَدْ گانِ بَدَسْتِ هَلَاكْتَمَانَ مَسْپَارِ وَ مِهْرِ وَ رَأْفَتِ رَا از ما باز مَگَرْدانِ اِيْ مِهْرَبانْتَرِيْنَ
 الرَّاحِمِيْنَ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِيْ هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَاعْطَيْتَهُ، مِهْرَبانانِ خُدَايَا قَرارْمَانَ دِهَ دِرِ اِيْنِ وَ قْتِ از اَن كِسانِي كِهَ از تُو دِرْخُواسْتِ
 كَرْدِهَ وَ بَدِيْشانِ عَطَا فَرْمُودِه_اِيْ

ص: ۱۲۶

وَشَكَرَكَ فَرَدْتَهُ، وَتَابَ إِلَيْكَ فَاقْبَلْ تَوْبَتَهُ، وَتَنْصَلْ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ وَشَكَرْ تَوْرًا بِجَا آوْرَدَهُ وَتَوْنَعْمَتِ رَا بَرِآنْهَآ اَفْرُونِ كَرْدَهُ وَ
 بسویت باز گشته و تو پذیرفته‌ای و از گناهان بسوی تو بیرون آمده و کُلِّهَا فَعَفَرْتَهَا لَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. اللَّهُمَّ وَفَقْنَا وَسَدِدْنَا تُو هَمَه رَا
 آمرزیده‌ای، ای صاحب جلال و بزرگواری خدایا ما را موفق و (در دین) محکمان گردان و اعصمنا و اقبل تضرعنا، یا خیر من
 سُئِلَ، وَيَا أَرْحَمَ مَنْ وَمَا رَا اَزِ گناه حفظ کن و تضرع و زاریمان بپذیر ای بهترین کسی که از او درخواست شود و ای مهربانترین
 اشترحم، یا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ إِغْمَاضُ الْجُفُونِ، وَلَا لِحْظُ كَسِي كَه اَزِ او مِهْر خواهند ای که بر او پوشیده نیست بهم نهادن پلکهای
 چشم و نه بر هم خوردن العیون، وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكُونِ، وَلَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ دِيدِ گان و نه آنچه در مکنون ضمیر مستقر
 گردیده و نه آنچه در پرده دلها القلوب، أَلَا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ عِلْمُكَ، وَوَسِعَهُ نَهْفَتَهُ اَسْتِ آری تمام آنها را دانش تو شماره کرده
 و بردباریت همه حلمك، سُبْحَانَكَ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا، رَا دَرِ بَرِ گرفته است منزهی تو و برتری از آنچه
 ستمکاران گویند برتری بسیاری، تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ، وَالْأَرْضُونَ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَإِنْ مِنْ تَنْزِيهِ كَنْدِ تُو رَا آسمانهای هفتگانه و
 زمینها و هر که در آنها است و چیزی نیست شئی إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ، وَعُلُوُّ الْجِدِّ، يَا ذَا جَزِ آنکه به ستایش تو
 تسبیح کند پس تو را است ستایش و بزرگواری و بلندی رتبه، ای صاحب

ص: ۱۲۷

الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ، وَالْأَيَادِي الْجِسَامِ، وَأَنْتَ جَلالَت و بزرگواری و فضل و نعمت بخشی و موهبت‌های بزرگ و تویی
الْجِوَادُ الْكَرِيمِ، الرَّؤُوفُ الرَّحِيمِ. اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ بخشنده بزرگوار رؤوف و مهربان خدایا فراخ گردان بر من از روزی
الْحَلالِ، وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي، وَأَمِنْ خَوْفِي، وَأَعْتِقْ رَقَبَتِي حلال خود و عافیتم بخش در تن و هم در دینم و ترسم را امان بخش و
از آتش دوزخ مِنَ النَّارِ. اللَّهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي، وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي، وَلَا تَخْدَعْنِي، آزادم کن خدایا مرا به مکر خود دچار مساز و در غفلت
تدریجی بسوی نابودی مبر و فریبم مده و آدرأ عَنِي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ».

و شرّ تبهکاران جن و انس را از من دور کن.»

آنگاه صورت را به سوی آسمان کرد، درحالی که از دیده‌های مبارکش اشک می‌ریخت، با صدای بلند عرضه می‌داشت:

«يَا سَمْعَ السَّمْعِينَ، وَيَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ،» ای شنواترین شنوندگان ای بیناترین بینایان و ای سریعترین حساب‌رسان و یا
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ و ای مهربانترین مهربانان درود فرست بر محمد و آل محمد آن آقایان

ص: ۱۲۸

الْمِيَامِينَ، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنِ اعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي فَرَحُنْده و از تو ای خدا درخواست کنم حاجتم را که اگر آنرا به من عطا کنی دیگر هرچه را از ما مَنَعْتَنِي، وَإِنِ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ لَكَ فَكَأَنَّكَ مِنْ دَرِيغٍ كُنِي زِيَانَم نزنند و اگر آنرا از من دريغ‌داری دیگر سودم‌دهد هرچه به من عطا کنی و آن این است که از تو خواهم رَقِيَّتِي مِنَ النَّارِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لَمَّاكَ مَرَا از آتش دوزخ آزاد گردانی معبودی جز تو نیست یگانه‌ای که شریک نداری از تو است الْمَلِكُ، وَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ».

فرمانروایی و از تو است ستایش و تویی که بر هرچیز توانایی ای پروردگار ای پروردگار. پس مکرر می‌گفت: يَا رَبِّ، و کسانی که دور آن حضرت بودند گوش به دعای آن حضرت فراداده، و به آمین گفتن اکتفا کرده بودند. و صدایشان همراه حضرت به گریه بلند شد تا آفتاب غروب کرد، آنگاه روانه به سوی مشعرالحرام شدند.

سید بن طاووس در اقبال بعد از «يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ» نقل کرده، که حضرت در ادامه عرضه داشت:

«إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لَا- أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي، «خدایا من چنانم که در حال توانگری هم فقیرم پس چگونه فقیرنباشم در حال تهیدستیم إلهي أَنَا الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي فَكَيْفَ لَا أَكُونُ جَهُولًا فِي جَهْلِي، خدایا من نادانم در عین دانشمندی پس چگونه نادان نباشم در عین نادانی

ص: ۱۲۹

إِلَهِي إِنَّ اخْتِلَافَ تَدْبِيرِكَ، وَسِرِّدَةَ طَوَاءِ مَقَادِيرِكَ، مَنَعَا عِبَادَكَ خُدَايَا بَرَاةً اِخْتِلَافَ تَدْبِيرِ تُو وَ سَرَعَتِ تَحْوَلِ وَ بِيْجِيْدِنِ دَرِ تَقْدِيْرَاتِ تُو جَلُوْ گِيْرِي كِنِنْدَ اَز بِنْدَ گَانِ الْعَارِفِيْنَ بِكَ عَنِ الشُّكُوْنِ اِلَى عَطَاءٍ، وَ الْاِيْسِ مِّنْكَ فِيْ بَلَاءٍ.

عارف تو که به عطایت دل آرام و مطمئن باشند و در بلای تو مأیوس و ناامید شوند اِلهِي مِني مَا يَلِيْقُ بِلُؤْمِي، وَ مِّنْكَ مَا يَلِيْقُ بِكَرَمِكَ. اِلهِي وَ صَيَّفْتَ خُدَايَا اَز مَن هِمَانِ سِرْزَنْدِ كِه شَايِسْتِه پستی من است و از تو انتظار رود آنچه شایسته بزرگواری تو است خدایا تو خود را نَفْسِيْكَ بِاللُّطْفِ وَالرَّأْفَةِ لِي قَبْلَ وُجُوْدِ ضَعْفِي، اَفْتَمَنَعْنِي مِنْهُمَا بِه لطف و مهر به من توصیف فرمودی پیش از آنکه ناتوان باشم آیا پس از ناتوانیم لطف و مهرت بَعْدَ وُجُوْدِ ضَعْفِي، اِلهِي اِنْ ظَهَرْتَ الْمَحَاسِنُ مِني فَبَفْضَلِكَ، رَا اَز مَن دَرِيْغِ مِي دَارِي خُدَايَا اِگَرِ كَارِهَائِي نِيْكَ اَز مَن سِرْزَنْدِ بِه فَضْلِ تُو بَسْتِگِي دَارِدُ وَ لَكَ الْاِمْنَةُ عَلَيَّ، وَ اِنْ ظَهَرْتَ الْمَسَاوِي مِني فَبِعَدْلِكَ، وَ تُو رَا مَنْتِي اِسْتِ بَرِ مَن وَ اِگَرِ كَارِهَائِي بَدِ اَز مَن رُوِي دِهْدِ اَن هِم بَسْتِگِي بِه عَدْلِ تُو دَارِدُ وَ لَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ. اِلهِي كَيْفَ تَكَلَّمْتَنِي وَ قَدْ تَكَفَّلْتَنِي لِي، وَ كَيْفَ اُضَامُّ وَ تُو رَا بَرِ مَن حِجْتِ اِسْتِ خُدَايَا چِگُوْنِه مَرَا وَ اَمِي گِذَارِي دَرِ صُوْرْتِي كِه كَفَايْتَمِ كَرْدِي وَ چِگُوْنِه مُوْرِدِ سْتَمِ وَ اَقْعِ گَرْدَمِ وَ اَنْتَ النَّاصِرُ لِي، اَمْ كَيْفَ اُحْيِيْتُ بِي، هَا اَنَا بِاِیْنِكِه تُو ياورِ مِني يَا چِگُوْنِه نَاامِيْدِ گَرْدَمِ دَرِ صُوْرْتِي كِه تُو نَسْبِتِ بِه مَن مِهْرَبَانِي هِم اَكْنُونِ اَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِفَقْرِي اِلَيْكَ، وَ كَيْفَ اَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِمَا هُوَ مَحَالٌّ بِه دَر گَاهِ تُو تَوَسَّلُ جُوِيْمِ بُوَسِيْلِه اَن نِيَاْزِي كِه بِه دَر گَاهْتِ دَارَمِ وَ چِگُوْنِه تَوَسَّلُ جُوِيْمِ بُوَسِيْلِه فَقْرِي كِه مَحَالٌّ اِسْتِ

ص: ۱۳۰

أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أَشْكُو إِلَيْكَ حَالِي وَهُوَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، پیرامون تو راه یابد یا چگونه از حال خویش به درگاہت شکوه کنم با اینکه حال من بر تو پنهان نیست یا اَمْ كَيْفَ أُتْرَجُّ بِمَقَالِي، وَهُوَ مِنْكَ بَرَزٌ إِلَيْكَ، اَمْ كَيْفَ تُخَيَّبُ آمَالِي چگونه با زبان (قال) ترجمه حال خود کنم در صورتی که آنهم از پیش تو بُرُوز کرده به نزد خودت یا چگونه آرزوهایم به نومیدی گراید وَهِيَ قَدْ وَفَدَتْ إِلَيْكَ، اَمْ كَيْفَ لَا تُحْسِنُ أَحْوَالِي وَبِكَ قَامَتْ بَايْنِكَ به آستان تو وارد شده یا چگونه احوالم را نیکو نکنی با اینکه احوال من به تو قائم است یا إِلَهِي مَا أَلْطَفَكَ بِي مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي وَمَا أَرْحَمَكَ بِي مَعَ قَبِيحِ خَدَايَا چه اندازه به من لطف داری با این نادانی عظیم من و چقدر به من مهر داری با این کردارِ فِعْلِي إِلَهِي مَا أَقْرَبَكَ مِنِّي وَقَدْ أَبْعَدَنِي عَنْكَ! وَمَا أَرَأْفَكَ بِي زَشْتِ مَنْ خَدَايَا چقدر تو به من نزدیکی و در مقابل چقدر من از تو دورم و با اینهمه که تو نسبت به من مهربانی فَمَا الَّذِي يَحْجُبُنِي عَنْكَ، إِلَهِي عَلِمْتُ بِاخْتِلَافِ الْأَثَارِ، وَتَنَقُّلَاتِ پَسِ آن چیست که مرا از تو محجوب دارد خدایا آن طوری که من از روی اختلاف آثار و تغییر و تحول الْأَطْوَارِ، أَنْ مُرَادَكَ مِنِّي أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ، حَتَّى أَطْوَارِ بَدَسْتِ آورده‌ام مقصود تو از من آنست که خود را در هر چیزی (جداگانه) به من بشناسانی تا من در هیچ چیزی لا أَجْهَلَكَ فِي شَيْءٍ. إِلَهِي كَلَّمَا أَخْرَسَنِي لُؤْمِي أَنْطَقَنِي كَرْمِكَ، نسبت به تو جاهل نباشم خدایا هر اندازه پستی من زبانم را لال می‌کند کرم تو آنرا گویا می‌کند وَكَلَّمَا آيَسَنِي أَوْصَافِي أَطْمَعَنِي مِنْكَ. إِلَهِي مَنْ كَانَتْ وَ هَرِ أَنْدَاذِهِ أَوْصَافِ مِنْ مَرَأْيُوسِ مِي كَنْدِ نَعْمَتَايِ تُو بَه طَمَعَمِ أَنْدَاذِ خَدَايَا أَنْكَسِ كَه

ص: ۱۳۱

مَحَاسِنُهُ مَسَاوِي فَكَيْفَ لَا تُكُونُ مَسَاوِيَهُ مَسَاوِي، وَمَنْ كَانَتْ كَارِهَائِي خَوْشِ كَارِ بَدِّ بَدِّ شَدِّ بَدِّ نَبَاشِدِ بَدِّ نَبَاشِدِ وَ أَنْكَسِ
 كِه حَقَائِقُهُ دَعَاوِي، فَكَيْفَ لَا تُكُونُ دَعَاوِيَهُ دَعَاوِي، إِلَهِي حُكْمُكَ حَقِيقَتِ كَوْبِي هَائِيش ادعایی بیش نباشد پس چگونه ادعاهایش ادعا
 نباشد خدایا فرمان النَّافِذِ وَمَشِيَّتِكَ الْقَاهِرَةُ لَمْ يَثْرُكَ لِذِي مَقَالٍ مَقَالًا، وَلَا لِذِي حَالٍ نَافِذًا وَ مَشِيَّتِ قَاهِرَتِ بَرَاءِ هِيچ كَوْبِنْدِه‌ای
 فَصْتِ كَفْتَارِ نَكْذَارِ وَ بَرَاءِ هِيچ صَاحِبِ حَالِي حَالًا. إِلَهِي كَمِ مِنْ طَاعَةٍ بَنِيَّتُهَا، وَحَالِهِ شَيْدُتُهَا، هَدَمَ اعْتِمَادِي حَسِّ وَحَالِ بَه‌جَای نَنهد
 خدایا چه بسیار طاعتی که (پیش خود) پایه‌گذاری کردم و چه بسیار حالتی که بنیادش کردم ولی (یاد) عَلَيهَا عَيْدُكَ، يَلِ أَقَالِي مِنْهَا
 فَضْلُكَ. إِلَهِي إِنَّكَ تَعْلَمُ أُنِي وَإِنْ عَدَلْتُ اعْتِمَادِي رَا كِه بَرِ أَنَهَا دَاشْتَمِ يَكْسِرَه فَرَوْرِيخْتِ بَلَكِه فَضْلِ تُو نِيزِ اعْتِمَادَمِ رَا بَهْمِ زِدِ خَدَايَا
 تُو مِي دَانِي كِه اِگَرِ چِه لَمْ تَدُمِ الطَّاعِيَةُ مِنِّي فِعْلًا جَزْمًا فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّةٌ وَعَزْمًا. إِلَهِي طَاعَتِ تُو دَرِ مِنْ بَصُورَتِ كَارِي مَثَبْتِ اِدَامِه نَدَارِد
 وَلِي دُوسْتِي وَ تَصْمِيمِ بَرِ اِنْجَامِ آن دَرِ مِنْ اِدَامِه دَارِدِ خَدَايَا كَيْفَ أَعْزَمُ وَ أَنْتَ الْقَاهِرُ، وَ كَيْفَ لَا- أَعْزَمُ وَ أَنْتَ الْأَمْرُ، إِلَهِي تَرُدُّدِي
 چگونه تصمیم گیرم در صورتی که تحت قهر توام و چگونه تصمیم نگیرم با اینکه تو دستورم دهی خدایا تفکر (یا گردش) مِنْ فِي
 الْأَثَارِ يُوجِبُ بَعْدَ الْمَزَارِ، فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِخِدْمَةٍ دَرِ آثَارِ تُو رَاهِ بَه دِيدَارَتِ دُورِ سَازِدِ پَسِ كَرْدَارِ مَرَا بَا خُودَتِ بُو سِيْلَه خَدْمَتِي كِه
 مَرَا تُو صِلْبِي إِلَيْكَ، كَيْفَ يُشْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ بَه تُو بَرَسَانِدِ چگونه استدلال شود بر وجود تو به چیزی که خود آن
 موجود در هستیش نیازمند

ص: ۱۳۲

إِلَيْكَ، أَيْكُونُ لِعَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ بِه تَوَاسُتٌ وَ آيَا اسَاساً بَرَاي مَا سَوَاي تَوَ ظَهْرِي هَسْت كِه دَر تَو نَبَاشَد تَا آن الْمُظْهَرُ لَكَ، مَتَى غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ، وَمَتَى وَسِيلَه ظَهْر تَو گَر دَد تَو كِي پَنَهَان شَدَه‌اَي تَا مَحْتَاج بَدَلِيلِي بَاشَد كِه بَه تَو رَاهَنَمَائِي كَنَد وَ چَه وَقت بَعِيدَت حَتَّى تَكُونَ الْأَثَارُ هِيَ الَّتِي تُوصِلُ إِلَيْكَ، عَمِيَّتْ عَيْنٌ دُور مَانَدَه‌اَي تَا آثَار تَو مَا رَا بَه تَو وَاصل گَر دَانَد كُور اسْت آن چَشْمِي كِه لَا تَرَكَ عَلَيْهَا رَقِيْباً، وَخَسِرَتْ صِفْقَهُ عَبْدٌ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ تَو رَا نَبِيْنَد كِه مَرَاقِبِ او هَسْتِي وَ زِيَان كَار بَاد سَوَدَاي آن بَنَدَه كِه از مَحَبْت خُوِيَش بَه او حُبِّكَ نَصِيْباً. إِلَهِي أَمَرْتُ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْأَثَارِ، فَأَرْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكِسْوَةٍ بَهْرَه‌اَي نَدَادِي خَدَايَا فَرْمَان دَادِي كِه بَه آثَار تَو رَجُوع كَنَم بَاز م گَر دَان بَسُوِي خُود (پَس از مَرَاجِعَه بَه آثَار) بَه پُوشِشِي الْأَنْوَارِ، وَهَدَايَةُ الْأَسْبِيبِصَارِ، حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا كَمَا دَخَلْتُ مِنْهَا وَ رَاهَنَمَائِي وَ از بِيْنِش جُوئِي تَا بَاز گَر دَم بَسُوِيَت پَس از دِيْدَن آثَار هَم چَنَانَكِه آمَدَم إِلَيْكَ مِنْهَا، مَصِيُونٌ السِّرِّ عَنِ النَّظَرِ إِلَيْهَا، وَمَرْفُوعٌ الْهَمِّ بِسُوِيَتِ مِنْهَا كِه نَهَادَم از نَظَر بَه آنَهَا مَصُون مَانَدَه وَ هَمْتَم رَا از عَنِ الْأَعْتِمَادِ عَلَيْهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ عَقْدِيرٌ. إِلَهِي هَذَاذُلِّي ظَاهِرٌ اعْتِمَادِ بَدَانَهَا بَر دَاشْتَه بَاشَم كِه بَر اسْتِي تَو بَر هَر چِيْز تَوَانَائِي خَدَايَا اِيْن خُوَارِي مَن اسْت كِه پِيْش رُوِيَت بَيْنَ يَدَيْكَ، وَهَذَا حَالِي لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ عِيَانٍ وَ أَشْكَارَ اسْت وَ اِيْن حَال (تَبَاه) مَن اسْت كِه بَر تَو پُوشِيْدَه نِيْسْت از تَو خُوَاْهَم كِه مَرَا بَه خُود

ص: ۱۳۳

إِلَيْكَ، وَبِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ، فَاهْدِنِي بُورِكَ إِلَيْكَ، وَأَقْمِنِي بِرِسَانِي وَبِوسَيْلِهِ ذَاتِ تَوْبَةٍ لِي دَلِيلٌ مِي جَوِيمٍ بِسِمْعِكَ بِنُورِ خُودِ مِرَا بَرِ
ذَاتِ رَاهِنَمَائِي فَرَمَا وَ بِه يَادَارِ مِرَا بِصِدْقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ. إِلَهِي عَلِمْنِي مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْزُونِ، بِا بِنْدُگِي صَادِقَانِه در پيش رويت
خدايا بياموز به من از دانش مخزونت وَصِيْنِي بِسِتْرِكَ الْمَصُونِ. إِلَهِي حَقِّقْنِي بِحَقَائِقِ أَهْلِ الْقُرْبِ، وَ مَحْفُوظِمْ دَارِ بِه پَرْدِه مِصُونِ
خدايا مِرَا بِه حَقَائِقِ نَزْدِيكَانِ دَر گَاهْتِ بِيَارَايِ وَاَسْلُكُكُ بِبِي مَسْلُكُكُ أَهْلِ الْحَيْدِ. إِلَهِي أَغْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ لِي عَنْ وَ بِه رَاهِ أَهْلِ جَذْبِه وَ
شَوْقِ بِيْرِ خُدايا بي نياز كن مِرَا بِه تَدْبِيرِ خُودِْتِ دَر بارِهَامِ از تَدْبِيرِي، وَبِاخْتِيَارِكَ عَنْ اخْتِيَارِي، وَأَوْقِنِي عَلِي مَرَكَزِ تَدْبِيرِ خُودِمْ وَ بِه
اخْتِيَارِ خُودِْتِ از اخْتِيَارِ خُودِمْ وَ بِرِ جَاهَايِ بِيچارِگِي وَ دَرْمَانْدِگِي ام اَضْطِرَارِي. إِلَهِي أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي، وَطَهِّرْنِي مِنْ شَكِي مِرَا
وَاقِفِ گَرْدَانِ خُدايا مِرَا از خُوارِي نَفْسِمْ نَجَاتِ دِه وَ پَاكَمْ كِنِ از شَكِ وَ شَرِكِي قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي، بِكَ أَنْتَصِرُ فَانْصِرْنِي، وَعَلَيْكَ وَ
شَرِكَ خُودِمْ پيش از آنكه داخلِ گُورِمْ گُورِمْ بِه تَوِ يَارِي جَوِيمٍ بِسِمْعِكَ تَوْ هَمْ يَارِيْمِ كِنِ وَ بِرِ تَوْ أَتَوَكَّلُ فَلَا- تَكَلُّبِي، وَإِيَّاكَ أَسْأَلُ فَلَا
تُخِينِي، وَفِي فَضْلِكَ تَوْ كَلِّ كِنَمْ بِسِمْعِكَ مِرَا وَاَمِگَنْدَارِ وَ از تَوْ دَرخُواَسْتِ كِنَمْ بِسِمْعِكَ نَاامِيْدَمْ مِگَرْدَانِ وَ دَر فَضْلِ تَوْ أَرْغَبُ فَلَا- تَحْرِمْنِي،
وَ بِجَنَابِكَ أَنْتَسِبُ فَلَا تُبْعِدْنِي، وَبِابِكَ رَغْبَتِ كَرْدِهَامِ بِسِمْعِكَ مَحْرُومِمْ مَفْرَمَا وَ بِه حَضْرَتِ تَوْ خُودِ رَا بَسْتِهَامِ بِسِمْعِكَ دُورِمْ مِكنِ وَ بِه دَر گَاهِ
تَوْ

ص: ۱۳۴

أَقِفْ فَلَا تَطْرُدْنِي. إِلَهِي تَقَدَّسَ رِضَاكَ أَنْ تَكُونَ لَهُ عِلَّةٌ مِنْكَ، اِسْتَادَهَامِ پَس طَرْدَم مَكْنَ خَدَايَا مَبْرًا اِسْتِ خُوشَنُودِي تُو اَز اَيْنَكِه عَلْتِ وَ سَبَبِي اَز جَانِبِ تُو دَاشْتِه بَاشِد فَكَيْفَ يُكُونُ لَهُ عِلَّةٌ مِنِّي، إِلَهِي أَنْتَ الْغِنِيُّ بِذَاتِكَ أَنْ يَصِلَ پَس چِگونِه مَمَكْنِ اِسْتِ مَن سَبَبِ آنِ گَرْدَمِ خَدَايَا تُو بِه ذَاتِ خُودِ بِي نِيَاЗИ اَز اَيْنَكِه إِلَيْكَ النُّفْعُ مِنْكَ، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ غَتِيًّا عَنِّي، إِلَهِي إِنَّ الْقَضَاءَ سُودِي اَز جَانِبِ خُودَتِ بِه تُو بِرَسِدِ پَس چِگونِه اَز مَن بِي نِيَازِ نَبَاشِي خَدَايَا بِرَاسْتِي قُضَا وَالْقَدَرَ يُمَنِّي، وَإِنَّ الْهُوَيَ بِوَثَائِقِ الشَّهْوَةِ أَسْرِي، فَكُنْ أَنْتَ وَقَدْرُ مِرَا آرُزُومَنْدِ مِي كَنْنَدِ وَ اَز آنِ سُو هُوَايِ نَفَسِ مِرَا بِه بَنْدِهَايِ شَهْوَتِ اَسِيرِ كَرْدِه پَس تُو النَّصِيحَةَ يَرُّ لِي، حَيْتِي تَنْصِيحَتِي وَتُبْصِيحَتِي، وَأَعْنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى يَآوِرَ مَن بَاشِ تَا پَيْرُوزِ مِ كُنِي وَ بِيْنَآيِمِ كُنِي وَ بُوَسِيلَه فَضْلِ خُويِشِ بِي نِيَازِ مِ گَرْدَانِي تَا اَسْتَعْنِي بِكَ عَنْ طَلْبِي، أَنْتَ الَّذِي أَسْرَفْتَ الْمَنَآوَرَ فِي قُلُوبِ بُوَسِيلَه تُو اَز طَلْبِ كَرْدَنْ بِي نِيَازِ شُومِ تُوئِي كِه تَابَانَدِي اِنْوَارِ (مَعْرِفَتِ) رَا دَر دَلِ أَوْلِيَائِكَ حَيْتِي عَرَفُوكَ وَوَحْدُوكَ، وَأَنْتَ الَّذِي أَزَلْتَ الْأَعْيَارَ اَوْلِيَآئِ تَا اَيْنَكِه تُو رَا شَنْآخْتَنْدِ وَ يِگَانَهَاتِ دَانِسْتَنْدِ وَ تُوئِي كِه اَغْيَارِ وَ بِيگَانِگَانِ رَا عَنْ قُلُوبِ أَجْبَائِكَ حَتَّى لَمْ يُجْبُوا سِوَاكَ، وَلَمْ يَلْجَأُوا إِلَيَّ اَز دَلِ دُوسْتَانَتِ بِرَآنَدِي تَا اَيْنَكِه كَسِي رَا جُزِ تُو دُوسْتِ نَدَاشْتِه وَ بِه غَيْرِ تُو پَنَاهَنْدِه وَ غَيْرِكَ، أَنْتَ الْمُؤَنَسُ لَهُمْ حَيْثُ أَوْحَشْتَهُمُ الْعَوَالِمَ، وَأَنْتَ الَّذِي مَلْتَجِي نَشُونْدِ وَ تُوئِي مُونَسِ ايشَانِ دَر آنِجَا كِه عُوَالِمِ وَ جُودِ آنِهَا رَا بِه وَحْشَتِ اِنْدَاذَدِ وَ تُوئِي كِه

ص: ۱۳۶

اَطْلُبْنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّىٰ أَصِلَ إِلَيْكَ، وَاجْذِبْنِي بِمَنِّكَ حَتَّىٰ أُقْبَلَ مَرَا بوسيله رحمت بطلب تا من به نعمت وصال نائل گردم و بوسيله نعمت مرا جذب کن تا به تو عَلَيَّكَ. إِلَهِي إِنْ رَجَائِي لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ وَإِنْ عَصَيْتُكَ، كَمَا أَنَّ رُو كُنْم خدایا براستی امید من از تو قطع نگردد و اگرچه نافرمانیت کنم چنانکه خَوْفِي لَا- يُزِيلُنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ، فَقَدْ دَفَعْتَنِي الْعَوَالِمَ إِلَيْكَ، وَقَدْ تَرَسَمَ وَاز تو زائل نشود و گرچه فرمانت برم همانا جهانیان مرا بسوی تو رانده‌اند و آن أَوْقَعْنِي عِلْمِي بِكَرَمِكَ عَلَيْكَ. إِلَهِي كَيْفَ أَخِيْبُ وَأَنْتَ أَمَلِي، عِلْمِي كِه به کرم تو دارم مرا به درگاه تو آورده خدایا چگونه نو مید شوم و تو آرزوی منی أَمْ كَيْفَ أَهَانُ وَعَلَيْكَ مُتَّكِلِي، إِلَهِي كَيْفَ أَسْتَعِزُّ وَفِي الذِّلَّةِ وَ چگونه پست و خوار شوم با اینکه اعتمادم بر تو است خدایا چگونه عزت جویم با اینکه در خواری أَرْكَزْتَنِي، أَمْ كَيْفَ لَا أَسْتَعِزُّوَ إِلَيْكَ نَسَبْتَنِي، إِلَهِي كَيْفَ لَا- أَفْتَقِرُ جَائِمِ دَادِي وَ چگونه عزت نجویم با اینکه به خود مُنْتَسِبِمَ کردی خدایا چگونه نیازمند نباشم وَأَنْتَ الَّذِي فِي الْفَقْرَاءِ أَقَمْتَنِي، أَمْ كَيْفَ أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ بَا اینکه تو در نیازمندانم جای دادی یا چگونه نیازمند باشم و توئی که به جود أَعْنَيْتَنِي، وَأَنْتَ الَّذِي لَا- إِلَهَ غَيْرُكَ تَعَرَّفْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ وَ بخششت بی نیازم کردی و توئی که معبودی جز تو نیست شناساندی خود را به هر چیز فَمَا جَهَلَكُ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَ هیچ چیزی نیست که تو را نشناسد و توئی که شناساندی خود را به من در هر چیز

ص: ۱۳۷

فَرَأَيْتَكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ وَنِ تَوَرَّأَشْكَارَ دَر هِر چيز ديدم و تویی آشکار بر هر چیز ای که اسْتَوَى بِرَحْمَانِيَّتِهِ فَصَارَ العَرْشُ غَيْبًا فِي ذَاتِهِ، مَحَقَّتْ الأَثَارَ بوسيله مقام رحمانیت خود (بر همه چیز) احاطه کردی و عرش در ذاتش پنهان شد تویی که آثار را به بالأثار، وَمَحَوَّتْ الأَغْيَارَ بِمُحِيطَاتِ أَفْلَاكِ الأَنْوَارِ، يَا مَنْ آثَارِ نَابُودِ کردی و اغیار را به احاطه کننده‌های افلاک انوار محو کردی ای که اَحْتَجَبَ فِي سِرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الأَبْصَارُ، يَا مَنْ دَر سِرَابَرْدِه‌های عرشش محتجب شد از اینکه دیده‌ها او را درک کنند ای که تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ، فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ الأَسْتِوَاءَ، كَيْفَ تَخْفَى تجلی کردی به کمال زیبایی و نورانیت و پابرجا شد عظمتش از استواری چگونه پنهان شوی وَأَنْتَ الظَّاهِرُ، أَمْ كَيْفَ تَغِيبُ وَأَنْتَ الرَّقِيبُ الحَاضِرُ، إِنَّكَ عَلَيَّ بِاينکه تو آشکاری یا چگونه غایب شوی که تو نگهبان و حاضری برستی تو بر كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ».

هر چیز توانائی و ستایش تنها مخصوص خدا است.»

دعای امام سجّاد (ع) در روز عرفه

دعای امام سجّاد علیه السلام در روز عرفه

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ يَدِيحُ السَّمَاوَاتِ «سپاس خداوند را که پروردگار جهانیان است، خداوندا سپاس ترا ای آفریننده آسمانها

ص: ۱۳۸

وَالْمَآرِضِ، ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، رَبِّ الْأَبْوَابِ، وَإِلَهَ كُلِّ مَأْلُوهٍ، وَزَمِينَ، وَآيَ صَاحِبِ بَزْرَگِی وَ كَرَمِ پَرورنده پَرورندگان، وَ مَعْبُودِ هَرِ پَرستنده، وَ خَالِقِ كُلِّ مَخْلُوقٍ، وَ وَاوَرِثِ كُلِّ شَیْءٍ، لَیْسَ كَمِثْلِهِ شَیْءٌ، وَ وَ آفریننده هَر آفریده، وَ وَاوَرِثِ هَر چیز، نِیست مَانند او چیزِی، وَ پوشیده لایعزُبُ عَنْهُ عِلْمُ شَیْءٍ، وَ هُوَ بِكُلِّ شَیْءٍ مُّحِیْطٌ، وَ هُوَ عَلَی كُلِّ نَیْمِ بَاشد از او دَانش چیزِی وَ او است هَر چیزِی رَا فَرَا گیرنده، وَ او است بَر هَر شَیْءٍ رَقِیْبٌ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَحَدُ الْمُتَوَحِّدُ، الْفَرْدُ چِیزِی نَگهبان، تَوئِی خدایِی که نِیست مَعْبُودِی جَز تُو، که یکی وَ یگانه‌ای، یکتا الْمُتَفَرِّدُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِیْمُ الْمُتَكَرِّمُ، الْعَظِیْمُ وَ بی‌هَمَتایِی، وَ تَوئِی خدایِی که نِیست مَعْبُودِی غَیر تُو، کَرِیْمِی دَر نَهایت کَرَامت عَظِیْمِ الْمُتَعَظِّمِ، الْكَبِیْرُ الْمُتَكَبِّرُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْعَلِیُّ دَر نَهایت عَظمت بزرگوارِی بَمَنتهای کَبْرِیائی وَ تَوئِی خدَاوند وَ مَعْبُودِی جَز تُو نِیست وَ بَلندتر الْمُتَعَالِ، الشَّدِیدُ الْمَحَالِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الرَّحْمَنُ وَ بَرتری از هَر چیز وَ بَغایت توانائی وَ تَوئِی خدَاوند نِیست مَعْبُودِی جَز تُو که بَخشاینده الرَّحِیْمِ، الْعَلِیْمُ الْحَكِیْمُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، السَّمِیْعُ وَ مَهْرَبان وَ دانا وَ حَکِیْمِی وَ تَوئِی خدَاوند نِیست مَعْبُودِی غَیر تُو که شَنوا الْبَصِیرُ، الْقَدِیْمُ الْخَبِیْرُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِیْمُ الْأَكْرَمُ، وَ بِنِئائی هَمیشه بَوده وَ بَر هَمه چیز آگَاهی وَ تَوئِی خدَاوند نِیست خدائی غَیر تُو کَرِیْمِی وَ کَرمت

ص: ۱۳۹

الدَّائِمُ الْأَدْوَمُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، بِيْ بَيَانٍ بِيُوسْتَه پایداری و توئی خداوند و معبودی جز تو نیست در آغاز بودی و پیش از هر کس وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ عَيْدٍ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الدَّانِي فِي عُلُوِّهِ، و در انجام باشی پس از هر چیز و توئی خداوند نیست خدائی غیر از تو که نزدیکی وَالْعَالِي فِي دُنُوِّهِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجِيدِ، با وجود بلندیت و بلندمقامی با وجود نزدیکی و توئی خداوند نیست معبودی بغیر تو که صاحب فَزْ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْحَمِيدِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّذِي أَنْشَأْتَ وَشَكُوهُ وَعِظْمَتِي وَسِزَاوَارِ سِپَاسِي وَتُوئی خداوند نیست معبودی غیر تو، أَنِي كِه الْأَشْيَاءِ مِنْ غَيْرِ سِنَخٍ، وَصَوَّرْتَ مَا صَوَّرْتَ مِنْ غَيْرِ مِثَالٍ، آفریدی همه چیز را بدون مادّه و نگاشتی آنچه نگاشتی بدون وَابْتِدَعْتَ الْمُتَبَدِّعَاتِ بِلَا اِحْتِدَاءٍ، أَنْتَ الَّذِي قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ نَمُونِه وَ پدید آوردی پدیده‌ها را بدون رنگ آمیزی و طرحی توئی که مَقَرَّرَ نَمُودِي هِر تَقْدِيرًا، وَيَسَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَيْسِيرًا، وَدَبَّرْتَ مَا دُونَكَ تَدْبِيرًا، چیزی را اندازه‌ای و آماده ساختی هر چیزی را به آسانی و تدبیر نمودی ماسوی أَنْتَ الَّذِي لَمْ يُعْنِكَ عَلَي خَلْقِكَ شَرِيكَ، وَلَمْ يُؤَاوِرْكَ فِي رَا «بِحَكْمَتِ خُودِ» تُوئی که یاریت نکرده در امر آفرینش احدی و مدد ننموده تَرَا أَمْرَكَ وَزَيْرًا، وَلَمْ يَكُنْ لَكَ مُشَاهِدٌ وَلَا نَظِيرٌ، أَنْتَ الَّذِي أَرَدْتَ دَر كَارِ تُو مَدَدَكَارِي وَنُبُودِ «آفرینش» تَرَا تَمَاشَاكَرِي وَنِه مَانَنْدِي تُوئی أَنْكِه

ص: ۱۴۰

فَكَانَ حَتْمًا مَا أَرَدْتَ، وَقَضَيْتَ فَكَانَ عَدْلًا مَا قَضَيْتَ، خَوَاسْتِي وَشَدَّ هَرَّ جِهَ خَوَاسْتِي وَحَكْمَ كَرْدِي وَاز رُوی عَدَالَتِ بُوَد آنچِه حَكْمَ كَرْدِي وَحَكْمَتِ فَكَانَ نِصْفَهُ مَا حَكَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي لَا يَخْوِيكَ مَكَانٌ، وَدَاوَرِي نَمُودِي از رُوی انصافِ بُوَد آنچِه دَاوَرِي نَمُودِي، تُوئی آنكِه گنجایشِ تَرَا نَدَارَدِ جَائِي وَلَمْ يَقُمْ لِسُلْطَانِكَ سُلْطَانٌ، وَلَمْ يُعِيكَ بُرْهَانٌ وَلَا بَيَانٌ، أَنْتَ وَبَرِ نَخِيزِدِ دَرِ بَرَابَرِ قَدْرَتِ قَدْرَتِي وَوَامَانَدَهَاتِ نَكُنْدِ بَرَهَانَ وَبَيَانِي، تُوئی الَّذِي أَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا، وَجَعَلْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمْدًا، آنكِه بَهِ شَمَارِ آری تَعْدَادِ هَرِّ چِيزِ رَا وَقَرَارِ دِهِي هَرِّ چِيزِ رَا اَجَلِ وَفَرَجَامِي وَقَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا، أَنْتَ الَّذِي قَصَّرْتَ الْأَوْهَامَ عَنْ وَمَقَرَّرِ دَارِي هَرِّ چِيزِ رَا اِنْدَازَهَايِ، تُوئی آنكِه بَا زَمَانَدِ اِنْدِيشَهَا از دَرَكِ ذَاتِيَّتِكَ، وَعَجَزْتَ الْأَفْهَامَ عَنِ كَيْفِيَّتِكَ، وَلَمْ تُدْرِكِ الْأَبْصَارُ ذَاتَ تُو وَفَرُومَانَدِ دَانِشَهَا از اِدَارَكِ چِگونگیِ تُو وَدَرِ نِيَابَدِ دِيدَهَا مَوْضِعِ أُيْتِيَّتِكَ، أَنْتَ الَّذِي لَا تُحَدُّ فَتَكُونُ مَحْدُودًا، وَلَمْ تُمَثَّلْ جَايِ بُوَدْنَتِ رَا، تُوئی آنكِه پَايَانِ نَدَارِي تَا مَحْدُودِ بَاشِي وَمَجْسَمِ نِيسْتِي فَتَكُونُ مَوْجُودًا، وَلَمْ تَلِدْ فَتَكُونِ مَوْلُودًا، أَنْتَ الَّذِي لَا ضِدَّ تَا مَحْسُوسِ شُويِ وَفَرَزَنْدِ نِيَاوَرْدِي تَا فَرَزَنْدِ دِیگَرِي بَاشِي، تُوئی آنكِه دِشْمَنِي نِيسْتِ مَعَكَ فَيَعَانِدُكَ، وَلَا عِدْلَ لَكَ فَيَكَاثِرُكَ، وَلَا نِدًّا لَكَ فَيَعَارِضُكَ، بَا تُو بَعْنَادِ بَرخِيزِدِ وَهَمْتَا نَدَارِي كِه بَا تُو رِقَابَتِ كُنْدِ وَمَانَدِ نَدَارِي تَا بَا تُو بَرَابَرِي نَمَايَدِ،

ص: ۱۴۱

أَنْتَ الَّذِي ابْتَدَأْتَ وَاخْتَرَعْتَ وَأَسْتَحَدْتَ وَابْتَدَعْتَ، وَأَحْسَنَ صُنْعَ مَا تَوَنَّى أَنْكَهَ ائِجَادَ نَمُودَى وَ اَفْرِيْدَى «جِهَانِ رَا» وَ پَدِيْدِ اَوْرْدَى وَ نُو سَاخْتَى وَ نِيْكَو بُوْد هِرْچِه صَيْنَعٌ، سُبْحَانَكَ مَا اَجَلَ شَأْنُكَ، وَ اَسْنَى فِى الْاَمَاكِنِ مَكَانِكَ، سَاخْتَى، مَنْزَهَى تُو چِه بَزْرَگِ اَسْتِ شَأْنِ تُو وَ چِه بَلَنْدِ اَسْتِ دَر مِيَاْنِ اِمَاكِنِ مَكَانِ تُو وَ اَصِيْدَعٌ بِالْحَقِّ فُرْقَانِكَ، سُبْحَانَكَ مِنْ لَطِيْفٍ مَا اَلْطَفَكَ، وَ اَشْكَارِ كَنْنَدِه حَقَّسْتِ قِرْآنِ تُو مَنْزَهَى چِه نِيْكَو چَاْرِه سَازَى وَرَّءُوفٍ مَا اَرْزَأْفَكَ، وَ حَكِيْمٍ مَا اَعْرَفَكَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مَلِيْكِ مَا وَ چِه بَسِيَاْرِ مَهْرَبَانَى وَ حَكِيْمَى كِه هِرْ چِيْزِ رَا مَى شِنَاسَى پَاكِ خِداوَنْدَا چِه پَاْدِشَاَهْ بَا فِرْ اَمْنَعَكَ، وَ جَوَادٍ مَا اَوْسَعَكَ، وَ رَفِيْعٍ مَا اَرْفَعَكَ، ذُو الْبَهَاءِ وَ شَكُوْهَى وَ چِه بَخْشَنْدِه تُو اَنْگِرَى وَ چِه بَلَنْدِ وَ بَلَنْدِ پَايِه فِرُوغْمَنْدِ بَا وَ الْمَجِيْدِ، وَ الْكَبِيْرِيَاءِ وَ الْحَمِيْدِ، سُبْحَانَكَ بَسَّطْتَ بِالْخَيْرَاتِ يَدَكَ، فَرَّ وَ بَزْرَگَى وَ سَزَاوَاْرِ سِپَاْسَى مَنْزَهَى تُو دَسْتِ بَخِيْرَاتِ كِشُوْدَى وَ عُرْفَتِ الْهَدَايَةِ مِنْ عِنْدِكَ، فَمَنْ اَلْتَمَسَكَ لِدِيْنٍ اَوْ دُنْيَا وَ شِنَاخْتِه شِءِ هِدَايْتِ اَزْ جَاَنْبِ تُو هِرْ كَسِ تَرَا خَوَاَنْدِ بَرَاىِ دِيْنِ يَا دُنْيَا وَجَدَكَ، سُبْحَانَكَ خَضَعَ لَكَ مَنْ جَرَى فِى عِلْمِكَ، وَ حَشَعَ بِيَاْفْتِ مَنْزَهَى تُو فِرُوْتَنِى كَنْدِ بَرَاىِ تُو هِرْ چِه عِلْمِ تُو بَدَاَنْ تَعَلَّقَ كَرَفْتِه وَ سِرْ فِرُوْدِ اَوْرْدِ لِعَظَمَتِكَ مَا دُوْنَ عَرْشِكَ، وَ اِنْقَاَدَ لِلتَّسْلِيْمِ لَكَ كُلُّ خَلْقِكَ، دَر بَرَاْبِرِ عَظْمْتِ تُو هِرْ اَنْچِه زِيْرِ عَرْشِ تُو اَسْتِ وَ كَرْدَنْ نَهْدِ بَفِرْمَاَنْبِرْدَاْرَى تُو هِمِه اَفْرِيْدِگَاَنْ

ص: ۱۴۲

سُبْحَانَكَ لَا تُحَسُّ وَلَا تُجَسُّ وَلَا تُمَسُّ، وَلَا تُكَادُ وَلَا تُمَاطُ وَلَا مَنْزَهِي تُو در نیابد ترا حواس و دستی بتو نرسد و لمس نمی‌شوی و نیرنگ برنداری و فرانگیرد ترا چیزی تَنَازُعُ، وَلَا تُجَارِي وَلَا تُمَارِي وَلَا تُخَادِعُ وَلَا تُمَازُ، سُبْحَانَكَ و کس با تو بر نیاید و برابری نکند و با تو به جدال برنخیزد و ترا فریب ندهد و با تو نیرنگ نبازد مَنْزَهِي تُو سَبِيلُكَ حَيْدٌ، وَأَمْرُكَ رَشْدٌ، وَأَنْتَ حَيٌّ صَيِّدٌ، سُبْحَانَكَ قَوْلُكَ راه تو هموار و فرمان تو حق است و توئی زنده و بی‌نیاز مَنْزَهِي تُو گفتار تو حُكْمٌ، وَقَضَاؤُكَ حَقٌّ، وَإِرَادَتُكَ عَزْمٌ، سُبْحَانَكَ لَا رَادَّ بِحُكْمِ تُو شَدْنِي و مَشِيَّتِ تُو انجام‌شدنی است مَنْزَهِي تُو رد نکند کسی لِمَشِيَّتِكَ، وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِكَ، سُبْحَانَكَ قَاهِرَ الْأَرْبَابِ، بَاهِرَ خَوَاسِثِهِ تُو و دگرگون نسازد سخنان ترا مَنْزَهِي تُو بر پادشاهان پیروزی آشکار است نشانه‌های الْآيَاتِ، فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ، بَارِي السَّمَاوَاتِ، لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا الْوَهِيَّتِ تُو و آفریننده آسمانهائی پدید آورنده جاندارانی سپاس ترا سپاسی که يَدُومٌ بِدَوَامِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا بِنِعْمَتِكَ، وَلَكَ الْيَادِرُ بَاشِدُ بَاسْتِي تُو و سپاس ترا سپاسی که جاوید ماند با نعمت تُو الْحَمْدُ حَمْدًا يُوَازِي صُنْعَكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَزِيدُ عَلٰی سِپَاسِ تُو سِپَاسِي كِه بَرَابَرِ اِحْسَانِ تُو بَاشِدُ و سِپَاسِ تُو سِپَاسِي كِه اَفْزُونِي كِنْدُ بَرِ رِضَاكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ كُلِّ حَامِدٍ، وَشُكْرًا يَقْصُرُ رِضَايَ تُو سِپَاسِ تُو سِپَاسِي كِه هَمْرَاهِ بَاشِدُ بَاسْتِي هَرِ سِپَاسِ كَزَارِي و سپاسی که فرو ماند

ص: ۱۴۴

يَجْمَعُ مَا خَلَقْتَ مِنَ الْحَمْدِ، وَيَنْتَظِمُ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ مِنْ بَعْدٍ، جَامِعٌ بَاشَدِ أَنْجَحَهُ رَا كَهْ آفَرِيدَه‌ای از انواع حمد و در آید به سلک آنچه خواهی آفرید بعد از این حَمِدًا لَا أَحْمِدُ أَقْرَبُ إِلَى قَوْلِكَ مِنْهُ، وَلَا أَحْمِدُ مِمَّنْ يَحْمِدُكَ سِياسی كه هیچ حمدی نزدیک‌تر از آن بگفتار تو نباشد و بالاتر از آن هیچکس تو را حمد به، حَمْدًا يُوجِبُ بِكَرَمِكَ الْمَزِيدَ بِوُفُورِهِ، وَتَصِلُهُ بِمَزِيدٍ بَعْدَ نَكْرَدَهْ بَاشَدِ سِياسی كه سبب گردد بکرم تو مزید نعمت را به فراوانی و پیوندی آنرا بفزونی پی مَزِيدٍ طَوْلًا مِنْكَ، حَمْدًا يُجِبُ لِكَرَمِ وَجْهِكَ، وَيُقَابِلُ عِزَّ درپی برحمت خود سِياسی كه شایسته بزرگی ذات تو و سزاوار فَرْ و جَلالِكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْمُتَّجِبِ الْمُصْطَفَى عِظَمَتِ تُو بَاشَدِ پَروردگارِا درود فرست بر مُحَمَّد و آل مُحَمَّد كه برگزیده و بهترین خلق و الْمُكْرَمِ الْمُقْرَبِ أَفْضَلِ صَلِّ لِمَوَاتِكَ، وَبَارِكْ عَلَيْهِ أَتَمَّ بَرَكَاتِكَ، گرامی و مقرب نزد تست به بهترین درود و خجسته گردان بر او كمال فرخندگی را وَتَرَحَّمْ عَلَيْهِ أَمْتَعِ رَحْمَاتِكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلِّ لَآءٌ وَبِخْشایش فرما بر او به برترین بخشایش خود پَروردگارِا درود فرست بر مُحَمَّد و آلش درودی زَاكِيَّةً لَا تَكُونُ صَلِّ لَآءٌ أَزْكَى مِنْهَا، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلِّ لَآءٌ نَامِيَّةً فَزَايندَهْ كه نباشد درودی فزاینده‌تر از آن و درود فرست بر آن درودی برومند لَا تَكُونُ صَلِّ لَآءٌ أَنْمَى مِنْهَا، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلِّ لَآءٌ رَاضِيَّةً لَا تَكُونُ صَلِّ لَآءٌ كه نباشد درودی برومندتر از آن و درود فرست بر او درودی پسندیده كه نباشد درودی

ص: ۱۴۵

فَوْقَهَا، رَبِّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تُرَضِّيهِ وَتَزِيدُ عَلَي بَرْتَرِ از آن خداوندا درود فرست بر محمد و آل او درودی که خوشنودش گردانی و بیفزاید بر رضاه، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً تُرَضِّيكَ وَتَزِيدُ عَلَي رِضَاكَ لَهُ، وَصَلِّ خُوشنودیش و درود فرست بر او درودی که خوشنودت گرداند و بیفزاید بر خوشنودیت و درود فرست علیه صَلَاةً لَا تُرَضِّي لَهُ إِلَّا بِهَا، وَلَا تَرَى غَيْرَهُ لَهَا أَهْلًا، رَبِّ بر آنحضرت درودی که راضی نگردی جز بآن و نبینی غیر او را بر آن شایسته خداوندا صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تُجَاوِزُ رِضْوَانَكَ، وَيَتَّصِلُ اِتِّصَالُهَا درود فرست بر محمد و آل او درودی که تجاوز کند از رضای تو و به پیوندد پیوند او بِبِقَائِكَ، وَلَا يَنْفَعُ كَمَا لَا تَنْفَعُ كَلِمَاتُكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ بِبِقَائِكَ وَتُو و پایان نیابد چنانکه پایان نپذیرد کلمات تو خداوندا درود فرست بر محمد و آلِهِ صَلَاةً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَهْلِ و آل او درودی که در برگیرد درود فرشتگان و پیغمبران و رسولان و طاعتک، وَتَشْتَمِلُ عَلَي صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جَنِّكَ وَإِنْسِكَ فرمانبرداران تو را و شامل گردد بر درود بندگانت از جنّ و انس وَأَهْلِ إِجَابَتِكَ، وَتَجْتَمِعُ عَلَي صَلَاةٍ كُلِّ مَنْ ذَرَأَتْ وَبَرَأَتْ مِنْ و آنانکه دعوت ترا اجابت کردند و مجتمع شود بر درود هر آنکه هستیش بخشیدی و پدید آوردی از أَصْنَافِ خَلْقِكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَاةً تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَاةٍ اصْنَافِ آفریدگانت خداوندا درود فرست بر او و آل او درودی که فراگیرد هر درود

ص: ۱۴۶

سَالِفِهِ وَمُسْتَأْنَفِهِ، وَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ صَلَاةً مَرْضِيَّةً لَكَ وَلِمَنْ گزشته و آینده را و درود فرست بر او و بر آل او درودی که پسندیده باشد تو را و دُونَكَ، وَتُشِدِّي مَعَ ذَلِكَ صَلَوَاتٍ تُضَاعِفُ مَعَهَا تِلْكَ غير تو را و برانگیزی با این همه درودی را که بیفزاید با آن این الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا، وَتَزِيدُهَا عَلَى كُرُورِ الْأَيَّامِ زِيَادَةً فِي درودها بنزد آن و افزوده گردد بر گذشت روزگار افزایش تضاعیف لَا يَعْدُهَا غَيْرُكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَى اطَّائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ، چند برابر که نشمارد آنرا غیر تو خداوندا درود فرست بر پاکان خاندان او الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ، وَحَفِظْتَ دِيْنَكَ، آنانکه برگزیدیشان برای اجرای امر خود و قرارشان دادی گنجینه علم خود و نگهبانان دین خود و خُلفاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَحُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ، وَطَهَّرْتَهُمْ مِنْ وَجْهِهِمْ خُجُوعِهِمْ، وَجَعَلْتَهُمْ أَلْسِنَةَ الْحَقِّ، هُرْ نَاطِقِي وَبَلِيدِي پاك كردني كه به اراده خود بود و قرارشان دادی وسیله بسوی خویش وَالْمَسْئَلَةَ إِلَى جَنَّتِكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تُجْزِلُ وَرَاحَةً بِسُورِ بَهْشْتِ خود خداوندا درود بر محمد و آلش فرست درودی که بهره‌مند گردانی لَهُمْ مِنْهَا مِنْ نَحْلِكَ وَكَرَامَتِكَ، وَتُكْمِلُ لَهُمُ الْأَشْيَاءَ مِنْ عَطَايَاكَ آنها را از عطا و کرامت خود و کامل گردانی برای آنها همه‌گونه بخشش

ص: ۱۴۷

وَنَوَافِلِكَ، وَتَوْفِيرُ عَلَيْهِمُ الْخِطِّ مِنْ عَوَاتِدِكَ وَفَوَائِدِكَ، رَبِّ صَلِّ وَنَعْمَتِ خُودِ رَا وَفِرَاوَانِ كِرْدَانِي بَرَايِ أَنهَا لَدَّتْ نَعْمَتَهَا وَ فَوَائِدِ خُودِ رَا خِدَاوَنِدَا دِرُودِ فَرَسْتِ عَلَيهِ وَعَلَيْهِمْ صِيْلَاةٌ لَا أَمِيْدَ فِي أَوَّلِهَا، وَلَا غَايَةَ لِأَمِيْدِهَا، وَلَا نِهَائِيَةَ بَرَاوِ وَ خَانْدَانِ اُو دِرُودِي كِه نِه حَدِي بَاشْد دَرِ اَعَاژِ اَن وَ نِه پَايَانِي بَمَدَّتِ اَن وَ نِه نِهَائِيْتِي بَاشْد لِأَخْرِهَا، رَبِّ صَلِّ عَلَيهِمْ زِنَةَ عَرْشِكَ وَمَا دُونَهُ، وَمِلَأْ سَمَاوَاتِكَ بِه اِنجَامِ اَن خِدَاوَنِدَا دِرُودِ فَرَسْتِ بَرِ اَنَانِ هَمُوَزِنِ عَرَشِ خُودِ وَ اَنجِه دَرِ زِيْرِ اَن اَسْتِ وَ بِه پُريِ اَسْمَانِهَائِيْتِ وَمَا فَوْقَهُنَّ، وَعَيَّدْ أَرْضِيكَ وَمَا تَحْتَهُنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ، صِيْلَاةٌ وَ اَنجِه بَالَايِ اَنهَا اَسْتِ وَ بِه شَمَارِهِ زَمِيْنِهَائِيْتِ وَ اَنجِه زِيْرِ اَنهَا اَسْتِ وَ اَنجِه دَرِ لَابَلَايِ زَمِيْنِ وَ اَسْمَانِ اَسْتِ دِرُودِي كِه تُقَرِّبُهُمْ مِنْكَ زُلْفَى وَتَكُوْنُ لَكَ وَلَهُمْ رِضَى، وَمُتَّصِلَةٌ نَزْدِيْكَ سَاژِدِ اَنهَا رَا بِه مَقَامِ تُو وَ بُوْدِه بَاشْد بَرَايِ تُو وَ اَنهَا خُوشنُودِي وَ پِيُوسْتِه بَاشْد بِنِظَائِرِهِنَّ أَيْدَا. اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَيَّدْتَ دِيْنَكَ فِي كُلِّ اُوَانٍ بِاِمَامِ اَقَمْتَهُ بَمَانَنْدِ خُودِ هَمِيْشِه بَارِ خِدَايَا تُو تَأْيِيْدِ كَرْدِي دِيْنِ خُودِ رَا دِرْهَرِ زَمَانِ بِه اِمَامِي كِه بَرَا فَرَاشْتِيْشِ عِلْمًا لِعِبَادِكَ، وَمَنَارًا فِيْ بِلَادِكَ، بَعِيْدَ اَنْ وَصِيْلَتِ حَبْلُهُ بِحَبْلِكَ، مَانَنْدِ عِلْمِ بَرَايِ بِنْدِگَانْتِ وَ مَانَنْدِ نُوْرَا فِكْنِ دَرِ شَهْرِهَائِيْتِ پَسِ اَزِ اَنكِه پِيُوسْتِي رِيْسْمَانِ اُو رَا بَرِ رِيْسْمَانِ خُودِ وَجَعَلْتَهُ الذَّرِيْعَةَ اِلَى رِضْوَانِكَ، وَاقْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ، وَحَدَّرْتَ وَ قَرَارِشِ دَادِي بَسُوِي خُوشنُودِي خُودِ وَ وَاجِبِ فَرْمُودِي اِطَاعَتِ اُو رَا وَ بِيْمِ دَادِي مَعْصِيَّتِهِ، وَأَمَرْتَ بِاِمْتِثَالِ اَمْرِهِ وَ اَلْاَنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ، وَالْاَلْمَا يَتَقَدَّمُهُ اَزِ نَا فَرْمَانِي اُو وَ اَمْرِ فَرْمُودِي بَفَرْمَانِبَرْدَارِي اَزِ اُو اَمْرِ اُو وَ بِه پَرِهِيْزِ نَمُودِنِ اَزِ مَنَاهِي اُو وَ اِيْنكِه پِيْشِ نِيْفْتَدِ اَزِ اُو

ص: ۱۴۸

مُتَقَدِّمٌ، وَلَا يَتَأَخَّرُ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ، فَهُوَ عِضْمَةُ اللَّائِدِينَ، وَكَهْفُ بَيْتِ رُوحِ وَرُوحِ نَجَاتِ جُودِيَانِ وَفُرُوحِ مَرْدَمِ جِهَانِ بَارِ خُدَايَا الْهَامِ كُنْ لَوْلِيكَ شُكْرٌ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّهِ، وَأَوْزَعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ، وَآتِهِ مِنْ بَرَى وَلِيٍّ خُودِ تَا شُكْرٍ أَنْجَحِ رَا كِهْ أَنْعَامِشِ فَرْمُودِي بَجَايِ آوَرْدِ وَ مَا رَا نِيْزِ الْهَامِ فَرْمَا مَانَنْدِ اَوْ بُوْجُودِ اَوْ شُكْرِ كُنِيْمِ وَ عِنَايَتِ كُنِ اَوْ رَا لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيْرًا، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيْرًا، وَأَعِنُّهُ بِرُكْنِكَ الْأَعَزِّ، اَزْ جَانِبِ خُودِ پِيْرُوزِي وَ نَصْرَتِ وَ بَغْشَا بَرَايِشِ كَشَايِشِي آسَانِ وَ مَدَدِ فَرْمَا اَوْ رَا بِهْ پِشْتِيْبَانِي مُحْكَمِ خُودِ وَاشْدُدْ أَرْزَهُ، وَقَوِّ عِضْمَةَ، وَرَاعِهِ بِعَيْنِكَ، وَاحْمِهِ بِحِفْظِكَ، وَقَوِّ گِرْدَانِ پِشْتِ اَوْ رَا وَ نِيْرُو بَخِشِ بَازُوِي اَوْ رَا وَ رِعَايَتِشِ فَرْمَا بَدِيْدِهْ رَحْمَتِ خُودِ وَ حِمَايَتِشِ كُنْ بِنِظَرِ نِگِهْدَارِي خُودِ وَانْصِيْرُهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَآمِدْهُ بِجُنْدِكَ الْأَغْلَبِ، وَأَقِمْ بِهِ كِتَابِيكَ وَ يَارِيْشِ فَرْمَا بَفَرِشْتِگَانَتِ وَ مَدَدِشِ كُنْ بِهْ سِپَاهِ نِيْرُومَنْدَتِ وَ بِيَادَارِ بُوْسِيْلِهْ اَوْ كِتَابِ وَحُدُودِكَ وَشَرَائِعِكَ وَسُنَنِ رَسُوْلِكَ صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ أَحْكَامِ وَ قَوَانِيْنِ خُودِ وَ سُنَّتِ پِيْغَمْبِرِ خُوِيْشِ رَا دَرُودِ بِيْ پَايَانَتِ خُدَايَا بَرِ اَوْ وَآلِهْ، وَأَخِيْ بِهْ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِيْنِكَ، وَاجْلُ بِهْ بَادِ وَ اَوْلَادِشِ وَ زَنْدِهْ گِرْدَانِ بِهْ اَوْ أَنْجَحِ رَا كِهْ نَاپِيْدِيْدِ كَرْدِهْ اَنْدِ سَتْمَكَارَانِ اَزْ آثَارِ دِيْنِ خُودِ وَ جَلَا دِهْ بِهْ اَوْ صَدَاءِ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيْقَتِكَ، وَأَبْنِ بِهْ الضَّرَاءَ مِنْ سَبِيْلِكَ، وَأَزِلْ بِهْ زَنْگِ سَتْمِ رَا اَزْ صَفْحِهْ مَلَّتْ خُوِيْشِ وَ دُوْرِ گِرْدَانِ بِهْ اَوْ دِشُوَارِيْهَا رَا اَزْ رَاهِ دِيْنِ تُوْ وَ نَابُوْدِ كُنْ بِهْ اَوْ

ص: ۱۴۹

النَّاكِبِينَ عَنْ صِرَاطِكَ، وَامْحَقْ بِهِ بُغَاةَ قَصْدِكَ عَوْجًا، وَأَلِنْ آنَانَ رَا كَهْ مَنْحَرَفِنْدَ از طَرِيقِ تُو وَ مَحُو نَمَا بَهْ اُو آنَانَ رَا كَهْ طَالِبَانَ تَرَا بَرَاهِ كِجْ بَرِنْدَ وَ مَنَعَطْفَ گَرْدَانِ جَانِبُهُ لِأَوْلِيَائِكَ، وَابْسُطْ يَدَهُ عَلَى أَعْدَائِكَ، وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ اُو رَا بَدُو سْتَانَتَ وَ چِيرَهْ گَرْدَانِ دَسْتِ اُو رَا بَرِ دَشْمَنَانَتَ وَ بَرَسَانَ بَرِ مَازِ مَهْرَ وَرَحْمَتَهُ وَتَعَطُّفَهُ وَتَحَنُّنَهُ، وَاجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ، وَفِي وَ بَخْشَايِشِ وَ دَلْجُوئِي وَ نَوَازِشِ اُو وَ چِنَانِ كُنْ مَا رَا كَهْ اُو رَا شَنُوَا وَ فَرْمَانِبَرْدَارِ بَاشِيْمَ وَ دَرِ رِضَاةِ سَاعِيْنَ، وَإِلَى نُصْرَتِهِ وَالْمُدَافَعَةَ عَنْهُ مُكْنِفِينَ، وَإِلَيْكَ خُوشنُودِي اُو بَكُوشِيْمَ وَ بَهْ جِهْتِ يَارِي كَرْدَنِ وَ دِفَاعِ نَمُودَنِ از اُو بَهْ دُورِشِ بَاشِيْمَ وَ بَهْ سُوِي تُو وَإِلَى رَسُوْلِكَ صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ. اللَّهُمَّ وَ بَهْ سُوِي پِيْغَمْبَرِ تُو كَهْ دَرُودِ فَرَاوَانَتِ خُداوَنَدَا بَرِ اُو وَ آلِشِ بَادِ بَدِيْنِ جِهْتِ تَقَرُّبِ جُوئِيْمِ خُداوَنَدَا وَصِيْلٌ عَلَى أَوْلِيَاءِهِمُ الْمُغْتَرِّفِينَ بِمَقَامِهِمْ، الْمُتَّبِعِينَ مِنْهُمْ، وَ دَرُودِ فَرَسْتِ بَرِ دُوسْتَانِ آَنَهَا كَهْ شَنَاخْتَنْدَ مَقَامِ آَنَهَا رَا وَ تَبَعِيْتِ كَرْدَنْدَ از رُوشِ آَنَهَا الْمُفْتَنِينَ آَنَارَهُمْ، الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ، الْمُتَمَسِّكِينَ وَ پِيروِي نَمُودَنْدَ دَرِ آَنَارِ آَنَهَا وَ پِيوسْتَنْدَ بَهْ دَسْتَاوِيْزِ آَنَهَا وَ چَنْگَكِ زَدَنْدَ بِوَلَايَتِهِمْ، الْمُؤْتَمِنِينَ بِإِمَامَتِهِمْ، الْمُسَلِّمِينَ لِأَمْرِهِمْ، الْمُجْتَهِدِينَ بَهْ وِلَايَتِ آَنَهَا وَ پَذِيْرَفْتَنْدَ پِيْشَوَائِي آَنَهَا رَا وَ گَرْدَنِ نِهَادَنْدَ بَفَرْمَانَ آَنَهَا وَ كُوشِيْدَنْدَ فِي طَاعَتِهِمْ، الْمُتَنْظِرِينَ أَيَّامَهُمْ، الْمَادِّينَ إِلَيْهِمْ أَعْيُنَهُمْ، دَرِ اطَاعَتِ آَنَهَا وَ اَنْتِظَارِ كُشِيْدَنْدَ رُوزِ گَارِ دَوْلَتِ آَنَهَا رَا وَ دُوخْتَنْدَ بَهْ سُوِي اِيْشَانَ چَشْمَانَ خُودِ رَا

ص: ۱۵۰

الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الرَّائِحَاتِ الْغَادِيَاتِ الرَّائِحَاتِ، درودهایی که فرخنده و پاک و برومند باشد هر صبح و هر شام و سَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَعَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ، وَاجْمَعْ عَلَى التَّقْوَىٰ أَمْرَهُمْ، و سلام فرست بر آنها و بر جانهای آنها و جمع نما بر پرهیزکاری کار آنها را و وَأَصْلِحْ لَهُمْ شُؤْنَهُمْ، وَتُبْ عَلَيْهِمْ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ، اصلاح فرما حال آنها را و بپذیر توبه آنها را که تویی توبه‌پذیر و مهربان وَخَيْرُ الْغَافِرِينَ، وَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ، بِرَحْمَتِكَ يَا وَبِهْتَرِينَ آمرزندگان و قرار ده ما را با آنها در منزل سلامت برحمت خود ای أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفَةٌ، يَوْمٌ شَرَّفْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ مَهْرَبَانْتَرِينَ مَهْرَبَانان بار خدایا این است روز عرفه روزی است که شرافت دادی و گرامی نمودی وَعَظَّمْتَهُ، نَشَرْتَهُ فِيهِ رَحْمَتَكَ، وَمَنَنْتَ فِيهِ بِعَفْوِكَ، وَأَجَزَلْتِ وَبِزْرَگ داشتی منتشر ساختی در آن روز رحمت خود را و مَنَنْتَ نِهَادِي در آن روز به عفو خود و فراوان ساختی فِيهِ عَطِيَّتِكَ، وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَي عِبَادِكَ. اللَّهُمَّ وَأَنَا عَبْدُكَ الَّذِي در آن روز عطای خود را و تَفَضَّلْتَ فرمودی به آن بر بندگان خود خداوندا من بنده توأم بنده‌ای که أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ، وَبَعَدَ خَلْقِكَ إِيَّاهُ، فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ أَنْعَمْتَ فرمودی بر آن پیش از آفرینش او و پس از آفرینش او و قرار دادی آن را از کسانی که هَدَيْتَهُ لِدِينِكَ، وَوَفَّقْتَهُ لِحَقِّكَ، وَعَصَمْتَهُ بِحَبْلِكَ، وَأَدْخَلْتَهُ فِي رَاهِنَمُودِي بسوی دین خود و توفیقش دادی به ادای حقّ خود و نگهداشتی او را به طناب خود و درآوردی او را در

ص: ۱۵۱

حَزْبِكَ، وَ أَرْشَدْتَهُ لِمَوَالِيهِ أَوْلِيَائِكَ، وَمُعَادَاهِ أَعْدَائِكَ، ثُمَّ أَمَرْتَهُ غَرَوْهُ خُودَ وَ هِدَايَتَ فَرْمُودِي أَوْ رَا بَدُوسْتِي دُوسْتَانَتِ وَ دُشْمَنِي دُشْمَانَتِ سِپَسِ فَرْمَانِ دَادِي فَلَمْ يَأْتِمِرْ، وَرَجَرْتَهُ فَلَمْ يَنْزَجِرْ، وَنَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، فَخَالَفَ اطَاعَتَ نَكَرَدَ وَ مَنَعَ فَرْمُودِي اِمْتِنَاعَ نَكَرَدَ وَ نَهِي فَرْمُودِي أَوْ رَا اَزِ گَنَاهِ مَخَالَفَتِ نَمُودِ اَمْرِكَ اِلَى نَهْيِكَ، لَا مُعَانَدَةَ لَكَ وَلَا اسْتِكْبَاراً عَلَيْكَ، بَلْ دَعَاهُ فَرْمَانِ تَرَا بَه اِرْتِكَابِ نَهِي تُو لَكِنِ نَه اَزِ دُشْمَنِي بَا تُو وَ نَه اَزِ گَرْدَنكشِي بَر تُو بَلَكِه كَشَانِيدِ اَوْ رَا هَوَاهُ اِلَى مَا زَيْلَتَهُ وَ اِلَى مَا حَيْدَرْتَهُ، وَ اَعَانَهُ عَلَي ذَلِكِ عَيْدُوكَ بَه سُوِي اَنچِه اَز اَن دَفْعِ كَرْدِي وَ بَسُوِي اَنچِه اَز اَن بِيْمِ دَادِي وَ يَارِي كَرْدِ اَن رَا بَر اَيْنِ هَمِه گَسْتَاخِي دُشْمَنِ تُو وَ عَيْدُوهُ، فَاقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفاً بُوَعِيدِكَ، رَاجِياً لِعَفْوِكَ، وَ اِثْقاً وَ دُشْمَنِ خُودِ اَوْ «ابليس» تا اَقْدَامِ بَه گَنَاهِ نَمُودِ دَر حَالِي كِه مَعْتَرَفِ بُوْدِ بَه بِيْمِ تُو وَ اَمِيدُوارِ بُوْدِ بَه عَفْوِ تُو وَ اطمینانِ دَاشْتِ بَتَجَاوُزِكَ، وَ كَانِ اَحَقَّ عِبَادِكَ مَعَ مَا مَنَنْتَ عَلَيْهِ اَلَّا يَفْعَلَ، وَ هَا بَگَدَشْتِ تُو وَ سَزَاوارْتَرينِ بَنَدِگَانِ بُوْدِ كِه بَا اَيْنِ هَمِه نَعْمَتِ هَايَتِ اَيْنِ هَمِه مَعْصِيَتِ نَكُنْدِ اَكْنُونِ اَن اِذَا بَيْنَ يَدَيْكَ صَاغِراً ذَلِيلاً، خَاصِراً عَاشِراً، خَائِفاً مُعْتَرِفاً اَيْنِمِ كِه دَر مَقَابِلِ تُوَامِ دَر حَالِي كِه خُوارِ وَ ذَلِيلِ وَ سَرافَكُنْدِه وَ افسردِه وَ تَرَسانِمِ دَر حَالِي كِه اَقْرَارِ دَارِمِ بَعْظِيمِ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمَّلْتَهُ، وَ جَلِيلِ مِنَ الْخَطَايَا اجْتَرَمْتَهُ، بَه بَزَرگَتَرينِ گَنَاهِي كِه بارِ اَن رَا بَدُوشِ گَرَفْتِه اَمِ وَ بَه بَزَرگَتَرينِ خَطَائِي كِه بَه اَوْ اَلُودِه گَشْتِمِ مُسْتَجِيراً بِصِيْفِحِكَ، لِاِنِّدَا بَر رَحْمَتِكَ، مُوقِناً اَنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ دَر حَالِي كِه پَنَاهِ اُورْدِه اَمِ بَه عَفْوِ تُو وَ زَنهارِ مِيجُويْمِ اَز رَحْمَتِ تُو وَ يَقِينِ دَارِمِ كِه پَنَاهِ نَمِي دَهْدِمَرَا اَز تُو

ص: ۱۵۲

مُحِبِّرٌ، وَلَا يَمْنَعُنِي مِنْكَ مَانِعٌ، فَعِيدُ عَلِيٍّ بِمَا تَعُوذُ بِهِ عَلِيٌّ مِنْ پناه‌دهنده‌ای و مانع نمی‌شود مرا از عذاب تو مانعی پس فرا گیر مرا به آنچه فرا می‌گیری به او آنکه را اِقْتَرَفَ مِنْ تَعْمُدِكَ، وَجِدْ عَلِيٌّ بِمَا تَحْجُوهُ بِهِ عَلِيٌّ مِنَ الْقِيَامَةِ يَدِهِ كَدِيسْت بگناه آلود از رحمت خود و ببخش بر من آنچه را که می‌بخشی بر آنکه بگشاید دست امید إِلَيْكَ مِنْ عَفْوِكَ، وَآمَنْتُ عَلِيٌّ بِمَا لَا يَتَعَاطَمُكَ أَنْ تَمُنَّ بِهِ عَلِيٌّ بِسُورِي تُوَازِ عَفْوِ خُودِ وَ مَنَّتْ نَهْ بَرِ مَنْ بِهْ أَنْجِهْ دَرِيغْتْ نِيَايِدْ مَنْ أَمَلَكْ مِنْ غُفْرَاتِكَ، وَاجْعَلْ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ نَصِيبًا أَنَالُ بِهِ بِرْ كُوسِي كِهْ آرْزُويْ بَخْشِشْتْ رَا دَارْدْ وَ قَرَارْ دِهْ بَرَايْ مَنْ دَرِ اَيْنْ رُوزْ بَهْرَهْ اَيْ كِهْ بَرِ سَمْ بِهْ سَبَبْ اَنْ حَظًّا مِنْ رِضْوَانَتِكَ، وَلَا تَرُدَّنِي صِفْرًا مِمَّا يَنْقَلِبُ بِهِ الْمُتَعَبِدُونَ بِهْ حَظِّيْ اَزْ خُوشْنُودِيْتْ وَ بَازْ مَگَرْدَانْ مَرَا دِيسْتْ خَالِيْ اَزْ اَنْجِهْ بَازْ گَرْدَنْدْ بِهْ اَوْ عِبَادَتْ كَنْنِدْ گَانْ لَكَ مِنْ عِبَادِكَ، وَإِنِّي وَإِنِّي لَمْ أَقْدَمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ اَزْ بِنْدْ گَانْتْ وَ مَنْ گَرْجِهْ تَقْدِيْمْ نِدَاشْتِهْ اَمْ اَنْجِهْ تَقْدِيْمْ دَاشْتِهْ اَنْدْ اَزْ اَعْمَالْ شَايِسْتِهْ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ، وَنَفَى الْأَضْدَادِ وَالْأَنْدَادِ وَالْأَشْبَاهِ عَنكَ، لَكِنْ پِيْشْ آوَرْدَمْ اَيْنْ رَا كِهْ تَرَا بِهْ يِگَانْگِيْ شَنَاخْتَمْ وَ نَفِيْ كَرْدَمْ اَزْ تُوْ ضَدِّ وَ مِثْلْ وَ مَانَنْدْ رَا وَ اَتَيْتِكَ مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِي أَمَرْتَ أَنْ تُؤْتِي مِنْهَا، وَتَقَرَّبْتُ إِلَيْكَ وَ آمَدَمْ بِهْ پِيْشْگَاهْتْ اَزْ اَنْ دَرِهَا كِهْ فَرْمُودِيْ اَزْ اَنْهَا سُوِيْ تُوْ آيَنْدْ وَ تَقَرَّبْ جِسْتَمْ بِسُوِيْ تُوْ بِمَا لَا يَقْرُبُ بِهِ أَحَدٌ مِنْكَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ، ثُمَّ أَتْبَعْتُ ذَلِكَ بِهْ عَمَلِيْ كِهْ نَزْدِيْكَ نَمِيْگَرْدَدْ كُوسِيْ بِهْ تُوْ مَگَرْ بِهْ اَنْ عَمَلْ سِپَسْ تَعْقِيْبْ كَرْدَمْ هَمِيْنْ عَمَلْ رَا

ص: ۱۵۳

بِالْإِنْيَاءِ إِلَيْكَ، وَالتَّذَلُّلِ وَالِاسْتِكَانَةِ لَكَ، وَحُشْنِ الظَّنِّ بِكَ، به توبه کردن و بفرودنی و زاری نمودن و بتو گمان نیک دارم وَالتَّقَهُ بِمَا عِنْدَكَ، وَشَفَعْتَهُ بِرَجَائِكَ الَّذِي قَلَّ مَا يَخِيبُ عَلَيْهِ وَ دلگرمم به آنچه نزد تو است و شفیع خود ساخته‌ام آن امیدواری را که کم افتد که ناامید شود کسی که راجیک، وَسَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيرِ الدَّلِيلِ، الْبَائِسِ الْفَقِيرِ، الْخَائِفِ آمید به تو دارد و در خواستم از تو آنچنانکه شخص حقیر و ذلیل و مستمند و فقیر و ترسان الْمُسْتَجِيرِ، وَمَعَ ذَلِكَ خِيفَةٌ وَتَضَرُّعًا وَتَعَوُّذًا وَتَلَوُّذًا، و پناهجو درخواست می کند و با این همه در حالت بیم و زاری می کنم و زنهار میخوامم و پناه می جویم نه مانند لَا مُسَدِّ تَطِيلًا بِتَكْبُرِ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَلَا مُتَعَالِيًا بِدَالَّةِ الْمُطِيعِينَ، سرکشی آنان که تکبر می ورزند و نه مانند آنکه تَفُوقِ جَوِيدِ بَعَادَتِ دِيْغَرَانِ وَلَا مُسَدِّ تَطِيلًا بِشَفَاعَةِ الشَّافِعِينَ، وَأَنَا بَعْدَ أَقَلِّ الْأَقْلِينَ، وَأَذَلُّ وَنَهْ مَانَدِ آنکه مَغْرُورِ شُودِ بَه شَفَاعَتِ شَفِيعَانِ وَ مِنْ هِنُوزِ پَسْتِ تَرِينِ هَرِ پَسْتَمِ وَ خَوَارْتَرِ الْأَذَلِّينَ، وَمِثْلُ الذَّرَّةِ أَوْ دُونَهَا، فَيَا مَنْ لَمْ يُعَاجِلِ الْمُسْتَيْسِينَ، از هر خوارم و مانند موری هستم بلکه کمتر از آنم پس ای خدایی که شتاب نمی فرمائی در کيفر گنهکاران وَلَا يُنَادِهِ الْمُتَرْفِينَ، وَيَا مَنْ يَمُرُّ بِإِقَالِهِ الْعَاثِرِينَ، وَيَتَفَضَّلُ بِإِنْظَارِ وَ نَا گهان نمی گیری غافلان را و ای آنکه مَنِيَّتِ می نهی بدستگیری لغزندگان وَ تَفَضَّلِ می فرمائی به مهلت دادن الْخَاطِئِينَ، أَنَا الْمُسْتَيْءُ الْمُعْتَرِفُ الْخَاطِئُ الْعَاثِرُ، أَنَا الَّذِي أَقْدَمَ خَطَاكَارَانَ مِنْ بَدْكَرْدَارَمِ وَ اَقْرَارِ دَارَمِ وَ خَطَا كَرْدَمِ وَ لَغْزِيْدَهَامِ مِنْ آنم که در پیشگاهت

ص: ۱۵۵

بِاسْمِ تَغْفَارِكَ تَائِبًا، وَتَوَلَّيْتُ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَهْلَ طَاعَتِكَ، وَالزُّلْفَىٰ بِأَطْلَبِ آمُرُشِ از تو بحال توبه و رو آور بمن همچنان که رفتار می‌نمائی با آنکه ترا اطاعت کردند و تقرب جستند لَدَيْكَ، وَالْمَكَانَةَ مِنْكَ، وَتَوَخَّذْنِي بِمَا تَوَخَّذُ بِهِ مَنْ وَفَىٰ بِهِ بِرِشْكَاهِ تو و دارای مقام ارجمند شدند از ناحیه تو و تو تنها کفالت من کن بمانند کفالت نمودنت به کسی که وفا نمود بِعَهْدِكَ، وَأَتَعَبَ نَفْسَهُ فِي ذَاتِكَ، وَأَجْهَدَهَا فِي مَرْضَاتِكَ، به عهد تو و به رنج واداشت خود را در راه تو و کوشش نمود در خوشنودی تو وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِتَفْرِيطِي فِي جَنْبِكَ، وَتَعَدَّي طَوْرِي فِي حُدُودِكَ، و مرا مؤاخذه مکن بجهت کوتاهی در خدمت تو و بجهت تجاوز کردنم از حدود تو وَمُجَاوَزَةَ أَحْكَامِكَ، وَلَا تَشْتَدِرْ جُنِي بِإِثْلَائِكَ لِي اسْتِدْرَاجَ مَنْ وَبِجْهت نافرمانی در احکام تو و مرا سرگرم مساز بمهلت دادنت همانطور که سرگرم ساختی آنکه را که مَنَعْنِي خَيْرٍ مَا عِنْدَهُ، وَلَمْ يَشْرُكْكَ فِي حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِي، وَبِهِنِي مِنْ دَرِيغِ داشت از من خیر خود را و شرکت نکرد با تو در دادن نعمت بمن و بیدار کن مرا رَفْدَةَ الْغَافِلِينَ، وَسِتْنَةَ الْمُسْرِفِينَ، وَنَعْسَةَ الْمُخْذُولِينَ، وَخُذْ از خواب غافلان و غفلت بزهکاران و غنودگی مخدولان و برگمار بقلبی إِلَىٰ مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ الْفَائِتِينَ، وَاسْتَعْبَدْتَ بِهِ الْمُتَعَبِدِينَ، قلب مرا به آنچه واداشتی به آن پرستندگان را و بعبادت واداشتی به آن عبادت‌کنندگان را وَاسْتَنْقَذْتَ بِهِ الْمُتَهَاوِنِينَ، وَأَعِزَّنِي مِمَّا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ، وَيُحُولُ وَنَجَاتِ بَخْشِيدِي به آن سستکاران را و پناه‌ده مرا از هرچه که دورمی‌کند مرا از تو و حائل می‌گردد

ص: ۱۵۶

بَيْنِي وَبَيْنَ حَظِي مِنْكَ، وَيَصِيْدُنِي عَمَّا أَحَاوِلُ لَمَدِيكَ، وَسَيَهْلُ مِيَانِ مَن وَ مِيَانِ بَهْرَه مَن اَز تُو وَ بَا ز مِي دَار د مَرَا اَز اَنچِه اَمِي دوارم در
پيشگاه تو و هموار كن لي مَسِيْلَكَ الْخَيْرَاتِ اِلَيْكَ، وَالْمُسَابَقَةَ اِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ اَمَرْتِ، بِر مَن رَا ه خِي رَاتِ رَا كِه بَه سُو ي تُو اِي م وَ سَبَقْت
جوي م بسوي اَنها چنانكه فرمان داده اي وَالْمَشَاخَةَ فِيهَا عَلَي مَا اَرَدْتِ، وَلَا تَمَحِّقْنِي فِيمَنْ تَمَحَّقُ مَن وَ كُوشِشِ نَمَاي م در اَن خِي رَاتِ
چنانكه خواسته اي وَ هَلَاكِ مَكْن مَرَا در زمره اَنانكه هَلَاكِ كَر دِي الْمُسِيْتَخِفِيْنَ بِمَا اَوْعَدْتِ، وَلَا تُهْلِكْنِي مَعَ مَنْ تُهْلِكُ مَن بِجَهْتِ
اَنكه سَبَكِ شَمَر دَن د عَذَابِ تُو رَا وَ مَرَا نَا بُو د مَسَا ز در جَر گِه اَنانكه نَا بُو د شَان سَا خْتِي بِجَهْتِ اَنكه الْمُتَعَرِّضِيْنَ لِمَقْتِكَ، وَلَا تُتَبِّرْنِي
فِي مَن تُتَبِّرُ مَن الْمُنْحَرِفِيْنَ عَن خُودِ رَا در مَعْرَضِ خِشْمِ تُو قَرَار دَا دَن د وَ بَخَطِر مِي فِكْنِ مَرَا مَان د اَنان كه مَن حَرَفِ شَد نَد اَز سِيْلِكَ،
وَ نَجِّنِي مَن عَمَرَاتِ الْفِتْنَةِ، وَ حَلِّصْنِي مَن لَهْوَاتِ رَا هَا ي تُو وَ نَجَاتِمِ دِه اَز گَر دَا بَهَا ي دَر يَا ي فِتْنَه وَ بَا ز رِهَانِم اَز غَفْلَتِ هَا ي الْبُلُو ي
وَ اَجْرِنِي مَن اَخَذِ الْاِمْلَاءِ، وَ حِيلْ بَيْنِي وَ بَيْنَ عِيْدُوْ بَلَا وَ مَرَا پَنَاهِ دِه اَز سَر گَر مِي نَعْمَتِ وَ حَا ئِلِ شُو مِي اَن مَن وَ دِشْمَنِي كِه مَرَا يُضِلُّنِي،
وَ هَوِيْ يُوْبِقُنِي، وَ مَنْقَصَهُ تَرْهَقُنِي، وَ لَا تُعْرِضْ عَنِي گَمْرَاهِ مِي سَا ز د وَ هُوسِي كِه مَرَا بَه هَلَا كَتِ اَف كُن د وَ هَر نَقِي صَهَا ي كِه اَف سَر دِه اَم كُن د وَ
رُوي مَكْر دَان اَز مَن اِعْرَا ضَ مَن لَا تَرْضَى عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِكَ، وَ لَا تُؤَيِّسْنِي مَن الْاَمَلِ مَان د اَنان كه اَز اَنها خُوش نُو د نَمِي شُوي چُون بَر اَنها
خِشْمِ گَر فْتَهَا ي وَ مَأْيُوسَمِ مَفْرَمَا اَز اَمِي دِه اِي م كِه

ص: ۱۵۷

فِيكَ فَيُعَلِّبُ عَلَيَّ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تَمْتَنِحْنِي بِمَا لَا طَاقَةَ بِهِ تُو دَارَم تَا فِرَا نَغِيرِد مِرَا نَا مِيدِي اَز رَحْمَت تُو و مِرَا مَبْتَلَا مَغْرِدَان بِچیزی که طاقت آن را لی به فِتْبَهْظِنِي مِمَّا تُحْمَلْنِيهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِكَ، وَلَا تُؤَسِّلْنِي مِنْ نَدَارَم تَا مَحْرُوم نَغْرِدَم بِسَبَب بَار سَنَغِين آن از فضل مَحَبَّت تُو و مِرَا از دست رحمت خود يِدِكَ اِرْسَال مَنْ لَا خَيْرَ فِيهِ، وَلَا حَاجَةَ بِكَ اِلَيْهِ، وَلَا اِنَابَةَ لَهُ، وَفَرُو مِيْفَكْن مَانْد كَسِي كِه سُوْدِي در او نيست و نيازى بدو ندارى و بسوى تو باز نميگردد و لا تَزْمِ بِي رَمِي مَنْ سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ، وَمَنْ اَشْتَمَلَ عَلَيْهِ دُورْمِدَار مِرَا مَانْد آن كَسِي كِه از نظر عنایت تو افتاده باشد و مانند کسی که فرا گرفته او را الْخِزْيُ مِنْ عِنْدِكَ، بَلْ خُذْ يَدِي مِنْ سَقَطَةِ الْمُتَرَدِّينَ، وَوَهْلِهِ رِسْوَانِي اَز پيشگاه خود بلکه بگير دست مِرَا از پرتگاه درافتادگان و گمراهی الْمُتَعَسِّفِينَ، وَزَلَّةِ الْمُعْزُورِينَ، وَوَرِظَةِ الْهَالِكِينَ، وَعَافِي مِمَّا كَجِرْوَان و لغزش خود پسندان و خطر گمشدگان و عافیت بخش مِرَا از آنچه اِبْتَلَيْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عَيْدِكَ وَ اِمَائِكَ، وَيَلْغِي مَبَالِغَ مَنْ عُنِيَتْ بِهِ، اَزْمَايش مِي كَنِي به آن عموم بندگان و کنیزانت را و برسان مِرَا به مقام آن که عنایت داری به او وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَرَضِيَتْ عَنْهُ، فَأَعَشْتَهُ حَمِيداً، وَتَوَفَّيْتَهُ سَعِيداً، و انعام فرمودی بر او و خوشنودی از او و زندگي بر او خوش کردی و مرگ او را سعادت مند نمودی وَطَوَّفَنِي طَوُّقَ الْاِقْلَاعِ عَمَّا يُحِبُّ الْحَسَنَاتِ، وَيَذْهَبُ و گردن مِرَا بطوق تقوی آراسته کن تا از هر چه حسنات را نابود ميکند و ميرد

ص: ۱۵۸

بِالْبَرَكَاتِ، وَأَشْعِرْ قَلْبِي الْأَزْدِجَارَ عَنْ قَبَازِحِ السَّيِّئَاتِ، وَفَوَاضِحِ بَرَكَاتِ رَا وَ آگاه کن قلب مرا که نفرت کند از زشتیهای گناهان و رسوائیهای کردار الحُوبَاتِ، وَلَا تَشْغَلْنِي بِمَا لَا أُدْرِكُهُ إِلَّا بِحُكِّكَ عَمَّا لَا يُرِضِيكَ نَاطِسند و مشغولم مساز به آنچه بدونرسم مگر بخواست تو از چیزی که غیر او تو را از من خوشنود نمی نماید عینی غَيْرُهُ، وَأَنْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دَنِيَّتِهِ تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ، و بیرون کن از دلم محبت دنیای پست را که باز میدارد مرا از نعمتهای حضرتت وَتَصِيدُ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ، وَتُذْهِلُّ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ، و مانع می شود از اینکه به پیشگاهت توسل جویم و اغفال میکند مرا از اینکه نزدیک کردم بدرگاهت وَزَيْنَ لِي التَّفَرُّدَ بِمُنَاجَاتِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَهَبْ لِي عِضْمَةً وَ مَزِينَ گردان برایم که تنها بمناجات تو پردازم همه شب و همه روز و عنایت فرما به من عصمتی را تُدْنِينِي مِنْ خَشْيَتِكَ، وَتَقْطَعُنِي عَنْ رُكُوبِ مَحَارِمِكَ، وَتُفَكِّكُنِي كَهَ نَزْدِيكَ كُنْدَ مَرَا به ترس از تو و بازدارد مرا از ارتکاب به محرمات تو و برهاند مرا مِنْ أَسِيرِ الْعِظَائِمِ، وَهَبْ لِي التَّطْهِيرَ مِنْ دَنَسِ الْعِضْيَانِ، وَأَذْهِبْ از زنجیر گناهان بزرگ و عنایت فرما به اینکه پاک گردانی از آلودگی گناه و دور کن عَنِّي دَرَنَ الْخَطَايَا، وَسِرِّ بِلْنِي بِسَرِّبَالِ عَافِيَتِكَ، وَرَدِّبْنِي رَدَاءَ از من كثافت معاصی را و بیوشان مرا بلباس عافیت خود و آراسته کن مرا به پوشش مُعَافَاتِكَ، وَجَلِّبْنِي سَوَائِعِ نِعْمَائِكَ، وَظَاهِرُ لَدَيَّ فَضْلِكَ سَلَامَتِ خود و فراگیر مرا به فراوانی نعمت‌های خود و ظاهر گردان بر من فضل

ص: ۱۵۹

وَطَوْلِكَ، وَأَيِّدْنِي بِتَوْفِيقِكَ وَتَشْدِيدِكَ، وَأَعِنِّي عَلَى صَالِحِ وَعَطَايِ خَوِيصِ رَا وَتَأْيِيدِمِ فَرْمَا بِتَوْفِيقِ وَنِيْرُوِي خُوْدِ وَ يَارِي فَرْمَا مَرَا بَر نِيْكَوْتَرِيْنَ النَّيِّهْ، وَ مَرُوضَةِ الْقَوْلِ، وَ مُسَدِّ تَحْسَنِ الْعَمَلِ، وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى حَوْلِي نَيْتِ وَ پَسَنْدِيْدِهْ تَرِيْنَ كَفْتَارِ وَ بَهْتَرِيْنَ عَمَلِ وَ وَا مَكْذَارِ مَرَا بَه نِيْرُوِي وَ قُوْتِي دُوْنَ حَوْلِكَ وَ قُوْتِيكَ، وَ لَا تُخْزِنِي يَوْمَ تَبْعُنِي لِلْقَائِيكَ، وَ قَدْرَتِ خُوْدِمِ بَدُوْنَ نِيْرُوِي وَ قَدْرَتِ تُو وَ رَسُوَا مَكْنِ مَرَا رُوْزِي كِهْ بَرَا نَكِيْزِي مَرَا بَرَايِ لَقَايِ خُوْدِ وَ لَا تَفْضَحْنِي بَيْنَ يَدَيِ أَوْلِيَائِيكَ، وَ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَ لَا تُذْهَبْ وَ مَفْتَضِحِ مَكْنِ مَرَا دَرِ مَقَابِلِ دُوْسْتَانِ خُوْدَتِ وَ اَزِ يَادَمِ مِيْرِ ذِكْرِ خُوْدِ رَا وَ دُوْرِ مَكْرَدَانِ عِنِّي شُكْرَكَ، بَلْ أَلْزَمْنِيهِ فِي أَحْوَالِ السُّهُوِ عِنْدَ غَفْلَاتِ اَزِ مَنْ حَالَتِ سِيْپَا سَكْرَا رَا بَلَكِهْ مَلْزَمِ كْرَدَانِ مَرَا بَه سِيْپَا سَكْرَا رَا دَرِ حَالِ سَهُوِ هَنْگَامِي كِهْ غَفْلَتِ دَارَنْدِ الْجَاهِلِيْنَ لِأَلَائِكَ، وَ أَوْزِعْنِي أَنْ أُثْنِيَ بِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ، وَ أَعْتَرِفَ بِمَا مَرْدَمِ نَادَانِ اَزِ نَعْمَتِ هَايِ تُو وَ الْهَامِ كَنْ بَمَنْ كِهْ ثَنَا كُوِيْمِ دَرِ مَقَابِلِ نَعْمَتِي كِهْ اَرْزَانِي فَرْمُوْدِهْ اِي وَ اَعْتَرَا فِ كَنْمِ بَه اَنْچِهْ اَسْـَٔدَيْتُهُ إِلَيَّ، وَ اجْعَلْ رَغْبَتِي إِلَيْكَ فَوْقَ رَغْبَةِ الرَّاْغِبِيْنَ، وَ حَمِيْدِي عَطَا نَمُوْدِهْ اِي بَمَنْ وَ قَرَارِ دِهْ رَغْبَتِ مَرَا بَه سُوِي خُوْدِ بِيْشْتَرِ اَزِ رَغْبَتِ رَاْغِبَانِ وَ سِيْپَا سِ مَرَا اِيَّاكَ فَوْقَ حَمْدِ الْحَامِدِيْنَ، وَ لَا تَخْذُلْنِي عِنْدَ فَاقْتِي إِلَيْكَ، وَ لَا بَه تُو مَافُوْقِ سِيْپَا سِ سِيْپَا سَكْرَا رَا نِ وَ وَا مَكْذَارِ مَرَا بَه هَنْگَامِي كِهْ نِيَا زَمَنْدِ كْرَدَمِ بَه سُوِي تُو وَ تُهْلِكْنِي بِمَا اَسْـَٔدَيْتُهُ إِلَيْكَ، وَ لَا تَجْبُهْنِي بِمَا جَبُهْتِ بِيهِ الْمُعَا نِدِيْنَ هَلَا كَمِ مَفْرَمَا بِسَبَبِ اَعْمَالِي كِهْ فَرَسْتَا دَمِ بَدْرْگَاهِ تُو وَ دُوْرِ مَكْرَدَانِ مَرَا بَه اَنْچِهْ رَا نْدِي بَه اُو دَشْمَنْ اَنِ خُوْدِ رَا

ص: ۱۶۰

لَكَ، فَإِنِّي لَكَ مُسَلِّمٌ، أَعْلَمُ أَنَّ الْحُجَّةَ لَكَ، وَأَنَّكَ أَوْلَىٰ بِهٖ دَرَسْتِي كَهٗ مِنْ دَرِيشْكَاهِ تَوَّ كَرْدَن نِهَادِهَام وَ مِي دَانَم كَه حُجَّت تَو رَاسْت وَ تَو سَزَاوَارِي بِالْفَضْلِ، وَأَعُوذُ بِالْإِحْسَانِ، وَأَهْلِي التَّقْوَىٰ وَأَهْلِي الْمَغْفِرَةِ، وَأَنَّكَ بِهٖ فَضْلٌ وَ عَادَت دَارِي بِهٖ احْسَانِ وَ شَايِسْتِه‌اِي كَه از تَو پِرَوَاكَنْد وَ از تَو آمَرْمَش طَلَبَنْد وَ بَدَرَسْتِي كَه بِأَنَّ تَعْفُوَ أَوْلَىٰ مِنْكَ بِأَنَّ تُعَاقِبَ، وَأَنَّكَ بِأَنَّ تَسْتَبْرَأُ قَرُبُ مِنْكَ تَو بِهٖ عَفْو كَرْدَن سَزَاوَارْتَرِي از آنِيكَه عَقَاب كَنِي وَ بِهٖ دَرَسْتِي كَه تَو بِهٖ پَرْدِه‌پُوشِي اَوْلَاتَرِي اِلَىٰ أَنْ تَشْهَرَ، فَأَحْيِنِي حَيَاةً طَيِّبَةً تَنْتَظِمُ بِمَا أُرِيدُ، وَتَبْلُغُ مَا أُحِبُّ از آنِيكَه رَسُوا نَمَائِي پَس مَرَا زَنْدِه‌دَار بَزَنْدَگِي خُوشِي كَه فَرَاهَم آوَرِي خُواسْتِه مَرَا وَ بَرَسَانِي مَرَا بِهٖ آنِجِه دُوسْت دَارَم مِنْ حَيْثُ لَا- آتِي مَا تَكْرَهُ، وَلَا- أَرْتَكِبُ مَا نَهَيْتَ عَنْهُ، وَأَمْتِنِي لَكِنْ اِنْجَام نَدِهَم كَارِي رَا كَه تَو خُوش نَدَارِي وَ مَرْتَكَب نَشُوم بِهٖ آنِجِه نِهِي فَرَمُودِه‌اِي وَ بِمِيرَان مَرَا مِيتِيَهٗ مَنْ يَشْعِي نُورُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَعَنْ يَمِينِهِ، وَذَلَّلْنِي بَيْنَ يَدَيْكَ، مَانَنْد كَسِي كَه مِيرُود نُورِ او از پِيش رُوي وَ از جَانِب رَاسْت، وَ ذَلِيل كَنْ مَرَا دَر پِيشْكَاهِ خُودتِ وَ اَعَزَّنِي عِنْدَ خَلْقِكَ، وَضَعْنِي إِذَا خَلَوْتُ بِكَ، وَارْفَعْنِي بَيْنَ وَ عَزِيْزَم كَرْدَان دَر نَزْد مَرْدَم وَ خُوارم سَاز چُون دَر خُلُوتِ شَدَم با تَو وَ سَرافَرَاظَم فَرَمَا دَر مِيانِ عِبَادِكَ، وَ اَغْنِنِي عَمَّنْ هُوَ غَنِيٌّ عَنِّي، وَ زِدْنِي اِلَيْكَ فَاقَةً وَفَقْرًا، بَنْدِگَانتِ وَ بِي نِيَاظَم فَرَمَا از كَسِي كَه بِي نِيَاظَتَرِ اَز مَن نِيسْتِ وَ اَفزُون كَنْ بِسُويِ خُود حَاجَتِ وَ نِيَاظَ مَرَا وَ اَعِدْنِي مِنْ شَمَاتَةِ الْاَعْدَاءِ، وَ مِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ، وَ مِنْ الدَّلِّ وَ پَنَاهِ دِه مَرَا از سَرزَنْشِ دَشْمَنْانِ وَ از فَرُورِيخْتَنْ بَلَا وَ از ذَلَّتْ

ص: ۱۶۱

وَالْعَنَاءِ، تَعَمَّدَنِي فِيمَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا يَتَعَمَّدُ بِهِ الْفَادِرُ وَرَنَجٍ پوشیده دار مرا در آنچه تو آگاهی بر آن از من به آنچه می‌پوشاند به او آنکه قدرت علی البطش لولا- حلمه، وَالْآخِذُ عَلَى الْجَرِيرَةِ لَوْلَا- أَنَاثُهُ، وَإِذَا بر سختگیری دارد اگر نباشد بردباری او و آنکه مؤاخذه میکرد بر جرم اگر نبود صبر او و هرگاه اَرَدْتُ بِقَوْمٍ فِتْنَةً أَوْ سُوءًا فَجِنِّي مِنْهَا لَوْأَدَا بِحُكِّكَ، وَإِذْ لَمْ تُقِمْنِي اراده فرمودی برای گروهی آزمایش یا عذابی را پس نجاتم بخش از آن زیرا که من بتو پناه آورده‌ام و چنانکه قرارم ندادی مَقَامَ فَضَّةٍ يَحُهُ فِي دُنْيَاكَ فَلَا تُقِمْنِي مِثْلَهُ فِي آخِرَتِكَ، وَاشْفَعْ لِي در مقام رسوائی در دنیا پس قرارم مده همچنین در آخرت و بییوند برای من نعمتهای اَوَائِلَ مِنْكَ بِأَوَاخِرِهَا، وَقَدِيمَ فَوَائِدِكَ بِحَوَادِثِهَا، وَلَا تَمُدُّ لِي نخستین را به آخرین آن و عطاهای دیرین خود را به تازه‌ترین آن و سرگرم نعمتم مساز مَدًّا يَفْسُو مَعَهُ قَلْبِي، وَلَا تَقْرَعْنِي قَارِعَةً يَذْهَبُ لَهَا بَهَائِي، وَهَمِچنان که سخت گردد با آن دل من و مبتلایم مگردان ببلانی که برود به جهت آن آبروی من و لَا تَسْـَٔمْنِي حَسِيسَةً يَضِيغُرُ لَهَا قَدْرِي، وَلَا نَقِيسَةً يُجْهَلُ مِنْ أَجْلِهَا مشهورم مساز به صفتی که کم گردد بدان جهت قدر من و نه بصفت نقصی که مجهول گردد بخاطر آن مکانی، وَلَا- تَرْعُنِي رَوْعَةً أُبْلِسُ بِهَا، وَلَا خِيفَةً أُوجِسُ دُونَهَا، مکانت من و مترسان بترسی که ناامید گردم بسبب آن و نه بیمی که در باطن جانم استوار گردد اجْعَلْ هَيْبَتِي فِي وَعِيدِكَ، وَحَدْرِي مِنْ إِعْذَارِكَ وَإِنْذَارِكَ، «اما» قرار ده ترس مرا در وعده عذاب خود و اینکه بیمناک گردم از اتمام حجت و وعید تو

ص: ۱۶۲

وَرَهْبَتِي عِنْدَ تِلَاوَةِ آيَاتِكَ، وَأَعْمُرْ لَيْلِي بِإِيقَاطِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ، وَخَشِيَّتِي مَرَا فِرَاغِي دَرِ هِنْكَامِ خَوَانْدَنِ آيَاتِ تُو وَ مَعْمُورِ كَنِ شَبْهَائِي مَرَا
 بِه بِيَدَارِي دَر عِبَادَتِ خُودِ وَتَفَرُّدِي بِالتَّهَجُّدِ لَكَ، وَتَجَرُّدِي بِسُكُونِي إِلَيْكَ، وَإِنْزَالِ وَ اِيْنِكِه تَنْهَأِ بِه مَنَاجَاتِ تُو بِرَخِيْزِمِ وَ فِقْطِ اَز تُو
 آرَامِشِ دَلِ جُوِيْمِ وَ صَرَفًا حَوَائِجِي بِكَ، وَ مُنَازَلَتِي إِيَّاكَ فِي فِكَاكَ رَقِيَّتِي مِنْ نَارِكَ، اَز تُو حَاجَتِ خَوَاهِمِ وَ بِه آسْتَانِ تُو فِرُودِ آيْمِ
 كِه رَهَأِ سَازِي كَرْدَنِ مَرَا اَز آتَشِ خَشْمَتِ وَ اِجَارَتِي مِمَّا فِيْهِ أَهْلُهَا مِنْ عِيْذَابِكَ، وَ لَا تَذَرْنِي فِي طُغْيَانِي وَ پَنَاهِ دِهِي بِه مِنْ اَز آنْجِه اَهْلِ
 آتَشِ دَر آن مَعْدَبِ هَسْتَنْدِ وَ وَا مَكْذَارِ مَرَا دَر سَرَكَشِي خُودِ عَامِهَأْ، وَ لَا فِي غَمْرَتِي سَاهِيًا حَتَّى حِيْنِ، وَ لَا تَجْعَلْنِي عِظَةً لِمَنْ سَرَكْرَدَانِ وَ
 نِه دَر بَطَالَتِ خُودِ بِي خَبَرِ تَا دَمِ مَرَكِّ وَ قَرَارِ مَدِهِ مَرَا پَنْدِ بِه آنَانِ كِه اَتَّعِظُ، وَ لَا نَكَالًا لِمَنْ اَعْتَبِرُ، وَ لَا فِتْنَةً لِمَنْ نَنْظُرُ، وَ لَا تَمْكُرْ بِي
 پَنْدِ پَنْدِيْرِنْدِ وَ هَمْچِيْنِ مَرَا مَوْجِبِ عِبْرَتِ عِبْرَتِ گِيْرِنْدِ گَانِ وَ فِتْنِه بِيْنِنْدِ گَانِ مَكْرَدَانِ وَ فَرِيْبِ مَدِهِ مَرَا فَيْمَنْ تَمْكُرْ بِه، وَ لَا تَسْتَبْدِلْ بِي
 غَيْرِي، وَ لَا تُغَيِّرْ لِي اسْمًا، وَ مَا نَسْنِدِ آنَانِ كِه بِنَعْمَتِ تُو فَرِيْبِ خُورْدَنْدِ وَ بِرْمَكْرِيْنِ بَجَائِي مِنْ دِيْگَرِي رَا وَ تَغْيِيْرِ مَدِهِ اسْمِ مَرَا لَا تُبَدِّلْ لِي
 جِسْمًا، وَ لَا تَتَّخِذْنِي هُزُؤًا لِخَلْقِكَ، وَ لَا سِيْخْرِيًّا لَكَ وَ دِگَرِ گُونِ مَسَازِ جِسْمِ مَرَا وَ قَرَارِ مَدِهِ مَرَا مَضْحَكِه خَلْقِ خُودِ وَ نِيْزِ بَا مِنْ عَمَلِ
 مَسْتَهْزِءَانِ مَكْنِ وَ لَا تَبِعًا إِلَّا لِمَرْضَاتِكَ، وَ لَا مُمْتَهِنًا إِلَّا بِالْإِنْتِقَامِ لَكَ، وَأَوْجِدْنِي وَ مَرَا پِيْرُو چِيْزِي مَكْرَدَانِ جِزِ مَوْجِبَاتِ خُوشْنُودِي تُو وَ
 مَرَا بِه رَنْجِ وَ تَعْبِ مَدَارِ جِزِ دَر رَاهِ اِنْتِقَامِ اَز دَشْمَنَانِ وَ رُوزِي مِنْ كَنِ

ص: ۱۶۳

بَرَدَ عَفْوِكَ وَحَلَاوَةَ رَحْمَتِكَ، وَرَوْحَكَ وَرَيْحَانَتِكَ وَجَنَّةَ نَعِيمِكَ، سَرْدِي مَغْفِرَتِ وَشِيرِينِي رَحْمَتِ وَخُوشِي وَبُوی جَانْفَزَا وَ
 بَهْشْتِ پَر نَعْمَتِ خُود رَا وَبِچَشَانِ بَمَنْ مَزَهْ وَأَذِقْنِي طَعْمَ الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ بِسِعَةِ مِنْ سِعَتِكَ، وَالْاجْتِهَادِ فِيمَا آسُودَ كِي بَه أَنْجَه دُوسْتِ
 دَارِي وَوَسْعَتِي عَنَايَتِ فَرْمَا كَه بَكُوشْمِ دَر أَنْجَه نَزْدِيكِ مِيكَنْدِ مَرَا بَه يُزْلِفُ لَدَيْكَ وَعِنْدَكَ، وَأَتِحْفِنِي بِتُخْفَةٍ مِنْ تُخْفَاتِكَ، وَاجْعَلْ
 پِيَشْگَاهِ تُو وَارْمَغَانَ فَرَسْتِ بَمَنْ اَز نَعْمَتِ هَايِ خُودِ وَقَرَارِ دِه سُوْدَايِ مَرَا پُر سُوْدِ تِجَارَتِي رَابِحَةً، وَكَرَّتِي غَيْرِ خَاسِرَةً، وَأَخْفِنِي مَقَامَكَ،
 وَشَوْقِي وَايَسْتَادَنِ مَرَا بَدُونِ زِيَانِ وَبَتْرَسَانِ مَرَا بِمَقَامِ عِظْمَتِ خُودِ وَمَرَا مُشْتَاقِ لِقَايِ خُودِ گَرْدَانِ وَبِپَذِيرِ لِقَاءِكَ، وَتُبَّ عَلَيَّ تَوْبَةً
 نَصُوحًا، لَا تُبْقِي مَعَهَا ذُنُوبًا صَيْرَةً وَلَا تَوْبَةً مَرَا بَرَاَسْتِي كَه بَاقِي نِگْدَارِي گِناهاَنِ كُوجِكِ وَبِزَرِگِ مَرَا وَرَهَا نِكنِي كَبِيرَةً، وَلَا تَذَرُ مَعَهَا
 عَلَائِيَةً وَلَا سِرِيرَةً، وَأَنْزِعِ الْعِلَّ مِنْ صِدْرِي گِناهاَنِ أَشْكَارِ وَنِهاَنِ مَرَا وَبِيروُنِ كُنْ اَز سِيْنِهْ مِنْ كِيْنِهْ مُؤْمِنَانِ رَا وَلِلْمُؤْمِنِينَ، وَأَعْطِفْ
 بِقَلْبِي عَلَيَّ الْخَاشِعِينَ، وَكُنْ لِي كَمَا تُكُونُ مَهْرَبَانِ گَرْدَانِ دَلِ مَرَا بَرِ زِيَرِ دِسْتَانِ وَبُودِهْ بَرَايِ مَنْ هَمِچْنَانِكِهْ مِيبَاشِي بَا بِنْدِگَانِ
 شَايِسْتِهْ خُودِ لِلصَّالِحِينَ، وَحَلِنِي حَلِيَّةَ الْمُتَّقِينَ، وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي وَآرَاَسْتِهْ كُنْ مَرَا بَه زِيُورِ پَرهِيْزِ كَارَانِ وَقَرَارِ دِهْ بَرَايِ مَنْ
 زَبَانِ نِيكُوگُويِ دَر مِيانِ آيِنْدِگَانِ الْغَابِرِينَ، وَذِكْرَانَامِيًّا فِي الْآخِرِينَ، وَوَأَفِ بِي عَزْصَةَ الْأَوْلِيَيْنِ، وَتَمِّمْ وَذِكْرِ وَنَامِ بِلَنْدِي دَر مِيانِ آخِرِينَ
 وَجَا دِهْ بَرَايِ مَنْ دَر مِيْدَانِ آنَانِكِهْ دَر خِيْرَاتِ پِيَشِ افْتَادَنْدِ وَتَمَامِ گَرْدَانِ

ص: ۱۶۴

سُبُوغِ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَظَاهِرِ كَرَامَاتِهَا لَدَيَّ، اِمْلًا مِنْ فَوَائِدِكَ نِعْمَتِ خُودِ رَا بَر مَن وَ ظَاهِرِ سَازِ كَرَامَتِهَايِ خُودِ رَا دَر پِيشِ مَن پَر كَن اَز عِطَاهايِ خُودِ يَدِي، وَسُقُ كَرَائِمِ مَوَاهِبِكَ اِلَيَّ، وَجَاوِزِ بِيِ الْأَطْيَبِينَ مِنْ دَسْتِ مَرَا وَ رَوَانِهِ سَازِ بَخْشِشِهَايِ بَزْرَگِ خُويشِ رَا بَسُويِ مَن وَ هِمَسَايِهِ كَن مَرَا بَا پَاكَانِ اَز اَوْلِيَائِكَ فِي الْجَنَانِ الَّتِي زَيَّنْتَهَا لِأَصِيْفِيَّائِكَ، وَجَلَّلْنِي شَرَائِفِ دُوسْتَانَتِ دَر بَهْشْتِي كِه اَرَاَسْتِي اَن رَا بَرَايِ بَر كَزِيْد كَاغَنَتِ وَ پِيوْشَانِ مَرَا بِهِ بَزْر كَتَرِيْنِ نِحْلَتِكَ فِي الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّةِ لِأَحِبَّائِكَ، وَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ مَقِيلاً عِطَاهايْتِ دَر اَن مَقَامِ كِه اَمَادِهِ شُدِه بَرَايِ دُوسْتَانَتِ وَ قَرَار دِه بَرَايِ مَن بِهِ پِيش كَاغِ خُودِ اَسَايِش كَاغِي اَوِي اِلَيْهِ مُطْمَئِنّاً، وَمَثَابَهُ اَتَّبِؤُهَا وَاقْرُ عَيْنًا، وَلا تُقَايِسْنِي كِه مَأُويِ كَزِيْنِمِ بِهِ اَرَامِي دَل وَ مَأْمَنِي كِه دَر اَن بِيَا سَايِمِ وَ رُوشَن كَرْدَدِ چِشْمِمْ وَ مَكَا فَا تِ مَفْرَمَا مَرَا بَعْظِيْمَاتِ الْجَرَائِرِ، وَلا تُهْلِكْنِي يَوْمَ تُبَلَى السَّرَائِرُ، وَازَلْ عَنِي بِهِ بَزْر كَتَرِيْنِ كَنَاهَانِمِ وَ هَلَاكِ مَكْرَدَانِ مَرَا رُوزِي كِه اَشْكَار كَرْدَدِ نِهَانِهَا وَ زَايِلِ نَمَا اَز مَن كُلَّ شَكِّ وَ شُبُهَةِ، وَاجْعَلْ لِي فِي الْحَقِّ طَرِيْقاً مِنْ كُلِّ رَحْمَةٍ، هَر شَكِّ وَ شُبُهَةِ رَا وَ قَرَار دِه بَرَايِ مَن بَسُويِ حَقِّ رَاهِي اَز رَحْمَتِ بِيِ پَايَانِ خُودِ وَ اَجْزِلْ لِي قِسْمِ الْمَوَاهِبِ مِنْ نَوَالِكَ، وَوَفِّرْ عَلَيَّ حُظُوْظَ وَ بَزْرَگِ كَرْدَانِ بَرَايِمِ بَهْرِهِي اَز مُوْهَبِ تِ وَ عِطَاهايِ خُودِ وَ بَسِيَارِ كَن حِظِّ مَرَا الْاِحْسَانِ مِنْ اِفْضَالِكَ، وَاجْعَلْ قَلْبِي وَاثِقاً بِمَا عِنْدَكَ، وَهَمِي اَز نِيكوئيِ وَ اِحْسَانِ خُودِ وَ قَرَار دِه قَلْبِ مَرَا اَمِيْدُوارِ بَدَانِچِه پِيشِ تُو اَسْتِ وَ اَنْدِيْشِه مَرَا

ص: ۱۶۵

مُشِيْتَفَرِّغًا لِمَا هُوَ لَكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَشْتَعْمَلُ بِهِ خَالِصَتَكَ، فارغ گردان بکاری که برای تو است و مرا وادار به آنچه و امیداری به آن
 برگزید گانت را و أَشْرِبْ قَلْبِي عِنْدَ ذُھُولِ الْعُقُولِ طَاعَتَكَ، وَاجْمَعْ لِي الْغِنَى وَ دَرَامِيز دِل مَرَا بَهِ هِنكَامِيكِهِ غَافِلِ گَرْدَنَدِ عَقْلَهَا از تو با
 یاد طاعت خود و فراهم کن برای من توانگری وَالْعَفَافَ وَالِدَّعَةَ وَالْمُعَافَاةَ وَالصِّحَّةَ وَالسَّعَةَ وَالطَّمَأْنِينَةَ و پاک دامن و آسایش و عافیت
 و تندرستی و فراخی و آرامش دِل وَالْعَافِيَةَ، وَلَا تُحِبِّطْ حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوْبُهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ، وَلَا و سلامت از هر گزند را و باطل مساز
 کارهای نیک مرا به آلودگیهای معصیت تو خَلَمَاتِي بِمَا يَعْرِضُ لِي مِنْ نَزَغَاتِ فِتْنَتِكَ، وَصُونُ وَجْهِي عَيْنِ و خلوتهای مرا به
 آشفستگیهای فتنه درهم مکن و نگاهدار آبروی مرا که الطَّلَبِ إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ، وَذُبْنِي عَنِ التَّمَاسِ مَا عِنْدَ طَلَبِ نَكْمِ چیزی از
 هیچ کس از مردمان و محافظت فرما مرا که التماس نکنم چیزی را از الْفَاسِقِينَ، وَلَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهِيرًا، وَلَا لَهْمَ عَلَى مَحْوِ
 بدکاران و قرار مده مرا برای ستمکاران پشتیبان و برای از میان بردن كِتَابِكَ يَدًا وَنَصِيرًا، وَحُطْنِي مِنْ حَيْثُ لَا أَعْلَمُ حِيَاطَةَ تَقِينِي قرآن
 خود دستیار و یاور آنان مگردان و نگهدار مرا از جائیکه خود ندانم چنان احتیاطی که مرا حفظ کنی بها، وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ تَوْبَتِكَ
 وَرَحْمَتِكَ وَرَأْفَتِكَ وَرِزْقِكَ به آن و بگشا به روی من درهای توبه و رحمت و مهربانی و روزی

ص: ۱۶۶

الْوَاسِعِ، إِنِّي إِلَيْكَ مَتْنُ الرَّاعِبِينَ، وَأَتَمِّمُ لِي إِنْعَامَكَ إِنَّكَ خَيْرُ فَرَاخٍ خُودٍ رَا كَه مَن بَسُوِي تُو رَغْبَتِ دَارِمٍ وَ تَمَامِ گَرْدَانِ بَرَايِ مَن نَعْمَتِ خُوِيش رَا كَه تُو بَهْتَرِيْنَ الْمُتَمَعِمِينَ، وَاجْعَلْ بَاقِي عُمُرِي فِي الْحَرَجِ وَالْعُمُرَةَ ائْتِغَاءَ نَعْمَتِ دَهْنَدِ گَانِي وَ بَگَظْرَانِ بَقِيَه عَمْرٍ مَرَا دَر حَجِّ وَ عَمْرَه بَرَايِ طَلَبِ وَجْهِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ لِي اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ رِضَايِ تُو اِي پَرُوْرْدِ گَارِ جَهَانِيَانِ وَ رَحْمَتِ خُودَا بَرِ مُحَمَّدٍ وَ خَانْدَانِش كَه پَاكِ الطَّاهِرِينَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَبَدَ الْآبِدِينَ».

و پاکیزگانند و درود بر او و آنان باد پیوسته تا ابد.»

زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه

از جمله مستحبات این روز شریف، زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام می‌باشد و زیارتی که برای آن حضرت در این روز نقل شده است، اختصاص به کسانی دارد که در سرزمین مقدس کربلا توفیق زیارت آن حضرت را پیدا می‌کنند، علاقمندان به زیارت آن حضرت از راه دور، می‌توانند همان زیارت وارث یا جامعه را که در فصل نخست این کتاب آمده است در این روز بخوانند.

برخی از مستحبات و قوف به مشعرالحرام:

مستحب است حاجی با دلی آرام از عرفات به سوی مشعرالحرام حرکت کرده و در حال استغفار باشد، امام صادق علیه السلام فرمود: در راه رفتن نه تند رود و نه آهسته، بلکه به‌طور معمول حرکت کند و کسی را آزار ندهد، و مستحب است نماز را تا مزدلفه به تأخیر اندازد، اگر چه ثلث شب نیز بگذرد، و هر دو نماز را با یک اذان و دو اقامه جمع کند، و نوافل مغرب را بعد از نماز عشا بجا آورد، و در صورتی که از رسیدن به مزدلفه پیش از نصف شب مانعی رسید، باید نماز مغرب و عشا را به تأخیر نیندازد، و در میان راه بخواند.

و مستحب است که در وسط وادی از طرف راست نزول نماید، و اگر حاجی ضروره باشد (سال اول حج او باشد)، مستحب است که در مشعرالحرام قدم بگذارد، و آن شب را هر مقدار که ممکن باشد به عبادت و اطاعت الهی بسر برد، و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ جَمْعٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا «خُودَانِدَا! اَكُنُونِ جَمْعِ اسْتِ، خُودَانِدَا! هَمَّه خُوبِي هَا رَا بَرَايِمِ دَر اِيْنِ جَا،

ص: ۱۶۸

جَوَامِعِ الْخَيْرِ. اللَّهُمَّ لَا تُوَيْسِدْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ جَمَعَ وَفَرَّاهِمَ سَازَ، خَدَاوَنَدَا! مَرَا از بر آورده شدن خواست‌های قلبی‌ام تَجْمَعُهُ لِي فِي قَلْبِي، وَأَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ نُوْمِيدَ مَسَازَ، وَاز تو می‌خواهم که از آن شناختی که به اولیایت در اینجا عطا کرده‌ای، أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا، وَأَنْ تَقِينِي جَوَامِعِ الشَّرِّ».

به من عنایت کن، و از مجموعه بدی‌ها محفوظم دار.»

امام صادق علیه السلام فرمود: مستحب است بعد از نماز صبح در حال طهارت حمد و ثنای الهی را بجا آورد، و به هر مقدار که بتواند از نعمتها و تفضلات حضرت حق ذکر کند، و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد، آنگاه دعا نماید، این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمُسْعِرِ الْحَرَامِ، فَمَكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ «ای خدا، ای پروردگار مشعرالحرام! آزادم کن از آتش دوزخ، از روزی حلال عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسِقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ، بِرِ مِنْ تَوْسِعِهِ بَخْشِ، شَرَّ جَنِّ وَانْسِ رَا از من دفع کن، اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ، وَخَيْرُ مَدْعُوٍّ وَخَيْرُ مَسْئُولٍ، وَلِكُلِّ تَوْبِهِتَرِنِ مَطْلُوبٍ وَبِهِتَرِنِ كَسِي هَسْتِي كِه او را خوانند و از او خواهند

ص: ۱۶۹

وَاقْدِ جَائِزَةً، فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي، هر که به درگاہت آید او را جایزه‌ای است، جایزه مرا در اینجا چنین قرار ده که از لغزشم در گذری، وَتَقْبَلْ مَعْدِرَتِي، وَأَنْ تَجَاوَزَ عَنِّ حَطِيئَتِي، ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنْ پوزشم را بپذیری، از خطایم در گذری و ره توشه‌ام را از دنیا الدُّنْيَا زادی».

تقوا قرار دهی».

مستحب است سنگ‌ریزه‌هایی را که در منا رمی خواهد نمود از مزدلفه بردارد، که مجموع آنها هفتاد دانه است.

و مستحب است وقتی از مزدلفه به سوی منا حرکت کرد و به وادی محسر رسید، به مقدار صد قدم هزوله کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي، وَأَقْبَلْ تَوْبَتِي، وَأَجِبْ دَعْوَتِي، «خدایا پیمانم را سالم، توبه‌ام را بپذیرا و دعایم را مستجاب فرما و در آنچه پس از و اٰخُلْفَنِي فِيمَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي».

خویش نهادم، جانشین باش».

مستحبات رمی جمرات:

در رمی جمرات چند چیز مستحب است:

۱. طهارت.

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که سنگ‌ها را در دست

ص: ۱۷۰

گرفته و آماده رمی است، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَّةٌ يَأْتِي، فَأَخْصِ هُنَّ لِي، وَارْفَعْنَنِي فِي عَمَلِي». «خداوند! اینست سنگریزه‌هایم، آنها را برایم احصا، و در نامه عملم ثبت فرما.»

۳. با هر سنگی که می‌اندازد تکبیر بگوید.

۴. با هر سنگی که می‌اندازد این دعا را بخواند:

«اللَّهُ أَكْبَرُ. اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ. اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ «خدا بزرگ است، خداوند! شیطان را از من دور ساز، خداوند! به کتابت و علی سُنَّتِهِ نَبِيِّكَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي حَجًّا مَبْرُورًا، وَعَمَلًا مَقْبُولًا، وَبِهِ سُنَّتِ پیامبرت تصدیق می‌نمایم، خداوند! این را برای من حَجِّی خالص و مقبول و سَعْيًا مَشْكُورًا، وَذَنْبًا مَغْفُورًا». و تلاشی با پاداش مضاعف و با گناه آمرزیده قرارده.»

۵. در جمره عقبه میان او و جمره، ده تا پانزده ذراع فاصله باشد، و در جمره اولی و وسطی کنار جمره بایستد.

۶. جمره عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رمی نماید، و جمره اولی و وسطی را رو به قبله رمی نماید.

۷. سنگ‌ریزه را بر انگشت ابهام گذارده، و با ناخن

ص: ۱۷۱

انگشت شهادت بیندازد.

۸. پس از برگشت به جای خود در منا، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ بِحَبْلِكَ وَثِقْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، فَانْعَمِ الرَّبُّ، وَانْعَمِ» خداوندا! بتو اعتماد و بر تو توکل کردم، نیکو پروردگار و نیکو مولا المولی و نِعَمَ النَّصِيرِ».

و نیکو یآوری می‌باشی.»

آداب قربانی:

مستحبات قربانی چند چیز است:

۱. در صورت تمکن، قربانی شتر باشد. اگر نبود گاو، و اگر گاو هم نبود گوسفند باشد.

۲. قربانی بسیار فربه و چاق باشد.

۳. در صورت شتر یا گاو بودن از جنس ماده باشد.

و در صورت گوسفند یا بز بودن از جنس نر باشد.

۴. اگر قربانی شتر است ایستاده او را نحر کنند. و از سر دست‌ها تا زانوی او را ببندند. و شخص از جانب راست او بایستد. کارد یا

نیزه و یا خنجر به گودال گردن او فرو برد.

ص: ۱۷۲

امام صادق علیه السلام فرمود: قربانی را رو به قبله قرار داده، و هنگام ذبح یا نحر این دعا را بخواند:

«وَجْهَتْ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ خَنيفاً مُسْلِماً» به کسی روی آوردم که پدید آورنده آسمان و زمین است، در حالی که خدا پرست و مسلمانم و ما آنّا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، اَنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ وَازِ مَشْرُكَانَ نَمِي بَاشم، نماز، عبادت، زیستن و مردنم به اراده رَبِّ الْعَالَمِينَ، لا شَرِيكَ لَهُ، وَبِذَلِكَ امْرُوتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، پروردگار جهانیان می باشد، او را همتایی نیست، به این کار امر شده‌ام و من از جمله مسلمانانم، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي.»

خداوندا! همه چیز از تو است و برای تو است، به نام خدا، و خداوند بزرگ است، خداوندا از من بپذیر.»

مستحبات خلق و تقصیر:

مستحب است رو به قبله نام خدا را بر زبان جاری کرده، و از جانب راست پیش سر را ابتدا کند، و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ أَعْظِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُوراً يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَحَسَنَاتٍ» خداوندا! به شمار هر مو، نوری در قیامت به من عطا فرما و نیکی های مُضَاعَفَاتٍ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»

مضاعف عنایت کن که تو بر هر چیز توانایی.»

ص: ۱۷۳

و نیز مستحب است موی سر خود را در منا در خیمه خود دفن نماید، و بهتر این است که بعد از حلق از اطراف ریش و شارب خود گرفته، و هم چنین ناخن‌ها را بگیرد.

مستحبات منا:

۱. مستحب است حاجی ایام تشریق یعنی یازدهم، دوازدهم و سیزدهم را در منا بماند، و این ماندن در منا بهتر است از اینکه به مکه رفته، و طواف مستحبی انجام دهد.

۲. مستحب است حاجی در منا بعد از پانزده نماز واجب و در غیر منا بعد از ده نماز که اول آن نماز ظهر روز عید است، این تکبیرات را بخواند:

«اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ «خدا بزرگ است خدا بزرگ است معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ است خدا بزرگ است و ستایش الحمد، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ مَا رَزَقَنَا مِنْ بَيْمَتِهِ خَاصَّ خَدا است خدا بزرگ است برای آنکه ما را هدایت کرد خدا بزرگ است برای آنکه روزی ما کرد از گوشت چهار پایان الْأَنْعَامِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ مَا أَبْلَانَا» و ستایش خاص خدا است برای آنکه آزمود ما را.»

مستحبات مسجد خیف:

۱. مستحب است حاجی نمازهای شبانه‌روزی خود را چه واجب و چه مستحب در مسجد خیف بخواند، و بهترین محل جایگاه نماز نبی اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد که از مناره تا سی ذراع از طرف قبله و از سمت راست و چپ و پشت سر قرار دارد.

۲. صد مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ گفتن.

۳. صد مرتبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ گفتن.

۴. صد مرتبه الْحَمْدُ لِلَّهِ گفتن.

۵. خواندن شش رکعت نماز در جایگاه اصلی مسجد، و بهتر است این نماز را هنگام مراجعت به مکه روز سیزدهم انجام دهد.

مستحبات برگشت به مکه معظمه:

۱. غسل جهت ورود به شهر مکه معظمه و مسجد الحرام.

۲. وارد شدن به مسجد الحرام از باب السَّلام.

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده که اگر روز عید قربان به زیارت خانه خدا مشرف شدی بر در مسجد بایست، و این دعا را بخوان:

ص: ۱۷۵

«اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَيَّ تُسْبِيحَكَ، وَسَيِّئَاتِي لَهُ وَسَيِّئَاتِي لِي، أَسْأَلُكَ «خداوندا! مرا بر عبادت یاری کن، مرا برای عبادت سلامت دار و آن را برای من سالم دار، از تو می‌خواهم مسأله العلیل الذلیل المعتبر بذبذبه، أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، وَأَنْ سَأَلَ بِنْدَةَ نَاتَوَان، خَوَار، مُعْتَرِفٌ بِه گناه که گناهانم را ببخشی و با تَرْجِعِنِي بِحَاجَتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَالْبَلَدُ بَلَدُكَ، وَالْبَيْتُ حَاجَتُ بَرَأُورده بازم گردانی، خداوندا! من بنده تو و این شهر، شهر تو و خانه، بَيْتِكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَأَوْمُ طَاعَتِكَ، مُتَّبِعًا لِأَمْرِكَ، خانه تو است برای طلب رحمت آمده‌ام و به قصد عبادت تو و پیروی از دستورات، رَاضِيًا بِقَدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ، الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ، راضی‌ام به تقدیرت، هم چون بیچاره‌ای مطیع فرمات المَشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ، الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوِكَ، بیمناک از عذابت و ترسان از کيفرت از تو می‌خواهم که مرا مشمول عفو قرار دهی وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

و از آتش در رحمت قرارم دهی.»

مستجابات و اعمال مکه مکرمه:

۱. نمازهای واجب را در مسجد الحرام بجا آورد.
۲. ذکر خدا را بسیار بگوید، و حالت تذکر و تبتّه را در

ص: ۱۷۶

خود حفظ نماید.

۳. قرآن را ختم نماید، تا نمیرد مگر اینکه جای خود را در بهشت دیده، و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را ببیند.

۴. بسیار به کعبه معظمه نگاه کند، که موجب آمرزش گناهان می‌شود.

۵. به هر اندازه که بتواند برای خود و پدر و مادر و خویشاوندان طواف مستحبی انجام دهد، و اگر بتواند به تعداد ایام سال طواف نماید ثواب بسیار دارد.

۶. از آب زمزم بنوشد.

۷. طواف وداع انجام دهد.

طواف وداع:

بدان که برای کسی که می‌خواهد از مکه بیرون رود، مستحب است طواف وداع نماید، و در هر دور حجرالأسود و رکن یمانی را در صورت امکان استلام کند، و چون به مستجار که نام دیگر آن ملتزم است و نزدیک رکن یمانی است رسد مستحباتی را که قبلاً برای آن مکان ذکر شد بجا آورد، و آنچه خواهد دعا کند. بعد حجرالأسود را استلام نموده، و شکم

ص: ۱۷۷

خود را به خانه کعبه بچسباند، یک دست را بر حَجَرِ ودست دیگر را به طرف در گذاشته، و حمد و ثنای الهی نماید، و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد، و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَنَبِيِّكَ وَأَمِيَّتِكَ، «خداوندا! درود فرست بر محمد، بنده، و فرستاده، و پیامبر، و امین، وَحَبِيبِكَ وَنَجِيَّتِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ. اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ وَحَيْبِ، وَ رازدار و برگزیده از میان آفریده‌هایت، خداوندا! چنانچه او پیامت رسالاتك، وَجَاهِدَ فِي سَبِيلِكَ، وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ، وَأَوْذَى

را ابلاغ، و در راهت جهاد، و دینت را آشکار و برای دین تو فی جَنَابِكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ. اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِي مُفْلِحًا مُنْجِحًا تَا لِحِظِهِ مَرَك رنج کشید، خداوندا! مرا با حاجات برآورده، با رستگاری و دعای مُسْتَجَابًا لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَرْجَعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ مُسْتَجَابِ باز گردان، به بهترین صورتی که فردی از واردان بر خویش را با مغفرت وَالْبَرَكَهَ وَالرِّضْوَانَ وَالْعَافِيَةَ، (مِمَّا يَسْعَى أَنْ أَطْلُبَ أَنْ تُعْطِيَنِي وَخُوشنودی و عافیت باز می گردانی، آنچه را از تو می توانم بخواهم مِثْلَ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ أَفْضَلَ مِنْ عَيْدِكَ، وَتَزِيدُنِي عَلَيْهِ) اللَّهُمَّ إِنَّ

به بهترین صورتی که به بهترین بنده‌ات می بخشی و افزون از آن به من عطا کن. خداوندا!

ص: ۱۷۸

أُمَّتِي فَاعْفِرْ لِي وَإِنْ أَحْيَيْتَنِي فَارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلٍ. اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ هِرْغَاهَ كَهَ مُرْدَمِ پَسِ بِيَامِرِزِ مَرَا وَ اِگَرِ زَنْدِهَامِ دَاشْتِي، پِشَاپِيشِ رُوزِي اَمِ دِه، خِداوَنْدَا! اِيْنِ زِيَارَتِ اٰخِرِ الْعَهْدِ مِنْ بَيْتِكَ. اللَّهُمَّ اِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ رَا بَرَايِمِ اٰخِرِيْنِ زِيَارَتِ خَانَهَاتِ قَرَارِ مَدِه، خِداوَنْدَا! مَن بَنْدِه وَ فَرْزَنْدِ بَنْدِه اُمَّتِكَ، حَمَلْتَنِي عَلٰى دَائِيَّتِكَ، وَسَيَّرْتَنِي فِي بِلَادِكَ، حَتَّى وَ كَنِيْزِ تُو هِسْتَم، مَرَا بَرِ مَرْكُوبَتِ سِوَارِ وَ اَزِ مَسِيْرِ شَهْرَهَايْتِ بِه اَذْخَلْتَنِي حَرَمَكَ وَ اَمْنَكَ، وَ قَدْ كَانِ فِي حُسْنِ ظَنِّي بِكَ اَنْ حَرَمِ اَمْنَتِ رَسَانْدِي، وَ گِمَانِ نِيكَمِ بِه تُو اِيْنِ اسْتِ كِه تَغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، فَاِنْ كُنْتَ قَدْ غَفَرْتَ لِي ذُنُوبِي فَارْزُدْ عَنِّي رِضِي، كِنَاهَانِمِ رَا بِيَامِرِزِي، وَ چِنَانِچِه اَمْرِزِيْدِه اِي، خُوشنُودِيْتِ رَا اَزِ مَن اَفْرُونِ سَازِ، وَ قَرِّيْبِي اِلَيْكَ زُلْفِي وَ لَا تَبَاعِدْنِي، وَ اِنْ كُنْتَ لَمْ تَغْفِرْ لِي فَمِنْ وَ بِه مَقَامِ قَرِيْبَتِ نَائِلِ سَازِ، وَ دُورَمِ نَسَازِ وَ اِگَرِ نِيَامْرِزِيْدِه اِي هَمِ اَلْاَنَ فَاعْفِرْ لِي قَبْلَ اَنْ تَنْتَايَ عَن بَيْتِكَ دَارِي، وَ هَذَا اُو اَنْ اَكُوْنُ مَرَا بِيَامِرِزِ پِيشِ اَزِ اَنَكِهِ خَانِهِ تَرَا بِه سُوِي خَانِهَامِ تَرْكِ كِنَم، اِيْنِكِ اَعْاَزِ اِنصِرَافِي، اِنْ كُنْتَ اَذْنَتْ لِي غَيْرِ رَاغِبٍ عَنكَ وَ لَا عَن بَيْتِكَ، بَازِ گِشْتَمِ مِي بَاشَد، اِگَرِ اِجَازِهَامِ دِهِي، بِي اَنَكِهِ بِه تُو وَ خَانَهَاتِ بِي رَغْبَتِ شَدِه وَ لَا مُسْتَبْدِلِ بِكَ وَ لَا بِه. اللَّهُمَّ اَحْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ وَ جَايْگِزِيْنِي بَرَايِ تُو وَ خَانَهَاتِ گِرْفْتِه بَاشَم، خِداوَنْدَا! مَرَا اَزِ پِيشِ رُو وَ

از

ص: ۱۷۹

خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي، حَتَّى تُبَلِّغَنِي أَهْلِي، پشت سر، از راست و چپ محافظت فرما، تا مرا به خانواده‌ام برسانی و چون
 وَاکْفِنِي مَوْنَهُ عِبَادِكَ وَعِيَالِي، فَإِنَّكَ وَلِيُّ ذَلِكْ مِنْ خَلْقِكَ رسیدم، هزینه زندگی‌شان را کفایت کن، که تو کفایت کننده من و
 دیگر آفریده‌هایت و مینی».

می باشی.»

پس مقداری از آب زمزم بیاشامد، و این دُعا را بخواند:

«أَيُّونَ تَأَيُّونَ عَابِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ، إِلَى رَبِّنَا «بازگشتگان، توبه کنندگان، عبادت کنندگان و ستایشگران پروردگاران می‌باشیم،
 رَاغِبُونَ، إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ».

به سوی پروردگاران مشتاقانه بازگشته و رجعت می‌کنیم.»

ص: ۱۸۱

بخش دوم: زیارت مزارهای متبرکه مکه مکرمه

بخش دوم: زیارت مزارهای متبرکه مکه مکرمه**توضیحی کوتاه درباره مزارهای مکه مکرمه:**

یکی از اعمال مفید و سازنده که با تأکیدات فراوان مورد توجه و توصیه ائمه اطهار و پیشوایان دین قرار گرفته، یاد گذشتگان و زیارت قبور آنان می‌باشد.

براین اساس محلّ مراقدی که در مکه مشخص است و حجاج محترم می‌توانند با حضور در کنار قبور آن بزرگواران یا از دور درک فیض نمایند، یادآوری می‌گردد:

۱. قبرستان ابوطالب- که به آن حُجُون وَجَنَّهُ الْمُعَلّی نیز گفته می‌شود- پس از بقیع اشرف مقابر است، و رسول اکرم صلی الله علیه و آله مکّرر به آنجا رفت و آمد داشته‌اند.

و در آنجا حضرت عبدمناف جدّ اعلای پیامبر، حضرت عبدالمطلب جدّ پیامبر، حضرت ابو طالب عموی پیامبر، حضرت خدیجه همسر پیامبر، و عده‌ای از علمای

ص: ۱۸۲

بزرگ و جمع بسیاری از مؤمنین، مدفون می‌باشند.

و بنا بر قولی مدفن والده مکرمه حضرت نبی اکرم «آمنه بنت وهب» نیز در این قبرستان قرار دارد. گرچه مشهور این است که قبر آن جناب در ابواء بین مکه و مدینه است.

زیارت عبد مناف علیه السلام

جدّ اعلاى پیامبر خدا صلى الله عليه و آله

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ النَّبِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْغُصْنُ» سلام بر تو ای سید بزرگوار، سلام بر تو ای شاخه المُمَرُّ مِنْ شَجَرَةِ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَيْدَ خَيْرٍ بِرِ بَارِ شَجَرِهِ (طَبِيه) ابراهیم خلیل علیه السلام، سلام بر تو ای جد بهترین الوَرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْأَنْبِيَاءِ الْأَصْفِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ آفَرِيدِهِ، سلام بر تو ای پسر پیامبران برگزیده، سلام بر تو يَا ابْنَ الْأَوْصِيَاءِ الْأَوْلِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْحَرَمِ، السَّلَامُ اى پسر اوصیای اولیا، سلام بر تو ای بزرگ حرم، سلام بر عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ بَيْتِ اللَّهِ تُو اى وارث مقام ابراهیم، سلام بر تو اى سرپرست بیت الله الْعَظِيمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

عظیم، سلام بر تو و بر پدران و فرزندان پاکت و رحمت خدا و برکاتش بر همه شما باد.»

زیارت عبدالمطلب جد پیغمبر خدا صلى الله عليه و آله

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْبَطْحَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَادَاهُ «سَلَامٌ بِرِ تُو اى سَیِّدِ سِرْزَمِینِ بَطْحَا، سلام بر تو اى فراخوانده هَاتِفُ الْغُیْبِ بِأَكْرَمِ نِدَائِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ إِبْرَاهِيمَ از سَوَى فِرَاخَوَانِ غِیْبِیِ بِهْ بَهْتَرِینِ صُورَتِ، سلام بر تو اى پسر ابراهیم الْخَلِيلِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الذَّبِيحِ إِسْمَاعِيلِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ خَلِيلِ، سلام بر تو اى وَارِثِ اسْمَاعِیلِ ذَبِیحِ، سلام بر تو اى مَنْ أَهْلَكَ اللَّهُ بِدُعَائِهِ أَصْحَابَ الْفِيلِ، وَجَعَلَ كَيْدَهُمْ فِي اى آنکه به دَعَايِشِ اصْحَابِ فِیلِ به نَابُودِیِ رَسِیدِ، و تُوَطُّئِهِ شَانَ تَضْلِيلِ، وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ، تَزْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سَجْجِيلٍ، خَنْثِیِ گَرْدِیدِ، و بر سِرْآنَانِ پَرْنِدِهْ اَبَابِیلِ رَا فِرْسْتَادِ، و آنان را بَا سَنَگْکِ هَاىِ کُوچْکِیِ هَدَفِ قَرَارِ دَادِ، فَجَعَلَهُمْ كَعَصِيفٍ مَأْكُولٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَضَرَّعَ فِي وَهْمِهِ رَا چُونِ کَاهِ خُورْدِ شُدِهْ قَرَارِشَانِ دَادِ، سلام بر تو اى آنکه مَتَضَرَّعَانِهْ عَرَضِ حَاجَاتِهِ اِلَى اللَّهِ، وَتَوَسَّلَ فِي دُعَائِهِ بِنُورِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اى آنکه خَدَاوَنْدِ دَعَايِشِ اِجَابَتِ نَمُودِ،

ص: ۱۸۴

وَتُودِي فِي الْكَعْبَةِ، وَبُشِّرَ بِالْإِجَابَةِ فِي دُعَائِهِ، وَأَسْبَجَدَ اللَّهُ الْفِيلَ وَدَرَّ كَعْبَهُ مَوْرِدَ نَدَايِ غَيْبِي قَرَارِ كَرَفْتِ، وَ مَزْدَه اجابت دعا به او داده شد، و خداوند فیلِ اِکْرَامًا وَاِعْظَامًا لَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ اُنْبَعِ اللَّهُ لَهُ الْمَاءَ حَتَّى رَا بِهِ اِحْتِرَامًا او به زانو در آورد، سلام بر تو ای آنکه به امر خداوند برایش آب از زمین جوشید تا او شَرِبَ وَارْتَوَى فِي الْأَرْضِ الْقَفْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الذَّبِيحِ در سرزمین بی آب و علف سیراب گردید، سلام بر تو ای پسر و وَأَبَا الذَّبِيحِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَاقِي الْحَجِيجِ وَحَافِرَ زَمْزَمَ، پدر ذبیح، سلام بر تو ای ساقی حجاج و حفر کننده زمزم، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ جَعَلَ اللَّهُ مِنْ نَسَلِهِ سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ وَخَيْرَ سَلَامٍ بر تو ای آنکه خداوند در نسل او سرور پیامبران و بهترین اهل السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ طَافَ حَوْلَ آفَرِيدَه‌های آسمان و زمین را قرار داد، سلام بر تو ای آنکه بر گرد الْكَعْبَةِ وَجَعَلَهُ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ رَأَى فِي كَعْبِهِ طَوَافَ هَفْتَكَانه گزارد، سلام بر تو ای کسی که در خواب الْمَنَامِ سَلَسَلَهُ النُّورِ وَعَلِمَ أَنَّهُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَشْتَه نوری مشاهده و فهمید که او اهل بهشت می باشد، سلام بر تو ای شَيْبَةَ الْحَمْدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ وَأَجْدَادِكَ وَأَبْنَائِكَ شَيْبَةُ الْحَمْدِ، سلام بر تو و بر تمام پدر و اجداد و فرزندان، و

رحمت

ص: ۱۸۵

جَمِيعًا وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

و برکات الهی بر همه شما باد.»

زیارت حضرت ابوطالب عموی پیامبر صلی الله علیه و آله

و پدر بزرگوار امیرمؤمنان علیه السلام

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْبَطْحَاءِ وَابْنَ رَيْسِهَا، السَّلَامُ عَلَيْكَ «سلام بر تو ای بزرگ سرزمین بطحا و فرزند رئیس آن، سلام بر تو یا وارث الِکَعْبِيَّةِ بَعْدَ تَأْسِيسِهَا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَافِلَ الرَّسُولِ اِی وَارث سرپرستی کعبه پس از تجدید بنا، سلام بر تو ای سرپرست وَنَاصِرَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ الْمُصْطَفَى وَأَبَا الْمُرْتَضَى السَّلَامُ و یاور پیامبر، سلام بر تو ای عموی حضرت مصطفی و پدر علی مرتضی، سلام عَلَيْكَ يَا بَيْضَةَ الْبَلَدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الدَّابُّ عَنِ الدِّينِ، بر تو ای بزرگ شهر، سلام بر تو ای مدافع دین وَالْبَاذِلُ نَفْسَهُ فِي نُصَيْرَةِ سَيِّدِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى و یار جان‌نثار سرور پیامبران، سلام و رحمت و برکات الهی بر تو و بر وَلَدِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

فرزندت امیر مؤمنان باد.»

زیارت حضرت خدیجه، همسر گرامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ سَيِّدِ «سلام بر تو ای مادر مؤمنان، سلام بر تو ای همسر سرور الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ فَاطِمَةَ الزُّهْرَاءِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ فَرَسْتَادِ كَانِ، سلام بر تو ای مادر فاطمه زهرا سرور بانوان الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَوَّلَ الْمُؤْمِنَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ دُو جِهَانِ، سلام بر تو ای نخست بانوی مؤمن، سلام بر تو ای آنکه أَنْفَقَتْ مَالَهَا فِي نُصْرَةِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ، وَنَصِيْرَتُهُ مَا سَيَطَاعَتْ دَارَائِشِ رَا در راه پیروزی اسلام و یاری سرور انبیا هزینه کرد و دَشْمَانَانَ وَدَافَعَتْ عَنْهُ الْأَعْدَاءَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ سَلِمَ عَلَيْهَا جَبْرَيْئِلُ، رَا از او دور ساخت، سلام بر تو ای آنکه بر او جَبْرَيْئِلُ دَرُودَ فَرَسْتَادِ، وَبَلَّغَهَا السَّلَامَ مِنَ اللَّهِ الْجَلِيلِ، فَهَنِيئًا لَكَ بِمَا أَوْلَاكَ اللَّهُ مِنْ و سلام خدای بزرگ را به او ابلاغ کرد، این فضل الهی گوارایت باد فَضْلًا، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

و سلام و رحمت و برکاتش بر تو باد.»

زیارت حضرت قاسم فرزند رسول اکرم صلی الله علیه و آله

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَنَا يَا قَاسِمَ بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ «سلام بر تو ای سرور ما؛ ای قاسم پسر رسول خدا، سلام عَلَيْكَ يَا ابْنَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ بر تو ای پسر پیامبر خدا، سلام بر تو ای پسر حَبِيبِ خِدا، سلام عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْمُصْطَفَى السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى مَنْ حَوْلِكَ مِنْ بر تو ای پسر حضرت مصطفی، سلام بر مردان و زنان با ایمان مدفون در اطرافت، الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْكُمْ وَأَرْضَاكُمْ أَحْسَنَ خِداوند از شما خوشنود و شما را از خود به بهترین صورت الرِّضَا، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْرَلَكُمْ وَمَسْكَنَكُمْ وَمَأْوِيَكُمْ، السَّلَامُ خوشنود گرداند، و بهشت را منزل و مأوایتان قرار دهد، سلام و عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

رحمت و برکات خدا بر شما باد.»

۲. مزار شهدای فحّ: در این مکان که نزدیک مسجد تنعیم است حدود صد نفر از فرزندان حضرت زهرا علیها السلام به دستور خلیفه

عبّاسی «موسی‌الهادی» به شهادت رسیده، و به

ص: ۱۸۸

خاک سپرده شده‌اند با همان زیارت که امام زادگان زیارت می‌شوند، آنان زیارت می‌گردند:

مزار شهدای فح

«السَّلَامُ عَلَىٰ جَدِّكُمْ الْمُضِيظِي السَّلَامُ عَلَىٰ أَبِيكُمْ» سلام بر جدتان حضرت مصطفی، سلام بر پدرتان الْمُزْتَضِي الرِّضَا، السَّلَامُ عَلَىٰ السَّيِّدَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، علی مرتضی، راضی به قضای حق، سلام بر دو سرور؛ امام حسن و امام حسین، السَّلَامُ عَلَىٰ خَدِيجَةَ أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ أُمَّ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، سلام بر خدیجه مام مؤمنان و مادر سرور بانوان دو جهان، السَّلَامُ عَلَىٰ فَاطِمَةَ أُمِّ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَىٰ النَّفُوسِ سَلَامٌ بِرِ حَضْرَتِ فَاطِمَةَ مَادِرِ ائِمَّةِ اطهار، سلام بر انسان‌های الفاخِرَةُ، بِحُورِ الْعُلُومِ الزَّاحِرَةُ، شُفَعَائِي فِي الْآخِرَةِ، وَأَوْلِيَائِي ارزشمند، دریاها و گنجینه‌های دانش، شفیعانم در روز واپسین و اولیایم عِنْدَ عَوْدِ الرُّوحِ إِلَى الْعِظَامِ النَّخْرَةَ، أُنْمَةِ الْخَلْقِ وَوَلَاةِ الْخَلْقِ، به هنگام بازگشت روح به استخوان‌های فرسوده، امامان و والیان بر حق، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْأَشْخَاصُ الشَّرِيفَةُ الطَّاهِرَةُ الْكَرِيمَةُ، أَشْهَدُ سَلَامٌ بِرِ شَمَا اِي گرامی پاكان با شرافت، گواهی می‌دهم أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَمُصْطَفَاهُ، وَأَنَّ عَلِيًّا وَوَلِيَّهُ که معبودی جز خدای یکتا نیست و حضرت محمد بنده و برگزیده او است، و حضرت علی ولی

ص: ۱۸۹

وَمُجْتَبَاهُ، وَأَنَّ الْإِمَامَةَ فِي وُلْدِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، نَعَلَّمُ ذَلِكَ عِلْمًا وَ بَرَّكَزِيدَهٗ اَوِ مِی بَاشَدِ وَ اَمَامَتِ دَرِ مِیَانِ فَرَزَنْدَانِشِ تَا قِیَامَتِ مُسْتَقَرِّ اَسْتِ وَ مَا بَه طُورِ یَقِینِ الْیَقِینِ، وَنَحْنُ لِدَلِکَ مُعْتَقِدُونَ، وَفِی نَصْرِهِمْ مُجْتَهِدُونَ».

به این حقیقت آگاه و معتقد و در یاری آنها در تلاشیم.»

۳. حجر اسماعیل: در داخل مسجد الحرام کنار خانه کعبه حد فاصل رکن شمالی و رکن غربی، خانه حضرت اسماعیل بوده است که در آن قبر مبارک حضرت اسماعیل و مادرش هاجر و قبور جمع زیادی از پیامبران علیهم السلام قرار دارد. و از برخی روایات استفاده می شود که اطراف خانه کعبه قبور انبیای الهی فراوان است، که در این مکان زیارت می شوند. و مستحب است احرام حج تمتع در حجر اسماعیل زیر ناودان رحمت انجام گیرد، و آنجا مکان دعا و استغفار و طلب رحمت و حاجت می باشد.

زیارت حضرت اسماعیل و هاجر علیهما السلام

در حجر اسماعیل

«السَّلَامُ عَلٰی سَيِّدِنَا إِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ اللَّهِ ابْنِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ «سلام بر سرورمان اسماعیل ذبیح الله، پسر ابراهیم خلیل الله،

ص: ۱۹۱

سَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ، فَدَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ الذَّبْحَ بِخَوَاسْتِ خدَا مَرَا از صَابِرَانِ خَوَاصِي يَافَتِ، پَسِ خَدَاوَنَدِ ذَبْحِ رَا از او برداشت وَفَدَاهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَعَانَ أَبَاهُ عَلَى بِنَاءِ وَ ذَبْحِي بزرگ رَا فدای او کرد، سلام بر تو ای آنکه پدر خویش رَا در ساخت کعبه الْكَعْبَةِ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْيَرَى دَادِ، چنانچه خدای تعالی فرمود: «آنگاه که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، کعبه رَا بالا می‌بردند (می‌گفتند): «پروردگارا! از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی» السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ مَدَحَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ بِقَوْلِهِ: وَادْكُرْ سَلَامٌ بَرِ تَوَايِ آنکه خدای تعالی در کتابش چنین توصیف کرده: «و در این کتاب از فی الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا إِسْمَاعِيلَ يَادِ كُنْ كِهْ او در وعده‌هایش صادق و رسول و پیامبر بود، وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا، او همواره خانواده‌اش رَا به نماز و زکات دستور می‌داد و پیوسته مورد رضایت پروردگارش بود» السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ جَعَلَ اللَّهُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ مُحَمَّدًا سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ سَلَامٌ بَرِ تَوَايِ آنکه خداوند از نسل او حضرت محمد سرور رسولان وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى وَ خَاتَمِ پیامبران صلی الله علیه و آله رَا قرار داد سلام بر تو و بر

ص: ۱۹۲

أَيُّكَ إِبرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى أُخِيكَ اسدِ حَقِّ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ بِدِرْتِ اِبْرَاهِيمِ خَلِيلِ اللَّهِ وَ بِرِ اِبْرَادِرْتِ اسْحَاقِ بِيَامِبِرِ خِدا، سَلامَ عَلَیْكَ وَعَلَى جَمِيعِ اَنْبِیاءِ اللَّهِ الْمَدْفُونِینَ بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ بِرِ تَوِّ وَ بِرِ تَمَامِ بِیامِبِرانِ الهیِ کِهْ دَرِ اِینِ بَقْعَهْ مَبَارِکِ وَ بَزَرْگِ مَدْفونِند، الْمُعْظَمَهْ، السَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَى أُمَّكَ الطَّاهِرَهْ الصَّابِرَهْ هَاجِرَهْ سَلامَ وَ رَحْمَتِ وَ بَرَکاتِ خِدا بِرِ تَوِّ وَ بِرِ هَاجِرِ وَرَحْمَهْ اللَّهِ وَبَرَکاتُهْ، حَشَرْنَا اللَّهُ فِی زُمْرَتِکُمْ تَحْتَ لِوَاءِ مُحَمَّدٍ مَادِرِ پاکِ وَ شَکِیابِیتِ، خِداوندِ ما را دَرِ زَمْرَهْ شِما وَ زِیرِ پَرچَمِ بِیامِبِرِ وَ خاندانِشِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، وَلا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صَلواتِ اللَّهِ عَلَیْهِمْ مَحْشورِ سَازدِ وَ قَرارِ نَدَهْدِ (اِینِ را) آخِرینِ زیارتِ ازِ شِما، زیارتِکُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَهْ اللَّهِ وَبَرَکاتُهْ».

و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد.» پس دو رکعت نماز زیارت بخوان، و ثوابش را به آن حضرت اهدا کن.

زیارت سایر انبیای عظام علیهم السلام

در حجر اسماعیل

به نیت زیارت ارواح طیبه هریک از انبیای عظام الهی سلام الله علیهم اجمعین یا به نیت زیارت تمامی آنان

ص: ۱۹۳

می‌خوانی زیارتی را که مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی، و مرحوم شیخ طوسی در تهذیب، و ابن قولویه در کامل الزیارات آورده‌اند. این زیارت که اول آن «السَّلَامُ عَلٰی اَوْلِيَاءِ اللّٰهِ وَاَصْفِيَاءِهِ...» می‌باشد، و در فصل اول این کتاب به‌عنوان زیارت جامعه اول قرار داده شده، در زیارت همه مرقد‌های متبرکه جایز است، و پس از پایان آن بسیار بر محمّد و آل محمّد صلوات می‌فرستی، و برای خود و مؤمنین و مؤمنات به هر نحو که بخواهی دعا می‌کنی.

ص: ۱۹۵

بخش سوّم: اماکن متبرکه مکه مکّرمه

بخش سوّم: اماکن متبرکه مکه مکّرمه**حدود حرم:**

اطراف مکه معظمه، محدوده‌ای به عنوان حرم در نظر گرفته شده است، و حرم از هر جانب مکه عبارت از آن حدی است که نمی‌شود بدون احرام از آن حدّ گذشت، و خداوند متعال آن حدّ را محلّ امن برای انسان و حیوان و گیاهان قرار داده است. محدوده حرم از این قرار می‌باشد:

۱. از جانب شمال مسجد تنعیم است، که در راه مدینه و حدود شش کیلومتر تا مسجدالحرام فاصله دارد.
۲. از جانب جنوب محلّ اضائۀ لیلین است، که سر راه یمن و فاصله آن تا مسجدالحرام حدود دوازده کیلومتر می‌باشد.
۳. از جانب شرق جعرانه است که سر راه طائف قرار گرفته، و رسول اکرم صلی الله علیه و آله از این حدّ برای عمره مُحرم شدند.
- ۴- از جانب غرب منطقه حُدَیبِیّه (شُمَیسی) می‌باشد، که

ص: ۱۹۶

در کنار راه سابق جده، و محل بیعت رضوان است.

حرم در فقه دارای احکامی است که حجّاج و واردین به این سرزمین باید بدان توجه نمایند، و در کتب فقهیه و مناسک ذکر شده است.

برخی از مساجد شهر مکه:

در شهر مکه علاوه بر مسجد الحرام مساجد تاریخی زیادی وجود دارد، که از آن جمله است:

۱. مسجد جنّ، که نزدیک بازار معروف به ابوسفیان است، و محلّ نزول سوره مبارکه جنّ بر پیامبر عظیم الشان می باشد، و سزاوار است در آن دو رکعت نماز تحیت خوانده شود.
۲. مسجد الزّایه، که بعد از فتح مکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله دستور دادند آنجا پرچم پیروزی را به پا داشتند، و به این مناسبت آنجا مسجدی ساخته‌اند به نام مسجد الزّایه.

مسجد الحرام و خصوصیات کعبه

مسجد الحرام مسجدی است بسیار با عظمت که در فضیلت و شرافت بی نظیر می باشد، یک نماز در آن برابری

ص: ۱۹۷

می‌کند با صد هزار نماز در مساجد دیگر، پس بایستی وقت را غنیمت شمرده و از فضیلت‌های معنوی مسجدالحرام حدّا کثر بهره را بُرد.

کعبه در وسط مسجد الحرام قرار دارد با بنایی ساده و مکعب شکل، به ارتفاع حدود ۱۵ متر.

و چون کعبه را می‌بینی بگو:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَشَرَّفَكَ وَجَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ» «حمد خدایی را که ترا بزرگ و با شرافت و محل آمد و شد مردم و جای امن و اماناً مبارکاً و هدیّی للعالمین».

و مبارک و عامل هدایت جهانیان قرار داد.»

ارکان کعبه

رکن شرقی: که حجر الأسود در آن منصوب است.

رکن عراقی یا شمالی، بعد از در کعبه قرار دارد.

رکن غربی: در طواف از حجر اسماعیل که می‌گذری به آن می‌رسی.

رکن جنوبی: که به نام رکن یمانی معروف است، بعد از رکن غربی و محاذی رکن شرقی است، امام صادق علیه السلام فرمود:

ص: ۱۹۸

رکن یمانی در ورود ما به بهشت می‌باشد. (۱)

حَجْرُ الْأَسْوَدِ: سنگ سیاه رنگ بیضی شکلی است که در رکن شرقی کعبه قرار دارد، و به دست حضرت ابراهیم علیه السلام نصب گردیده است. ارتفاع آن از سطح زمین یک متر و نیم می‌باشد.

مُلْتَرَمٌ: نزدیک رکن یمانی مقابل در کعبه می‌باشد و آنجا جای دعا و استغفار است. و مستحب است انسان خود را به آنجا چسبانده، و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، وَالْعَبِيدُ عِبِيدُكَ، وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنْ «خداوندا! خانه خانه توست، و بنده بنده توست، و این جایگاه پناهنده به تو از عذاب النَّارِ...».

دوزخ است.»

واز خدا طلب آمرزش نماید.

مُسْتَجَارٌ: همان ملترم است و آن مکانی است که گناهکاران بدان جا پناه می‌برند.

ناودان رحمت: بالای کعبه در طرف حجر اسماعیل قرار

۱- مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۷۸، رکن یمانی در ورود ما به بهشت می‌باشد.

ص: ۱۹۹

گرفته، و آنجا محلّ نزول رحمت و جای تضرّع و استغفار است.

حطیم: محلی است که بین درب کعبه و حجر الأسود قرار دارد، و حطیم نامیده‌اند چون در این جا مردم تلاش می‌کنند تا استلام حجر نموده و بیکدیگر فشار می‌آورند.

و برخی گفته‌اند حطیم نام دیوار منحنی نیم دایره‌ای است که حجر اسماعیل را محصور نموده، و ما بین دو زاویه شمالی و غربی خانه کعبه به ارتفاع ۱/۳۱ متر و عرض ۱/۵۲ متر از بالا- و ۱/۴۴ متر از پایین قرار دارد، و فاصله نهایی دیوار حجر اسماعیل (حطیم) تا دیوار خانه از قسمت وسط حدود ده متر است.

حجر اسماعیل:

بنایی است به شکل نیم دایره با دیواری به ارتفاع یک متر و ۳۰ سانتیمتر که در جانب شمالی کعبه قرار دارد، و قبر حضرت اسمعیل و هاجر، مادر آن حضرت در آن جا می‌باشد، و بنابر بعض روایات قبور جمعی از انبیا علیهم السلام هم در آن جا است.

مقام ابراهیم:

محلی است در نزدیک کعبه، به فاصله حدود ۱۳ متر، دارای گنبدی کوچک که با شیشه احاطه شده، و در آن سنگی قرار دارد، که گفته می‌شود حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام بر آن ایستاده، و مردم را به حج خدا دعوت کرده است، و اثر پاهای مبارکش در آن پیدا می‌باشد، حجاج محترم نماز طواف خود را پشت این مقام بجای می‌آورند.

زمزم:

نام چاه آبی است که خداوند به لطف خود در زیر پای حضرت اسماعیل جاری ساخت، و در طول تاریخ و پیش آمد حوادث، بارها مرمت و لایروبی گردیده، و فعلاً آب آن نیز مورد استفاده حجاج بیت الله الحرام قرار می‌گیرد، و آب آن مورد توجه خاص نبی اکرم صلی الله علیه و آله بوده است، و در طول تاریخ اسلام مؤمنین بدان تبرک می‌جسته‌اند. آب زمزم، مبارک و موجب شفاست. رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه آب زمزم را درخواست می‌فرمودند. و در روایت وارد شده: وقتی از آب زمزم

ص: ۲۰۱

نوشیدی، بگو:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ».

«خداوندا! این را سبب دانشی سودمند و روزی واسع و شفای از هر درد و بیماری قرار ده.»

نوشیدن آب زمزم بعد از نماز طواف مستحب است.

صفا و مروه:

صفا در سمت جنوب شرقی و مروه در سمت شمال شرقی کعبه قرار دارند.

منظره صفا و مروه بسیار زیبا و باشکوه می‌باشد، و مستحب است مردها قریب هفتاد متر از سعی را به طور «هَرُؤَلَه» حرکت کنند، که حدود آن با رنگ و چراغ سبز مشخص گردیده است.

شعب ابی طالب

شعب ابی طالب در شمال شرقی مسجدالحرام و در نزدیکی صفا و مروه واقع شده، و محلّ ولادت رسول خدا صلی الله علیه و آله و فاطمه زهرا علیها السلام است. خاندان بنی هاشم و عبدالمطلب در همین مکان زندگی می‌کرده‌اند و پس از بعثت توسط مشرکان حدود سه سال محاصره اقتصادی شدند. طبق نقل مورّخین

ص: ۲۰۲

عده‌ای از سران قریش در دارالندوه گرد آمدند و عهدنامه‌ای تنظیم و پیمان بستند که نسبت به فرزندان عبدالمطلب سختگیری و آنها را تحریم اقتصادی و تحت اذیت و آزار قرار دهند، سرانجام بعد از گذشت سه سال از این پیمان پنج نفر از مشرکین پشیمان شده و عهدنامه را پاره کردند.

محلّ ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

در نزدیکی صفا و مروه می‌دانی است که در آنجا کتابخانه‌ای به نام «مکتبه مکه المکرمه» واقع شده، در این بقعه نور عالم تاب نبی اکرم صلی الله علیه و آله بر جهانیان تابید، و در همین محل مدّتی در کنار مادرش آمنه زندگی نمود. حجاج محترم این دعا را در این مکان مقدّس می‌خوانند:

«اللَّهُمَّ بِجَاهِ نَبِيِّكَ الْمُضِيِّ طَفِي وَرَسُولِكَ الْمُؤْتَضِي وَأَمِينِكَ «خداوندا! به جایگاه پیامبر برگزیده‌ات و رسول مورد رضایتت که امین علی وحي السماء، طَهُرْ قُلُوبَنَا مِنْ كُلِّ وَضْفٍ يُبَاعِدُنَا عَنْ وَحْيِ آسْمَانِي تَوَاسْتِ، دل‌های ما را از آنچه ما را از تو و محبت دور و مهجور مُشَاهَدَتِكَ وَمَحَبَّتِكَ، وَأَمْتَنَا عَلَى مُوَالَاةِ أَوْلِيَائِكَ، می‌سازد پاک ساز، و ما را بر دوستی اولیایت

ص: ۲۰۳

وَمُعَادَاهِ أَعْدَائِكَ، وَالشُّوقِ إِلَى لِقَائِكَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَدُشْمَنِي أَعْدَايْتِ، وَبِهِ شَوْقٌ دِيدَارْتِ، أَي ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أُوَدِّعْتُ فِي هَذَا الْمَحَلِّ الشَّرِيفِ وَالْإِكْرَامِ بِمِيرَانِ، خِدَاوَنَدَا! مَنْ بَعْدِي وَدِيعَهُ سِپَرْدَمِ دَرِ ائِن جَايِ شَرِيفِ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ خَالِصًا مُخْلِصًا، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».

نیست و حضرت محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده او می باشد.»

غار حرا

جبل النور، اسم کوهی است در داخل شهر مکه، و در آن غاری می باشد به نام غارِ حِرا که رسول اکرم صلی الله علیه و آله قبل از بعثت در آن به تفکر و عبادت خداوند می پرداخت، و در هر فرصتی به سوی آن می شتافت، تا اینکه در ۲۷ رجب، جبرئیل بر آن حضرت نازل شد، و با آوردن آیات سوره علق اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ آن حضرت به نبوت مبعوث شد. مناسب است اگر موقِّق به دیدن غار حرا

ص: ۲۰۴

شدی، با خواندن دو رکعت نماز و خواندن زیارت آن حضرت از راه دور یاد زحمات طاقت‌فرسای رسول اکرم صلی الله علیه و آله را گرامی داری.

کوه ثور

کوهی است که در پایین شهر مکه، تقریباً در دو فرسخی مسجدالحرام واقع شده، در آن کوه غاری است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در وقت مهاجرت به جانب مدینه در آن پنهان شدند، و این کوه را جبل الثور نامیده‌اند، از آن جهت که ثور بن عبد مناف زمانی در آن نزول کرده است.

مرحوم شیخ انصاری رحمه الله در مناسک این دعا را برای کوه ثور نقل کرده، که به قصد رجاء می‌خوانی:

«اللَّهُمَّ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَأَمِينِهِ وَصِدِّيقِهِ يَسِّرْ أُمُورَنَا، وَأَسْرِّحْ «خداوندا! به جایگاه پیامبرت حضرت مصطفی و رسولت حضرت مرتضی و امینت کارهای ما را آسان گردان صِدُّورَنَا، وَتَوَزِّرْ قُلُوبَنَا، وَاخْتِمِ بِالْخَيْرِ أُمُورَنَا، اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ و سینه‌های ما را گشاده و قلوب ما را نورانی و امور ما را ختم به نی ۹ کی فرما خدایا تو از سری وَعَلَانِيَتِي فَأَقْبَلْ مَعْدِرَتِي، وَتَعْلَمُ حَاجَتِي وَتَعْلَمُ مَا فِي

ص: ۲۰۵

نهان و آشکار من آگاهی داری، عذر من را بپذیر و از نیاز من با خبری و نسبت به نَفْسِی فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ إِنِّي مِنْ آغَاہِي، گناہانم بیامرز که جز تو کسی نخواهد آمرزید خدایا من أُوَدِّعْتُ فِي هَذَا الْمَحَلِّ الشَّرِيفِ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ايمانم را در این مکان شریف خالصانه و مخلصانه و در این روز تا روز قیامت به ودیعه خالصاً مُخْلِصاً، أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ می‌گذارم و گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست و محمد بنده وَرَسُولُهُ». و فرستاده اوست.»

عَرَفَات

سرزمین عرفات بیابان وسیع و همواری است که در شمال مکه در مسافت حدود ۲۱ کیلومتری واقع شده است، و از حد حرم خارج است.

عرفات سرزمینی است که آدم و حوا علیهما السلام بعد از جدایی طولانی، در این سرزمین به یکدیگر رسیدند، و نسبت به هم آشنا و عارف گردیدند.

عرفات سرزمینی است که آدم در این سرزمین اعتراف به

ص: ۲۰۶

گناه خویش کرده است.

عرفات سرزمینی است که دعا در آن مستجاب است، کوه عرفات را «جبل الزحمة» می‌گویند، و امام حسین علیه السلام دعای معروف عرفه را در کنار همین کوه خواندند. وقوف در عرفات از ارکان حج می‌باشد، و مستحبات و دعاهاى مربوط به آن قبلاً گذشت.

مُزْدَلَفَه (مَشْعَرِالْحَرَامِ)

از انتهای مَازَمِین در سمت عرفات تا وادی مُحَسَّر در سمت مِنی مُزْدَلَفَه یا مَشْعَرِالْحَرَام نامیده شده است، در سال‌های اخیر حدود مشعرالحرام علامت گذاری شده. وقوف به مشعر در شب دهم ذی حجه بین الطلوعین از ارکان حج می‌باشد، مستحبات و ادعیه مربوط به مشعر قبلاً بیان شد.

مِنا

منا، سرزمینی است میان وادی مُحَسَّر و جمره عقبه که جزو حرم می‌باشد، و در فاصله کمی در جانب شرقی بین مکه و مشعرالحرام قرار دارد. از جمره عقبه که حدّ نهایی مکه است تا وادی محسّر در طرف مُزْدَلَفَه، منا است، و طول آن

ص: ۲۰۷

حدود «۳۶۰۰ متر» می‌باشد.

یکی از جهاتی که این جا را منا گفته‌اند آن است که جبرئیل امین در این حصار به حضرت ابراهیم گفت از خدا تمنا و درخواست کن.

مسجد خَیْف:

از مساجد بسیار با عظمت است و در منا قرار دارد.

رمی جمرات، قربانی، حلق یا تقصیر و بیتوته شب یازدهم و دوازدهم، و در بعض موارد شب سیزدهم ذی‌حجه از اعمالی است که باید در منا انجام شود. اعمال مستحبّ منا و مسجد خَیْف قبلاً گذشت.

بخش چهارم: اماکن مقدسه بین راه مکه و مدینه

اماکن مقدسه بین راه مکه و مدینه

پایان بخش این قسمت یادی از اماکن و مشاهد مقدسه‌ای است که در مسیر راه مکه و مدینه وجود دارد، مانند: قبر عبدالله بن عباس در وادی طائف، قبر میمونه همسر رسول اکرم صلی الله علیه و آله در سرف واقع در دو فرسخی مکه، قبر حوّا در جدّه، و آمنه در ابواء، مسجد غدیر خم در نزدیکی جحفه با فاصله سه میل یا دو میل از جحفه، و قبور شهدا بدر در بدر، و مدفن عبدالله بن الحارث بن عبدالمطلب که در مراجعه از جنگ بدر در اثر زخم‌های زیادی شهید شد، و در «روحاء» ۱۷ کیلومتری مدینه به خاک سپرده شد.

مناسب است در خاتمه کتاب درباره برخی از آنها بطور خلاصه مطالبی را یادآور شویم:

مسجد غدیر خم:

غدیر خم در سه میلی جحفه و به روایت دیگر در دو میلی آن واقع شده است. مرحوم شیخ صدوق در «فقیه» از امام صادق علیه السلام روایت کرده که نماز در مسجد غدیر خم مستحب است.

ابواء

ابواء، نام قریه‌ای است در سیزده میلی میقات جحفه، که مادر رسول خدا جناب آمنه بنت وهب پس از زیارت قبر همسرش عبدالله در مدینه، و مراجعت به سوی مکه در آن قریه مریض شد و از دنیا رفت، و در آن محل به خاک سپرده شد.

زیارت آمنه بنت وهب مادر گرامی حضرت رسول صلی الله علیه و آله

«السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الطَّاهِرَةُ الْمُطَهَّرَةُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ «سلام بر تو ای بانوی پاک و پاکیزه، سلام بر تو ای خَصَّهَا اللَّهُ بِأَعْلَى الشَّرَفِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ سَطَعَ مِنْ جَبِينِهَا آنکه خدایش به برترین شرافت اختصاص داد، سلام بر تو ای آنکه از پیشانیش

ص: ۲۱۰

نُورٌ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ، فَأَضَاءَتْ بِهِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ نُورٌ سرور رسولان درخشید و زمین و آسمان را روشن ساخت، سلام بر تو یا مَنْ نَزَلَتْ لِأَجْلِهَا الْمَلَائِكَةُ، وَضُرِبَتْ لَهَا حُجُبُ الْجَنَّةِ، ای آنکه به خاطرش فرشتگان نازل شدند و سرا پرده بهشتی برایش زده شد، السَّلَامُ عَلَيْكَ یا مَنْ نَزَلَتْ لِخِدْمَتِهَا الْحُورُ الْعِينُ، وَسَيَقَمِّيْنَهَا مِنْ سَلَامٍ بر تو که حور العین برای خدمتش فرود آمد و او را از شرابِ الْجَنَّةِ، وَبَشَّرْنَاهَا بِوَلَادَةِ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ یا أُمَّ آشَامِدِنِي بهشت نوشانید و به تولد برترین پیامبران نویدش داد، سلام بر تو ای مادر رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ یا أُمَّ حَبِيبِ اللَّهِ، فَهَنِيئًا لَكَ بِمَا آتَاكَ رَسُولُ خِدا، سلام بر تو ای مادر حبیب خدا، گوارا باد تو را بر آن چیزی که اللَّهُ مِنْ فَضْلٍ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ خِدا از فضل و کرم به تو عطا فرمود. سلام بر تو و بر پیامبر خدا، درود خدا براو و آلِهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

و بر آتش و رحمت و برکات خدا بر شما باد.»

بدر

در رمضان سال دوم هجری، جنگ بدر کبری در آنجا به وقوع پیوست که در جریان آن چهارده تن از اصحاب

ص: ۲۱۱

آن حضرت به شهادت رسیدند، در زیارت آن شهدا می‌گویی:

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى «سَلامِ بَرِ رَسولِ خِدا، سَلامِ بَرِ پِيامِبرِ خِدا، سَلامِ بَرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، سَلامِ بَرِ اهلِ بَیتِ پاکِش، سَلامِ عَلَیْکُمْ أَیُّهَا الشُّهَدَاءُ الْمُؤْمِنُونَ، السَّلَامُ عَلَیْکُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ بَرِ شِما اِی شِهادِی با اِیمان، سَلامِ بَرِ شِما اِی خاندانِ اِیمانِ وَالتَّوْحِيدِ، السَّلَامُ عَلَیْکُمْ يَا أَنْصارَ دِینِ اللَّهِ وَأَنْصارَ اِیمانِ وَ توحیدِ، سَلامِ بَرِ شِما اِی یاورانِ دینِ خِدا، وَ یارانِ رَسولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، سَلامُ عَلَیْکُمْ بِما صَبَرْتُمْ رَسولِ او صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ شِما کِ شکیباییِ وَرِزیدیدِ فِی عَقَبِی الدَّارِ، أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ قَدِ اخْتَارَکُمْ لِدِینِهِ وَاصْطَفَاکُمْ وَ نیکو سَرایِ اِستِ سَرایِ آخِرِ گواهِیِ دَهمِ کِ خِداوندِ شِما را بَرایِ دینِشِ بَرِ گزیدِ لِرَسولِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّکُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ، وَنَصَرْتُمْ وَ بَرایِ پِيامِبرِشِ اِنتخابِ کِردِ وَ گواهِیِ دَهمِ کِ شِما حَقَّ جِهادِ درِ راهِ او را گِزاردیدِ وَ یاریِ لِدِینِ اللَّهِ وَسِیْنَهُ رَسولِهِ، وَجُدْتُمْ بِأَنْفُسِکُمْ دُونَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّکُمْ دینِ خِدا وَ پِيامِبرِ او کِردیدِ وَ درِ برابرِ او جانفشانیِ نمودیدِ وَ گواهِیِ دَهمِ

ص: ۲۱۳

بخش پنجم: ربذه

بخش پنجم:**ربذه**

«ربذه» در فاصله حدود ۲۰۰ کیلومتری شمال شرقی مدینه در کوه‌های حجاز غربی، بر خط طولی ۴۱-۱۸ و خط عرضی ۲۴-۴۰ قرار دارد. نزدیک ترین راه برای رسیدن به آن، از راه قصیم به مدینه است که حدود ۷۰ کیلومتر از مدینه فاصله دارد. (۱) جناب ابوذر غفاری و جمعی از صحابه در آنجا مدفون می‌باشند. و مستحب است ابوذر را به این عبارات زیارت کنید:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا ذَرٍّ الْغِفَارِيُّ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا صَاحِبَ «سَلَامٍ بِرِ تَوَايِ ابُوذَرَ غَفَارِي، سَلَامٍ بِرِ تَوَايِ يَارَ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَرَحْمَةً اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ، رَسُوْلُ خَدَا دَرُوْدٍ وَ سَلَامٍ وَ رَحْمَتٍ وَ بَرَكَاتٍ خَدَا بِرِ رَسُوْلِ خَدَا بَادِ السَّلَامِ عَلَیْكَ يَا مَنْ قَالَ فِي حَقِّهِ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ سَلَامٍ بِرِ تَوَايِ اَنْكَه پيامبر خدا صلی الله علیه و آله در بارهات فرمود:

۱- میقات حج، ش ۴۸، ربذ کجاست؟ سید علی قاضی عسکر.

ص: ۲۱۴

وَأَلِيهِ: مَا أَقَلَّتِ الْعُجْرَاءُ وَلَا أَظَلَّتِ الْخَضِرَاءُ عَلَى ذِي لَهَجٍ «زمین حمل نکرده و آسمان سایه نگسترانیده بر گوینده‌ای اُصْدَقَ مِنْ أَبِي ذَرٍّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَطَقَ بِالْحَقِّ، وَلَمْ يَخْفَ رَاسِتْكَوْتَرِ از ابی ذر»، سلام بر تو ای که سخن حق گفتی و در راه خدا فی اللّٰه لَوْمَةٌ لَائِمٌ، وَلَا ظُلْمَ ظَالِمٍ، أَتَيْتُكَ زَائِرًا شَاكِرًا لِئَلَّا تَكُونَ فِي از سرزنش سرزنشگری و نه از ستم ستمگری بیمی به خود راه ندادی، به زیارت آمده‌ام در حالی که برای آنچه در راه اسلام دیدی الْإِسْلَامَ، فَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي خَصَّكَ بِصِدْقِ الْوَعْدِ وَالْخُسُونَةِ شَكَرًا كَرَامًا و از خدایی که ترا به راستگویی فی ذاتِ اللَّهِ وَمُتَابِعِيهِ الْخَيْرِينَ الْفَاضِلِينَ أَنْ يُحْيِيَنِي حَيَاتِكَ، نَسْتَوْهِي و پیروی از نیکوکاران برتر اختصاص داد می‌خواهم که مرا زندگی وِيمِيَتِي مِمَّا تَكُنَّ، وَيَحْشُرُنِي مَحْشَرَكَ، عَلَى إِنْكَارِ مَا أَنْكَرْتَ، و مرگی چون تو ببخشد، چون تو محشورم سازد. بر انکار آنچه انکار کردی وَمُنَايِدَةً مَنْ نَايَدْتَ، جَمَعَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ وَبَيْنَ رَسُولِهِ وَآلِهِ و مخالفت آنکه با او مخالفت کردی، خداوند بین ما و شما و رسولش و اهلبیت او صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ فِي مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ - که درود خداوند بر او باد - جمع کند در جایگاه رحمتش و درود و وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

رحمت و برکات خداوند بر او باد.»

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱
 ۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی
 همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش
 از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند
 آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

